

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ————— ❁

نقش و رسالت زن

۵

عرصه‌های

حضور اجتماعی زن

برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)
رهبر معظم انقلاب اسلامی

مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی



دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)

مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی



دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی‌ خاتمی‌ خراسانی (مدظله‌ العالی)

نقش و رسالت زن

۵
عرصه‌های

حضور اجتماعی زن

برگرفته از بیانات حضرت آیت‌الله العظمی‌ خاتمی‌ خراسانی (مدظله‌ العالی)
رهبر معظم انقلاب اسلامی

به کوشش: امیرحسین بانکی‌پور فرد

ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی

(وابسته به مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)

نسخه الکترونیکی

هرگونه بهره‌برداری بصورت چاپ و تکثیر ممنوع می‌باشد.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۵۱-۸۰-۲

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان دانشگاه جنوبی، کوچه‌ی عطارد، شماره‌ی ۷

تلفن: ۶۶۹۷۷۲۶۸ - ۶۶۴۱۰۶۴۹ -- تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۹۵۵۹۳۷۳۲ - ۶۶۴۸۳۹۷۵

پست الکترونیکی: Info@Book-khamenei.ir - سامانه پیامکی: ۱۲۰ ۲۰ ۱۰۰۰ - <http://Book-Khamenei.ir>

پیشگفتار

برقراری نظام جمهوری اسلامی به تعبیررسای بنیانگذار آن، حضرت امام خمینی(ره)، از نعمتهای بزرگ الهی بر مردم این سرزمین و تمامی مستضعفین جهان بوده است. مروری بر تاریخ پرافتخار این نهضت و شکل‌گیری نظام مقدّس جمهوری اسلامی به روشنی نقش و تأثیر اصل مترقی ولایت فقیه و رهبری حکیمانه‌ی حضرت امام(ره) و پس از آن حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی، را در هدایت انقلاب در کوران حوادث گوناگون روزگار نشان میدهد. مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی که وظیفه‌ی حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری را برعهده دارد، در اجرای همین وظیفه اقدام به انتشار کتابهای موضوعی به منظور نشر بیانات، دیدگاهها و رهنمودهای معظمّله در مقاطع، مناسبتها و موضوعات مختلف می‌نماید.

کتاب حاضر حاوی گزیده‌ای از بیانات معظمّله با موضوع «عرصه‌ی حضور اجتماعی زن» است که مطالب آن در سه محور «جایگاه اجتماعی زن»، «تعلیم و تربیت زنان» و «نقش زن در انقلاب اسلامی» گردآوری و تنظیم شده است. این اثر جلد پنجم از مجموعه‌ی پنج جلدی باعنوان «نقش و رسالت زن» درباره‌ی مسائل و مباحث مرتبط با موضوع «زن» در بیانات رهبر معظمّله انقلاب اسلامی است که برای استفاده‌ی محققان و عموم علاقمندان به دیدگاههای معظمّله منتشر می‌شود.

و من الله التوفیق



فهرست مطالب

فصل اول: جایگاه اجتماعی زنان	۲۷
۱-۱- جایگاه اجتماعی زن در نظام اسلامی	۲۹
ضرورت تبیین جایگاه شایسته‌ی زن در نظام‌های اجتماعی	۲۹
ضرورت آگاهی از نظر اسلام در مورد فعالیت‌های اجتماعی زنان	۲۹
بیعت؛ حضور زن در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی	۳۰
جایگاه زن در مردم‌سالاری دینی	۳۰
افتخار به حضور اجتماعی زن مسلمان	۳۱
اسلام و تشویق زنان به شرکت در فعالیت‌های دینی، سیاسی و علمی	۳۲
مسئولیت زنان در اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی	۳۲
انگیزه‌ی اسلامی، عامل روند روبه افزایش حضور اجتماعی زنان	۳۲
پیروی ملت‌ها از اسلام در مورد نقش زن در جامعه	۳۲
نقش برجسته‌ی زنان در جامعه‌ی اسلامی در همه‌ی زمینه‌ها	۳۳
نقش ویژه‌ی زن در مجموعه‌ی حیات اجتماعی	۳۳
حضور زن در همه‌ی صحنه‌های اجتماعی	۳۴
نیاز جبهه‌ی انقلاب به زنان کارآمد، فعال، زبان‌آور و عالم	۳۴
تقبیح منع زنان از فعالیت‌های اجتماعی، حتی جهاد	۳۵
احساس شخصیت اجتماعی در زنان به برکت انقلاب	۳۵
سهیم بودن واقعی زن در امور جامعه؛ بزرگترین ستایش زن ایرانی	۳۶
بالا بردن ارزش زن در جامعه با آموزش و فعالیت‌های اجتماعی	۳۸
زن مسلمان و قرار گرفتن در سطوح عالی زندگی اجتماعی	۳۸





- ۳۸..... راهی دراز تا نشستن در جایگاه حقیقی
- ۳۹..... زن ایرانی؛ برترین زنان دنیا
- ۳۹..... حقّ فعالیت‌های اجتماعی سیاسی و علمی برای زن مسلمان
- ۴۰..... حضور قدرتمندانه‌ی زنان در کنفرانس‌های گوناگون علمی و سیاسی
- ۴۰..... مسؤولیت زن در فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی
- ۴۱..... جهش زن در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی
- ۴۱..... اوج عظمت و آزادی زن
- ۴۲..... زن و دانش؛ از ارکان بنای جامعه‌ی سالم و پیشرفته‌ی اسلامی
- ۴۲..... نقش اساسی زنان در بازسازی کشور
- ۴۳..... تأثیر تعیین‌کننده و سازنده‌ی زنان در جامعه
- ۴۴..... حضور زن در صحنه؛ یعنی حضور خانواده در صحنه
- ۴۴..... صلاح زنان منتهی به صلاح مردان
- ۴۵..... نقش زن در امور فرهنگی و آموزشی
- ۴۵..... فعالیت اجتماعی زنان؛ در حکم حفظ پشت جبهه
- ۴۶..... مسؤولیت‌های مشترک و اختصاصی
- ۴۷..... محدودیت نداشتن اسلام در زمینه‌ی تلاش و کار و وظیفه‌ی خانمها
- ۴۸..... حرکت زن در جهت ارزشهای واقعی در جامعه‌ی اسلامی
- ۴۸..... ۲-۱ شرایط حضور اجتماعی زنان
- ۴۸..... باز بودن میدانهای مختلف با حفظ خصوصیات زنانه
- ۴۸..... به میدان آمدن زنان مؤمن؛ مقابله با تهاجمات دشمن
- ۴۹..... نقش اجتماعی ویژه‌ی زن متناسب با ترکیب جسمانی و روانی
- ۴۹..... ضرورت حضور اجتماعی همراه با ایفای نقش مادری و همسری
- ۴۹..... نقش‌آفرینی زن در خانواده توأم با اجتماع
- ۵۰..... مسؤولیت اجتماعی زنان همراه با تقدّم مسؤولیت خانوادگی
- ۵۱..... فعالیت اجتماعی با حفظ جنبه‌ی خانه‌داری و حفظ بنیان خانواده
- ۵۱..... حضور مؤثر زن در خانه و خانواده؛ شرط کار بیرون از خانه
- ۵۲..... شرایط جهاد برای خانمها
- ۵۲..... ۳-۱ اشتغال زنان
- ۵۲..... شرایط اشتغال زنان در اسلام
- ۵۳..... استخدام خانمها در ادارات دولتی

همخوانی کار زن با خلقت ، عواطف، ویژگیهای ذاتی او.....	۵۳
عدم اجبار اسلام بر تحمیل کار سنگین به زن	۵۴
درگیرکردن زن وشوهر برای کسب معاش؛ نقشه‌ی سرمایه‌داران برای ثروت بیشتر ...	۵۵
عدم خضوع زن در برابر مردان در محیط کار.....	۵۵
لطمه نخوردن پیوند زن و شوهر؛ شرط اشتغال بیرون و داخل منزل بانوان	۵۶
اشتغالات اقتصادی، سیاسی و خیرخواهانه‌ی زنان، مشروط به حفظ خانواده و حریم محرم و نامحرم	۵۶
مشکل زن، نداشتن تکیه‌گاه مطمئن عاطفی و روحی است نه شغل	۵۷
ارزش کار زنان خانه‌دار	۵۸
اهمیت پرستاری و تعادل آن بین زن و مرد.....	۵۸
ترکیب عطوفت و مهارت در ایفای نقش پرستاری.....	۵۸
شغل مقدس پرستاری؛ هموزن طبابت.....	۵۹
پرستاری؛ طبیعی‌ترین اشتغال زنان	۵۹
هنر پرستاری	۶۰
پرستاری زنان؛ محدودیتها، ضرورتها.....	۶۰
شغل پرستاری؛ صدقه‌ی جاریه‌ی خانمها.....	۶۰
امکان حضور زنان در جهاد تدافعی	۶۱
حدود حضور زن در سینما.....	۶۲
۴-۱- مناصب عالیّه‌ی زنان	۶۲
پرورش زنان بزرگ در دامن نظام اسلامی	۶۲
احراز مقامات عالیّه با وجود مراجعین مرد.....	۶۲
پذیرش اجتماعی قرار گرفتن زنان در مناصب اجتماعی.....	۶۳
حضور زنان درمسؤولیتهای کلیدی باتوجه به عرف و باور جامعه	۶۴
ضرورت بیشتر شدن نمایندگان زن در مجلس.....	۶۴
کیفیت حضور زنان در مجلس.....	۶۵
نقش نمایندگان زن در مجلس.....	۶۵
رسالت خانمها در مجلس.....	۶۶
وجهه پیدا کردن خانمها.....	۶۷
حضور خانمها در مجلس و سازمان ملل	۶۷
تأثیرگذار نبودن منصب عالیّه گرفتن زنان در حلّ مشکلات آنها.....	۶۸





- دفاع از حقوق زن با خانمهای کارآمد، نه حتماً وزیر..... ۶۹
- فصل دوم: تعلیم و تربیت زنان**..... ۷۱
- ۱-۲- ضرورت رشد علمی و فکری زنان ۷۳
- محرومیت از تعلیم و تربیت؛ نتیجه‌ی تحقیر زنان در نظامهای گذشته ۷۳
- محرومیت زنان از تعلیم اسلامی بخاطر سنتهای غلط ۷۴
- رفع کم بهره‌گی زنان از معارف و معلومات..... ۷۴
- شکوفایی استعدادهای زنان با گسترش فرهنگ اصیل اسلامی..... ۷۴
- پیشتازی در میدان علم و فرهنگ..... ۷۵
- هدف اصلی تحصیل بانوان؛ بالا بردن رشد فکری..... ۷۵
- رشد علمی و فرهنگی زنان..... ۷۵
- تأثیر علم، معرفت و کمالات معنوی و اخلاقی زن در تربیت فرزند و پیشرفت جامعه... ۷۶
- نقش برجسته‌ی تربیت الهی زن در صلاح جامعه..... ۷۶
- زن؛ کلید خوب شدن مرد..... ۷۷
- تاریخ آینده، وابسته به صلاح و فساد زنان ۷۷
- یکسان بودن وظیفه‌ی زنان و مردان در تحصیل علم ۷۸
- زنان دوشادوش مردان با حفظ حدود به دنبال فراگیری و عمل ۷۸
- لزوم عمق بخشی به سطح سواد و تحلیل‌های سیاسی زنان ۷۹
- ۲-۲- راهبردهای تعلیم و تربیت زنان ۸۰
- فضای سالم برای رشد استعدادهای زنان..... ۸۰
- رشد همه جانبه‌ی زن در جامعه‌ی اسلامی همراه با خصوصیات زنانه ۸۰
- بروز استعدادها در رشته‌های مختلف متناسب با ساختمان وجودی زن..... ۸۰
- گسترش تعلیم و تربیت دختران ۸۱
- ضرورت احیاء و رشد گوهر انسانی و معنوی در زنان ۸۱
- فکر رایج رشد معنوی و اخلاقی بین بانوان ۸۲
- آشنایی و مسلط شدن خانمها به معاریف دینی ۸۲
- انتشار اندیشه‌های اسلامی در بین زنان ۸۳
- تحصیل علوم اسلامی؛ زیربنایی‌ترین کار برای زنان مسلمان..... ۸۳
- لزوم آشنایی خواهران با علم اسلامی به شکل متقن ۸۳
- لزوم شکافتن اعماق بینش و اندیشه‌ی انقلابی اسلام از طریق آثار شهید مطهری ۸۴

توسعه‌ی جامعه‌ی الزهراء(س) در کلّ کشور.....	۸۵
آشنایی درست با قرآن و مسائل اسلامی	۸۶
انس و معرفت با قرآن	۸۶
حلّ مشکلات جامعه از طریق انس زنان با قرآن	۸۷
جدّی گرفتن حرکت علمی زنان.....	۸۷
لزوم زمینه‌سازی برای تحصیلات عالیّه‌ی دختران	۸۷
راه به کمال رسیدن زن	۸۸
افزایش سطح فکری زنان و مردان از راههای گوناگون.....	۸۹
حضور زن با حفظ متانت در میدانهای علمی	۸۹
علم‌آموزی زنان، بدون اختلاط و بی‌بندوباری.....	۹۰
زنده کردن روحیّه‌ی طلبکارانه نسبت به تفکّرات غلط	۹۰
جذب مناسب و دفع عناصر بد فرهنگ غرب.....	۹۱
مطالعه، تحقیق، درس و اهتمام به امور دینی؛ وظیفه‌ی مسلمّ زنان	۹۱
شیوه‌های ابتکار برای کتابخوان کردن زنان	۹۲
لزوم آموختن روشهای صحیح خانه‌داری	۹۲
عمق دادن به تحلیل سیاسی زنان	۹۳
برخورداری از درک سیاسی، فنون خانه‌داری و متانت در فعالیت‌های اجتماعی.....	۹۴
۲-۳- خودباوری و خودسازی فکری و معنوی زنان	۹۴
رشد ایمان و معرفت زنان؛ پشتوانه‌ی بقای عزّت اسلام	۹۴
بالا بردن سطح معرفت برای ایستادگی در برابر دشمن	۹۵
اصرار امام به خودباوری و اظهار شخصیت واقعی زنان.....	۹۵
گسترش معرفت و دانش اسلامی و آگاهی سیاسی عمیق.....	۹۵
پیدا کردن تفکر انقلابی عمیق.....	۹۶
خرد، اراده و تصمیم درست؛ شاخصه‌ی برترین زنان تاریخ	۹۶
خودسازی، مطالعه و راهنمایی از استاد.....	۹۷
شریک شدن در خودسازی اخلاقی و فکری	۹۸
بالا بردن ارزشهای معنوی	۹۹
آگاهی داشتن از قدر ارزشها، باعث معناداری و جهتگیری صحیح.....	۱۰۰
زن ایرانی؛ سنگربان ارزشهای اسلامی در مقابل وضع جاهلی غرب	۱۰۰
احترام به زن؛ دادن فرصت برای بروز استعدادهایش	۱۰۱





- محدود نبودن فعالیت خانمها بخصوص در حیطه‌ی استعدادی ۱۰۱
- لزوم حضور زنان در عرصه‌ی حلّ مسائل فرهنگی- اجتماعی زنان ۱۰۲
- لزوم بازیابی هویت زن مسلمان با تأمل در مفاهیم اسلامی ۱۰۳
- بازیابی خویشتن و اعتماد به نفس زنان ۱۰۴
- نقش بازسازی اخلاقی زنان در جامعه ۱۰۴
- اول خودسازی و عیبجویی از خود ۱۰۵
- پندارها وموهومات باطل درمورد برتری زن ۱۰۵
- اهمیت و ضرورت اهتمام بانوان به حلّ مشکلات خود ۱۰۶
- موفقیت در عرصه‌ی زنان با نگاه امیدوارانه و توجه به رفع مشکلات و ضعفها ۱۰۷
- برطرف کردن عیوب با حلم و نرمش ۱۰۷
- تکان دادن رسوبات فرهنگ قدیمی زن در جامعه ۱۰۸
- زن وسیله‌ی التذاذ مرد؛ باوری غلط ۱۰۹
- توفیق الهی برای حرکت در راه درست اسلامی ۱۰۹
- دعا برای رشد و تعالی ۱۰۹
- ۴-۲- اهتمام زنان به تخصص‌گرایی در سطوح عالی علمی ۱۱۰
- عرصه‌های علمی؛ مناسبترین زمینه‌ی فعالیت اجتماعی زنان ۱۱۰
- حضور فعال و تحسین برانگیز در همه‌ی عرصه‌های علمی ۱۱۰
- ضرورت تحصیلات عالی‌هی دختران در رشته‌های مفید و مورد علاقه ۱۱۱
- زنان مؤمن در بالاترین مدارج علمی؛ افتخار نظام اسلامی ۱۱۱
- دانشمندان زن در عرصه‌های مختلف؛ آبروی انقلاب ۱۱۲
- توجه به کارهای علمی؛ مبنایی و اصولی ۱۱۲
- تیغ دو دم حضور فعال زنان در دانشگاه ۱۱۳
- پرورش استعدادهای برجسته ۱۱۴
- ذهنیت بالا، منطقی و منظم بانوان نخبه‌ی کشور ۱۱۴
- لزوم پیشرفت جهشدار زنان تحصیلکرده ۱۱۵
- حضور علمی فعال زنان در منبرهای جهانی ۱۱۵
- وجود خانمهای دانشمند و متخصص برجسته در کشور ۱۱۵
- حضور متخصصان زن، دانشمندان زن، هنرمندان زن در جامعه‌ی کنونی ۱۱۶
- دانشمند شدن زنان ۱۱۷
- واجبتر بودن تخصص در رشته‌ی پزشکی برای زنها ۱۱۷

- ۱۱۷..... اولویت رشته‌ی پزشکی در تمامی تخصص‌ها برای خانمها
- ۱۱۸..... ضرورت افزایش زنان در تحصیلات پزشکی و آموزش و پرورش
- ۱۱۹..... ضرورت تشکیل دانشگاه‌های ویژه‌ی زنان
- ۱۲۰..... وجود بانوان متخصص؛ مظه‌ری از سازندگی اسلامی
- ۱۲۰..... تحصیل دانش دین و دانش جدید با معیارهای اسلامی برای بانوان
- ۱۲۱..... مفید بودن حوزه‌ی خواهران به شرط سازماندهی و برنامه‌ی درسی متناسب
- ۱۲۲..... حجت بودن فتوای زن برای زنان
- ۱۲۳..... لزوم مجتهد زن، به خصوص در مسائل زنانه
- ۱۲۳..... لزوم مرجعیت زنان مجتهده در مسائل اختصاصی
- ۱۲۴..... عدم تشخیص موضوع مربوط به احکام زنانه توسط آقایان فقها
- ۱۲۵..... کثرت بانوان مجتهد و عالم؛ شرف بزرگ و پر ارزش جامعه
- ۱۲۵..... تربیت ده نفر مجتهده و مبلغان آشنا به حدیث، احکام، تاریخ و فلسفه
- ۱۲۶..... پرورش استعداد‌های برجسته با ایجاد دوره‌های عالی در حوزه
- ۱۲۷..... افتخار به دانشمند زن ایرانی در جهان
- ۱۲۷..... احساس لذت از دیدن دختران محبّه‌ی مُتخصّص طراز اول
- ۱۲۷..... حادثه‌ی پر معنا و الگو بودن خانمهای اهل علم پایبند به ارزشها
- ۱۲۸..... افتخار به عملی شدن ادعاهای اسلام در مورد زنان عالم
- ۱۲۸..... انگیزه‌ی عمیق قرآنی بانوان؛ موهبتی بزرگ
- ۱۲۹-۲-۵..... وظایف زنان متخصص
- ۱۲۹..... وظایف اختصاصی زنان
- ۱۳۰..... مسؤلیت سنگین زنان اهل علم
- ۱۳۰..... فرصت آشنایی بانوان نخبه‌ی جهان اسلام؛ پایه‌ای برای یک حرکت عظیم
- ۱۳۱..... تصحیح نگاه غلط به مسأله‌ی زن و مرد؛ مسؤلیت سنگین زنان نخبه
- ۱۳۲..... مسؤلیت اصلی خانمهای متخصص و هنرمند در قبال زنان
- ۱۳۲..... بزرگترین خدمت زنان نخبه؛ احیای هویت زن مسلمان
- ۱۳۲..... کوتاهی خانمهای اهل معرفت در حل مشکلات زنان
- ۱۳۳..... ضرورت کار فرهنگی در مورد زنان
- ۱۳۳..... معرفی و ترویج جهش فرهنگی زنان مسلمان به دنیا
- ۱۳۴..... لزوم بازشناسی مسائل و حقایق زندگی زن ایرانی
- ۱۳۴..... ضرورت تشویق و تربیت دختران دانشجو





- ۱۳۵ رعایت ارزشهای اسلامی در میدانهای علم و معرفت.
- ۱۳۵ تفاوت منزلت علمی و فرهنگی یا انحطاط تا سطح ابزار شدن
- ۱۳۵ حیثیت معنوی زن، مهمتر از عظمت دانش او
- ۱۳۶ نیاز جامعه به زنان محقق و عالِمه در معارف دینی
- ۱۳۶ ۲-۶- ورزش بانوان
- ۱۳۶ لزوم ورزش برای مرد و زن، پیر و جوان
- ۱۳۷ ابعاد عظمت صعود بانوان مسلمان ایران به قلّه‌ی اورست
- ۱۳۹ ورزش به معنای پرورش جسمی و تضمین سلامت
- ۱۴۰ تقویت اراده و سلامت جسم
- ۱۴۱ ورزش متناسب با زنان؛ جزو برنامه‌های حتمی زندگی
- ۱۴۱ رعایت اصول و باورها در ورزش بانوان
- ۱۴۲ رعایت حدود در محیط ورزش بانوان
- ۱۴۲ ورزش زنها در محیطهای سرپوشیده و بررسی لزوم شرکت آنها در مسابقات جهانی
- ۱۴۲ نامناسب بودن ورزش دوچرخه‌سواری برای بانوان در خیابانها
- ۱۴۳ پرهیز از روشهای غلط برای نتیجه دادن ورزش بانوان
- فصل سوم: نقش زن در انقلاب اسلامی** ۱۴۵
- ۱-۳- وضعیت زنان در رژیم سابق ۱۴۷
- متزلزل شدن پایه های اخلاقی جامعه در برنامه‌ای پنجاه ساله ۱۴۷
- ضد ارزش نمودن شوون و مقام زن ۱۴۷
- تحت فشار بودن زنان بخاطر حجاب معقول ۱۴۸
- غلبه دادن شهوت بر فضای زندگی به جای فکر، عاطفه و علم ۱۴۹
- ورود سیل آسای فرهنگ فاسد غربی درون محیط کار ۱۵۰
- حرفهای پوچ و بی محتوا و شعارهای فریب آمیز ۱۵۰
- بیرون کشیدن دختران از آغوش عقیف خانواده با عنوان دخترشایسته ۱۵۱
- بی بندوباری تهران بیشتر از اروپا ۱۵۱
- غیر اسلامی بودن رفتار و پوشش بانوان در دوران طاغوت ۱۵۲
- وابستگی زن به تجمل غیر معقول، مد و جلوه‌گری ۱۵۲
- تبدیل زن به موجود مصرفی در قبل از انقلاب ۱۵۳
- تجمل طلبی حتی در بین خانواده‌های مذهبی و متوسط ۱۵۴

- زن؛ ابزار تبلیغ مصرف‌گرایی در تلویزیون قبل از انقلاب اسلامی ۱۵۴
- دور نگه داشتن زنان از آگاهی‌های سیاسی و مشغول کردن به تجملات ۱۵۵
- تزریق ارزشهای کاذب مانند طلاپرستی به زنان شهری و روستایی ۱۵۵
- نابهنجاری محیط کسب علم در نظام پادشاهی پهلوی ۱۵۵
- پایین نگه داشتن سطح فکر خانمها ۱۵۶
- ممانعت از رشد استعدادها و گرفتن فرصت تفکر از زنان ۱۵۶
- تلقی غلط از جایگاه زن؛ مانع عالم شدن زنان ۱۵۷
- فرهنگ برهنگی به جای دانش و معرفت ۱۵۸
- تصور غلط ناسازگاری دین و ایمان با تحصیل علم در گذشته ۱۵۸
- محیط آموزشی اروپایی؛ عامل محرومیت علمی زنان ۱۵۹
- عقب نگه داشتن زن در وادی‌های مختلف ۱۵۹
- ۲-۳- نقش زنان در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس ۱۶۰
- لزوم تبیین نقش زنان در دوران مبارزه و اصل انقلاب ۱۶۰
- حضور زنان باحجاب در قیام مشروطه و صحنه‌های انقلاب ۱۶۱
- معجزه‌ی عظیم زن مسلمان ۱۶۱
- اوج تعالی زن در جامعه ۱۶۲
- شأن والای شخصیت زن در ترازوی انسانی ۱۶۲
- زنان ما مثل زنهای بزرگ تاریخ ۱۶۳
- تلاش برای پیشرو بودن ۱۶۴
- راههای حفظ زن ایرانی در روند انقلاب ۱۶۴
- لزوم مقاومت عملی برای حفظ ارزشها ۱۶۵
- سهم عظیم زنان در تمام زمینه‌ها ۱۶۶
- نقش محوری زن در میدانهای مختلف ۱۶۷
- حضور فعال زنان در میدان فرهنگ و انقلاب اسلامی ۱۶۷
- پیروزی انقلاب؛ مرهون ایمان و اراده‌ی زن مسلمان ۱۶۸
- نقش مؤثر و بی‌جایگزین زنان در انقلاب اسلامی ۱۶۸
- ورود زن به متن انقلاب اسلامی؛ رمز پیروزی ۱۶۸
- برجستگی خاص نقش بانوان در پیروزی انقلاب اسلامی ۱۶۹
- حضور زن؛ باعث حضور کل خانواده در مبارزه ۱۷۰
- نقش زنان در پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی ۱۷۰





- ۱۷۰ نیمی از افتخار پیروزی انقلاب، منحصر و متعلق به زنان
- ۱۷۱ نقش پنجاه درصدی زنان در عرصه های مختلف انقلاب اسلامی
- ۱۷۲ دو نقش مؤثر زنان در پیروزی انقلاب اسلامی
- ۱۷۲ نقش حیاتی زنان در ثمردهی اصل انقلاب اسلامی
- ۱۷۳ نیاز آیندهی انقلاب به حفظ ظرفیت حضور زنان
- ۱۷۳ نقش زینب گونه‌ی زنان در پیشبرد انقلاب اسلامی
- ۱۷۴ لقب قهرمان؛ زینده‌ی زنان مسلمان انقلابی
- ۱۷۴ تاریخترین نقش زنان
- ۱۷۶ سهم زن در بزرگترین حوادث زندگی یک جامعه
- ۱۷۶ نقش زن؛ نقش یک عنصر انقلابی
- ۱۷۷ زنان؛ سربازان خطّ مقدّم انقلاب
- ۱۷۷ حضور زنده و نیرومند زنان در همه‌ی مراحل انقلاب
- ۱۷۸ نقش پر اهمیت زن در حرکت‌های انقلابی
- ۱۷۸ رونق و شکوه در انقلاب و در اداره‌ی انقلاب
- ۱۷۹ ایمان آگاهانه؛ منشاء مبارزات زن ایرانی
- ۱۸۰ ورود به میدان با ایمان قلبی
- ۱۸۰ نقش اول در تحولات تاریخی در سایه‌ی ایمان و آگاهی
- ۱۸۱ اخلاق اسلامی و توکل بر خدا، عقبه‌ی ملت ایران در مبارزه با استکبار
- ۱۸۱ پیروزی انقلابها با ورود زنان با ایمان
- ۱۸۲ بی‌نصیب بودن مدعیان آزادی غربی از افتخارات زن ایرانی بعد از انقلاب
- ۱۸۲ پرورش ستونهای استوار جمهوری اسلامی
- ۱۸۳ زنان بزرگ؛ پرورش‌دهنده‌ی انسانهای فداکار
- ۱۸۳ نقش مادران شجاع و همسران پرگذشت در میدانهای جنگ و سازندگی
- ۱۸۳ درخشندگی در صحنه‌ی مبارزه
- ۱۸۴ افتخار زنان از حضور در سنگر مبارزه
- ۱۸۵ ایستادگی زنان در دفاع از مقدّسات
- ۱۸۵ حضور عظیم و ایستادگی زنان؛ عامل پیروزی در انقلاب و جنگ
- ۱۸۶ زنان و سرود حماسه‌ی جنگ و انقلاب
- ۱۸۶ نقش بیسابقه‌ی زن در تاریخ
- ۱۸۷ جمعیت کیفی زنان در مقاطع حسّاس، بیش از نصف جمعیت کشور

- زنان؛ عامل شورآفرینی در جنگ ۱۸۸
- نقش زن در انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی(ره) ۱۸۸
- نقش بالاتر و تعیین کننده‌ی زنان ۱۸۹
- پیامد گرایش و پیوستن زنان به نهضتها ۱۸۹
- حضور زنان؛ مستلزم پیشرفت حرکت‌های انقلابی ۱۹۰
- زنان؛ پشتوانه‌ی حرکت مردان در انقلاب ۱۹۱
- جانفشانی مردان در پی حضور زنان ۱۹۱
- زنان انقلابی، قوت بخشیدن اراده‌ی مردان ۱۹۲
- تأثیر حضور زنان در انقلاب بر مردان ۱۹۲
- نقش حیاتی زنان به تشویق مردان در مبارزه ۱۹۳
- ارزیابی ایثار مادران و زنان ۱۹۵
- تقدیم زیورآلات زنان به رزمندگان ۱۹۵
- گذشت مادران شهدا؛ ستونهای مستحکم نظام ۱۹۶
- گذشتن از منافع شخصی خود برای به ثمر نشستن انقلاب ۱۹۷
- بسیج خواهران؛ منشأ آثار بسیار مهم در جبهه و پشت جبهه ۱۹۷
- بسیج یک زن؛ به معنای بسیج یک خانواده ۱۹۸
- بسیج خواهران در جبهه ۱۹۹
- شجاعت و ایستادگی زنان در برابر متجاوزان ۱۹۹
- عظمت و ایستادگی زنان کردستان در مقابل فشار روانی دشمن ۲۰۰
- حضور قهرمانانه‌ی زن در میدان جنگ ۲۰۰
- سهم بسیار مؤثر و ارزنده‌ی زنان در دفاع مقدس ۲۰۱
- دوران محنت‌بار جنگ و نقش فوق‌العاده‌ی زنان در آن ۲۰۲
- مادران شهدا؛ الگوهای تربیت‌یافته‌ی دامان مطهر حضرت زهرا(س) ۲۰۳
- مادر شهید؛ آیت صبر و استقامت ۲۰۳
- عظمت افسانه‌ای مادران شهدا ۲۰۴
- عظمت ایستادگی مادران شهدا ۲۰۴
- عظمت و شجاعت مادران شهدا ۲۰۴
- عظمت روح مادران و همسران شهدا ۲۰۵
- مادران شهید شجاعت‌ر، مقاومتر، و فهیمتر از پدران شهید ۲۰۶
- ایمان و استقامت مادران شهدا ۲۰۷



- ایثار و استقامت مادران شهدا؛ عامل ایستادگی در هشت سال دفاع مقدس ۲۰۷
- شادی و افتخار مادران شهدا..... ۲۰۸
- شکرگزاری مادر از شهادت فرزند..... ۲۰۹
- ارزش والای صبر و بزرگواری خانواده‌های شهدا..... ۲۰۹
- فرستادن فرزندان به جبهه..... ۲۰۹
- مقام والای رضای مادران شهدا..... ۲۱۰
- افتخار به قربانی شدن فرزندان در راه اسلام، نه دموکراسی ۲۱۰
- الگوی رفتاری حضرت زینب(س) در برخورد مادران شهدا..... ۲۱۰
- صبر بر شهادت؛ مجاهدت تمام نشدنی خانواده‌ی شهدا..... ۲۱۱
- صبر و افتخار مادران شهدا؛ عامل زنده ماندن نهضت..... ۲۱۲
- تعلق افتخار عظیم هشت سال مقاومت به پدران و مادران و همسران شهدا..... ۲۱۳
- ایثار پدران و مادران و همسران شهدا؛ عامل بالانگه‌داشتن طراز اجتماع و آماده کردن آن برای خودسازی ۲۱۳
- منش و رفتار مادران و همسران شهدا؛ عامل درخشش چهره‌ی ملت ۲۱۴
- روحیه‌ی مادران شهدا نشاندهنده‌ی نقش زنان مؤمن ۲۱۴
- روحیه و استقامت زنان؛ پشتگرمی برای ملت‌ها..... ۲۱۵
- شیرینترین برخوردها توسط بازماندگان شهدا در سختترین مصائب ۲۱۵
- عنصر مبارز و فعال و صبور ۲۱۶
- نقش همسران شهدا در شرف و عزت ایران..... ۲۱۷
- حافظ خون و نگهدارنده‌ی علم شهید..... ۲۱۸
- تقاضای تبریک به جای تسلیت ۲۱۸
- موفقیت خانواده‌های ایثارگر در امتحان بزرگ..... ۲۱۸
- اجر بالاتر از عبادت بخاطر رنج خانواده‌ی شهدا..... ۲۱۹
- نقش بی‌بدیل و فداکاری همسران شهدا و جانبازان..... ۲۱۹
- تکریم و تجلیل از همسران جانبازان ۲۲۰
- ثواب و پاداش الهی در برابر تحمل مخلصانه‌ی همسران جانبازان..... ۲۲۰
- خدای متعال، فرشتگان و قدسیان؛ قدردان همسران جانبازان ۲۲۱
- ۳-۳- تأثیر انقلاب در وضعیت زنان..... ۲۲۲
- تجلیل انقلاب از زن ایرانی؛ عامل نقش آفرینی او در صحنه‌های انقلاب ۲۲۲
- امام خمینی (ره)؛ احیاگر هویت زن..... ۲۲۲



- تودهنی انقلابی به افکار پوچ ۲۲۳
- حرکت حیاتبخش انقلاب؛ عامل حرکت زنان ۲۲۴
- معجزه‌ی انقلاب در رابطه با زنان ۲۲۴
- شستشو و تطهیر فرهنگ زنان با انقلاب ۲۲۵
- انقلاب و متحوّل شدن زن ایرانی ۲۲۶
- انقلاب و گردش زنان به سمت نور ۲۲۶
- تحوّل فرهنگی در جامعه‌ی زنان بعد از پیروزی انقلاب ۲۲۷
- ایجاد زمینه‌ی فرهنگی و بازسازی فرهنگی در مورد زنان در کلّ جامعه ۲۲۷
- تأثیر اسلام بر اندیشه‌ی زنان ۲۲۸
- ولادت جدید برای زن ۲۲۹
- بالا بردن زن از ته درّه به سمت قلّه‌ی کمال ۲۳۰
- اثر عمیق انقلاب در فرهنگ زنان ۲۳۱
- موفقیت انقلاب در برقراری تقیدها ۲۳۲
- فاصله‌ی ژرف و عمیق وضعیّت امروز حجاب با قبل از انقلاب ۲۳۲
- پیشرفته بودن نظام اسلامی در رعایت حقوق واقعی زن ۲۳۳
- پیشگامی زنان بعد از انقلاب در کارهای اساسی و عمیق ۲۳۳
- پیشگامان تحوّل الهی ۲۳۳
- تبدیل شدن به موجودی درجه یک ۲۳۴
- از یاد رفتن مسائل شخصی ۲۳۴
- قانع نبودن به کم در فضای انقلاب ۲۳۵
- بهره برداری از استعدادهای نهفته ۲۳۵
- افتخار زنان بعد از انقلاب ۲۳۶
- انقلاب اسلامی؛ سر آغاز مسیر جدید زنان ۲۳۶
- عبور زن ایرانی از موج مخرب غرب با گوهر ایمان ۲۳۶
- سربلندی زنان در دوران بعد از انقلاب ۲۳۷
- زن انقلابی؛ وسیله‌ی اصلاح جامعه ۲۳۸
- جهش سیاسی اجتماعی زنان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ۲۳۹
- عظمت زن مسلمان در میدانهای سیاسی و فرهنگی ۲۴۰
- زنان مؤمن و انقلابی فعالترین زنان در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، علمی و باز شدن میدان برای زنان ۲۴۱





- ۲۴۱ رفتار عمومی و چند بعدی زن در جامعه‌ی اسلامی
- ۲۴۲ حماسه‌سازی زنان در انقلاب اسلامی
- ۲۴۲ حضور فعال زنان در صحنه
- ۲۴۲ حضور مؤثر زنان؛ برکت انقلاب
- ۲۴۳ نقش زن در مسؤلیت‌های فرهنگی و آموزشی
- ۲۴۳ افتخار محیط اسلامی به دوری زنان از کارهای خشن
- ۲۴۴ ارائه‌ی نظرگاه جدید در باب زن و ارزشهای او
- ۲۴۵ زنان مرفه و اروپایی
- ۲۴۵ ارزشمندترین دوره‌ی تاریخی زن ایرانی
- ۲۴۶ درخشش نخبگان زن؛ جواب عملی به مسأله‌ی زن
- ۲۴۶ پرورش زنان صاحب‌نظر در مسأله‌ی بحران زن
- ۲۴۶ نمادی از مجموعه‌ی حرکت عظیم بانوان کشور
- ۲۴۷ نمایش قدرت و استقلال بانوان در مقابل چشم جهانیان
- ۲۴۷ حضور برجسته‌ی زنان در همه‌ی عرصه‌های علمی، خاصه پژوهشهای قرآنی
- ۲۴۸ عدد چشمگیر نخبگان زن؛ نشانه‌ی موفقیت نگاه نظام اسلامی به زن
- ۲۴۹ تعجب آیندگان از میزان رشد اخلاقی، معرفتی و تقوای زنان اول انقلاب
- ۲۵۰-۳-۴ تبلیغات و تهاجمات دشمنان علیه زنان ایرانی
- ۲۵۰ تهاجم فرهنگی غرب
- ۲۵۰ تلاش صد ساله‌ی فرهنگ غرب برای دور کردن زن مسلمان از هویت خود
- ۲۵۰ تحمیل استانداردهای غربی به فرهنگهای دیگر
- ۲۵۱ زن در معرض و لبه‌ی یک تحول بنیادین فرهنگی
- ۲۵۲ تجربه‌ی بزرگ تحول فرهنگی یا انحطاط فرهنگی برای زنان
- ۲۵۲ نابودی بنای خانواده و شکستن حریم عفاف و حجاب؛ میراث هزاران ساله‌ی ایرانی
- ۲۵۳ دشمنی غرب با حجاب زنان
- ۲۵۴ زنان مسرف و هوسران و مدطلب؛ اسیران فرهنگ غرب
- ۲۵۵ علت متهم شدن ایران به تزیین حقوق زنان
- ۲۵۵ بد جلوه دادن ایران در مسأله‌ی زن توسط صهیونیستها
- ۲۵۵ فشار غرب برای انفعال مسؤلان ایرانی در برخورد با مسأله‌ی زن
- ۲۵۶ فشار بر جمهوری اسلامی بخاطر مخالفت با فرهنگ پذیرفته‌شده‌ی غربی
- ۲۵۷ سیاسی و غیرواقعی بودن تبلیغات

۲۵۷	ناشناخته ماندن نظریات اسلام در مورد زن در غرب.....
۲۵۸	مواجهه با افکار عمومی جهان در مقابله با جوسازیها.....
۲۵۸	درتهاجمات بین المللی؛ مدعی نه پاسخگو.....
۲۵۹	اعتراض به نگاه غربی در مورد زن.....
۲۵۹	۵-۲ تأثیرگذاری انقلاب بر بانوان دیگر کشورها.....
۲۵۹	انتخاب چادر مشکی توسط زنان مسلمان دیگر کشورها.....
۲۵۹	مبارزه با دختران محجبه در غرب؛ نشانه‌ی آتش زیر خاکستر.....
۲۵۹	جنگ روسری؛ نشانه‌ی نفوذ اسلام در غرب مدعی آزادی.....
۲۶۰	به صحنه آمدن دختر هفده ساله برای از بین بردن صهیونیستها.....
۲۶۰	شکنجه‌ی زنان فلسطینی.....
۲۶۱	سرچشمه و عامل برانگیزاننده‌ی مادران فلسطینی.....
۲۶۱	تظاهرات زنان در عربستان.....
۲۶۲	نامه‌ی خواهر عراقی.....
۲۶۳	فهرست آیات قرآن کریم.....
۲۶۴	فهرست روایات.....
۲۶۵	فهرست اسامی اشخاص.....
۲۶۷	فهرست مکانها.....



مقدمه

یکی از موضوعاتی که در طول تاریخ در معرض آرا و تفسیرهای گوناگون قرار گرفته است، شخصیت و جایگاه فردی، خانوادگی و اجتماعی زن میباشد. امروزه نیز کج‌اندیشیها و عدم تعادل در این باب، در جوامع مختلف فراوان به چشم میخورد. در این میان، تنها چشمه‌ی زلال، مکتب انبیا و اوصیای الهی است که به دور از هرگونه افراط و تفریط و با تکیه بر وحی و استمداد از خالق هستی، به ترسیم جایگاه حقیقی زنان، متناسب با آفرینش آنان پرداخته است.

با بروز انقلاب اسلامی و شعار بازگشت به اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) از سوی امام خمینی (ره)، احیای شخصیت زن مسلمان نیز چه در نظر و چه در عمل جلوه‌ای دیگر یافت. از جنبه‌ی نظری، دیدگاهی جدید در باب زن و ارزشهای او در جهان امروز پدید آمد و در صحنه‌ی عمل، زنان در مسائل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی پا به پای مردان و گاه مقدم بر آنان در سرنوشت جامعه نقش آفرین شدند.

این موج فرهنگی حضور و تعالی زن، نه تنها در سالهای پس از انقلاب اسلامی افول نکرد بلکه در عرصه‌ی دفاع مقدس، شکل کاملتری به خود گرفت و پس از آن نیز رشد فزاینده‌ای یافت. در حقیقت، میتوان دوران کنونی را دوران شکوفایی نهالی دانست که به دست امام خمینی (ره) پدید آمد و با

خون هزاران شهید آبیاری گردید. با این همه، آفات و بلیات همواره در قالب طرح دیدگاههای متأثر از غرب و تفکرات فمینیستی از یک سو و نظرات متحجرانه از سوی دیگر، این نهال نوپا را تهدید کرده و گاه آنچنان فضا را مسموم ساخته است که دیدگاههای اصیل اسلامی، برای عموم جامعه، بویژه زنان مؤمن و انقلابی و حتی فرهیختگان و متولیان فرهنگی و اجرایی کشور نیز مشتبه شده است. در چنین شرایطی، ارائه‌ی سیمای جامع زن در اسلام مبتنی بر ساختار آفرینشی او و متناسب با مقتضیات زمان و مکان، ضرورت خویش را بازمینمایاند.

بدین منظور، باید سراغ کسانی رفت که با نگاه عمیق به مبانی دینی و مبتنی بر زمان‌شناسی و تدبیر لازم و آشنایی با مسائل و مشکلات و نیازهای جامعه، خطوط اصلی و کلان نظام اسلامی را در باب شخصیت و جایگاه زن مسلمان ترسیم نمایند؛ و این مهم به لطف خداوند متعال با وجود رهبر فرزانه‌ی انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (دام‌ظله‌العالی) دست‌یافتنی است. بی‌تردید از جمله عنایات الهی به جامعه‌ی اسلامی ایران، وجود رهبری فرزانه، مجتهد و ربّانی است که بحق کمتر کسی در میان فقها و غیرفقها میتوان یافت که همچون ایشان در زمینه‌ی ارائه‌ی سیمای زن از منظر اسلام کوشیده باشد. اما این حقیقت، همچون دیگر عطایای الهی به ایشان، در ورای چهره‌ی سیاسی و حقوقی این رهبر الهی، پنهان مانده است.

با توجه به نگاه هدفمند مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به مسائل زنان با وجود رویکرد تمدن‌گرایی اسلامی که ایشان دارند؛ ضروری است که خطوط معیارهای اسلامی متناسب با شرایط زمان و مکان در زمینه‌ی حضور اجتماعی زن از دید گاه معظم‌له جمع‌بندی گردد. این بیانات در سه فصل با عناوین: جایگاه اجتماعی زنان، تعلیم و تربیت زنان و نقش زن در انقلاب اسلامی، تدوین شده و در تمامی این زمینه‌ها سعی شده است آرای مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به صورت دقیق استخراج و با عنوان‌گذاری مناسب سیر منطقی موضوعات بگونه‌ای ارائه گردد که پاسخگوی مشکلات و



نیازهای امروز باشد.

در استخراج، گردآوری و دسته‌بندی سخنان معظّم‌له و ارائه‌ی آن در قالب اثر حاضر، تمامی سخنرانیها و پیامهای ایشان درباره‌ی زنان، از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۲، حتی سخنانی که رسانه‌ای نشده است مانند توصیه‌هایی که هنگام خواندن خطبه‌ی عقد به جوانان داشته‌اند ولی در مخزن اسناد دفتر معظّم‌له موجود بوده، مورد بررسی قرار گرفته است که حجم گسترده‌ی آنها، توجه و اهتمام رهبرمعظّم انقلاب را نسبت به مسائل زنان نشان میدهد.

در پایان، با سپاس فراوان از حمایت‌های دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظّم رهبری، لازم است از زحمات جناب دکتر تقی اجیه در ویراستاری عناوین تشکر نمایم. همچنین از خواهران گرامی: ملیحه نقش‌زن، فاطمه حقیقی، مائده کیوانی، نسیم کریمی، اشرف‌السّادات فتحی، اکرم امینی، آسیه مهجوری، مهرناز سطوت، سعیده شریعت، زهرا نقش‌زن و فاطمه دهقانی که در جمع‌آوری و انطباق فیشها و اصلاح نهایی تلاش فراوان داشته‌اند، بالاخص خواهر مرضیه شاه‌سنایی که مسؤولیت گروه خواهران محقق را برعهده داشتند، سپاسگزارم. امیدوارم این اثرکه در روز ۲۳ ماه مبارک رمضان «لیلة القدر» به پایان رسید؛ مقبول افتد و مورد لطف و عنایت خداوند قرار گیرد.

و آخر دعوانا ان الحمد لله ربّ العالمین

امیرحسین بانکی‌پور فرد^۱

۱. استادیار دانشکده‌ی اهل‌البیت (ع) دانشگاه اصفهان (A.Bankipoor@ltr.ui.ac.ir)

فصل اوّل ————— ❁

جایگاہ اجتماعی زنان

۱-۱- جایگاه اجتماعی زن در نظام اسلامی

ضرورت تبیین جایگاه شایسته‌ی زن در نظامهای اجتماعی

این اندیشه که جایگاه زن در نظامهای اجتماعی و در محیط زندگی آنچنانی که شایسته‌ی بانوان است تبیین بشود، یکی از ضروریترین کارهای دوران ماست. چرا روی این مطلب با این تأکید حرف میزنیم؟ چون به اعتقاد ما و در بینش ما این کار انجام نشده و علیرغم جنجال بزرگ که در سطح جهان به پرچمداری سردمداران فرهنگ تمدن غربی در هفتاد، هشتاد سال اخیر درباره‌ی مقام زن و شخصیت زن و احیای این شخصیت و سپردن نقش شایسته به وی در سطح جهان به راه افتاده علیرغم این همه، ما اعتقادمان بر این است که شخصیت والای زن همچنان در دنیا مورد اهمال و بی‌توجهی است. آنچه من امروز میخواهم عرض بکنم، عبارتست از لزوم بازنگری بر ارزشهای سازنده‌ی شخصیت زن.^۱

ضرورت آگاهی از نظر اسلام در مورد فعالیت‌های اجتماعی زنان

هم خود بانوان کشور باید نسبت به موضوع زن از نظر اسلام، دارای آگاهی کافی و لازم باشند، تا بتوانند با اتکا به نظر والای دین مقدس اسلام، از حقوق خود بطور کامل دفاع کنند و هم همه‌ی افراد جامعه و مردان در کشور اسلامی باید بدانند که نظر اسلام در مورد زن، حضور زن در

۱. در کنگره‌ی جهانی زن (۶۶/۱۱/۱۷)

عرصه‌های زندگی، فعالیت زنان، تحصیل زنان، کار و تلاش اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و علمی زنان، نقش زن در خانواده و نقش زن در بیرون از خانواده چیست.

درباره‌ی همه‌ی اینها، اسلام یک نظر روشن و صریح دارد که اگر بخواهیم با نظر فرهنگهای دیگر، از جمله فرهنگ غربی مقایسه کنیم، نظر اسلام، هم مترقیتر است و هم سابقه‌ی بینش اسلامی، از آنچه که امروز در غرب هست، بیشتر است و هم نظر اسلام موجب آبادی و صلاح و فلاح کشور و موجب اعتلای هر چه بیشتر بانوان در کشور میشود.^۱

بیعت؛ حضور زن در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی

در اسلام بیعت زن، مالکیت زن، حضور زن در این عرصه‌های اساسی سیاسی و اجتماعی تثبیت شده است. «إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ^۲» زنها می‌آمدند با پیغمبر بیعت میکردند؛ پیغمبر اسلام نفرمود که مردها بیایند بیعت کنند، به تبع آنها هرچه که آنها رأی دادند، هرچه که آنها پذیرفتند، زنها هم مجبور باشند قبول کنند، نه، گفتند زنها هم بیعت میکنند، آنها هم در قبول این حکومت، در قبول این نظم اجتماعی و سیاسی شرکت میکنند، غریبها هزار و سیصد سال در این زمینه از اسلام عقب هستند و این ادعاهای را میکنند! در زمینه‌ی مالکیت هم همینجور، و زمینه‌های دیگری که مربوط به مسائل اجتماعی و سیاسی است.^۳

جایگاه زن در مردم‌سالاری دینی

بعضیها اصرار دارند که ما هم همان اصطلاح «دموکراسی» را که آنها به کار می‌برند، به کار ببریم. شما عوض دموکراسی، بگوئید مردم‌سالاری. مردم‌سالاری در اصل متعلق به اسلام است. پایه‌گذار مردم‌سالاری به شکل

۱. در اجتماع زنان خوزستان (۷۵/۱۲/۲۰)

۲. سوره‌ی ممتحنه، آیه‌ی ۱۲

۳. در دیدار با گروه کثیری از بانوان (۷۹/۶/۳۰)

درست و منطقی، اسلام است. یکایک مردم مسلمان در حکومت نبوی آمدند و با پیغمبر بیعت کردند؛ هم مردان آمدند، هم زنان آمدند. آن روز زن در جامعه‌ی بشری موقعیتی نداشت. نه فقط در عربستان و در میان اعراب زنها عقب افتاده بودند، بلکه در پادشاهی ایران و امپراطوری روم به زنها اجازه‌ی اظهار وجود نمیدادند؛ اما پیغمبر خدا از خداوند دستور میگیرد؛ «إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعَنَّكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكَنَّ بِاللَّهِ»؛ وقتی زنان مؤمن می‌آیند با تو بیعت کنند، باید بر این اصول بیعت کنند؛ مثل مردها که می‌آیند بیعت کنند. زن هم آمد بیعت کرد، مرد هم آمد بیعت کرد.^۲

افتخار به حضور اجتماعی زن مسلمان

ما به زنان مسلمان خودمان افتخار میکنیم. در این راهپیمایها، وقتی دوربینها میرود روی چهره‌ی خانمهایی که با حجاب کامل، فرزندانشان را هم در بغل گرفته‌اند و در شرایط دشوار به راهپیمایی آمده‌اند، یا برای اعلام موضع سیاسی، یا در نماز جمعه شرکت کرده‌اند و یا برای کار عبادی، سیاسی به پای صندوقهای رأی رفته‌اند، برای ما افتخار است. خانمهایی که در دانشگاهها مراتب عالیّه را در راه تحصیل علم به‌دست آورده‌اند و یا در کنکورهای سراسری در رشته‌های گوناگون رتبه‌ی اوّل و دوّم شده‌اند، وقتی در جامعه‌ی ما نمود پیدا میکنند، جمهوری اسلامی سربلند میشود و افتخار میکند. این، افتخاری است برای احکام نورانی اسلام که در این دوران، این‌گونه مشغول سازندگی است و در جهانی که از همه طرف امواج تبلیغات غلط انحرافی در جریان است، زن مسلمان، با این شجاعت و استقلال رأی، خودش را میتواند نشان دهد. اینها از برکات اسلام است.^۳

۱. سوره‌ی ممتحنه، آیه‌ی ۱۲

۲. در دیدار مردم ساوه (۷۹/۸/۲۸)

۳. در دیدار با جمع کثیری از بانوان کشور (۷۱/۹/۲۵)

اسلام و تشویق زنان به شرکت در فعالیت‌های دینی، سیاسی و علمی اسلام، زنان را از شرکت در فعالیت‌های دینی، سیاسی و علمی و فرهنگی منع نمی‌کند. بلکه با رعایت حجاب و حدود اسلامی آن را تشویق نیز می‌کند. زنان باید مراقب فساد باشند که دشمن ترویج می‌کند. با این وصف در میدان‌های مختلف شرکت کنند.^۱

مسئولیت زنان در اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی

مسئولیت اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی و پیشرفت جامعه‌ی اسلامی بر دوش همه است؛ بر دوش زن، بر دوش مرد؛ هرکدامی به نحوی برحسب توانایی‌های خودشان. بحث سر این نیست که زن آیا می‌تواند مسئولیتی در بیرون از منزل داشته باشد یا نه - البته که می‌تواند، شکی در این نیست؛ نگاه اسلامی مطلقاً این را نفی نمی‌کند.^۲

انگیزه‌ی اسلامی، عامل روند روبه افزایش حضور اجتماعی زنان حضور و تأثیر بانوان در صحنه‌ها و عرصه‌های گوناگون جنگ، حوادث سیاسی، تظاهرات، میدان‌های علم و سازندگی نشان‌دهنده‌ی روند دائمی رو به افزایش حضور و فعالیت اجتماعی زنان در ایران است. مسابقه‌ی حضور زنان، با انگیزه‌ی اسلامی در صحنه‌های مختلف جامعه‌ی ایران به پیش از پیروزی انقلاب اسلامی برمیگردد.^۳

پیروی ملت‌ها از اسلام در مورد نقش زن در جامعه

تبلیغات خصمانه‌ی دشمن، تبلیغات استکباری، تبلیغاتی که ناشی از غرض‌ورزی و عناد است، بخاطر واقعیت داشتن حرف‌ها که نیست. چیزی را برای یک ملت و یک کشور و یک نظام بهانه می‌کنند و به دروغ روی

۱. در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران و علمای شهرستان گنبد (۷۴/۷/۲۷)

۲. در دیدار با گروه کثیری از زنان نخبه (۸۶/۴/۱۳)

۳. در دیدار با جمعی از بانوان کشور (۷۳/۹/۲)

آن تبلیغات مینمایند. مسأله‌ی زن هم همینطور است. در طول این نوزده سال - از اول انقلاب تا کنون - نسبت به دیدگاه نظام جمهوری اسلامی و دیدگاه اسلامی درباره‌ی زن، بطور مستمر یاوه‌گویی کرده‌اند. اسلام، در مورد بینشی که نسبت به زنان و نقش بانوان در جامعه دارد - نقش فردی، نقش خانوادگی، نقش سیاسی، نقش اجتماعی - میتواند ادعا کند که همه‌ی ملتهای مدعی باید از او پیروی کنند. اگر قرار باشد که در این زمینه، کشورهای غربی پشت میز محاکمه‌ای قرار گیرند و پاسخ دهند، بدون شک آبرویشان خواهد رفت.^۱

نقش برجسته‌ی زنان در جامعه‌ی اسلامی در همه‌ی زمینه‌ها

در کشور ما زنها تعیین‌کننده هستند و در هیچ‌یک از مسائل مهم کشور ما نیست که زن حضور نداشته باشد. در هیچ‌یک از مسائل مهم کشور ما نیست که زن حضور نداشته باشد. اگر زنها با انقلاب نبودند، انقلاب اصلاً پیروز نمیشد. اگر زنها نبودند، این مراسم عظیم با این شکوه به وجود نمی‌آمد و اصلاً پنجاه درصد انقلاب ما رهین منت زنهاست، ما برای زنها ارزش قائل هستیم. ما اگر زن در مجلسی باشد میرویم. توی مجلس شورای اسلامی ما، زن هست. در مجامع اسلامی ما زن هست. در نماز جمعه‌ی ما زن هست، در مساجد ما زن هست، ما با حضور زن در هیچ کجا مخالف نیستیم. ما با پوشش نامناسب زن مخالف هستیم. ما با وضع معاشرت نادرست زن مخالف هستیم. آنجایی که زن و مرد قرار است بروند و مشروب‌خواری کنند، البته ما شرکت نمیکنیم.^۲

نقش ویژه‌ی زن در مجموعه‌ی حیات اجتماعی

اسلام در اداره‌ی زندگی و مجموعه‌ی حیات اجتماعی نقش ویژه‌ای را

۱. در اجتماع باشکوه زائران مرقد مطهر حضرت امام خمینی (ره) (۷۶/۳/۱۴)

۲. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۶۴/۱۱/۴)

برای زن که بر اساس ترکیب جسمانی و روانی او مشخص شده است، در نظر گرفته، نقشی که نه کمتر و نه کم‌اهمیت‌تر از نقش مرد است. زن و مرد همواره در ارزشهای اسلامی و انسانی و وظایف عمومی یک انسان در جامعه‌ی اسلامی همسو و همسطح بوده‌اند و تنها در وظایف اختصاصی آن هم بر اساس خصوصیات آفرینش آنها اختلافاتی وجود دارد و اگر زن این وظایف را بشناسد، خواهد توانست، ستم طبیعی که بر او می‌رود برطرف کند.^۱

حضور زن در همه‌ی صحنه‌های اجتماعی

زن در تمام صحنه‌های اجتماعی هم می‌تواند شرکت کند، درس بخواند، درس بدهد، کسب کند، شغل اداری بگیرد، کارگری کند و تمام فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و مبارزاتی را که مرد در جامعه انجام می‌دهد، زن هم با حجاب انجام دهد.^۲

زن بایستی در میدان تلاش و جهاد عمومی و فعالیت‌های مشروع همگانی و در صحنه‌ی مبارزه با دشمن و در زمینه‌های سازندگی به اشکال گوناگون و در طیف وسیع شرکت و حضور داشته باشد.^۳

نیاز جبهه‌ی انقلاب به زنان کارآمد، فعال، زبان‌آور و عالم

زنان فعال در جبهه‌ی انقلاب، یک روزی نقش‌آفرینی برجسته‌ای کردند هم اندکی پیش از پیروزی انقلاب، هم در اوایل انقلاب، هم در دوران جنگ تحمیلی و از خودشان حضور نمایانی نشان دادند؛ نگذارید حضور نمایان زنان فعال در جبهه‌ی انقلاب کمرنگ بشود. دیگران در مواجهه‌ی با انقلاب و معارضه‌ی با انقلاب سعی میکنند از عنصر زن و زنان کارآمد استفاده کنند؛

۱. در دیداربا زنان مسلمان ایران و ۹ کشور جهان (۶۷/۱۱/۸)

۲. در خطبه‌های نماز جمعه (۶۵/۸/۹)

۳. در مصاحبه با ویژه‌نامه‌ی روز زن (۶۰/۲/۵)

جبهه‌ی انقلاب، زنان کارآمد و فعال و زبان‌آور و نویسنده و عالم و دانشمند بمراتب بیشتر دارد؛ خانمهایی که اهل اقدامند، اهل فکرند، اهل نگارش و نویسندگی‌اند، اهل سخن گفتند، اهل فکر دادند، صحنه‌ی انقلاب و دفاع از انقلاب را خالی نگذارند؛ این یک نکته است.^۱

تقبیح منع زنان از فعالیت‌های اجتماعی، حتی جهاد

من مطالبی شنیدم که البته از اعماق قلب مایلم درست نباشد. شنیدم در این منطقه نسبت به زنان تکریم لازم به عمل نمی‌آید و به آنان اجازه‌ی حضور در اجتماعات داده نمی‌شود. در اجتماع امروز، بحمدالله حضور خواهران بسیار چشمگیر است؛ اما شنیدم گاهی برای حضور در نماز جمعه و اجتماعات، به بعضی از زنان اجازه داده نمی‌شود. این درست نیست. همه جا، زنان مؤمن و مسلمان، در کنار مردان مؤمن قرار داشته‌اند. حتی در صدر اسلام، گاه زنان مؤمن و دلاور در میدان‌های جهاد حضور پیدا میکردند و به رزم با دشمن میپرداختند. البته جهاد بر زنان واجب نیست؛ اما حرام هم نیست. زنانی که بتوانند و مایل باشند، میتوانند در میدان‌های جهاد نیز حضور پیدا کنند. اسلام زنان را از شرکت در فعالیت‌های دینی، علمی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی منع نمیکند. البته باید حجاب خود را حفظ کرده و حدود شرعی را رعایت کنند.^۲

احساس شخصیت اجتماعی در زنان به برکت انقلاب

شخصیت اجتماعی زن بعنوان عضوی از این مجموعه‌ی عظیم، خیلی حایز اهمیت است. زنان در گذشته، اصلاً به این بخش توجهی نداشتند و اهمیتی نمیدادند. در مسؤولیتهای عمومی جامعه، نقشی برای زنان فرض نمیشد؛ خودشان هم نقشی را فرض نمیکردند؛ به‌خصوص در این سطح

۱. در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی (۹۲/۲/۲۱)

۲. در دیدار با مردم گنبد (۷۴/۷/۲۷)

وسیعی که امروز مطرح است. الان شما ملاحظه کنید، همه‌ی زنان روستاها و شهرهای دورافتاده، بعنوان افرادی از مجموعه‌ی نگهدارنده این انقلاب و اصحاب و صاحبان آن، برای خودشان شأن قائلند از این جهت، هیچ فرقی بین زن و مرد نیست؛ بلکه گاهی زنان، ایمان پُرشورتر و دید روشنتری نسبت به مسائل جامعه دارند و کشور و مسائل آن را متعلق به خودشان میدانند. چه زمانی چنین احساسی در بین زنان ما، آن هم در چنین سطح وسیعی از جامعه وجود داشت؟ این، به برکت انقلاب است. همان حالت خودآگاهی و احساس شخصیت اجتماعی که در مردان به وجود آمده است، میتوان گفت که در زنان با جست بیشتری به وجود آمده است. قبلاً هیچ نبوده؛ ولی حالا به میزان خیلی بالایی هست. همچنین آیا جنبه‌ی مشاغل و شئون خاصّ زنانه و قدر مادر و همسر بودن را دانستن، از جمله چیزهایی است که به آن توجه شده است.^۱

سهیم بودن واقعی زن در امور جامعه؛ بزرگترین ستایش زن ایرانی

همینی که زن ایرانی و زن مسلمان احساس میکند که در مسائل این مملکت شریک و سهیم است و روز نبرد اقتصادی هم باید در کنار دیگر نبردکنندگان اقتصادی، در کنار کشاورزان، در کنار صنعتگران و کارگران، در کنار سازندگان، در کنار کسانی که مسائل مختلف اقتصادی کشور را با سختی و سنگینی دارند پیش میبرند، باید او هم بایستد و بطورملمی، بطور واقعی، او هم در نبرد اقتصادی شرکت بکند؛ این بزرگترین ستایش زن مسلمان انقلابی ایرانی است. بدانید در کمتر جایی از دنیا وجود دارد که زن توانسته باشد شخصیت خودش را اینجور نشان بدهد، این غریبه‌ها، این تظاهرکنندگان به تمدن که از تمدن واقعی انسانی فرسنگها فاصله دارند، به بهانه‌ی مشارکت دادن زن در مسائل اجتماعی، بزرگترین اهانتها را به زن و به جامعه‌ی بشری کردند. و شما میدانید که زن غربی حقیقتش چیه؟

۱. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی-اجتماعی زنان (۶۹/۱۰/۱۶)

همچنانی که میدانید که زن ایرانی در دوران رژیم گذشته برایش چه سیاستی و چه سیاست خیانت‌آمیزی طراحی شده بود، و به کدام طرف زن ایرانی را میبردند. اسمش این بود که میخواستیم در کارها شرکتش بدهیم، اما رأی مرد و زن مورد اعتنای آن دستگاہها نبود، و از وجود زن بعنوان چیزی که انسان حتی گفتن آن را هم اهانت میدانند به زن، میخواستند استفاده کنند، بعنوان یک نیم حساس و فعال از زندگی انسان نمیخواستند به زن نگاه کنند. شما امروز در نماز جمعه هستید، در پشت جبهه هستید، در کارهای جنگ هستید، در نبرد اقتصادی هستید، در سازندگیهای جامعه هستید، در رأی دادن به مجلس شورای اسلامی و نمایندگان ملت هستید، در همه‌ی جاهایی که حضور انسان ایرانی و مسلمان انقلابی ایرانی در آنجا مؤثر است، شما هستید و اگر فعالتر از مردها در بسیاری از صحنه‌ها نباشید عقبتر از آنها نیستید. من الان توی این کار بدنی و جسمی که نسبتاً سخت هم هست نگاه کردم، دیدم شماها بهتر از این برادرها کار میکنید همچین بی رودربایستی. شماها توی چادر و با ملاحظه‌ی حجاب و با دستهایی که کار سخت، اگر چه زنهای ما تو خانه هم کار سخت میکنند الحمدلله زنهای ما دستهایشان پینه‌بسته است غالباً تو خانه‌ها، زنهای ما که اینجوری‌اند، شما هم حتماً همینجورید اما به هر حال اینجور کار سختی را شماها نکرده بودید. من دیدم، این برادرهای عزیز من که آمدم پهلویشان یک خرده کار کردند، یک خرده هی تماشای من میکردند اما وقتی آمدم پهلوشماها، شماها مشغول کارت‌ان بودید، شعار هم دادید. اظهار محبت هم کردید اما از کارت‌ان نماندید، این ممکن است چیز کوچکی به نظر بیاید، اما به نظر ما خیلی مهم است اینطور چیزها، این خیلی ارزش دارد. این جدی بودن زن ایرانی را نشان میدهد، این نشان میدهد که شماها واقعاً در صحنه‌های انقلاب حاضرید و میخواهید کار کنید.^۱

۱. در دیدار با پرسنل سازمان صنایع دفاع (۶۳/۷/۴)

بالا بردن ارزش زن در جامعه با آموزش و فعالیت‌های اجتماعی

حقیقت این است که طول مدت اختناق و سلطه‌ی فرهنگ بیگانه و ضد اسلامی، مرد و زن ما، مخصوصاً زنان ما را از شخصیت والای انسانی خود تنزل داده بود و امروز روز جبران آن تنزلها و عقبگردهاست. برای پیشرفت جامعه‌ی زن اولاً باید به فرهنگ و آموزش زنان در داخل خانه‌ها و آموزشگاهها و مراکز تعلیم و تربیت توجه خاصی بشود. زن را در خانه بریده از معارف جاری جامعه نگذارید، خانه‌ی او را برایش مدرسه کنید، کتاب و آموزش را در اختیار او قرار بدهید. ثانیاً راه را برای فعالیت اجتماعی زنان در جریانهای انقلابی و سازنده در جامعه باز کنید. پدران و مادران کمک کنند که فرزندان، دخترانشان، فرصت فعالیت‌های انقلابی را پیدا کنند؛ البته مراقب هم باشند که دشمنان انقلاب نقطه‌ی حساس جامعه، یعنی زنان را نیز هدف گرفته‌اند. حواسشان جمع باشد دختران و زنان در حوزه‌ی تبلیغات مخرب آنان قرار نگیرند، اما به فعالیت‌های اجتماعی سرگرم باشند.^۱

زن مسلمان و قرار گرفتن در سطوح عالی زندگی اجتماعی

در جوامع غرب و امریکایی زن مورد تحقیر و ظلم شوهر و فرزندان قرار میگیرد و از حق مادری به معنای واقعی آن محروم است. اما در جامعه‌ی اسلامی ایران زنان ما در سطوح عالی زندگی اجتماعی قرار دارند و ارزشهای انسانی خود را با حضور در میدان جنگ و فعالیت‌های بازسازی و ایفای نقش و قدرت روانی خود در پیشبرد اهداف اسلام و نظام اسلامی نشان داده‌اند.^۲

راهی دراز تا نشستن در جایگاه حقیقی

من جداً عقیده‌ام این است که با اینکه در مورد زنهای تحصیلکرده از لحاظ حضور در صحنه‌های اجتماعی و سیاسی یک پیشرفت متوسطی پیش

۱. آخرین خطبه‌های نماز جمعه قبل از ترور (۶۰/۲/۴)

۲. در دیدار با پرسنل و کارکنان نهادهای فرهنگی (۷۳/۷/۲۰)

آمده، یک پیشرفت خیلی زیاد، البته در مورد آنها هم پیشرفت بوده، اما به صورت یک جست نیست، اما برای مجموع زن ایرانی به صورت یک کل آنچه پیش آمده یک پیشرفت بسیار عظیم و شگفت آور است؛ ولی خوب هنوز در آغاز راه هستید. زنهای ایرانی باید بدانند که هنوز در گامهای اولند، هنوز راه زیادی در پیش داریم برای اینکه بتوانیم زن مسلمان را در جایگاه حقیقی خودش بنشانیم.^۱

زن ایرانی؛ برترین زنان دنیا

بانوان در نظام جمهوری اسلامی باید قدر عظمتی را که اسلام به آنان داده است، بدانند. دام مصرف‌زدگی را که سرمایه‌داران چپاولگر جهانی بر گرد زن امروز دنیا تنیده‌اند، کاملاً بدرند و ضد ارزشهای فرهنگ غربی، مانند برهنگی و معاشرت بی‌بندوبار با مردان و آلودگی به انواع فسادها را که در کشورهای پیشرفته و غالب کشورهای عقب افتاده بر زندگی زنان حاکم است، به چشم تحقیر و نفرت بنگرند و بدانند که امروز زن ایرانی که در صحنه‌های سیاست و کار و در میدانهای انقلاب با تقوا و پاکدامنی حضور دارد، برترین زنان دنیاست و این را مردان و زنان منصف و حق‌بین در همه جای جهان تصدیق میکنند.^۲

حقّ فعالیت‌های اجتماعی سیاسی و علمی برای زن مسلمان

زن مسلمان مثل مرد مسلمان حق دارد آنچه را که اقتضای زمان است، آن خلأیی را که احساس میکند، آن وظیفه‌ای را که بر دوش خود حس میکند، انجام دهد. چنانچه دختری مثلاً مایل است پزشک شود، یا فعالیت اقتصادی کند، یا در رشته‌های علمی کار کند، یا در دانشگاه تدریس کند، یا در کارهای سیاسی وارد شود، یا روزنامه‌نگار شود، برای او میدانها باز

۱. در مصاحبه پیرامون جایگاه زن در جمهوری اسلامی (۶۳/۱۲/۴)

۲. پیام به ملت شریف ایران، در پایان چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینی (ره) (۶۸/۴/۲۳)

است. به شرط رعایت عفت و عفاف و عدم اختلاط و امتزاج زن و مرد، در جامعه‌ی اسلامی میدان برای زن و مرد باز است. شاهد بر این معنا، همه‌ی آثار اسلامی است که در این زمینه‌ها وجود دارد و همه‌ی تکالیف اسلامی است که زن و مرد را بطور یکسان، از مسؤولیت اجتماعی برخوردار می‌کند. این که می‌فرماید: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»، مخصوص مردان نیست؛ زنان هم باید به امور مسلمانان و جامعه‌ی اسلامی و امور جهان اسلام و همه‌ی مسائلی که در دنیا می‌گذرد، احساس مسؤولیت کنند و اهتمام نمایند؛ چون وظیفه‌ی اسلامی است.^۲

حضور قدرتمندانه‌ی زنان در کنفرانسهای گوناگون علمی و سیاسی

امروز در دوران جمهوری اسلامی تعداد دختران دانشجو و زنان تحصیلکرده در مراکز آموزش عالی، شمار زنان شاغل به کار در مراکز پزشکی و درمانی و نهادهای علمی و تحقیقاتی و نیز تعداد زنان حاضر در صحنه‌ی سیاست کشور و مجامع بین‌المللی با گذشته قابل مقایسه نیست. زن مسلمان ایرانی امروز در مجامع جهانی و کنفرانسهای گوناگون علمی و سیاسی حضور قدرتمندانه‌ای دارد و از حقوق و نظر کشور و ملت خود دفاع می‌کند.^۳

مسؤولیت زن در فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی

فعالیت زنان در عرصه‌ی اجتماع، فعالیت‌ی کاملاً مباح و روا و مطلوب و مجاز است که با حفظ حدود اسلامی، اینها را انجام دهند و نیمی از نیروی فعال جامعه را به جامعه تقدیم کنند. آن وقتی که در جامعه، هم مرد تحصیل می‌کند و هم زن، جمعیت تحصیل کرده، دو برابر آن زمانی است که فقط مردان تحصیل می‌کنند. آن وقتی که زنان در جامعه تدریس می‌کنند، معلّم

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۶۳

۲. در اجتماع زنان خوزستان (۷۵/۱۲/۲۰)

۳. در دیدار با پرستاران و کارکنان نهادهای فرهنگی (۷۳/۷/۲۰)

در جامعه دو برابر تعداد آن وقتی است که فقط مردان تدریس میکنند. در فعالیت سازندگی، در فعالیت اقتصادی، در طراحی و فکر کردن و برای امور کشور و یک شهر و یک روستا و یک مجموعه و امور شخصی خانواده مطالعه کردن، میان زن و مرد تفاوتی نیست. همه مسئولند و همه باید انجام دهند.^۱

جهش زن در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی

زن ایرانی امروز در رأی‌گیری که قبل از انقلاب مردان هم در آن شرکت نمی‌کردند، شرکت میکند و در فعالیتهای سیاسی وارد میشود. زن ایرانی در نماز جمعه‌ها شرکت میکند. در قضایای مختلف شعار و نظر میدهد. در مسأله‌ی جنگ اظهار نظر میکند و برخورد فعال دارد. فرزند و برادر و شوهرش را به جبهه می‌فرستد. اگر خیلی از زنها مشوق نبودند، شوهران و فرزندان‌شان به میدان جنگ نمی‌رفتند. خلاصه اینکه در مسائل اجتماعی و سیاسی خانمها فعالیت وسیعی داشته‌اند و اگر چه ما امروز تشکیلاتی تحت عنوان جامعه‌ی یا سازمان زنان به صورت خیلی فعال نداریم، اما یک فعالیت عام در میان زنها داریم که به جمعیت خاصی مربوط نیست، بلکه به زن ایرانی و جامعه‌ی ایرانی مربوط است و این یک جلوه و نمود از جهش زن در فعالیتهای سیاسی اجتماعی است.^۲

اوج عظمت و آزادی زن

زنی که حاضر است برای ایده‌آلهایش و آرمانهای انقلابی‌اش و برای ایمانش اینقدر فداکاری کند، آیا این زن در اوج افتخار است، در اوج عظمت است و در اوج آزادی است یا آن زنی که تمام سعی و تلاشش این است که خود را به صورت یک کالای پر زر و زیور در اختیار چشمهای

۱. در اجتماع زنان خوزستان (۷۵/۱۲/۲۰)

۲. در مصاحبه با مجله‌ی زن روز (۶۳/۱۲/۱۳)

حریص و دستهای حریص بگذارد؟ یک چنین زنانی، مادران و همسران این جامعه هستند.^۱

زن و دانش؛ از ارکان بنای جامعه‌ی سالم و پیشرفته‌ی اسلامی

امروز دنیا تشنه است تا ببیند پیام ادیان چیست. در میان ادیان عالم، آن دینی که ادعا میکند میتواند جامعه را به صورت همه‌جانبه بسازد، اسلام است. مسیحیت امروز و بقیه‌ی ادیان به طریق اولی، این ادعا را ندارند؛ لیکن اسلام ادعا میکند که ارکان بنای یک نظام اجتماعی را در اختیار دارد و میتواند این پایه‌ها و رکنها را بنشانند و بر اساس این پایه‌ها، یک نظام اجتماعی و یک جامعه‌ی سالم و پیشرفته بنا کند. ما بایستی در همه‌ی بخشها، از جمله در مسأله‌ی کسب دانش و همچنین در پیوند با این مسأله، مسأله‌ی زن و دانش، نشان بدهیم که این امکان در اختیار اسلام است.^۲

نقش اساسی زنان در بازسازی کشور

در دوران بازسازی کشور اسلامی که در این دوران، هم ملت و هم مسؤولان، در صدد آن هستند که ایران بزرگ را هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ نظم اجتماعی و هم از جهات معنوی، بازسازی حقیقی بکنند بیشترین تکیه بر نیروی انسانی است.

وقتی صحبت از نیروی انسانی است، باید توجه کنیم که نصف جمعیت کشور و نیمی از نیروهای انسانی، بانوان کشورند. اگر بینش غلطی در مورد زن وجود داشته باشد، بازسازی به معنای حقیقی و در سطح وسیع آن، شدنی نیست.^۳

۱. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۶۴/۱۲/۲۳)

۲. در دیدار با گروهی از زنان پزشک سراسر کشور (۶۸/۱۰/۲۶)

۳. در اجتماع زنان خوزستان (۷۵/۱۲/۲۰)

تأثیر تعیین‌کننده و سازنده‌ی زنان در جامعه

عزیزان من زن مسلمان، در انقلاب و در نظام اسلام درخشید. زن مسلمان توانست جایگاه بسیار ارزشمند و درخشانی را در جامعه‌ی خود و در جامعه‌ی زنان عالم، به خود اختصاص بدهد. این، شعار نیست؛ واقعیت محض است. اگر زنان مسلمان همت نمی‌کردند و احکام و معارف اسلامی و مسؤولیت عظیم اسلامی را به خودشان متوجه نمی‌دیدند و عمل نمی‌کردند، این انقلاب پیروز نمیشد؛ این جنگ تحمیلی و دفاع هشت ساله‌ی ملت مسلمان ایران، به نتیجه نمی‌رسید. امروز هم اگر زنان مسلمان در صحنه نباشند، میدان سازندگی هم ناقص و کار سازندگی لنگ خواهد ماند.

تنها مطلب این نیست که زنان نیمی از جمعیت کشورند؛ نباید به این قضیه به چشم کمیّت نگاه کرد. بله، زنان نیمی از جمعیت کشورند؛ اما تأثیر زن تأثیر این نیم جمعیت در سرنوشت این کشور، آن وقتی که بخواهند در سرنوشت دخالت کنند، بیش از تأثیر نیمی از کل جمعیت در سرنوشت است. یک وقت است که ما مجموعه‌ای از انسانها را در نظر می‌گیریم، نیمی از آنها نقشی به قدر پنجاه درصد دارند. مسأله‌ی زن در جامعه‌ی اینگونه نیست؛ بالاتر از اینهاست.

اگر زنان در یک جامعه، به فکری مؤمن بشوند و در راهی قدم بگذارند و علی‌رغم موانع آن راه را ادامه بدهند، تأثیر آنها بر روی فرزندان، همسران، حتی برادران و پدرانشان، یک تأثیر تعیین‌کننده و سازنده است. آن‌که جوانان را تربیت میکند و در راههای گوناگون قرار میدهد در درجه‌ی اول مادر است. البته عوامل دیگر نقش دارند، نقشهای زیادی هم دارند؛ اما نقش مادر از آن نقشها کمتر نیست و در مواردی بیشتر است. زن تنها خود به راهی نمیرود، مردها را در آن راه میبرد. اهمیت تفکر زنان در یک جامعه، در این است!^۱

۱. در دیدار با بانوان هرمزگان (۷۶/۱۱/۲۹)

حضور زن در صحنه؛ یعنی حضور خانواده در صحنه

اگر کشور بتواند جامعه‌ی زنان را با تکیه بر تعلیمات اسلامی، با همان معارفی که اسلام خواسته است، آشنا بکند، من تردیدی ندارم که پیشرفت و ترقی و تعالی کشور مضاعف و چند برابر خواهد شد. در هر میدانی که بانوان مسئولانه در آن میدان وارد بشوند، پیشرفت در آن میدان چند برابر خواهد شد. خصوصیت حضور خانمها در میدانهای مختلف این است که وقتی زن خانواده وارد میدان میشود، یعنی همسر و فرزندان او هم واردند. حضور مرد به این معنی نیست، اما حضور زن به این معناست. در هر میدانی که زن وارد بشود زنی که خانم و کدبانوی یک خانه است در حقیقت همه‌ی آن خانه را در آن میدان وارد میکند. حضور زنان در بخشهای مختلف بسیار مهم است.^۱

اگر محیط خانواده به برکت وجود زن محیط سالمی باشد، جامعه بطور کامل اصلاح خواهد شد، زنان در اصلاح جامعه نقش بسیار برجسته‌ای دارند.^۲

صلاح زنان منتهی به صلاح مردان

امروز این راهی که ملت اسلام، به‌خصوص ملت بزرگ و شجاع ایران در پیش گرفته است - راه تحقق آرمانهای اسلامی - راه نجات انسانها، راه دفع ظلم، راه شکستن بتهای زر و زور قدرت در دنیاست؛ بایستی این راه را درست شناخت و از آن پاسداری و حراست و حفاظت کرد. به اراده‌های قوی، به دل‌های محکم و ظرفیتهای بالا احتیاج است؛ و این جز با تربیت الهی و اسلامی مرد و زن ما امکانپذیر نیست. صلاح زنان در جامعه، به دنبال خود، صلاح مردان را هم می‌آورد. نقش زنان در این مورد، جزو نقشهای

۱. در اجتماع خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

۲. در دیدار جمعی از پرستاران (۷۴/۷/۱۲)

برجسته و شاید نقش اول است.^۱

نقش زن در امور فرهنگی و آموزشی

از مسؤولیتهای مهمی که زنان میتوانند در آن نقش داشته باشند، در امور فرهنگی و آموزشی است؛ شما بنا به وظیفه‌ی حساستان باید شاگردها را در مدارس مؤمن تربیت کنید، نه متظاهر و دارای احساس اجبار به ایمان. با ظرافت و دقت و لطف در ریختن شربت ایمان تا اعماق وجود نوباوگان تلاش کنید. امروز تنها ابزارهایی که در دست استکبار جهانی بر ضد ما وجود دارد، دو ابزار است؛ یکی ابزار فشار اقتصادی در کوتاه‌مدت و دیگری ابزار فساد فرهنگی در درازمدت که خطرناکتر است.

معلمین در طبقه‌بندی ارزش مشاغل در درجه‌ی اول قرار دارند و این شما هستید که باید به متعلمینتان جهاد و ایثار و آینده‌نگری را بیاموزید تا آینده‌ی انقلاب تضمین شود.^۲

فعالیت اجتماعی زنان؛ در حکم حفظ پشت جبهه

یکی از چیزهایی که در دنیا در باور فرهنگهای غربی یک چیز مسلمی شده که در دوران طاغوت به فرهنگهای نوع فسادانگیز آنها هم کشانده بود، این است که زن اگر چنانچه شغلی در خارج خانه نداشته باشد از زینت کم است، این غیر از فعالیت اجتماعی است. مسأله‌ی شغل داشتن است. یعنی به یک ماشین‌نویسی قانع بود، به یک کارمندی یک گوشه‌ی ادارات قانع بود، بحث این نبود که میخواست در یک فعالیت اجتماعی مشارکت کند. بحث این بود که میخواست آن هم مثل مردها یک شغل داشته باشد. اگر فروشنده‌ی یک مغازه را، یک سوپرمارکت را به او میدادند هم خوشحال

۱. در دیدار با جمع کثیری از پرستاران (۷۰/۸/۲۲)

۲. در دیدار با نمایندگان خواهران فرهنگی کشور (۶۳/۱۱/۷)

بود؛ در حالی که ما این را یک فعالیت اجتماعی نمیدانیم. آنی که ما میگوییم و اسلام میگوید که کار اصلی زن توی خانه است، آن به این معنا است که کار اصلی زن هنگامی که امرش دائر باشد بین شوهرداری و بچه‌داری و خانه را جارو پارو کردن یا اداره‌ی یک سوپرمارکت برای اینکه فلان قدر پول در بیاورد، آن اولی مقدم است، آن اولی شغل زن است؛ سوپرمارکت را بگذارد مرد برود اداره کند، کارمندی فلان اداره را بگذارد مرد برود بکند، هنگامی که صحبت نان در آوردن مطرح است. التفات میکنید؟ نان در آوردن از یک کار توی بازار و توی اداره و توی خیابان و توی نمیدانم فرض کنید که هر گوشه‌ی دیگر غیر از این است که انسان یک کاری را بعنوان یک حرکت اجتماعی، یک کار لازم، یک فریضه انجام میدهد. این دومی است که محترم است، این دومی است که بین زن و مرد مشترک است. آن اولی - یعنی نان در آوردن زن - جزو وظایف زن مطلقاً نیست. آنجایی که زن میخواهد برود بیرون برای اینکه نان در بیاورد نه، همان توی خانه بماند. نان در آوردن جزو وظایف زن نیست، بر او لازم هم نیست، بیخود زحمتش را هم به خودش ندهد، کارهایی دارد که معادل آن کار هست داخل خانه، خیلی هم مهمتر است. اما آنایی که صحبت فعالیت اجتماعی است، صحبت جهاد در راه خداست، صحبت کار فرهنگی است، صحبت عرض کنم که حفظ پشت جبهه است، صحبت کارهای سیاسی گوناگون است، آنجا بله زن برود، آنجا تکلیف اوست، وظیفه‌ی اوست، بایستی هر چی هم میتواند اگر چنانچه آن کار، کار واجبی هست از کار داخل خانه هم بزند، آن را محدود کند تا اینکه بتواند به آن کار اجتماعی و سیاسی اش برسد.^۱

مسئولیت‌های مشترک و اختصاصی

البته مسئولیت‌هایی هست که مشترک است. همانطور که گفتیم، مسئولیت حضور در جامعه و فهمیدن دردهای عمومی جامعه و سعی در علاج

۱. در مصاحبه پیرامون جایگاه زن در جمهوری اسلامی (۶۳/۱۲/۴)

دردهای عمومی جامعه، مخصوص مرد و مخصوص زن نیست؛ زنها هم نمیتوانند شانه‌شان را از این مسؤولیت خالی کنند. اگر زنها باید در این زمینه کاری انجام بدهند، البته باید انجام بدهند - محدودیتی هم وجود ندارد - اما مسؤولیتهای اختصاصی هم، یعنی آن کاری که خدای متعال به حسب طبیعت به عهده‌ی زن قرار داده، مهم است.^۱

محدودیت نداشتن اسلام در زمینه‌ی تلاش و کار و وظیفه‌ی خانمها

زن نیمی از جامعه است، زن نیمی از عنصر انسانی است. زن بایستی همه‌ی فعالیت‌هایی که مردها میکنند، زنها هم بایستی بکنند به حسب استطاعت جسمی و روحی و عصبی‌شان. اصلاً محدودیتی برای زن وجود ندارد برای تلاش گوناگون. نه محدودیتی در تلاش علمی او وجود دارد نه محدودیتی در تلاش سیاسی او وجود دارد. نه محدودیتی در تلاش اجتماعی او وجود دارد، نه محدودیتی در تلاش دینی او وجود دارد، محدودیتی وجود ندارد، یعنی؛ از نظر اسلام محدودیتی در این زمینه‌ی تلاش و کار و وظیفه قرار داده نشده، مگر در حد خیلی معدودی در یک مواردی که البته بعضی از آن موارد الان مورد اختلاف است، مثل؛ مسأله‌ی قضا. مسأله‌ی قضاوت که آیا زنها میتوانند قاضی باشند یا نه؟ این محلّ اختلاف است. من اعتقادم این است که یک بازنگری دیگر به این مسأله بایستی حتماً انجام بگیرد و فقهای ما با دید روشن و مسلح به بینش جدید خودشان را به کار بیندازند، پاسخ اسلامی را در این زمینه روشن کنند. به‌هرحال اگر بشود موارد خیلی محدودی است.

زن و مرد هر کدامی علاوه بر این وظایف مشترکی که دارند، هر کدام یک وظیفه‌ی اختصاصی هم دارند که آن وظیفه‌ی اختصاصی قابل انتقال به دیگری نیست.^۲

۱. در دیدار با گروه کثیری از زنان نخبه (۱۳/۴/۸۶)

۲. در جلسه‌ی پرسش و پاسخ با دانشجویان دانشکده علوم شهید بهشتی خرم‌آباد (۲۲/۱۰/۶۷)

حرکت زن در جهت ارزشهای واقعی در جامعه‌ی اسلامی

اگر شما در جامعه‌ی اسلامی به زن نگاه کنید، رفتار عمومی او را رفتاری میبینید که در جهت ارزشهای واقعی، در جهت علم، در جهت تقوا، در جهت تخصصهای بالا، در جهت فعالیت و تلاش سیاسی، در جهت کمک‌رسانی به انسانها، در جهت کیفیت دادن به محیط خانواده و احیای سنت خانواده است.^۱

۱-۲ شرایط حضور اجتماعی زنان

باز بودن میدانهای مختلف با حفظ خصوصیات زنانه

زن مانند گلی است که باید او را مراقبت کرد. با این چشم باید به این موجود دارای لطافت‌های روحی و جسمی نگاه کرد. این نظر اسلام است. هم خصوصیت زنانگی زن که همه احساسات و خواسته‌های او براساس این خصوصیت زنانگی است حفظ شده است، بر او تحمیل نشده است، زن بودن که یک خصوصیت طبیعی و فطری و محور همه‌ی احساسات و تلاشهای زنانه است، در دید اسلام حفظ شده؛ هم در عین حال، میدان علم، میدان معنویت، میدان تقوا، میدان سیاسی بر روی او باز شده است و او هم به کسب علم تشویق شده است. هم به حضور در میدانهای گوناگون اجتماعی و سیاسی. آن وقت در داخل خانواده هم به مرد گفته‌اند که حق تکلیف، تحمیل، زیاده‌روی، اعمال قدرتهای جاهلانه و غیرقانونی ندارد. این، آن نگاه اسلامی است.^۲

به میدان آمدن زنان مؤمن؛ مقابله با تهاجمات دشمن

الحمدلله همه‌ی شما خانمها، تا آنجا که من میشناسم - آنهایی هم که من شخصاً از نزدیک نمیشناسم، بالاخره با این خصوصیتی که خانم بیان

۱. در دیدار با جمعی از پرستاران (۷۴/۷/۱۲)

۲. در دیدار با گروه کثیری از بانوان (۷۹/۶/۳۰)

کردند، معلوم شد - خانمهای برجسته‌ای هستید و از شما این انتظار هست؛ یعنی کاری که من گمان میکنم امروز وظیفه‌ی یک مجموعه‌ی زنانه‌ی مؤمن و انقلابی و قوی هست، این است که باید به میدان بیایید و با تهاجمهای دشمن - به خصوص در زمینه‌ی زنان - مقابله کنید.^۱

نقش اجتماعی ویژه‌ی زن متناسب با ترکیب جسمانی و روانی

اسلام برای زن در اداره‌ی کلّ زندگی و مجموعه‌ی حیات اجتماعی نقش قائل است؛ نقش ویژه‌ی خودش، نقشی که به هیچ وجه از نقش جنس دیگر یعنی مرد، کمتر، کوچکتر و کم‌اهمیت‌تر نیست. برای مرد هم نقش ویژه‌ی خودش را قائل است. ترکیب جسمانی و روانی زن آن را برای آن تکلیف آماده کرده. این تکلیف عبارت است از آن چیزی که زن و مرد مرزشان آنجا از هم جدا میشود.^۲

ضرورت حضور اجتماعی همراه با ایفای نقش مادری و همسری

برعکس جوامع غربی، اسلام به نقش مادران و زنان در جامعه بسیار تأکید دارد و معتقد است باید مادران جامعه اصلاح شوند تا تاریخ آینده تضمین شود. در اسلام هر کس زن را به بیسوادی و بی‌اعتنایی به شرکت در کارهای اجتماعی و مادر بودن و همسر بودن تشویق کند، خیانت کرده است.^۳

نقش‌آفرینی زن در خانواده توأم با اجتماع

اگر گفته میشود که مسؤولیتهای خانوادگی دارند، یعنی مسؤولیت امور داخلی خانه این به معنای این نیست که مسؤولیت اجتماعی از دوش اینها برداشته است. بایستی این مسؤولیت را هم حفظ کنند و هر مقداری که با وجود حفظ این مسؤولیت توانایی دارند، آن توانایی را به مسؤولیتهای

۱. در دیدار اعضای شورای مرکزی جمعیت زنان (۷۱/۲/۱۵)

۲. در کنگره‌ی بین‌المللی زن و انقلاب جهانی اسلام در تالار تئاتر شهر (۶۷/۱۱/۸)

۳. در دیدار با گروهی از خواهران (۶۳/۱۲/۲۱)

اجتماعی و سیاسی هم ضرب کنند.^۱

مسئولیت اجتماعی زنان همراه با تقدّم مسئولیت خانوادگی

وقتی راجع به مسئولیت خانوادگی زن و مسئولیت داخلی اش صحبت میکنیم، منظورمان این نیست که باید مسئولیت اجتماعی از دوش زن برداشته شود بلکه مسئولیت اجتماعی هم بر دوش او هست و آن غیر این است. ولی اینجا تقدّم وجود دارد، همچنانکه در مورد مرد هم تقدّم وجود دارد. آیا هیچکس به ذهنش می آید که چون مرد مسؤل نان آوری خانه هست، هیچگونه مسئولیت اجتماعی ندارد؟ و اصلاً تصوّر چنین چیزی ممکن است؟ در حالی که ما میدانیم هدف از پذیرفتن مسئولیتهای اجتماعی، نان آوری به خانه نیست و حتی گاهی با آن منافات هم دارد؛ یعنی گاهی ممکن است اگر مرد بخواهد به مسئولیتهای اجتماعی اش برسد، به کار نان آوری خانواده اش نمیرسد. لذا در آنجا به حداقل قناعت میکند و عیناً همین حرف را در مورد زن هم میزنیم. یعنی وقتی راجع به مسئولیت خانوادگی زن و مسئولیت داخلی اش صحبت میکنیم، منظورمان این نیست که باید مسئولیت اجتماعی از دوش زن برداشته شود بلکه مسئولیت اجتماعی هم بر دوش او هست و آن غیر از این است. ولی اینجا تقدّم وجود دارد، همچنان که در مورد مرد هم تقدّم وجود دارد، بنابراین وقتی گفته میشود خانمها مسئولیت خانوادگی و امور داخلی خانه را بر عهده دارند، به معنای آن نیست که مسئولیت اجتماعی از دوش آنها برداشته شده است بلکه آنها باید با وجود حفظ این مسئولیت هر مقدار که توانایی دارند، برای مسئولیتهای اجتماعی و سیاسی صرف کنند.^۲

۱. در مصاحبه پیرامون جایگاه زن در جمهوری اسلامی (۶۳/۱۲/۴)

۲. مصاحبه با مجله زن روز (۶۳/۱۲/۱۳)



فَعَالِيَّتِ اجْتِمَاعِي بَا حَفْظِ جَنْبِهِی خانهداری و حفظ بنیان خانواده

خانمها فَعَالِيَّتِ اجتماعیشان را بکنند، منتها با حفظ جنبه‌ی خانهداری. البتّه من نمیگویم که همه‌ی زنها باید خانهدار باشند نه، ممکن است خانمهایی باشند که در کارهای مختلف، مسؤولیتهای مختلف اجتماعی به وجود آنها نیاز شدید باشد، مجبور هم باشند و فرضاً مبالغی از وقتی را که صرف خانواده ممکن است بکنند در آن کارهای حسّاس صرف کنند برای آنها شاید گاهی واجب عینی هم باشد؛ شاید واجب عینی یا کفایی باشد در مواردی، در این شکی نیست، اما این فراموش نشود که فَعَالِيَّتِ اجتماعی، فَعَالِيَّتِ سیاسی، درس خواندن، درس گفتن نباید رقیب و مزاحم همسر بودن و مادر بودن زن به حساب بیاید؛ و زن با اخلاق انقلابی و اسلامی خودش میتواند سازنده‌ی مرد و سازنده‌ی نسلهای آینده باشد.^۱

زنان در اسلام با حفظ بنیان خانواده میتوانند به همه‌ی عناوینی که مردان دست می‌یابند جز موارد استثنائی محدود و از جمله حقّ قضاوت دست یابند. اسلام از بانوان میخواهد تا کوشش کنند بنیان خانواده مستحکم بماند.^۲

حضور مؤثر زن در خانه و خانواده؛ شرط کار بیرون از خانه

شما کار هم دارید، بیرون هم هستید، جراحیتان را هم میکنید، مریضتان را هم میبینید، فلان کار علمی را هم میکنید، فلان طرح را هم مینویسید، فلان درس را هم در دانشگاه میدهید. همه‌ی اینها به جای خود محفوظ اما بایستی سهم خانه را هم در نظر داشته باشید. البتّه سهم خانه، مثل همه‌ی چیزهای دیگر، میتواند کمیّتش فدای کیفیتش بشود؛ یعنی از کمیّت کاستن حضور ۲۴ ساعته زن در خانه، یک معنا دارد؛ ولی وقتی از آن ۲۴ ساعت کم کردید، اما کیفیتش را بالا بردید؛ آن وقت یک معنای دیگری خواهد داشت، اگر دیدید آن کارنامه به این قضیه ضربه میزند، باید برایش فکری بکنید،

۱. در دیدار با گروهی از بانوان کشور (۶۳/۱۲/۲۱)

۲. در کنگره‌ی جهانی زن (۶۶/۱۱/۱۷)

این، مهم و اساس است، مگر در موارد اضطراری در همه‌ی چیزها ضرورت وجود دارد که خارج از حدّ قاعده است. من قاعده را دارم می‌گویم؛ به استثناء کاری ندارم.^۱

شرایط جهاد برای خانمها

در رابطه با جنگ، من فکر نمی‌کنم معنی وجود داشته باشد که خانمها بروند. خب خواهرهای دانشجو بروند کار کنند آنجا. ما در مورد جنگ فقط سربازی زنها را اعتقاد نداریم، مگر در وقت ضرورت؛ یعنی وقتی که نیاز قاطع هست و دفاع متوقّف به این است، آن وقت دیگر زن و مرد و پیر و جوان ندارد همه باید بروند. اما تا مادامی که چنین وضعی پیش نیامده است، جهاد از خانمها برداشته است و واجب نیست بر آنها. البته نمیتوانیم هم بگوییم حرام است در یک جاهایی شاید جایز باشد، در صدر اسلام هم نمونه‌هایش را، یک مواردی داشتیم که خانمی در میدان جنگ مثلاً رفته است، جنگیده است، به یک شکلی مواردی که لازم بوده. ولیکن نه، سربازی واجب نیست برای خانمها. میدانم الان بسیج چقدر آموزش خواهران را دارد لکن تصوّر این است که هرگاه صحبت شده است، مسؤولین بسیج گزارشهایشان حاکی از این بوده است که خانمها هم آموزش می‌بینند، حالا ولو به حجم آقایان نه، اما جریان آموزش زنها تعطیل نشده است.^۲

۱-۳- اشتغال زنان

شرایط اشتغال زنان در اسلام

اسلام با کار کردن زنان نه تنها موافق است، بلکه تا آنجایی که با شغل اساسی او که مهمترین شغل اوست، یعنی تربیت فرزند و حفظ خانواده، مزاحم نباشد، شاید لازم هم میدانند. یک کشور نمیتواند از نیروی کار زنان

۱. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان (۷۰/۱۰/۴)

۲. در مصاحبه بامجله‌ی زن روز (۶۶/۱۲/۱۳)

در عرصه‌های مختلف بی‌نیاز باشد. اما این کار باید با کرامت و با ارزش معنوی و انسانی زن منافات نداشته باشد. باید زن را تذلیل نکند. زن را وادار به تواضع و خضوع نکنند.^۱

اسلام مانع مشاغل و مسؤولیتهای زنان نیست مگر در موارد استثنایی، که بعضی مورد اتفاق بین فقهاست، بعضی هم مختلف‌فیه است، و در این زمینه‌ها هم البته باید کار شود.^۲

استخدام خانمها در ادارات دولتی

خانمها مجازند که استخدام بشوند، مجازند کار دولتی کنند، مجازند توی مجلس بروند، مجازند در سازمانهای دولتی تا سطوح بالای دولتی هم بروند، هیچ اشکالی ندارد. اما من یک نکته‌ای را من به این خواهری که این سؤال را کرده بگویم و آن این است که حالا اگر فرض کردیم خواهرها نشد استخدام دولتی بشوند، آیا این دلیل این میشود که آن دولتی که زنها را وارد ادارات نمیکند؛ این با زنها بد است؟ این است واقعاً نظر شما؟ خدمت به بانوان در جامعه همین است که بیایند آنها را ادارات دستشان را بند کنند یک شاهی صنار حقوقی مثلاً بهشان بدهند؟ این است؟ فکر میکنم خیلی بیش غیرمنصفانه‌ای نسبت به زن باشد.^۳

همخوانی کار زن با خلقت، عواطف، ویژگیهای ذاتی او

اساسی‌ترین کار زن، کاری است که با خلقت زنانه‌ی او، با احساسات و عواطف به ودیعت نهاده‌ی الهی در وجود او، همخوان و هماهنگ باشد. رسیدن و پرداختن به عواطف جوشان و پاسخ گفتن به آن محبتی که خدای متعال در همه‌ی وجود زن نهاده است مهم است. البته شغل هم ممکن است

۱. در دیدار گروهی از زنان (۷۱/۹/۲۵)

۲. در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

۳. در جلسه‌ی پرسش و پاسخ با دانشجویان (۶۷/۱۰/۲۲)

در مواردی برای بعضی از زنان، اجتناب‌ناپذیر و برای بعضی لازم باشد. به هر حال شغل برای زن، امری مباح و جایز است؛ اما اسلام، ارزش زن را لزوماً به آن نمیداند.^۱

خداوند متعال گنجینه‌ی با ارزش لطف، آرامش و رحمت را در وجود زن قرار داده است و زنان در جامعه باید در مسؤولیتها و مشاغلی انجام وظیفه نمایند که با این صفات و ویژگیهای ذاتی متعارض نباشد.^۲

باید طبیعت و فطرت زن و طبیعت و فطرت مرد، مسؤولیتها و مشاغل اختصاصی زن، مسؤولیتها و مشاغل اختصاصی مرد و آنچه میتواند مشترک بین اینها باشد، انجام بگیرد و از روی انفعال و تقلید نباشد.^۳

عدم اجبار اسلام بر تحمیل کار سنگین به زن

تحمیل کار سنگین به زن، ظلم به زن است. اسلام این توصیه را نمیکند؛ اما کار علمی و تلاش اقتصادی و سیاسی و اجتماعی را هم منع نمیکند. البته روایتی از نبی مکرم اسلام است و فرموده است: «زن شما گل است، قهرمانه نیست»؛ یعنی زن در خانه‌ی شما مثل گلی لطیف است که باید با کمال ظرافت و دقت رفتار کرد. پیشکار و خدمتگزار شما نیست که خیال میکنید کارهای سنگین را باید به او محول کرد. اینکه بعضی وقتی میخواهند ازدواج کنند، شرط میکنند که زن حتماً باید کار بکند و شغل و درآمدی داشته باشد، کاملاً خطاست. اسلام چنین چیزی نگفته است؛ اما نه آن طرف اینکه زن را به کارهای سنگین و تلاشهای دشوار اقتصادی و یا اجتماعی یا سیاسی مجبور کنند، این را هم اسلام توصیه نکرده است؛ نظر اسلام یک نظری میانه است؛ یعنی زن اگر فرصت و فراغت داشته باشد، بچه‌داری مانع

۱. در دیدار با بانوان استان هرمزگان (۷۶/۱۱/۲۹)

۲. در دیدار با زنان نماینده‌ی مجلس (۸۰/۷/۱۴)

۳. در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)



او نشود، شوق و علاقه و توان جسمانی داشته باشد و بخواهد وارد فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی شود، مانعی ندارد؛ اما اینکه مجبورش کنند، اسلام این را نخواست است.^۱

درگیر کردن زن و شوهر برای کسب معاش؛ نقشه‌ی سرمایه‌داران برای ثروت بیشتر

برای کسب معاش، زن و شوهر روز و شب کار کنند و توان نداشته باشند تا بتوانند زندگی خودشان را بگذرانند، اما در مقابل سرمایه‌داران بزرگ - راکفلرها و فوردها و آنهایی که حالا جدیداً در این میدان وارد شده‌اند - کوههایی از ثروت داشته باشند که نتوانند محاسبه کنند؛ اینها مورد نظر ما نیست. پیشرفتی که در خدمت طبقه‌ی سرمایه‌دارها باشد، پسرفت است. پیشرفتی که با باختن هویت مستقل ملی همراه باشد و انسان خودش را از دست بدهد، پیشرفت نیست.^۲

عدم خضوع زن در برابر مردان در محیط کار

من با کسانی که بعنوان بکارگیری زن، منشی زن استخدام میکنند، مخالفم. خب، زنان در دستگاههای مختلف این همه کارهای خوب دارند انجام میدهند و مدیریتهای خیلی خوب انجام میدهند. بزرگترین مشکل هم آن حالت سیطره‌ی مردانه بر زن است. این را به‌خصوص زنها بیشتر باید بدانند. «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ»^۳؛ در قرآن میگوید، برای اینکه مرد - که جنس متجاوز و شروع‌کننده است - قدرت پیدا نکند، زن نباید در مقابل او خضوع کند؛ خضوع در زبان و سخن گفتن. می‌بینیم اینها اسرار است و در اینها رازهای بزرگ هست؛ اما ما متأسفانه همینطور غافل از اینها عبور میکنیم و نمیفهمیم. ابزار، یعنی وسیله‌ی مردم برای رفتن به

۱. در جمع خواهران ارومیه (۷۵/۶/۲۸)

۲. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان سمنان (۸۵/۰۸/۱۸)

۳. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۲

سمت گناه؛ آن حالت تجاوزطلبی و افزون‌خواهی و اقدام و ابتکار اوست؛ ابزار زن و کمک زن در رفتن به سمت گناه، حالت وادادگی و خضوع و تواضع اوست؛ لذا تکبر حرام است؛ اما برای زنها در مقابل مرد بیگانه جزو چیزهایی ممدوح است که متکبر باشند. این حالت در بعضی از مشاغل بکلی از بین می‌رود؛ مثل همین منشیگری و مستخدم بودن زن. غیر از تسلط مردانه، چنین حالتی وجود ندارد. در منشیگری، از این قبیل وجود دارد.^۱

لطمه نخوردن پیوند زن و شوهر؛ شرط اشتغال بیرون و داخل منزل بانوان

بعضیها از ما می‌پرسند: شما موافقید زنها بروند کار کنند؟ ما می‌گوییم: البته، ما با بیکاری خانمها مخالفیم؛ زن اصلاً باید کار کند. البته کار دو جور است: یکی کار داخل خانه و یکی کار بیرون خانه، هر دو کار است؛ اگر کسی استعداد دارد در کارهای مربوط به بیرون منزل، باید انجام دهد، خیلی هم خوب است. منتها یک شرط دارد، باید جوری باشد که این اشتغال - حتی در داخل خانه - به پیوند زن و شوهر لطمه‌ای نزند. بعضی از خانمها هستند که خودشان را از صبح تا شب میکشند بعد که مرد به خانه می‌آید، حوصله یک لبخند زدن به او را هم ندارد. این هم بد است. کارخانه را باید کرد اما نه آنقدری که این کارخانه به انهدام خانواده منتهی بشود.^۲

اشتغالات اقتصادی، سیاسی و خیرخواهانه‌ی زنان، مشروط به حفظ خانواده و حریم محرم و نامحرم

از جمله مسائلی که مطرح میشود، مسأله‌ی اشتغال بانوان است. اشتغال بانوان از جمله چیزهایی است که ما با آن موافقیم. بنده با انواع مشارکتهای اجتماعی موافقم؛ حالا چه از نوع اشتغال اقتصادی باشد، چه از نوع اشتغالات

۱. در دیدار اعضای شورای شهر و شهرداران تهران (۸۴/۱۲/۱۳)

۲. در مراسم اجرای صیغه عقد (۷۲/۱۱/۱۲)

سیاسی و اجتماعی و فعالیت‌های خیرخواهانه و از این قبیل باشد؛ اینها هم خوب است. زنها نصف جامعه‌اند و خیلی خوب است که اگر ما بتوانیم از این نیم جامعه در زمینه‌ی اینگونه مسائل استفاده کنیم؛ منتها دو سه تا اصل را باید ندیده نگرفت. یک اصل این است که این کار اساسی را - که کار خانه و خانواده و همسر و کدبانویی و مادری است - تحت الشعاع قرار ندهد. به نظرم میرسد مواردی داشتیم که خانمهایی اینطور عمل میکردند. البته یک قدری به آنها سخت میگذرد؛ هم درس خواندند، هم درس دادند، هم خانه‌داری کردند، بچه آوردند، بزرگ کردند، تربیت کردند. پس ما با آن اشتغال و مشارکتی کاملاً موافق هستیم که به این قضیه‌ی اصلی ضربه و صدمه نزنند؛ چون این جایگزین ندارد

دومین مسأله، مسأله‌ی محرم و نامحرم است. مسأله‌ی محرم و نامحرم در اسلام جدی است. البته بخش عمده‌ای از این قضیه‌ی محرم و نامحرم باز برمیگردد به خانواده؛ یعنی چشم پاک و دل بی‌وسوسه و ریب برای هر یک از زوجین موجب میشود که محیط خانواده از طرف او تقویت و گرم شود؛ مثل یک کانون گرمابخشی، محیط را گرم میکند. اگر آن طرف مقابل هم همین چشم پاک و دل خالی از وسوسه را داشت، طبعاً این دوجانبه خواهد شد و محیط میشود محیط کانون خانوادگی گرم و بامحبت. اگر چنانچه نه، چشم خائن، دست خائن، زبان دو وجه، دل بی‌محبت و بی‌اعتقاد به همسر و همسر وجود داشت، ولو ظاهرسازیهایی هم باشد، محیط خانواده سرد میشود.^۱

مشکل زن، نداشتن تکیه‌گاه مطمئن عاطفی و روحی است نه شغل

بعضی خیال میکنند زن کمبودش این است که مشاغل بزرگ و سر و صدا دار ندارد؛ مشکل زن این نیست. حتی آن زنی که شغل بزرگی هم دارد،

۱. در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)

همان زن هم به محیط امنی در خانواده، به یک شوهر مهربان با محبت، به یک تکیه‌گاه مطمئن عاطفی و روحی که شوهر و مرد اوست احتیاج دارد. طبیعت و نیاز عاطفی و روحی زن این است؛ باید این نیاز برآورده شود.^۱

ارزش کار زنان خانه‌دار

زن و مرد هر دو در برابر چالشهای فراوان زندگی قرار دارند. مردها در محیط کار و بیرون از خانه و زنها بعضی در محیط فعالیت و کار و تحصیل و اشتغال و بعضی دیگر که خانه دارند در محیط خانه، با چالشهای مختلفی مواجهند. این را هم بدانید که کار زنهای خانه‌دار کمتر از زنان شاغل نیست. آنها هم در محیط خانه هزار کار و فعالیت دارند.^۲

اهمیت پرستاری و تعادل آن بین زن و مرد

پرستاری تنها محدود به جامعه‌ی زنان نیست و در آینده باید تلاش شود تا تعادلی بین زنان و مردان در امر پرستاری به وجود آید. مسأله‌ی پرستاری بخاطر وجود جنگ تحمیلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و زنان و مردان پرستار بایستی این خدمت الهی را قدر بدانند و دختران و پسران نیز بایستی هر چه بیشتر برای آموزش پرستاری خود را آماده کنند. پرستاری یکی از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر جامعه است. بطوری که بی‌اعتنایی به این شغل شریف و حسّاس، بی‌اعتنایی به سلامت جامعه است.^۳

ترکیب عطوفت و مهارت در ایفای نقش پرستاری

در حقیقت، این حرفه‌ی پرستاری، ترکیب عجیبی است که من برای تقدیر از پرستاران و توجه دادن همه انظار و افکار مردم به این قشر شریف، این جمله را عرض میکنم از یک سو، ترکیبی است از رحمت و عطوفت

۱. در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

۲. در مراسم اجرای صیغه عقد (۸۱/۱۱/۳۰)

۳. در دیدار با اعضای انجمن اسلامی پرستاران و خواهران بسیج سپاه (۶۱/۱۱/۳۰)

و مهربانی و مراقبت و از سوی دیگر، دانش و معرفت و تجربه و مهارت. فقط هم مهربانی کافی نیست. غمگساری، همه پرستاری نیست؛ دانش لازم دارد، تا پرستار کار خود را درست و بجا انجام بدهد. دانش تنها هم بدون عطوفت و مهربانی کافی نیست؛ لازم است این دانش، با روحیه‌ی انسانی لطیف، با محبت و احساس مسؤولیت و با دلسوزی نسبت به بیمار همراه باشد. این دو بُعد، در پرستاران جمع شده است. لذا اگر طبابت باشد، اما پرستاری نباشد، طبابت هم نخواهد توانست علاج بیماری بیمار را بکند. بخش مهمی از بهبود حال بیماران ما، مرهون دست نوازشگر پرستاران است.^۱

شغل مقدس پرستاری؛ هموزن طبابت

پرستاری حرفه‌ای انسانی و اسلامی است و جامعه‌ی و کشوری مثل ما که سرشار از عطوفت گوناگون است و نقش عواطف در این جامعه همواره نقش برجسته‌ای بوده است، باید به این حرکت عاطفی بزرگ که دارای مبنای عقلانی و فکری راسخی هم هست به چشم احترام بنگرد. پرستاران هم چه زن و چه مرد قدر خودشان را بدانند و این حرفه را مقدس بشمارند. هر حرکت انسانی یک پرستار برای بیمار، یک حسنه است و کمکی است به انسانی محتاج کمک؛ آن هم در شرایطی حساس. پرستاری، در کنار طبابت و هموزن طبابت است.^۲

پرستاری؛ طبیعی‌ترین اشتغال زنان

اولین اشتغالی که برای خانمها مطرح میشود، پرستاری است. طبیعی‌ترین، متناسب‌ترین، شاید مهمترین یا یکی از مهمترین اشتغالها این است؛ بنابراین بروید به طرف تجهیز هر چه بیشتر نیروها برای این کار و آماده کردن و

۱. در دیدار با پرستاران و جانبازان به مناسبت روز پرستار (۷۶/۶/۱۹)

۲. در دیدار با جمع کثیری از پرستاران (۷۰/۸/۲۲)

سازماندهی کردن و تقسیم‌بندی نیروها کردن برای اینکه بتوانید مراعات جهات شرعی را هم ان شاء الله بکنید.^۱

هنر پرستاری

هنر پرستاری در بهبودی و سلامتی یک بیمار، گاهی از هنر پزشکی و طبابت بیشتر است.^۲

پرستاری زنان؛ محدودیتها، ضرورتها

بله،^۳ هم ممکن است، هم جایز است. میشود باز هم پرستار بود و متشرعانه هم زندگی کرد. اولاً در مواقعی که ضرورت نیست و حالاتی که ضرورت نیست خواهران میتوانند با برادران کارهای پرستاری را نسبت به بیماران مرد تقسیم کنند. بعضی از کارها هست که ضمن اینکه پرستاری است و مراقبت و رعایت حال بیمار است چیزی نیست، عملی نیست که با حد و مرز بین محرم، زن و مرد، زن و مرد نامحرم منافاتی داشته باشد، اشکالی ندارد؛ کارهایی است که میتوانند انجام بدهند. بعضی از کارها هست که نه، با آن حدی که اسلام برای زن و مرد معین کرده منافات دارد، در حالی که ضرورت نیست آنها را به پرستاران مرد محول کنند.^۴

شغل پرستاری؛ صدقه‌ی جاریه‌ی خانمها

دخترها و پسرها بروند برای آموزش پرستاری و خودشان را آماده‌ی این کار مهم بکنند. یک بیماری که روی تخت ناله میکند، به داد او رسیدن، به درد او رسیدن، با او به محبت برخورد کردن، به روی او لبخند زدن، غذای

۱. در دیدار با خواهران پرستار واحد بسیج (۶۱/۱۱/۳۰)

۲. در دیدار با اعضای انجمن اسلامی پرستاران و خواهران بسیج سپاه (۶۱/۱۱/۳۰)

۳. سؤال : در... شرایطی [که احتمال برخورد با بیماران مرد وجود دارد و] خواهران ما میخواهند متشرع زندگی کنند آیا پرستاری ممکن است؟ جایز است یا نه؟

۴. در دیدار با خواهران پرستار واحد بسیج (۶۱/۱۱/۳۰)

او را به وقت دادن، آسایش او را فراهم کردن، ملحفه‌ی او را عوض کردن، دوی او را در هنگام دادن، اینها کارهایی است که از لحاظ اجر و ثواب الهی و از لحاظ ارزش انسانی برایش حدّ و مرزی نمیشود قائل شد؛ از بس بااهمیت است، از بس تعیین‌کننده است در کیفیت جسمی و روحی بیمار.

آن خانمهایی هم که پرستار هستند ضرورت‌های خانوادگی آنها را نکشاند به طرف استعفای از این شغل و رفتن به یک بخش دیگر، نخیر، این جزو بهترین صدقات جاریه است، جزو بهترین کارهاست که انجام بگیرد، انجام بدهند. البته یک خانمی هست که اصلاً میخواهد خدمات دولتی و اداری و عمومی نداشته باشد، آن حرف نیست، ما اصرار نداریم که حتماً خانمها از خانه‌ها بیایند بیرون مشغول اشتغال بشوند. اما اگر خانمی اشتغالی پیدا خواهد کرد و مایل است، اشتغال داشته باشد. اولین اشتغالی که برای خانمها مطرح میشود، پرستاری است.^۱

امکان حضور زنان در جهاد تدافعی

ارتش^۲ از لحاظ سازمانی با سازمانهای دیگر تفاوتی ندارد. اگر در سازمانهای دیگر میگویید زن میتواند نقشی داشته باشد - که میتواند البته - در ارتش هم میتواند. مسأله‌ی جهاد مطرح است در فقه ما، که جهاد از زنان برداشته است، جهاد ابتدایی؛ اما همانطوری که قبلاً هم گفتم نوعی از جهاد هست؛ جهاد تدافعی مثلاً، آن وقتی که مرکز اسلام در خطر حمله و هجوم دشمن باشد، که آنجا مرد و زن و پیر و جوان و سالم و بیمار تفاوتی نمیکنند و وارد میشوند؛ اما این مال آن ارتشی است که میخواهد بجنگد، یعنی آن حالت جنگاوری، اما آن سازمانی که اداره و تشکیلاتی دارد البته کارمند زن هم در صورت لزوم میتواند داشته باشد، اشکالی ندارد.^۳

۱. در دیدار با خواهران پرستار واحد بسیج (۶۱/۱۱/۳۰)

۲. سؤال: آیا زن در ارتش و نیروهای مسلح میتواند نقشی داشته باشد؟

۳. در بیانات در خصوص نقش نیروهای نظامی کشور (۶۰/۱۰/۱۱)

حدود حضور زن در سینما

در مورد مسأله‌ی اوّل که در سینما یا در تئاتر زن میتواند باشد یا نه؟ در جواب باید گفت که زن اگر به آن شکلی در فیلم یا در نمایش ظاهر بشود که اگر در غیر فیلم و نمایش ظاهر بشود حرام نیست، آنجا هم حرام نیست؛ یعنی خود بازی کردن در فیلم یا در نمایشنامه حرام نیست برای زن، متنها یک وقت هست، که یک زن و مرد مثلاً نامحرمند، هم را بغل میگیرند، خب این توی فیلم نمیخواهد باشد، تو بازار و تو مسجد هم اگر باشد این حرام است.

یا با یک شکلی ظاهر میشود یا با یک لحنی صحبت میکند، یا یک حرکاتی را انجام میدهد که آن حرکات شهوت‌انگیز است، خب این حرام است، هر جا باشد حرام است؛ بنابراین ظاهر شدنش در فیلم و در تئاتر هیچ اشکالی ندارد در صورتی که از موجبات اشکال خالی باشد.^۱

۱-۴- مناصب عالیّه‌ی زنان

پرورش زنان بزرگ در دامن نظام اسلامی

تا کنون زنان عالمه‌ی بزرگی در دامن اسلام پرورش یافته‌اند و امروز در جامعه‌ی ما زنان متخصص، دانشمند، پزشک، محقق و هنرمند به وفور یافت میشوند که بسیاری از آنها انسانهای ارزش‌آفرین و صاحب فکر و اندیشه هستند و در صحنه‌ی سیاسی، اجرایی و قانونگذاری حضوری فعال دارند.^۲

احراز مقامات عالیّه با وجود مراجعین مرد

فرض کنید که اگر زن، یکی از مقامات عالیّه‌ی حکومتی را احراز کرد البتّه نمیگوییم چه مقامی، چون خصوصیات مقامها خیلی روشن و دقیق

۱. در دیدار با اعضای واحد فرهنگی روزنامه جمهوری اسلامی (۶۱/۱۱/۲۶)

۲. در دیدار با جمع کثیری از پرستاران (۷۰/۸/۲۲)

نیست. لزومی هم ندارد که انسان بی‌مورد، انگشت روی یک مقامی بگذارد یک مقام خیلی مهمی که مراجعین فراوان مرد دارد؛ هیچ اشکالی ندارد. این، هیچ مانع از حضور زن نیست. زن میتواند در این مقام، از هزاران مرد و مراجع پذیرایی حکیمانه بکند و خواسته‌ی مشروع و به حقشان را که از آن مقام توقع است، برآورده کند و همه را برگرداند. هیچ مانعی و هیچ محدودیتی نیست؛ در میدان مبارزه و در میدان جنگ هم همینطور؛ در میدانی که حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) وارد شد، در میدانی که حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) وارد شد، در میدانی که جناب حکیمه، یا آن خواهر حضرت صادق (سلام‌الله‌علیها) وارد شدند، که حضرت فرمودند: بروید این مسأله را از او سؤال بکنید. خواهر و همسر بعضی از ائمه یا همسران پیغمبر در میدانهای گوناگون علمی، فرهنگی، سیاسی، مبارزاتی، انقلابی و نظامی وارد شدند. توجه کردید! هیچ مانع از حضور در هیچ یک از این میدانها نیست؛ اما حجاب وجود دارد. آن را رعایت کنید و وارد میدان مبارزات بشوید.^۱

پذیرش اجتماعی قرار گرفتن زنان در مناصب اجتماعی

جواب:^۲ نگوئید آیا زنان ایرانی به اینجا رسیده‌اند، بگوئید آیا در میان زنان چنین شخصیتهایی پیدا میشوند؟ من فکر میکنم پیدا بشوند، برای بعضی از وزارتخانه‌ها پیدا میشود، لیکن ما پذیرش اجتماعی نداریم. شما بدانید که اگر ما یک زن را بعنوان وزیر بگذاریم (وزارتی که زینبده‌ی زن باشد) از جمله متعصبترین کسانی که در جامعه‌ی ما مخالفت خواهند کرد، زنان خواهند بود. تعداد کثیری از خانمها مخالفت خواهند کرد که شما چرا یک زن را بعنوان وزیر گذاشته‌اید. این پیداست که مسأله‌ی زن و مرد نیست، بلکه طبق شئون فرهنگ جامعه‌ی ما مخالفت با اینگونه موارد جا

۱. در دیدار با زنان نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی (۷۶/۴/۳۰)

۲. سؤال: به نظر جنابعالی زنان مسلمان، پس از دوران ۹ ساله بعد از انقلاب اسلامی، آیا اینقدر از کارایی و توانایی برخوردارند که بتوانند در جاهای مهمی مثل یک وزارتخانه، پستی بپذیرند و منشأ اثر باشند؟

افتاده است. ممکن است خیلی از مردها موافق باشند ولی عده‌ای از خود خانمها یقیناً مخالفت خواهند داشت. هنوز وضعیّت اجتماعی ما تناسب نداشته و آماده نیست.^۱

حضور زنان در مسؤولیتهای کلیدی باتوجه به عرف و باور جامعه

به نظر من، اهمیّت این کاری که امروز خانمها دارند، از اهمیّت مشاغل معمولی آنها در سطح کشور کمتر نیست؛ بلکه از اغلب آنها بیشتر است. بله، شما همین سؤال را مطرح بکنید که چرا زنان مسؤولیتهای و مدیریتهای کلیدی ندارند؟ این سؤال قابل قبولی است. چنانچه صلاحیتهای خوبی در زنان هست نه اینکه ما تعصب بورزیم و بگوییم باید حتماً زن در جایی مسؤول شود آنجاهایی که منع اسلامی ندارد چون در جاهایی ممکن است منع اسلامی داشته باشد تا سطوح بالا را شامل میشود. وقتی در این نوع موارد میخواهند بررسی کنند و کسانی را بعنوان اصلح انتخاب نمایند، زنان را هم در کنار مردان و بین این مجموعه ببینند و بدون هیچگونه تعصب، اصلح را انتخاب کنند. البته این، یک عرف و یک فرهنگ است. اینطور چیزها، دستوری هم نیست که بخشنامه صادر کنیم. نه، اینها جزو فرهنگ و باورهای جامعه است. باید اینقدر گفته بشود، اینقدر تکرار و استدلال بشود، تا اینکه جا بیفتد.^۲

ضرورت بیشتر شدن نمایندگان زن در مجلس

تعداد خانمهایی که میتوانند در مجلس انتخاب شوند، هم از لحاظ مصلحت و هم از لحاظ واقعیّت خارجی میتواند خیلی بیشتر از چهار نفر باشد. اگر چهل زن نماینده هم در مجلس باشد، برای مجلس بد نیست و شاید در واقعیّت خارجی هم این امر ممکن باشد. البته باید یک قدری بیشتر

۱. در مصاحبه با مجله‌ی زن روز (۶۶/۱۲/۱۳)

۲. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان (۶۹/۱۰/۱۶)

روی این مسأله تأمل کرد، لکن محققاً خانمهایی که شایسته‌ی ایفای نقش نمایندگی در مجلس شورای اسلامی باشند، کم نیستند. ■

چه اشکالی دارد بیش از چهار نفر باشند؟ حتماً بایستی به آنجا هم برسد که اگر زنها بخواهند در مجلس به معنای حقیقی کلمه، نقش نمایندگی را ایفا کنند، با چهار نفر نمیشود. بایستی بیشتر در مجلس شورای اسلامی باشند تا بتوانند آن فکری را که قاعدتاً برای زن نماینده در دوران کنونی ما در مجلس شورای اسلامی مطرح خواهد شد پیش ببرند.^۱

کیفیت حضور زنان در مجلس

اولاً خیلی خوشحالم که میبینم بحمدالله خواهرها در مجلس شورای اسلامی یک مجموعه کیفی و کمی قابل توجهی را به وجود آورده‌اید، نه اینکه بنده دنبال این باشم که مثلاً از دویست و هفتاد نماینده، باید صد و چقدرش زن باشد؛ نه، اصلاً این مطرح نیست که چقدر از مسؤولیتها را زنها و چقدر آن را مردها بگیرند. اتفاقاً به نظر من توجه به این قضیه، نکته‌ی منفی است که خیال کنیم در هر صحنه و هر عرصه‌ای که مردها با یک تعداد کمی حضور دارند، زنها هم باید با همان کمیّت باشند! این یک فکر ابتدایی و بسیط و کودکانه است. از این جهت نمیگویم خوشحالم، بلکه از این جهت خوشحالم که احساس میشود خوشبختانه یک حرکت جدی و حقیقی برای بازیافت شخصیت زن به وجود آمده است.^۲

نقش نمایندگان زن در مجلس

نقش زن نماینده از لحاظ وظایف کلی نمایندگی با مرد نماینده هیچ فرقی ندارد. مجلس یک شأن قانونی دارد و علاوه بر آن یک حیثیت دیگری هم دارد که مجلس شورای اسلامی به جهاتی که تاریخ این مجلس در

۱. در مصاحبه با مجله‌ی زن روز (۶۶/۱۲/۱۳)

۲. در دیدار با زنان نماینده‌ی مجلس (۷۶/۴/۳۰)

طول هشت، نه سال پیش آورده آن حیثیت را پیدا کرده است. شأن اصلی مجلس، قانونگذاری است و در آن بین زن و مرد هیچ تفاوتی نیست و هر دو میتوانند در مطالعه بر روی قوانین پیشنهادی و بررسی کارشناسی آنها و ارزیابی مفید بودن یا نبودن آنها و بالاخره تصویب آنها سهیم باشند. آن شأن دوّم که تاریخ مجلس شورای اسلامی در این هشت سال پیش آورده، شأن سیاسی است. یعنی مجلس یک جایگاه سیاسی در جامعه‌ی ما دارد که این جایگاه سیاسی چیز کم‌اهمیتی هم نیست.^۱

رسالت خانمها در مجلس

به نظر من خانمها در مجلس، یک رسالت بزرگ و تکلیف بزرگی را بر عهده دارند و آن این است که خلأهای موجودی را که بر اثر سنتهای غلط در جامعه‌ی ما در رابطه با زن وجود دارد، اینها به حکم زن بودن بهتر از مردها میفهمند و آن خلأها را باید در تدوین قانون پر کنند. این کار مردها نیست. مرد هر قدر هم احساسات موافقی نسبت به زنها داشته باشد و بخواهد نابسامانی‌های زندگی زنان در ایران را برطرف بکند، نمیتواند آنها را درست درک کرده و در تدوین قوانین، حال زنان را مورد توجه قرار بدهد. زنان باید بتوانند این کمبود را در مجلس شورای اسلامی جبران کنند. یعنی اگر چنانچه ده، پانزده سال از دوران قانونگذاری ما گذشت و زنان در مجلس شورا بودند، باید ما بتوانیم از لحاظ قانونی و در وجهه قانونی، مشکلات جامعه را که به زنان مربوط میشود، برطرف کرده باشیم. به اعتقاد من، رسالت زنها در مجلس شورای اسلامی اینهاست. البته نه اینکه درباره‌ی بقیه‌ی مسائل سیاسی، اقتصادی و غیره مسؤلیتی ندارند. اما این مسؤلیت ویژه‌ی آنهاست و کسی نمیتواند جای آنها را بگیرد.^۲

۱. در مصاحبه با مجله‌ی زن روز (۶۶/۱۲/۱۳)

۲. در مصاحبه با مجله‌ی زن روز (۷۰/۱۱/۲۶)

وجهه پیدا کردن خانمها

خیلی از خانمها هستند که الان به نماینده‌ی زن رأی نمیدهند. به مردها رأی میدهند میگویند اینها حالا بیخودی است، فایده‌ای ندارد. نتوانستند خانمهایی که رو آمدند حقیقتاً نتوانستند یک وجهه‌ای از خودشان در جامعه به وجود بیاورند که حداقل زنها را جلب کنند، این خیلی عیب بزرگی است! این اشکال کار است، حالا شما من متأسفانه نمیشود که با این خانمها در میان گذاشت، یک قدری باید نصیحت بشوند اینها، یکی هم شما که اینقدر توی همه‌ی مسائل سیاسی جامعه‌ی فعالیید و حضور دارید و همه جا همه‌ی قضایا اظهار نظر میکنید، شما بیایید محض رضای خدا از این دوره‌ی چهارساله یک دو سالش را در هیچ کار دیگری جز مسأله‌ی زن وارد نشوید. این خیلی چیز مهمی است. یک مقداری وجهه پیدا کنند اقلاً تو زنها، نصیحت‌شان باید کرد.^۱

حضور خانمها در مجلس و سازمان ملل

جواب^۲: اگر چنین چیزی باشد، خیلی بد است. شکل نمایشی معنایش این است که اینها هیچ تأثیری در کار مجلس نداشته باشند و فقط بروند آنجا بنشینند و بیایند که فکر نمیکنم اینطور باشد. مگر اینکه کسی تحقیق کند و بگوید خانمها در کمیسیونها هیچ فعالیتی ندارند؛ فکر نمیکنم اینطور باشد. البته این را من به شما بگویم حضور زنان از لحاظ نمایش شأن و دخالت دادن زن در مسائل جامعه چیز بدی نیست. اگر منحصراً نمایشی باشد، بد است. اما نمایش دادن هیچ ایرادی ندارد، چون جمهوری اسلامی متهم به این است که در شؤون سیاسی اعتنایی به خانمها نمیکند و این اتهام هم باید برطرف شود. این هیأتی که با من بودند و به سازمان ملل رفتیم، خوب

۱. در مصاحبه با مجله‌ی شاهد بانوان (۶۷/۹/۱۳)

۲. سؤال: عده‌ای معتقدند (یعنی غالب افرادی که حداقل در این مدت با ما تماس داشتند) که حضور خانمها یا حتی معرفی خانمها برای انتخاب و حضور در مجلس بیشتر شکل نمایشی به خودش گرفته. شما در این مورد چه میفرمایید؟

هیأت نسبتاً مفصلی بود که هفتاد، هشتاد نفر بودند و در میان اینها هیچ خانمی نبود. وقتی ما وارد نیویورک شدیم، بعضی روزنامه‌ها تیتراژ کردند که هیأت تمام مرد ریاست جمهوری ایران وارد شد. اینها میخواهند طعن کنند. خوب چه مانعی داشت چهار، پنج نفر خانم باسواد، مطلع و کارآمد را با خودمان میداشتیم. البته ما قدری عجولانه تصمیم گرفتیم؛ چون وقتمان کم بود، فرصتی به آن صورت نبود.^۱

تأثیرگذار نبودن منصب عالیّه گرفتن زنان در حلّ مشکلات آنها

اینکه زنی وزیر بشود یا نشود، یا در مجلس عضو هیأت رئیسه باشد یا نباشد؛ این اصلاً مسأله‌ای نیست.

به نظر من وظیفه‌ای که الان وجود دارد، این است که شما بیایید مسائل را تقسیم‌بندی کنید؛ ببینید کدام مسائل اصلی است، کدام مسائل تبعی؛ چون اگر مسائل اصلی حلّ شود، مسائل تبعی به دنبال آن حلّ خواهد شد. اگر دیدید چیزی جزو مسائل اصلی نیست، آن را از حوزه فعالیت متمرکز همّت طلب خود خارج کنید و به مسأله‌ی اصلی بپردازید. مثلاً در خلال همین جلسه‌ی ما، راجع به مسؤلیت در وزارت یا ریاست جمهوری یا- اگر دست کم بگیریید و قناعت کنید- مسؤلیت در سطوح میانی صحبت شد؛ من این را اصلاً جزو مسائل اصلی نمیدانم. بحث اینکه زنی وزیر بشود یا نشود، یا در مجلس عضو هیأت رئیسه باشد یا نباشد؛ این اصلاً مسأله‌ای نیست که ما آن را در قضیه‌ی زنها تأثیرگذار بدانیم؛ به هیچ وجه اینطوری نیست. شما ملاحظه بفرمایید، مثلاً در بنگلادش که این خانم سرکار است و قبل از او یک خانم دیگر مسؤلیت داشته، اگر در برطرف کردن مشکلات زنان در کشور بنگلادش چقدر اثر داشته‌اند یا قبل از انقلاب که در کشور سریلانکا نخست‌وزیر مقتدری سر کار بود، آیا مشکلات زنان این کشور برطرف شده بود؟ یا در هند که خانم ایندیرا گاندی نخست‌وزیر بود، چقدر

۱. در مصاحبه با مجله‌ی زن روز (۶۶/۱۲/۱۳)

از این مشکلات کاسته شده بود؟ بنده ایشان را از نزدیک دیده بودم؛ زن خیلی فرزانه، عاقل و مقتدری بود و سالها در مبارزات شرکت داشت؛ اما آیا در رفع مشکلات زنان کشور هند اثر گذاشته بود؟ البته من در این زمینه تحقیقی نکرده‌ام؛ جا دارد شما تحقیق کنید. آنطور که من دورادور نگاه میکنم، میبینم اینها هیچ اثری نداشته‌اند. بنابراین مسأله‌ی اصلی زن، اینها نیست. اینکه یک زن، معاون وزیر یا استاندار و یا سفیر بشود، مگر چقدر اثر دارد؟ مگر دنیا در خصوص رشد و تمیز یک کشور در برطرف کردن مشکل زن و مرد، به این چیزها نگاه میکنند؟ مگر قضاوت دنیا درباره‌ی بنگلادش این است که اینها مسائل زنها را حل کردند؟ مگر کشوری مثل امریکا، در طول این دویست سال چند نفر رئیس‌جمهور زن داشته است؟ خود آنها مدعی همه‌ی دنیايند؛ اما به نظر من مشکلات زنها در امریکا، اگر از جاهای دیگر بیشتر نباشد، کمتر نیست. البته من در طول زمان آمارهایی دیده‌ام که نشان میدهد مسأله‌ی زن در امریکا، از کشور ما بسیار بدتر است؛ یعنی آن نقاط مورد توجه و حساسیت طلب بنده و امثال بنده و یقیناً شما، در امریکا خیلی بیشتر است. من میگویم به مسأله‌ی اصلی نگاه کنید. مسأله‌ی اصلی، فرهنگ عمومی جامعه است. ما دچار یک مشکل فرهنگی هستیم.^۱

دفاع از حقوق زن با خانمهای کارآمد، نه حتماً وزیر

جواب^۲: چرا، مطمئناً در طول زمان این جو را خواهد شکست. اگر خانمهای کارآمدی سر کار بیایند. حالا این مشکل ما نیست خانم، ببینید شما هم بعنوان کسی که میخواهید از حقوق زن دفاع کنید، هدفتان را این قرار ندهید که خانمها حتماً وزیر بشوند.^۳

۱. در دیدار با نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی (۸۰/۷/۱۴)

۲. سؤال: آیا اگر افراد قابل و باسنجش و حساب‌شده سرکار بیایند از زنها، میتواند در شکستن این چنین جو و عاداتی مؤثر باشد؟

۳. در مصاحبه با مجله‌ی زن روز (۶۶/۱۲/۱۳)

فصل دوّم ————— ❁

تعلیم و تربیت زنان

۱-۲- ضرورت رشد علمی و فکری زنان

محرومیت از تعلیم و تربیت؛ نتیجه‌ی تحقیر زنان در نظامهای گذشته

ما دوران طولانی را گذراندیم که در آن نه زن نقش خودش را شناخت و نه مردها برای زن نقشی را شناختند. در طول چند قرن در کشور ما و البته شبیه کشور ما در کشورهای دیگری به زن اهانت شده و تحقیر شده و بعنوان موجود درجه دو به حساب آمده است. این منتهی شد به اینکه در کشور ما زنها نسبت به مردها از لحاظ کمیّت، باسوادشان کمتر باشد، سیاسی‌شان کمتر باشد، آگاه از مسائل جاری‌شان کمتر باشد و حال آنکه استعدادهای زن ایرانی عیناً مثل استعدادهای مرد ایرانی میتواند برجستگیهایی را پیدا کند که در دنیا برای آن زنانی که این برجستگیها را دارند، شأن و نقش بزرگی را قائلند، همچنانی که مرد ایرانی اینطور است. در عین حال در طول سالهای متمادی، هم به نام اسلام که البته این نسبت خلاف واقع بوده و هم در اثر فرهنگ به ارث مانده‌ی ایران قدیم، زنان مورد اهانت قرار گرفتند. این وضعیّت بسیار نامطلوبی را در جامعه‌ی زنان به وجود آورده است. پیش از انقلاب که افکار جدید اسلامی و تفکرات انقلابی اسلامی مطرح بود و زنان خیلی کمتر از مردان در تیررس این آموزشها قرار میگرفتند، نتیجه این میشد که مردان در میدان مبارزه و سیاست رشد بیشتری از زنان پیدا میکردند. عین همین قضیه در مورد تعلیم و تربیت و در مورد ورود در عرصه‌ی کارهای اجتماعی است.^۱

۱. در مصاحبه با مجله‌ی زن روز (۶۶/۱۲/۱۳)

محرومیت زنان از تعالیم اسلامی بخاطر سنتهای غلط

در گذشته بر اثر سنتهای گوناگون اجتماعی که وجود داشت، زنها از تعلیم منابع اسلامی بیش از مردها دور بودند. به همین دلیل محرومیت جنس زن از فرهنگ واقعی اسلام و همچنین دانشهای بشری، بیش از محرومیت مرد بوده. پس بایستی در زمینه‌ی تعلیم و تربیت و فرهنگ و دانش تأکید فراوان داشت.^۱

رفع کم‌بهرگی زنان از معارف و معلومات

در گذشته اهمیت نمیدادند به اینکه زن را با معارف و معلومات آشنا بکنند. یک کم‌بهرگی از معارف بطور عمومی تقریباً به همه‌ی زنهاى جامعه‌ی ما تحمیل شده بود. این حرکت جدیدی که دستهای استکباری و استعماری در کشور ما شروع کرد با آن زمینه‌ی کم‌بهرگی از معارف و معلومات یک فاجعه بزرگی را داشت به وجود می‌آورد و مقدمات آن هم فراهم شده بود بطوری که دو نسل تقریباً از زنهاى ما دو نسل شاید مبالغه نباشد. بطور خیلی عام به سمت همان مقاصد و اهدافی که استعمار در نظر گرفته بود، حرکت کرده بودند و غلتیده بودند.^۲

شکوفایی استعدادهای زنان با گسترش فرهنگ اصیل اسلامی

جواب^۳: در درجه‌ی اول میبایستی فرهنگ اصیل اسلامی گسترش یابد که در این صورت بطور طبیعی زنان نیز از این موهبت بهره‌مند خواهند شد.^۴

۱. در مصاحبه با ویژه‌نامه‌ی روز زن (۶۰/۲/۵)

۲. در مصاحبه با مجله‌ی شاهد بانوان (۶۷/۹/۱۳)

۳. سؤال: چه اقدامات فرهنگی و رفاهی باید در جهت شکوفایی استعدادهای زنان جامعه‌ی اسلامی انجام گیرد؟

۴. در مصاحبه با ویژه‌نامه‌ی روز زن (۶۰/۲/۵)

پیشتازی در میدان علم و فرهنگ

خیال نکنیم که یک زن مسلمان و مؤمن، لزوماً اهل معلومات و معارف نیست؛ بلکه همه‌ی ارزشهای اسلامی، برای زن مسلمان مهم است و یکی از برترین ارزشها، علم و معرفت است.^۱

زنان مسلمان ما باید بدانند، که امروز حافظ سنگر ارزشهای اسلامی در برابر وضع جاهلی دنیای غرب هستند و باید با پرورش اسلامی و پیشتاز شدن در میدان علم، فرهنگ و سیاست و اقتصاد از حصار مستحکم فرهنگ اسلامی محافظت کنند.^۲

هدف اصلی تحصیل بانوان؛ بالا بردن رشد فکری

من به شما زنان مسلمان و مؤمن در این استان که امروز به اینجا تشریف آورده‌اید- عرض می‌کنم: آنهایی که مشغول تحصیل هستید، تحصیل را جدی بگیرید؛ البته تحصیل، مقدمه‌ی شغل نیست. نه اینکه شغل ایرادی داشته باشد؛ اما تحصیل برای بانوان تحصیل معرفت، مهم است؛ برای بالا بردن رشد فکری اهمیت دارد. شغل، در درجه‌ی دوم است.^۳

رشد علمی و فرهنگی زنان

ما را متهم به جلوگیری از رشد علمی و فرهنگی زنان میکنند! خودشان هم میدانند این اتهام دروغ است؛ ولی تکرار میکنند. ما برای زن، ارزش واقعی انسانی قائلیم. ما میان زن و مرد تفاوتی قائل نیستیم. معتقدیم زن و مرد هر دو انسانند و میدان تکامل، پیش رویشان باز است. هر چه تلاش کنند، هر چه زحمت بکشند و هر چه به سمت خدا پیش روند، به همان اندازه رشد و تکامل پیدا خواهند کرد. راه علم و حضور سیاسی هم، جلوی

۱. در دیدار جمعی از پرستاران (۷۴/۷/۱۲)

۲. در دیدار با جمع کثیری از پرستاران (۷۰/۸/۲۲)

۳. در دیدار با بانوان هرمزگان (۷۶/۱۱/۲۹)

هر دوی آنها باز است.^۱

تأثیر علم، معرفت و کمالات معنوی و اخلاقی زن در تربیت فرزند و پیشرفت جامعه

اگر زن در جامعه‌ی بتواند به علم و معرفت و کمالات معنوی و اخلاقی‌ای که خدای متعال و آئین الهی برای همه‌ی انسانها - چه مرد و چه زن - بطور یکسان در نظر گرفته است، برسد، تربیت فرزندان بهتر خواهد شد، محیط خانواده گرمتر و باصفاتر خواهد شد، جامعه پیشرفت بیشتری خواهد کرد و گره‌های زندگی آسانتر باز خواهد شد؛ یعنی زن و مرد خوشبخت خواهند شد. برای این باید تلاش کرد؛ هدف این است. هدف، صف‌آرایی زن در مقابل مرد نیست. هدف، رقابت خصمانه‌ی زن و مرد نیست. هدف این است که زنان و دختران بتوانند همان سیر و همان حرکتی را انجام دهند که وقتی مردان آن حرکت را انجام دهند، به صورت یک انسان بزرگ در خواهند آمد؛ زنان انسان بزرگ شوند. این ممکن است و در اسلام تجربه شده است.^۲

نقش برجسته‌ی تربیت الهی زن در صلاح جامعه

امروز این راهی که ملت اسلام، به‌خصوص ملت بزرگ و شجاع ایران در پیش گرفته است - راه تحقق آرمانهای اسلامی - راه نجات انسانها، راه دفع ظلم، راه شکستن بت‌های زر و زور قدرت در دنیا است؛ بایستی این راه را درست شناخت و از آن پاسداری و حراست و حفاظت کرد. به اراده‌های قوی، به دل‌های محکم و ظرفیتهای بالا احتیاج است؛ و این جز با تربیت الهی و اسلامی مرد و زن ما امکانپذیر نیست. صلاح زنان در جامعه، به دنبال خود، صلاح مردان را هم می‌آورد. نقش زنان در این مورد، جزو نقشهای برجسته و شاید نقش اول است.^۳

۱. در دیدار با اقشار مختلف مردم و جمعی از پزشکان، پرستاران (۶۸/۹/۱۵)

۲. در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

۳. در دیدار با جمع کثیری از پرستاران (۷۰/۸/۲۲)

زن؛ کلید خوب شدن مرد

حالا ما آمدیم پای دامنه‌ی کوه تا حالا که آن ته ته‌ها بودیم، حالا آمدیم اینجا. از اینجا بایستی تا سر قلّه شما با کمال تلاش پیش بروید، دارید می‌روید میدانم، اما باز هم تلاش کنید. خدا را در نظر داشته باشید، همت کنید، بر روی خواسته‌های نفسانی پا بگذارید، فقط برای خدا بخواهید. اگر شما اینجور شدید همه‌مان خوب می‌شویم، هم مردهایمان هم فرزندانمان. کلید مشکل زن است؛ لذا گفتند بهشت در زیر قدم زنان است، مادران است. فهمیدید؟ از اینجا شروع میشود، از زنها شروع میشود. اگر شما که کلید بهشت زیر قدمتان هست، اگر شما خوب شدید - آنجور خوبها - هم مردها خوب خواهند شد، هم بچه‌ها خوب خواهند شد. بچه‌ها یعنی دخترها و پسرها. وقتی دخترها و پسرها خوب شدند یعنی نسل آینده یکسره خوب است. می‌دانید این به چه معناست؟ به معنای تداوم انقلاب، یعنی کلید تداوم انقلاب دست شماهاست. لذاست که زنها بایستی یک چنین همت بلندی را داشته باشید، هر جا هستید، هر کار می‌کنید، پرستارید، بسیجید، سپاهید، کارمند اداره‌اید، زن توی خانه‌اید، فعالیت و تلاش سیاسی و اجتماعی می‌کنید، در حزب، در هر جای دیگر، هر کار می‌کنید. کارها، اینکه چه کار اشتغال دارید، او مسأله‌ی دوم است، مسأله‌ی اول این است که جهت اخلاقی، جهت فکری چگونه است؛ این مسأله‌ی اول است، این را حل کنید. خوشبختانه اینکه می‌گوییم حل کنید چون به میزان زیادی حل کردید، می‌خواهیم باز هم ادامه بدهیم، باز هم پیش برویم.^۱

تاریخ آینده، وابسته به صلاح و فساد زنان

اگر زن فاسد شد مرد نمیتواند فاسد نشود؛ مرد را به دنبال خودش خواهد کشاند. حالا دست بالا این است که مرد این نسل را نتواند، مردهای نسل بعد را فاسد خواهد کرد. آنها کی اند؟ بچه‌های او، تربیت شده‌های او؛

۱. در دیدار با خواهران پرستار واحد بسیج (۶۱/۱۱/۳۰)

لذاست که روی این نقطه فرهنگ غربی انگشت گذاشت و اسلام درست به عکس، اسلام معتقد است که بایستی مادران - یعنی زنان جامعه، که مهمترین حیثیت زن، حیثیت مادری است - مادران جامعه باید اصلاًح بشوند تا تاریخ آینده تضمین شده باشد.^۱

یکسان بودن وظیفه‌ی زنان و مردان در تحصیل علم

امروز جوانهای عزیز وظیفه‌ی خودشان را در تحصیل علم، معرفت و آگاهی سیاسی و اجتماعی بدانند؛ بتوانند دشمن و وظیفه‌ی خود را بشناسند، که زنان و مردان در این وظایف مشترکند، چون اسلام در وظایف بزرگ اجتماعی و سیاسی، فرقی بین زنان و مردان نگذاشته است. البته در بعضی از مناطق ایران و بعضی از همین مناطق، متأسفانه نسبت به فعالیت‌های اجتماعی زنان، نظیر سواد زنان و دختران کوتاهی میشود. من توصیه‌ام این است که دختران جوان ما سواد و فعالیت اجتماعی را مثل مردان و پسران جوان، وظیفه‌ی خودشان بدانند و پدر و مادرها و خانواده‌ها هم به این مسأله کمک کنند. این نیروی عظیم زنان در دوران انقلاب و بعد از آن تا امروز، همیشه در جامعه‌ی ما منشأ آثار بزرگ بوده است و بعد از آن هم خواهد بود.^۲

زنان دوشادوش مردان با حفظ حدود به دنبال فراگیری و عمل

ما باید برای حرکت و تلاش در راه خدا، خود را آماده نگه داریم. در این جهت، زن و مرد هم فرقی نمیکند، مردان هم موظفند؛ زنان هم موظفند، مردان هم باید علم و دانش را تحصیل کنند، زنان هم باید علم و دانش را تحصیل کنند، مردان هم باید تا آنجا که میتوانند و در هر نقطه‌ای که میتوانند، در راه سازندگی کشور تلاش کنند، زنان هم باید در راه سازندگی کشور و به‌خصوص سازندگی نسل نو و تربیت اسلامی او تا آنجا که میتوانند، تلاش

۱. در دیدار با گروهی از بانوان کشور (۶۳/۱۲/۲۱)

۲. در دیدار مردم زابل (۸۱/۱۲/۱۱)

کنند. اگر این قشر عظیم از ملت ایران یعنی زنان دوشادوش مردان، با حفظ حدود اسلامی، علم و فن و کارهای شایسته‌ی یک مسلمان را فرا بگیرند و عمل بکنند، یقیناً موفقیت بیشتر خواهد بود.^۱

لزوم عمق بخشی به سطح سواد و تحلیلهای سیاسی زنان

زنان حقیقتاً از لحاظ سواد عقبند. شما نگاه کنید در خانواده‌ها، در زوجهای معمولی - البته استثنا هم دارد - معمولاً اینطور است که زنان از لحاظ سطح سواد و معلومات، پایینترند. آنهایی هم که اهل سواد و معلوماتند، از لحاظ فرهنگ و معارف، از شوهرانشان پایینترند. عرض کردم: این، غالب است. در حالی که اینها باید یکسان باشند. یعنی اگر فرض بفرمایید پنجاه درصد از زنان از لحاظ علم و معرفت نسبت به شوهرانشان دچار کمبودند، پنجاه درصد شوهران هم بایستی دچار کمبود باشند؛ یعنی تعادل برقرار شود. بطور متوسط و میانگین وقتی حساب میکنیم، باید یکسان باشند. قاعده، این باید باشد. ولی خب؛ چرا امروز در جامعه‌ی ما اینطور نیست؟! این، یک نقیصه‌ی بزرگ است. سواد پایین است؛ معلومات پایین است؛ قدرت تحلیل کم است. این، نه به این خاطر است که زن نمیتواند قدرت تحلیل داشته باشد؛ نه. ما، میبینیم خانمها، تحلیل میکنند، حرف میزنند و در همه‌ی میدانها حضور دارند. اینطور نیست که ما تصور کنیم یا کسی تصور کند که نمیشود.

این، یک نوع زیرکی ذهنی و یک نوع ذکاوت میخواهد. این ذکاوت، در حدّ اعلا، هم در زن، هم در مرد وجود دارد و از این بابت، تفاوتی با هم ندارند. دو مرد هم یک وقت با هم متفاوتند. ممکن است یک زن و یک مرد متفاوت باشند؛ اما میانگین یکسان است. هر دو، قدرت تحلیل دارند؛ اما عملاً تحلیل سیاسی در زنان ما ضعیف است و این را باید عمق داد. باید به آنها قدرت تحلیل داد.^۲

۱. در اجتماع بزرگ مردم بوشهر (۷۰/۱۰/۱۱)

۲. در دیدار اعضای شورای مرکزی جمعیت زنان (۷۱/۲/۱۵)

۲-۲- راهبردهای تعلیم و تربیت زنان

فضای سالم برای رشد استعدادهای زنان

در محیط اسلامی و نظام اسلامی ما فساد، مدگرایی، خودنمایی، خودآرایی و جلوه‌گریهای غلط و مضر نسبت به گذشته اندک است و در مقابل آن فضای سالمی برای رشد استعدادهای زنان به وجود آمده است.^۱

رشد همه جانبه‌ی زن در جامعه‌ی اسلامی همراه با خصوصیات زنانه

زن در محیط اسلامی رشد علمی میکند، رشد شخصیتی میکند، رشد اخلاقی میکند، رشد سیاسی میکند، در اساسیترین مسائل اجتماعی در صفوف مقدّم قرار میگیرد، در عین حال زن باقی میماند. زن بودن، برای زن یک نقطه‌ی امتیاز است، یک نقطه‌ی افتخار است. این افتخاری نیست برای زن که او را از محیط زنانه، از خصوصیات زنانه، از اخلاق زنانه دور کنیم. خانه‌داری را، فرزندداری را، شوهرداری را ننگ او به حساب بیاوریم.^۲

بروز استعدادها در رشته‌های مختلف متناسب با ساختمان وجودی زن

امروز محیط جامعه، دانشگاهها و مجامع هنری برای دختران جوان ما محیط امنی محسوب میشود و زنان مسلمان و متدیّن فرصت یافته‌اند تا استعدادهای خود را در رشته‌های مختلف بروز دهند و به مدارج بالای علمی و هنری دست یابند و انجام یک تحوّل در تمامی رشته‌های علمی جامعه‌ی ما ضروری است و زنان باید در هر رشته‌ای که استعداد آن را دارند و با ساختمان وجودی آنان نیز تناسب دارد، وارد شوند. نیمی از استعدادها در کشور مربوط به زنان است و آنان باید میدانهایی را که در آن برای زن محدودیت طبیعی و فطری وجود ندارد، پر کنند.^۳

۱. در دیدار جمعی از خواهران متخصص رشته‌ی پزشکی و مامایی (۷۲/۹/۹)

۲. در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» (۹۱/۴/۲۱)

۳. در دیدار گروهی از خواهران متخصص و جراح و پزشک (۷۲/۹/۹)

گسترش تعلیم و تربیت دختران

یک مسأله هم مسأله‌ی تعلیم و تربیت بانوان است. من بر این همیشه تأکید کرده‌ام. خوشبختانه امروز در جامعه‌ی ما، تعلیم و تربیت زنان رایج است؛ اما در عین حال هنوز خانواده‌هایی هستند که دختران خودشان را از تحصیل منع میکنند. اگر یک روز محیط‌های تحصیلی، محیط‌های ناسالمی بود، امروز بحمدالله دوران اسلامی است؛ آنگونه نیست. باید اجازه بدهند که دختران درس بخوانند، مطالعه کنند، کتاب بخوانند، با معارف دینی و با معارف انسانی آشنا بشوند و ذهن و مغزشان قوت و قدرت پیدا کند. این کار بسیار لازمی است که این هم باید انجام بگیرد.^۱

ضرورت احیاء و رشد گوهر انسانی و معنوی در زنان

شما خانمی را فرض کنید که در حدّ اعلای دانش باشد، اما در مسائل انسانی و در ارتباطات انسانی‌اش بعنوان یکی از دو جنس دچار ابتدال میباشد. شما خیال میکنید این فرد ارزشی دارد؟ البته خانمی که دانشمند باشد، به یک شکل، کمتر دچار این ابتدالات میشود یکی از آفات بیسوادی همین است که زنان را بیشتر به ابتدال میکشانند لیکن حدّ ابتدال، یک حدّ محدودی نیست. خانمی باشد، ولو در حدّ بالای علمی، اما اگر قدر آن گوهر انسانی‌ای که در او عزیز است کما اینکه در مرد هم آن گوهر عزیز است و زن و مرد تلاش میکنند، علم و حکمت می‌آموزند، تا آن را در خودشان متجلی کنند پوشیده و مغفول‌عنه بماند و مورد بی‌توجهی و بی‌احترامی قرار بگیرد، چه ارزشی دارد؟ باید گوهر انسانی در زن و مرد رشد پیدا کند؛ این یک مسأله‌ی ارزشی است. باید مسائل ارزشی اسلام در جامعه‌ی ما احیاء شود.^۲

۱. در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

۲. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان (۷۰/۱۰/۴)

فکر رایج رشد معنوی و اخلاقی بین بانوان

فکر رشد زنان از لحاظ معنوی و اخلاقی، بایستی یک فکر رایج در میان خود زنان باشد. خود بانوان باید بیشتر به این مسأله بیندیشند. خود آنها به معارف، به معلومات، به مطالعه و به مسائل اساسی زندگی رو کنند. همان تربیت غلط غربی موجب شد که در دوران حکومت طاغوت در این کشور، زنان به آرایش، تجمّلات، زینتهای بیخودی، تبرّج و خودنمایی تمایل پیدا کنند، که این هم از نشانه‌های مردسالاری است.

این مسأله که زن به سمت معرفت، علم، مطالعه، آگاهی، کسب معلومات و معارف حرکت کند، باید میان خود بانوان جدّی گرفته شود و به آن اهمیّت داده شود.^۱

آشنایی و مسلط شدن خانمها به معاریف دینی

واقعاً مردان نمیتوانند بعضی از مسائل زنان را بفهمند. چقدر خوب است زنانی داشته باشیم که یک دوره اصول بدانند؛ آنوقت این زنان متجدّدی که خیال میکنند علم و معلومات به معنای بی دینی است، بیایند جلو چنین زنانی بنشینند و ببینند که اینها چطور مسلط به همه‌ی مبانی و معارفند. این علوم، ذهن را هم تعالی میدهد و واقعاً داشتن زنانی دانای چنین علوم، هنر بزرگی است. نظام اسلامی نمیتواند نظام اسلامی بماند و نسبت به زن اهتمام نوزد؛ امکان ندارد. اگر بخواهیم همینطور رها کنیم نمیشود و اگر بخواهیم کار کنیم، یکی از مقدمات قطعی اش همین است که خانمهایی آشنا و مسلط به معاریف دینی باشند. بانو «نصرت امین» از زنان عالمه و مجتهدهی معاصر و اهل اصفهان، که سالها کتابهای خود را با نام «یک بانوی ایرانی» منتشر میکرد.^۲

۱. در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

۲. در دیدار مؤسّسین و مسؤولان دانشگاه الزهرا (۷۱/۷/۲۳)

انتشار اندیشه‌های اسلامی در بین زنان

کار و حرکت کنونی شما^۱ در آینده میتواند راهگشای ملت اسلامی باشد. از همین رو امروز ما مطمئنیم آینده از آن امت اسلامی و مستضعفان است؛ زیرا وقتی امروز اندیشه اسلامی در میان نسل جوان زنان ما انتشار مییابد، این اندیشه تنها در انحصار این نسل نمیماند، بلکه نسلهای آینده هم از آن مستضعفان خواهد بود. بیشترین و بهترین راه تأمین اخلاق اسلامی، ذکر و به یاد خدا بودن است.^۲

تحصیل علوم اسلامی؛ زیربنایی‌ترین کار برای زنان مسلمان

اگر بخواهیم کار شما را ارزیابی کنیم، چه باید بگوییم؟ باید بگوییم بر مبنای همه‌ی زمینه‌هایی که در جامعه به وجود آمده، استوارترین کار ممکن برای آینده، به این وسیله انجام میگیرد؛ یعنی شما خواهران اگر این کاری که انجام میدهید، این درسی که میخوانید، این رشته علوم اسلامی را که میخواهید ادامه بدهید، درست ادامه بدهید؛ باید بدانید که این کار، استوارترین و زیربنایی‌ترین و خوش‌عاقبت‌ترین کاری است که بعد از انقلاب تاکنون از سوی زنان انجام گرفته است. یک کار ممکن است شور و هیجان بیشتر و یک کار شور و هیجان کمتری داشته باشد؛ اما ای بسا کاری که از هیجان کمتری هم برخوردار است، عمق و اثر بیشتر و آینده‌ی بهتری دارا باشد. کار شما از این قبیل است.^۳

لزوم آشنایی خواهران با علم اسلامی به شکل متقن

بنده از اینکه میبینم عده‌ای از خواهران - آن هم در یک نقطه‌ای که مرکز تحصیلات علوم دینی نبوده، در یک شهری که حوزه‌ی علمیّه در آنجا وجود نداشته - گرد آمدید و حوزه‌ی علمیّه‌ی زنان را تشکیل دادید

۱. خواهران طلاب

۲. در دیدار با گروهی از خواهران طلاب و دانش آموزان مسجد سلیمان (۶۱/۶/۴)

۳. در دیدار خواهران طلبه و دانش آموزان مسجد سلیمان (۶۱/۶/۴)

و در او عضو شدید، این را وقتی که میبینم، احساس میکنم که این کار و این جریان و رشته، همان جریان و رشته‌ای است که خواهد توانست در آینده بلندمدت، کلیه‌ی مسائل امت اسلامی را حل کند. از اینجا ما میتوانیم امیدوار باشیم که آینده، آینده‌ای است مال اسلام و مال امت اسلامی و مال مستضعفین؛ زیرا وقتی که اندیشه‌ی اسلامی به شکل متقن و محکم در میان نسل جوان زن امروز به وجود می‌آید، این در حقیقت خود این زنان نیستند که اندیشه‌ی اسلامی را فرا میگیرند، این در حقیقت نسلهای آینده است که دارد منبع اصلی اندیشه‌اش در اینجا لبریز و سرشار میشود. پسران آینده، دختران آینده، نسلهای آینده، امت اسلامی، همه و همه، منشأ گرفته‌ی از جامعه‌ی زنان جوانی هستند که امروز به نحوی از انحاء اندیشه و ذهن و دل خودشان را و روح خودشان را مصفا میکنند و میسازند؛ بنابراین این کارتان بسیار کار مهمی است و شبیه این کار، یعنی آشنایی با علوم اسلامی برای خواهران خوب است که در شهرهای بزرگ، در اغلب شهرهای کشور یا همه جا شروع بشود و بشکل متقنی این کار انجام بگیرد.^۱

لزوم شکافتن اعماق بینش و اندیشه‌ی انقلابی اسلام از طریق آثار شهید مطهری

امروز هم همچنانی که ما به همه‌ی مساجد، به همه‌ی مدارس، به همه‌ی مجامع مذهبی میگوییم همیشه که امروز روزی است که شما حسن استفاده بکنید و اعماق بینش و اندیشه‌ی انقلابی اسلام را برای انسانها بشکافید و برملا کنید، به شما هم همین را میگوییم. خوشبختانه نزدیک به ایام سالگرد شهادت استاد شهید مطهری از فرصت استفاده کنم توصیه‌ی کتابهای ایشان را بکنم. کتابهای ایشان را کتاب درسی قرار بدهید، روی آنها بحث کنید؛ انقلاب اسلامی در بطن و متن همان کتابهاست. آنها را درست تدریس کنید، آنها را درست به بچه‌ها بفهمانید، آنها را درست همه جزو ذهن و فکر و

۱. در دیدار با گروهی از خواهران طلاب و دانش آموزان مسجد سلیمان (۶۱/۶/۴)

ایمانشان قرار بدهند؛ و با قرآن بیشتر انس پیدا کنید، و با قرآن سر و کار داشته باشید و از مسائلی که در ظواهر سرگرم‌کننده و چشمگیر هست، بیشتر به مسائلی که در اعماق وجود دارد خودتان را برسانید و عمل اسلامی و اخلاق اسلامی را رواج بدهید، ترویج کنید.^۱

توسعه‌ی جامعه‌ی الزهراء(س) در کلّ کشور

سطح فکر خانمها باید بالا برود. خانمها - مخصوصاً زنان جوان - به این معلومات احتیاج دارند.

باید جامعه‌ی الزهراء(سلام‌الله‌علیها) را در کلّ کشور توسعه دهیم. مثلاً در شهرهای بزرگ، از جمله اصفهان، شیراز، مشهد، تبریز و جاهایی که سابقه حوزه است و علمایی در آن جاها هستند، چه مانعی دارد که جامعه‌ی الزهراء(سلام‌الله‌علیها) تشکیل شود؛ بطوری که ما بتوانیم در هر سال مثلاً هزار یا دو هزار نفر از این دختران آماده را که دلشان میخواهد معلومات پیدا کنند، به این مراکز بیاوریم و تربیت کنیم؟ در آن صورت بعضی در مدارس مدرّس خواهند شد، بعضی مبلغ دینی خواهند شد، بعضی هم هیچ کدام. لکن طرز فکرشان بالا خواهد بود. این، امر بسیار مثبت و خوبی است. آنچه که در حاشیه‌ی این اقدام لازم است، توجه به این است که در بین دختران و زنان، کسانی که استعدادهاى برجسته‌ای دارند کم نیستند. هم استعداد دارند و هم شوق دارند. ما نمیخواهیم اینها مفتی بشوند؛ اما چه مانعی دارد که در امور اسلامی محقق شوند؟ مثلاً، فرض بفرمایید اگر ما بتوانیم در کلّ کشور، پانصد زن عالمه‌ی مفسّره و دانای معارف اسلامی مثل بانوی اصفهانی(رحمة‌الله‌علیها) داشته باشیم، به نظر میرسد که از لحاظ معارف و تبلیغات دینی، خیلی در فصاحت قرار خواهیم گرفت و این، خیلی مهم خواهد بود. اگر در ده یا پانزده سال آینده بتوانیم در هر شهری از شهرهای کشور، یک یا دو نفر زن

۱. در دیدار با ۱۰۷ نفر از خواهران مکتب نرجس (۶۱/۲/۲)

داشته باشیم که اینها مجتهد باشند، فقیه باشند، با تفسیر آشنا باشند و قدرت تحقیق مطالب دینی داشته باشند، این، چیز کمی نیست.

ما در طول زمان عادت کرده‌ایم که زنانمان مشاغل دینی و روحانی نداشته باشند. در حالی که اگر در شهری خانمی باشد که مرجع مراجعات زنان باشد و مشکلات فکری‌شان را حل کند، خیلی خوب است. الان از این متجدد دینی که در علوم مختلف درس خوانده‌اند، چقدر زنان روشنفکر برآمده‌اند! به هر حال محیط، محیط دینی است؛ و زنان با معضلات فکری و دینی برخورد میکنند و یک نفر باید مشکلاتشان را برطرف کند. اگر خانمی در یک شهر دارای معرفت دینی و قدرت تحلیل و تحقیق باشد، واقعاً راه باز خواهد شد: زنان پیش او میروند و او جواب میدهد و کمک میکند.^۱

آشنایی درست با قرآن و مسائل اسلامی

این چیزی است که به شما خواهران مخصوصاً خواهران خانم طاهایی که خب بحمدالله موفق بودند در این کارهای مدارس و تشکیل مجامع و مکاسب بسیار ارتباط پیدا میکند. سعی کنید آن ایمان ناب خالص را که حالا در این روند انقلاب جوشانتر و باصفاتر و داغتر و پرهیجانتتر شده، این را با شناخت لازم و ضروری در باب مسائل اسلامی و انقلابی آمیخته کنید. سعی کنید درست با قرآن آشنا بشوید.^۲

انس و معرفت با قرآن

این یک باب جدیدی است که دختران جامعه‌ی ما، دختران دانشجو در جامعه‌ی اسلامی مسابقه‌ی درک قرآن، حفظ قرآن و آگاهی با علوم قرآن میگذارند و تعداد زیادی چند صد نفر یا چند هزار نفر در آن شرکت میکنند و این همان حرکت عملی به دنبال فاطمه‌ی زهرا(علیها السلام) است. بسیار

۱. در دیدار مؤسسین و مسؤولان دانشگاه الزهراء (۷۱/۷/۲۳)

۲. در دیدار با ۱۰۷ نفر از خواهران مکتب نرجس (۶۱/۲/۲)

کار مبارکی است این کار و حرکت دختران و زنان جامعه‌ی ما مخصوصاً دختران دانشجو که نقش بیشتری در فرهنگ آینده‌ی این کشور خواهند داشت، باید در همین روش و همین صراط، مستمر ادامه پیدا بکند، انس با قرآن و معرفت قرآن، کلید همه چیز است.^۱

حلّ مشکلات جامعه از طریق انس زنان با قرآن

امیدواریم خداوند متعال به شماها توفیق بدهد. من از همه‌ی خانمهای محترم، بانوان گرامی که در بخشهای مختلف کشور در کار قرآنی فعالند، صمیمانه تشکر میکنم. و حضور شماها در عرصه‌ی کار قرآنی، به جامعه‌ی زن کشور الهام خواهد داد و زنان کشور ما - یعنی نیمی از جمعیت - را ان شاء الله به قرآن متمایل خواهد کرد. و اگر زنها با قرآن مأنوس بشوند، بسیاری از مشکلات جامعه حلّ خواهد شد؛ چون انسانهای نسل بعد در دامن زن پرورش پیدا میکند و زن آشنای با قرآن و مأنوس با قرآن و متفاهم با مفاهیم قرآن، خیلی میتواند در تربیت فرزند تأثیراتی داشته باشد و امیدواریم ان شاء الله - به برکت این حرکت عظیم شماها، فردای جامعه‌ی ما بمراتب از امروز قرآنیتر باشد.^۲

جدّی گرفتن حرکت علمی زنان

این مسأله که زن به سمت معرفت، علم، مطالعه، آگاهی، کسب معلومات و معارف حرکت کند، باید میان خود بانوان جدی گرفته شود و به آن اهمیّت داده شود.^۳

لزوم زمینه‌سازی برای تحصیلات عالیّه‌ی دختران

خانواده‌ها اجازه بدهند دخترهایشان درس بخوانند، مبادا پدری یا مادری

۱. در خطبه‌های نماز جمعه (۶۵/۱۲/۱)

۲. در دیدار با جمعی از بانوان قرآن پژوه کشور (۸۸/۷/۲۸)

۳. در همایش خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

از روی تعصب خیال کند که باید جلو دختر را بگیرد که تحصیلات عالیّه نکند؛ نه دین چنین چیزی نگفته است. دین برای تحصیل، بین دختر و پسر فرق نمیگذارد. بگذارید دختران جوان ما درس بخوانند، علم بیاموزند، تا بفهمند تبلیغات استکبار جهانی در مورد زن چقدر بی اساس و بی پر و پایه و پوچ است. در سایه‌ی سواد میتوان اینها را فهمید. امروز متدینترین، پاکترین دختران و زنان جوان ما در میان قشرهای تحصیلکرده هستند؟ کسانی که اهل چسبیدن به زر و زیورآلات هستند یا بطور کورکورانه و چشم بسته میخواهند در لباس و پوشاک و وضع زندگی از الگوهای غربی تقلید کنند، یا غالباً آدمهایی هستند که سواد و معرفت کافی ندارند. من توصیه میکنم پدر و مادرها بگذارند دختر بچه‌هایشان به مدرسه بروند و سوادآموزی کنند. اگر استعداد و میل دارند، بالاتر از مراحل ابتدایی را هم بگذرانند و خودشان را به تحصیلات عالیّه برسانند و جزو انسانهای باسواد شوند.^۱

راه به کمال رسیدن زن

اگر فضای فرهنگی جامعه در زمینه‌ی مسائل زن شفاف بشود و احکام اسلامی و نظرات قرآنی در این زمینه روشن گردد، راه هموار خواهد شد؛ برای اینکه بانوان کشور ما بتوانند به آن نقطه‌ای که برای یک زن، آرمانی و غایت مطلوب است، برسند.

هدف این است که ما برای رسیدن زن به کمال وجودی‌اش خود تلاش کنیم و مبارزه کنیم و بنویسیم و بگوییم؛ یعنی زن در جامعه اولاً به حقّ انسانی و حقیقی خود برسد، ثانیاً استعدادهای او شکوفا بشود و رشد حقیقی و انسانی پیدا کند و در نهایت به تکامل انسانی نائل بشود.^۲

۱. در دیدار با جمع خواهران ارومیّه (۷۵/۶/۲۸)

۲. در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

افزایش سطح فکری زنان و مردان از راههای گوناگون

برای حلّ مسأله‌ی زن و مرد باید قوانین و مقرّرات لازم تدوین و تصویب شود، سطح خردمندی و اندیشه‌ی زنان از طریق فعالیت‌های گوناگون فکری، اجتماعی، اقتصادی، ادبی و هنری افزایش یابد و سطح فکری جامعه نیز، بطور عام رشد پیدا کند؛ زیرا در جامعه‌ای که همه از هوش و اندیشه و حکمت برخوردار باشند، هیچکس مورد تعرّض دیگری قرار نخواهد گرفت.^۱

حضور زن با حفظ متانت در میدانهای علمی

به برکت انقلاب، زن ایرانی در راه بسیار خوبی افتاده. امروز، زن ایرانی میتواند در میدان علم وارد بشود و مدارج علمی را طی کند؛ در حالی که دین و عفاف و تقوا و وقار و متانت و شخصیت و حرمت زن مسلمان را هم حفظ کرده باشد. الان در بین همین جمع شما، چقدر دانشجویان و اساتید و دانشمندان زن وجود دارند؟ همچنین زن میتواند در میدان علوم و آگاهیهای دینی وارد بشود؛ بدون اینکه هیچ مانعی بر سر راهش باشد، الان در بین همین جمع شما، عدّه‌ی کثیری از طلاب و دانشجویان و مدرّسان و اساتید علوم دینی هستند که در میدان فقه اسلامی و بینش دینی تحصیل میکنند. امام بزرگوارمان هم به این مسأله بسیار اهمیت میدادند و به همین خاطر دستور دادند که این مؤسسه^۲ قم تأسیس شود.

امروز، زن در کشور ما میتواند در میدان سیاست و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و جهادی و کمک به مردم و انقلاب و حضور در میدانهای گوناگون، شخصیت خودش را با حفظ متانت و وقار و حجاب اسلامی نشان دهد.^۳

۱. در دیدار جمعی از بانوان مسؤول، متخصص و هنرمند کشور (۷۴/۸/۲۲)

۲. جامعه‌الزهرا

۳. در دیدار با جمع کثیری از زنان (۶۸/۱۰/۲۶)

علم‌آموزی زنان، بدون اختلاط و بی‌بندوباری

شما خانمها برای دنیا پیامی دارید، این پیام را دقیق و مسجّل کنید و به دنیا بدهید. پیام هم فقط پیام زبانی و شفاهی و کتبی نیست؛ بلکه بیشتر پیام عملی است. زنهای ایران، به‌خصوص کسانی که در رشته‌های گوناگون دانش و در چارچوب اسلام و احکام اسلامی و مهمتر از همه مسأله‌ی حجاب توانسته‌اند حرکت کنند، بایستی به زنان و دختران و دانشجویان زن دنیا عملاً تفهیم کنند که علم به معنای بی‌بندوباری نیست و لازمه‌ی تحصیل علم بی‌قیدی نسبت به موازین اخلاقی در مورد معاشرت زن و مرد نیست؛ بلکه میتوان با رعایت کامل این موازین علم را هم تحصیل کرد و به جاهای بالایی رسید و وجود شما میتواند بعنوان یک نمونه از پیام جهانی اسلام نشان داده بشود.^۱

زنده کردن روحیه‌ی طلبکارانه نسبت به تفکرات غلط

به نظر من، جمعیت زنان، کارش اینهاست: به زن شخصیت دادن؛ زن را در مقابل هجوم دشمن و هر چیز پست‌کننده جری کردن؛ تفهیم کردن به او که حق با توست. دشمن غلط میکند حرفی میزند و با جنجال و هیاهو دنیا را پر میکند! بیخود میگوید؛ دروغ میگوید! حق این است و این پیش خواهد رفت.

این را شما به زنان جوان، به دختران دانشجو و به خانمهای خانه‌دار بگویید. حالا باز دختران دانشجو بهترند. بعضی از خانمهای خانه‌دار، اصلاً احساس نقص میکنند اگر طلا به گردنشان نیاویزند. میگویند «به ما اهانت میشود!» ما مثلاً گاهی چیزی میگوییم؛ یا خانواده‌مان مثلاً به بعضی از خویشاوندانشان، که «این چه وضعی است؟» در جواب میگویند «اگر نکنیم، به ما اهانت میشود!» اهانت میشود یعنی چه؟! تو طلبکار باش از او! این روحیه را باید شما در زنان زنده کنید.

۱. در دیدار با گروهی از زنان پزشک سراسر کشور (۶۸/۱۰/۲۶)

کاری که من گمان میکنم امروز وظیفه‌ی یک مجموعه‌ی زنانه‌ی مؤمن و انقلابی و قوی هست، این است که باید به میدان بیاید و با تهاجمهای دشمن - بخصوص در زمینه‌ی زنان - مقابله کنید.^۱

جذب مناسب و دفع عناصر بد فرهنگ غرب

ما ایرانی هستیم. ما باید بگردیم، چیزی را که مال خودمان هست پیدا کنیم. نمیگویم زیباییهای دیگران را یاد نگیریم. انسان باید هر چیز خوب و زیبایی را از دیگران یاد بگیرد؛ اما آن را بیاورد و در خودش حل کند. اگر در معلومات و فرهنگ غرب، عنصر مناسبی هست، باید مثل انسان سالمی که مینشیند غذایی را میخورد و خوبش را جذب و بدش را دفع میکند، خوبش را بگیریم و جذب کنیم؛ یعنی مثل یک موجود زنده برخورد کنیم، نه مثل یک موجود لمس و لخت و خواب و مست! چرا فرهنگ بیگانه را اینطوری به ما تزریق کنند؟! خودمان آن را که مناسب هست، انتخاب کنیم.^۲

مطالعه، تحقیق، درس و اهتمام به امور دینی؛ وظیفه‌ی مسلم زنان

خواهران گرامی و بانوان عزیز، آنچه مهم است، این است که امروز اسلام با قوانین و معارف خود به حمایت از همه‌ی قشرهای جامعه‌ی ما، زن و مرد روستایی و شهری، قشرهای مختلف مخصوصاً قشرهایی که ضعیفند، کمر بسته است. از یک نگاه دیگر، نظام اسلامی و احکام اسلامی کمر به دفاع از مظلومان در همه‌ی دنیا بسته است. با این دیدگاه است که امروز استکبار علیه نظام جمهوری اسلامی توطئه میکند. امروز بحمدالله در همه‌ی کشور دانشگاه و حوزه‌ی علمیّه هست و دختران جوان در حوزه‌های علمیّه و دانشگاهها درس میخوانند و در بخشهای مختلف علم‌آموزی میکنند

۱. در دیدار اعضای شورای مرکزی جمعیت زنان (۷۱/۲/۱۵)

۲. همان

و آگاهی کسب مینمایند. تا وقتی که این روحهای جوان پرشور دارای آگاهی و با اراده و با محبت که در جامعه‌ی ما بحمدالله فراوان است وجود داشته باشد، استکبار امریکا نسبت به این کشور هیچ غلطی نمیتواند بکند. توصیه‌ای که میکنم این است که خواهران و دختران عزیز من، این آگاهیها را بیشتر کنید. کتاب، مطالعه، تحقیق، درس و اهتمام به کارهای دینی جزو وظایف حتمی و مسلّمی است که امروز زنان کشور باید خودشان را مثل مردان موظّف بدانند، شما هستید که فرزندان صالح را تربیت میکنید، شما هستید که همسران خودتان را برای ورود به میدانهای خوب تشویق میکنید، بسیاری از زنان شوهران خودشان را بهشتی میکنند و آنها را از مشکلات دنیا و آخرت نجات میدهند.^۱

شیوه‌های ابتکار برای کتابخوان کردن زنان

از جمله کارهای بسیار اساسی، باسواد کردن زنان است. از جمله کارهای بسیار مهم، کتابخوان کردن زنان است. یک شیوه‌های ابتکاری پیدا کنید، برای اینکه خانمهای داخل خانه را کتابخوان کنید. متأسفانه زنان ما با کتابخوانی خیلی انسی ندارند. هزاران کتاب در بازار می‌آید و می‌رود، اما اینها مطلع نمیشوند. این کتابها معارف بشری است که ذهنها را برای بهتر فهمیدن، بهتر اندیشیدن، بهتر ابتکار کردن و در موضع بهتر و صحیحتری قرار گرفتن، آماده میکند.^۲

لزوم آموختن روشهای صحیح خانه‌داری

از جمله چیزهای بسیار مهم دیگر، آموختن روشهای صحیح کار داخل خانه یعنی برخورد با همسر و برخورد با فرزندان به زنان است. زنانی هستند که خیلی هم خوبند، دارای حلم و صبر و گذشت و اخلاق خوبند؛ اما

۱. در دیدارخواهران ارومیه (۷۵/۶/۲۸)

۲. در دیدار جمعی از زنان پزشک (۷۰/۱۰/۴)

روشهای برخورد با همسر یا با فرزندانشان را درست نمیدانند. این روشها علمی است؛ چیزهایی است که با تجربه‌ی بشری روز به روز پیشرفت کرده و به مراحل خوبی رسیده است. کسانی هستند که تجربه‌های خوبی دارند؛ باید روشهایی پیدا کنید که افرادی که میتوانند، خانمها را به این مسائل راهنمایی کنند.^۱

عمق دادن به تحلیل سیاسی زنان

زنان حقیقتاً از لحاظ سواد عقبند. شما نگاه کنید در خانواده‌ها، در زوجهای معمولی - البته استثنا هم دارد - معمولاً اینطور است که زنان از لحاظ سطح سواد و معلومات، پایینترند. آنهایی هم که اهل سواد و معلوماتند، از لحاظ فرهنگ و معارف، از شوهرانشان پایینترند. عرض کردم: این، غالب است. در حالی که اینها باید یکسان باشند؛ یعنی اگر فرض بفرمایید پنجاه درصد از زنان از لحاظ علم و معرفت نسبت به شوهرانشان دچار کمبودند، پنجاه درصد شوهران هم بایستی دچار کمبود باشند؛ یعنی تعادل برقرار شود. بطور متوسط و میانگین وقتی حساب میکنیم، باید یکسان باشند. قاعده، این باید باشد. ولی خوب؛ چرا امروز در جامعه‌ی ما اینطور نیست؟! این، یک نقیصه‌ی بزرگ است. سواد پایین است؛ معلومات پایین است؛ قدرت تحلیل کم است. این، نه به این خاطر است که زن نمیتواند قدرت تحلیل داشته باشد؛ نه. ما، میبینیم خانمها، تحلیل میکنند، حرف میزنند و در همه‌ی میدانها حضور دارند، مثل همین خانم دباغ.

اینطور نیست که ما تصور کنیم یا کسی تصور کند که نمیشود؛ کما اینکه در جاهایی میگویند. در باب مسائل پزشکی و از این قبیل، میگفتند «خانم پزشک، کاری را که مرد پزشک میتواند انجام بدهد، نمیتواند!» من تحقیق کردم و معلوم شد که این حرف، دروغ است. خانم پزشک جراح، همان کاری را که مرد جراح انجام میدهد، میتواند انجام دهد. مگر میخواهد هالتر

۱. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی - اجتماعی (۷۰/۱۰/۴)

بزند که بگوییم ماهیچه‌هایش ضعیفتر از مرد است و نمیتواند! این، یک نوع زیرکی ذهنی و یک نوع ذکاوت می‌خواهد. این ذکاوت، در حدّ اعلا، هم در زن، هم در مرد وجود دارد و از این بابت، تفاوتی با هم ندارند. دو مرد هم یک وقت با هم متفاوتند. ممکن است یک زن و یک مرد متفاوت باشند؛ اما میانگین یکسان است. هر دو، قدرت تحلیل دارند؛ اما عملاً تحلیل سیاسی در زنان ما ضعیف است و این را باید عمق داد. باید به آنها قدرت تحلیل داد. این هم نکته‌ی دوّم یا علّت دوّم در وضع عقب‌افتادگی زنان.^۱

برخورداری از درک سیاسی، فنون خانه‌داری و متانت در فعالیت‌های اجتماعی

در نظام اسلامی زنان باید از درک سیاسی برخوردار باشند، فنّ خانه‌داری و همسرداری را بدانند و در صحنه‌ی فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، علمی و خدمات، مظهر عصمت، طهارت و متانت باشند و به این مهم توجه کنند که حجاب شرط اوّل است؛ زیرا بدون حجاب، زن فراغت لازم را برای دستیابی به مراتب بالا به دست نخواهد آورد.^۲

۲-۳- خودباوری و خودسازی فکری و معنوی زنان

رشد ایمان و معرفت زنان؛ پشتوانه‌ی بقای عزّت اسلام

امروز بحمدالله اسلام و همه‌ی افکار اسلامی از جمله آنچه که مربوط به زن است در دنیا درخشنده است. امیدواریم که خدای متعال به ما توفیق بدهد تا بتوانیم این اسلام را درست بشناسیم. من به شما بانوان مسلمان و انقلابی سفارش میکنم که هر چه میتوانید و در هر کجا که هستید، ایمان و معرفت اسلامی خود را رشد و عمق بدهید و روز به روز آگاهی خودتان را بیشتر کنید، این ان‌شاءالله پشتوانه‌ای برای بقای عزّت دائمی اسلام خواهد بود.^۳

۱. در دیدار اعضای شورای مرکزی جمعیت زنان (۱۷/۲/۱۵)

۲. در دیدار با جمع کثیری از بانوان مسلمان و انقلابی (۷۲/۹/۱۷)

۳. در دیدار با جمع کثیری از زنان (۶۸/۱۰/۲۶)

بالا بردن سطح معرفت برای ایستادگی در برابر دشمن

من از تمامی دختران دانش آموز و دانشجوی و زنان تحصیلکرده و شاغل و بانوان خانه داری که دلشان به نور ایمان و روحیه‌ی انقلاب زنده است، می‌خواهم که برای ایفای نقش فعالتر و نقش زن مسلمان در پیشرفت امور جامعه بیندیشند و با ایجاد تشکلهای سیاسی و انجام کارهای علمی و ارائه‌ی خدمات ارزشمند و بالا بردن سطح معرفت و معلومات خود در مقابل دشمنان ایستادگی کنند.^۱

اصرار امام به خودباوری و اظهار شخصیت واقعی زنان

آنچه که از نظر ما مهم است من در طول سنین متمادیه، همیشه میدیدم که حضرت امام (رضوان الله علیه) به آن اهمیت میدادند، شخصیت بخشیدن به زن است. ایشان همیشه سعی داشتند به عنصر زن در جامعه‌ی خودمان، که کما نصف جمعیت کشور و کیفاً - در مقاطع حساس - بیش از نصف است، شخصیت ببخشند؛ آن هم نه شخصیت تحمیلی یا تلقینی، بلکه همان شخصیت واقعی که مغفول عنه است و زیر پوششهای گوناگون مخفی نگه داشته شده است. ایشان اصرار داشتند آن شخصیت را اظهار کنند و مدام به رخ همه - به خصوص به رخ خود زنان - بکشند و حقیقت درخشانی را که وجود دارد، به آنها بیاورانند.^۲

گسترش معرفت و دانش اسلامی و آگاهی سیاسی عمیق

معرفت و دانش اسلامی و آگاهی سیاسی در میان جامعه‌ی زنان ما آن عمق لازم را در همه‌ی افراد پیدا نکرده در بعضی چرا، یک عده از خانمها قدرت تحلیل دارند، تحلیل سیاسی دارند، بینش خوب دارند، از بعضی از مردها خیلی هم بهتر میفهمند اما در میان جامعه‌ی زنان این چندین میلیون

۱. در دیدار گروهی از خواهران (۷۳/۷/۲۰)

۲. در دیدار اعضای شورای مرکزی جمعیت زنان (۷۱/۲/۱۵)

زنی که توی جامعه‌ی ما هست، بطور کامل این معنا هنوز رواج و گسترش پیدا نکرده.^۱

پیدا کردن تفکر انقلابی عمیق

شماها که خانمهای انقلابی هستید، طلایتان راه، پولتان راه، وقتتان راه، زندگیتان راه، فرزندانتان راه، همه را در راه انقلاب دارید مصرف میکنید، شما ملاک امر نیستید، آیا مجموعه‌ی زنان کشور ما الان از آن فرهنگ گذشته توانستند خودشان را کاملاً پیرایش کنند، پالایش کنند؟ این یک نکته. نکته‌ی دیگر اینکه تفکر انقلابی در میان خانمها آن عمق لازم را باید پیدا کند، نباید زنها چشم و گوش بسته به مسائل سیاسی و دینی و امور جاری جامعه‌ی خودشان نگاه کنند، بلکه بایستی با بینش، با تحلیل، این آن چیزی است که آن احساسات پرشوری را که قبلاً اشاره کردم همیشه همینطور جوشان نگه خواهد داشت، اگر احساسات متکی به فکر و منطق و آگاهی شد این احساسات همیشه میماند آن هم به صورت درستش. اگر احساسات مجرد و جدای از بینش و آگاهی و منطق و فکر و علم شد، احساسات یک روز هست یک روز هم ممکن است نباشد، یک روز درستش هست، یک روز ممکن است کج و غلطش باشد، نمیشود بهش اتکا کرد، حرکت عظیم انقلاب یک تحوّل به وجود آورد.^۲

خرد، اراده و تصمیم درست؛ شاخصه‌ی برترین زنان تاریخ

برترین زنهای تاریخ، کسانی هستند که از خودشان خرد، اراده، تصمیم درست و شخصیت انسانی نشان داده‌اند. یک وقت خانمی در یکی از کشورهای شرق- که نمیخواهم اسم او را بیاورم- نخست وزیر بود؛ خانم برجسته‌ای بود؛ از قبل از انقلاب نخست‌وزیر بود و تا زمانی هم که

۱. در دیدار با جامعه‌ی حضرت زینب(س) (۶۶/۱۱/۲۷)

۲. همان

من رئیس‌جمهور شدم، او نخست‌وزیر بود. این خانم، یکی از مقتدرین و برجسته‌ترین چهره‌های سیاسی زنان در دنیا بود؛ اما از لحاظ لباس و پوشش، در کمال سادگی بود. شخصیت زن، به تجملات نیست. خانمها خود را درگیر رقابت و چشم و هم‌چشمی در زمینه‌ی لباس و آرایش و دکور و امثال اینها نکنند؛ هم خود را اذیت میکنند، هم همسرانشان را به زحمت می‌اندازند و هم پیش خدا رتبه‌ای پیدا نمیکنند، بلکه تنزل هم میکنند.^۱

خودسازی، مطالعه و راهنمایی از استاد

خانمها در طول سالیان دراز از تیررس تبلیغات اسلامی دور بودند، خیلی ساده بود که در جلسات عمومی زنها راحت نتوانند، بیایند، چقدر جلسه‌ی عمومی خوب و مفید وجود داشت آن وقتها، زنها نمیتوانستند بیایند. مشکلشان بود، آنهایی که خانه‌دار بودند یکجور، آنهایی که شغل داشتند یکجور، آنهایی که مدرسه میرفتند یکجور، این جلسات برگزار میشد، مردها، جوانها از آن کمال استفاده را میکردند، زنها بیچاره‌ها میمانند کنار. علاوه بر این چقدر جلسات خصوصی بود. ما خودمان در دوران اختناق چقدر جلسه‌ی دو نفره، سه نفره داشتیم، چهار نفره داشتیم. خب با پسرها این جلسه خیلی راحت ممکن بود، با زنها مشکلاتی داشت، خیلی مشکل بود. جلسه نداشتیم. از تیررس تبلیغات اسلامی خواهرها به نسبت به برادرها دور بودند، لذا بود که دشمن خیلی از خواهرها را برد. شما ببینید این طفلکها، دخترهایی که فریب این گروه‌های منافق را خوردند، چقدر زیاد است تعدادشان، چرا؟ چرا پسرایمان به آن زیادی نیستند به نسبت؟ برای خاطر اینکه پسرها یک قدری آگاهی بیشتری داشتند. زنها دور مانده بودند، بردند. لذا شما امروز یک مسؤولیت مضاعف دارید برای خودسازی، خواهرانی که مسؤولان شاخه‌ی خواهرها هستند این را باید

۱. در دیدار با خانواده‌های پرسنل سپاه ولی‌امر (۸۰/۸/۲۷)

بهش توجه کنند. کتاب، نوشته‌ی دینی، نوشته‌ی سیاسی خوب، کلاس، سخن گفتن، شنیدن، بحث کردن، درباره‌ی مسائل اسلامی، درباره‌ی خطوط سیاسی درست و نادرست که نادرست را بشناسند، درست را بشناسند، در این چیزها بایستی تأکید و مبالغه بشود و خواهرها کتاب بخوانند، خواهرها کار بکنند. بهتر از گفتگو کردن و بحث کردن بیهوده و بی‌پایان و بی‌ثمر، خواندن و در خود فرو رفتن و مطالعه کردن است و بعد از یک استاد، از یک بزرگتر، راهنمایی خواستن، ارشاد طلبیدن، این است. این یک مسأله است که مسأله‌ی خودسازی است که بایستی شما همه‌تان در این خودسازی شریک باشید و خودتان را بسازید و به ساختن دیگران کمک کنید.^۱

شریک شدن در خودسازی اخلاقی و فکری

آب انقلاب ما را شستشو داد، ما همه‌مان از بسیاری از عیوب صنفی و قشری و انسانی و شخصی قبل از انقلابمان آمدم بیرون، خیلی از عیوبمان انصافاً کم شد. خواهران هم در سطح کشور و در سنین مختلف، یک شستشو، یک تطهیر، یک طهارت پیدا کردند. درست است؟ شما در داخل حزب که هستید، وابسته‌ی به حزب که هستید، یکی از وظایفتان این است که در خودتان و در کسانی که به شما مربوطند که خواهم گفت کی‌ها، دقیقاً بنگرید ببینید که از که از این عیوب چی باقی مانده، چقدرش باقی مانده، در خودتان که معلوم است، اما در آنهایی که به شما مربوطند، یعنی در آن حوزه‌ای که شما مسؤول آن حوزه هستید دقیقاً ببینید این خواهرها دچار چه گرفتاریهایی هستند، این گرفتاری را رفع کنید، با چشم یک طیب نگاه کنید، نه با چشم یک عیبجو، در آن در حوزه‌ی کار خودتان. این یکی از کارهاست خودسازی از لحاظ اخلاقی، خودسازی از لحاظ فکری. خودتان را از لحاظ فکری بالا بیاورید.

۱. در دیدار با خواهران واحد حزب جمهوری اسلامی تهران (۶۱/۱۱/۱۴)

خواهرانی که مسؤولان شاخه‌ی خواهرها هستند، این را باید بهش توجه کنند. کتاب، نوشته‌ی دینی، نوشته‌ی سیاسی خوب، کلاس، سخن گفتن. شنیدن، بحث کردن، درباره‌ی مسائل اسلامی، درباره‌ی خطوط سیاسی درست و نادرست که نادرست را بشناسند، درست را بشناسند، در این چیزها بایستی تأکید و مبالغه بشود و خواهرها کتاب بخوانند، خواهرها کار نکنند. بهتر از گفتگو کردن و بحث کردن بیهوده و بی‌پایان و بی‌ثمر، خواندن و در خود فرو رفتن و مطالعه کردن است و بعد از یک استاد، از یک بزرگتر، راهنمایی خواستن، ارشاد طلبیدن، این است. این یک مسأله است که مسأله‌ی خودسازی است که بایستی شما همه‌تان در این خودسازی شریک باشید و خودتان را بسازید و به ساختن دیگران کمک کنید.^۱

بالا بردن ارزشهای معنوی

من میگویم زن ایرانی، امروز که میخواهد حیات جدید اسلامی و انقلابی را در جامعه‌ی عمومی ملت ما مستقر بکند؛ یکی از واجبتین کارهایش این است که از لحاظ ارزشهای معنوی خودش را بکشد بالا. خیلی تلاش کردند زن را به یک موجود مصرفی تبدیل کنند، من باید بگویم متأسفانه یک مقدار زیادی هم موفق شدند. متأسفانه توانستند میل به تجملات را و زائده‌های زندگی را در زنها رشد بدهند و گسترش بدهند، با این باید مقابله کنیم. اوایل انقلاب زنها ما به طلا و آرایش و زینت‌آلات گمراه‌کننده یا بیهوده بی‌علاقه بودند. امروز بعضیها باز اقبال پیدا کردند، من نمیگویم زینت بد است یا زینت نباید بکنند، نخیر زینت چیز خوبی است و برای زنها شاید در مواردی لازم است. اما این زینت نباید یک مسأله‌ی عمده در زندگی زن بشود و همت او و فکر او و اراده‌ی او و امکانات او را و دل او را به خودش جلب کند. خب یک چیز لازمی است توی زندگی، مثل خیلی چیزهای دیگر لازم، هنر انقلاب و هنر اسلام این است که واقعیات

۱. در دیدار با خواهران واحد حزب جمهوری اسلامی تهران (۶۱/۱۱/۱۴)

زندگی را در پندارهای پوچی که در کنار واقعیّات و حقایق خودشان را قرار میدهند غلبه میکند، ما باید این راه را طی کنیم.^۱

آگاهی داشتن از قدر ارزشها، باعث معناداری و جهتگیری صحیح

حادثه‌ی کربلا را زینب در حقیقت حادثه‌ی کربلا کرد، این آگاهی را ما توی زنها لازم داریم تا مادر شهید بدانند که صبر او چقدر نقش دارد در سازندگی اسلام، تا همسر شهید بدانند که این صبر او چه نقشی دارد، تا آن زن و دختر عفیف پاکدامن جامعه‌ی ما بدانند که عفت او و پاکدامنی او چه نقشی در سازندگی این جامعه دارد. تا آنهایی که احساساتشان را کنترل میکنند، دلشان را حفظ میکنند، مغزشان را در راه خدا به کار می‌اندازند، نیرویشان را برای خدا مصرف میکنند، بدانند که امروز این چقدر ارزش دارد. روزگار عجیبی است. مثل بهاری است برای رشد نهالها و درختها؛ و اگر ما امروز بذر طیّبه‌ای را بر زمین جامعه‌ی خودمان بپاشیم، این رشد فراوانی خواهد کرد، اگر نپاشیم ضرر خواهیم کرد. پس امروز هر کار خوبی حسنه‌اش و ثوابش مضاعف است. این را این خانم بدانند با این دانستن هست که صبر او، مقاومت او، حرف او، نگاه او، سکوت او، انفاق او در راه خدا، حتی امساک او در آنجاهایی که امساک لازم است، همه‌اش با جهت و دارای معنا و مفید خواهد بود، این است.^۲

زن ایرانی؛ سنگربان ارزشهای اسلامی در مقابل وضع جاهلی غرب

امروز شما زنان، سنگربان ارزشهای اسلامی در مقابل وضع جاهلی دنیای غرب هستید. شما هستید که دارید از این حصار مستحکم فرهنگ اسلامی محافظت میکنید. در علم، در فرهنگ، در سیاست و در همه چیز، زن باید پرورش اسلامی پیدا کند؛ در میدانهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و همه

۱. در مراسم بزرگداشت روز زن در استادیوم آزادی (۶۷/۱۱/۸)

۲. در دیدار با جامعه‌ی حضرت زینب(س) (۶۶/۱۱/۲۷)

جا برود و پیشتاز باشد؛ اما در مسائل شهوانی و جنسی، ملعبه‌ی دست این و آن نشود؛ این حرف ماست.^۱

احترام به زن؛ دادن فرصت برای بروز استعدادهایش

احترام به زن این است که به زن فرصت داده بشود تا آن نیروها و استعدادهای برجسته و عظیمی را که در درون هر انسانی خدای متعال به ودیعه نهاده است - از جمله زن و استعدادهایی که فقط در درون زنان وجود دارد - این استعدادهای در سطوح مختلف بروز کند؛ در سطح خانواده، در سطح جامعه، در سطح بین‌المللی، برای علم، برای دانش و معرفت و تحقیق، برای تربیت و سازندگی. احترام به زن این است. من میبینم این در جامعه‌ی ما به توفیق الهی، به فضل الهی دارد خودش را کاملاً نشان میدهد. خب، این مربوط به اساس کاری که امروز بحمدالله بانوان کشور ما دارند که خیلی ارزشمند است که در همه‌ی عرصه‌های علمی حضور دارند، آن هم حضور فعال و تحسین‌برانگیز؛ و به‌خصوص حضور در مجموعه‌ی قرآنی و کار قرآنی که بسیار چیز باارزشی است.^۲

محدود نبودن فعالیت خانمها بخصوص در حیطه‌ی استعدادی

زن بقدر مرد، هر چه بتواند فعالیت بکند خوب است، چون استعدادهایی که در خانمها هست، متنوع است. اینجور نیستش که استعدادهای هنری زن یک چیزهایی باشد، استعدادهای هنری مرد یک چیز دیگر باشد، نه هر دو از همه‌ی صحنه‌های استعداد هنری برخوردارند. لذا هر دو بایستی بقدر استعداد تلاش کنند - هم خانمها، هم آقایان - و من خانمی را میشناسم که یک عکاس خوبی است که عکسهای خیلی خوبی در یکی از سفرهای ما تهیه کرده بود و بعد برای ما فرستاده بود.

۱. در دیدار با جمع کثیری از پرستاران (۷۰/۸/۲۲)

۲. در دیدار با بانوان قرآن پژوه کشور (۸۸/۷/۲۸)

حالا ما مثلاً بیاییم بگوییم که مردها فرض کنید عکاسی و چی و چی و چی؛ زنها هم فلان چیز دیگر. این نمیشود که استعداد، هر کس هر چه استعداد دارد باید کار کند برای هنر، حتی خانمهای خانه‌دار هم میتوانند هنرمند بشوند، در بخشی از کارهای هنری تلاش کنند و کار کنند، حدّ ندارد.^۱

لزوم حضور زنان در عرصه‌ی حلّ مسائل فرهنگی-اجتماعی زنان

آن چیزی که الان میخواهم به شما خانمها عرض بکنم، این است که در زمینه‌ی پیشرفت زن به معنای بروز استعدادهای فراوانی که خدا در وجود زن قرار داده چه استعدادهای مشترک او با مرد که اینها بیشترین است؛ چه استعدادهای ویژه‌ای که در زن هست یک میدان بسیار وسیعی است. پیشرفت زن در این میدان، آن نکته‌ی اوّل مورد نظر است چه برای این، چه برای تنظیم روابط زن و شوهر در درون خانواده که این به نظر من معیوبترین بخش مسأله‌ی زن در کشور ما است؛ یعنی اگر کسی بخواهد در زمینه‌ی مسائل زنان، زبان به انتقاد باز کند، بیشترین نقطه نظر در این بخش خواهد بود. یعنی به نظر من روابط زن و شوهر در درون خانواده، آن روابطی که مورد نظر اسلام و قرآن است، نیست! این البته معلول عوامل فراوانی است و مخصوص ایران هم نیست؛ تقریباً در همه جای دنیا، چنین چیزهایی وجود دارد، منتها با تفاوتهایی. چه برای پیشرفت در این زمینه یعنی کار کردن و اصلاح در این زمینه و چه از لحاظ روشن کردن دیدگاه اسلام در مورد زن و ارزشگذاری بر روی زن که چه چیزهایی زن را به کمال مطلوب میرساند و ارزش میدهد که این شد سه ناحیه؛ ناحیه‌ی پیشرفت فرهنگی و بروز استعدادها، ناحیه‌ی اصلاح روابط خانوادگی، ناحیه‌ی اعلام و تبیین نظر اسلام در زمینه‌ی مسائل زنان از جهات حقوقی، از جهات اجتماعی و غیره، اگر بخواهد در این سه زمینه کاری انجام بگیرد، باید به وسیله‌ی شما انجام

۱. در مصاحبه با مجله‌ی شاهد بانوان (۶۷/۲/۲۸)

بگیرد؛ من حرفم این است. شما خانمها هستید که باید در این سه زمینه کار کنید. ما فصلی در کشورمان خواهیم داشت که این فصل شروع شده است؛ البته این تلاش را همه باید بکنند؛ لیکن شما خانمها باید بیش از دیگران در این زمینه تلاش کنید؛ تلاش فکری، تلاش کاری، از قبیل همین کارهایی که حالا این خانمها گفتند، یا کارهای گوناگون دیگری که بحمدالله هست و در این جلسه هم محسوس شد. خانمها باید در این زمینه پیشقدم باشند و کار بکنند؛ از گفتن و تحقیق کردن و تماس گرفتن و حضور و بقیه‌ی کارهایی که باید در مسائل گوناگون اجتماعی و معضلات انجام بگیرد، تا مجاهدتی بشود که آن مجاهدت، آن نتایجی را به دنبال بیاورد، از این کارها هیچ نباید شما دریغ بکنید.

اگر در کشوری زنان آن کشور بتوانند به این صفا و معنویت و رُقاء و تعالی فکری برسند، هیچ مشکلی در آن مملکت باقی نماند، یعنی زن بطور محسوسی در مرد، تأثیر دارد. هم بر روی شوهرش، هم بر روی فرزندانش تأثیرات تعیین‌کننده‌ای میتواند بگذارد. و لذا در واقع اصلاح جامعه با اصلاح زنان است آن هم با مسائلی که گفته شد، حاصل خواهد شد.^۱

لزوم بازیابی هویت زن مسلمان با تأمل در مفاهیم اسلامی

جا دارد زن مسلمان با تأمل در مفاهیم اسلامی و ارزش‌گذاریهای اسلامی و با دقت در خطوطی که در نظام اسلامی برای پیشرفت زنان و مردان پیش‌بینی شده است، هویت خود را بازیابی کند. قامت رسای استدلال را در مقابل سفسطه‌ها و وسوسه‌های عوامل صهیونیسم و سرمایه‌گذاری و زراندوزی به نمایش در بیاورد.^۲

۱. در گفت و شنود به مناسبت میلاد حضرت زهرا(س) (۷۷/۷/۱۸)

۲. در دیدار با زنان نماینده‌ی مجلس (۸۰/۷/۱۴)

بازیابی خویشتن و اعتماد به نفس زنان

شما بعنوان کسی که میخواهید از حقوق زن دفاع کنید، حرفتان را این قرار ندهید که خانمها حتماً وزیر بشوند، اصلاً این نباید هدف باشد. مسأله‌ی ما این است که زن باید شأن انسانی خودش را در جامعه پیدا کند؛ مشکل ما این است و باید این را حل کرد. به زن باید شخصیت و اعتماد به نفس داد. چه فایده دارد که ما یک زن را وزیر کنیم؟ او یک شخصیتی ولو بحق پیدا خواهد کرد؛ در حالی که در فرهنگ عمومی زنان این خویشتن بازیابی نشده است. یعنی خانمها خودشان را بازیابی نکرده‌اند و همچنان بعنوان یک موجود درجه دو و بعنوان یک دستخوش و بازیچه‌ی خواستها و اراده‌های مرد متصور هستند. من باید بگویم که حتی خانمها در زمینه‌ی معنویات هم به خودشان جرأت نمیدهند که پا به پای مرد حرکت کنند؛ مثلاً ما مرد عابد، زاهد، ذاکر و آگاه به معارف دینی بیشتر از زن با این خصوصیات داریم؛ مثلاً مرد نماز شب‌خوان بیشتر از زن نماز شب‌خوان داریم؛ مردی که اهل دعا و ذکر باشد، از زن اینچنینی بیشتر داریم. در خانواده‌های متدین که اهل این چیزها هستند، مردهایشان بیشتر از زنانشان پایبند این مسائل هستند. این یک نقیصه و یک عیب بزرگ است. باید این را برطرف کنید. گویا که زن برای خودش اصلاً این حد را نمیشناسد که پا به پای مرد پرواز کند.^۱

نقش بازسازی اخلاقی زنان در جامعه

نقش زن در بازسازی اخلاقی و فرهنگ جامعه به اعتقاد من نقش بسیار مهمی است، چه در دوران بازسازی و چه کلاً در دوران انقلاب، خود یک بازسازی است و شاید بشود گفت که مقداری از این بازسازی اخلاقی را خود انقلاب بطور طبیعی به وجود آورد؛ چون همانطور که میدانیم روی ذهن زن در جامعه‌ی ما بسیار کار شده بود، در گذشته مقصود هم این بود که به وسیله‌ی ذهنیت نادرستی که به زن تحمیل میشود، توطئه‌ی مصرفی

۱. در مصاحبه با مجله‌ی زن روز (۶۶/۱۲/۱۳)

کردن جامعه و از جدّ خارج کردن مردم ما و ملت ما کامل بشود و واقعاً هم خوب و درست محاسبه کرده بودند.^۱

اوّل خودسازی و عیبجویی از خود

خودسازی؛ اوّل خودسازی، من به شما بگویم خواهران، نفوذ فرهنگی غیراسلامی و ضدانقلابی در ماها عمیق است. بخواهیم یا نخواهیم عمیق است، خوشا به حال آن بچه‌هایی که امروز در فضای این جامعه وارد میشوند، تنفّسشان، تنفّس لا إله إلاّ الله و الله اکبر است، ماها چه من، چه شما - که بعضی به جای خواهر من‌اید و بعضی به جای دختر من‌اید - تنفّسمان در یک فضایی بوده که آن فضا، فضای خدا و دین و اسلام نبوده، فضا، فضای طاغوت بوده، هر کدامی به نحوی و تا اندازه‌ای تحت تأثیر آن فرهنگ قرار داریم، باید آن را عوض کنیم. یک مسأله این مسأله است. باید ببینیم عیوبی که در وجود ما پیدا میشود، آن عیوب چی‌هاست؟ این عیوب را دقیقاً شناسایی کنیم، اغماض نکنیم. آن وقتی که خودمان را در میزان محاسبه میگذاریم، همیشه طرف عیوبجویی را بیشتر بگیریم.^۲

پندارها و موهومات باطل در مورد برتری زن

خانمهای مؤمن، دنبال تجملات و زیادیها نباشند؛ البتّه شما اینطور نیستید، اما از گوشه و کنار گاهی خبرهایی به گوش من میرسد. پوشیدن لباس فلان‌طور بر طبق فلان مُد، یا طلای آنطوری دست کردن، یا تزئینات خانه - و به قول شما دکور خانه - را فلان‌طور عوض کردن با خرج روی دست مرد خانه گذاشتن، افتخار نیست. ارزش یک زن، به پوشیدن لباس فاخر و بر طبق آخرین مُد راه رفتن - که حتّی بعضیها به دوختهای اروپایی رو می‌آورند - نیست؛ اینها موهومات و پندارهای باطلی است. اینکه نگاه

۱. در مصاحبه‌ی مجله‌ی شاهد بانوان (۶۷/۹/۱۳)

۲. در دیدار با خواهران واحد حزب جمهوری اسلامی تهران (۶۱/۱۱/۱۴)

کنیم ببینیم مثلاً زنِ فلان آقا با اینطور لباس و آرایش و پُزی وارد مجلس شد، ما هم اولاً در مقابل او احساس حقارت کنیم؛ ثانیاً سعی کنیم برای رفع این حقارت، خود را به هر قیمتی به پای او برسانیم، این اشتباه است. شما اصلاً در مقابل چنان کسی نباید احساس حقارت کنید. هرکس زنی را بخاطر وضع لباسش که بر طبق مُد نیست، یا طلائی که به دست و گردنش نیست، یا آرایش فلان طوری که انجام نداده، تحقیر کند، او خودش را تحقیر کرده است؛ اینها که مایه‌ی تحقیر نیست. برترین زنان دنیا کسانی نیستند که آرایشها و مُدهاشان در مطبوعات دنیا پخش شده است. بهترین آرایشها و بهترین لباسها، تن مانکنهای فروشگاههای اروپایی است، اینها خیلی ارزش دارند؟! مانکن بدبخت بیچاره‌ای که باید آنجا بایستد؛ این ارزش است؟ بهترین آرایشها، مال خیلی از هنرپیشه‌هایی است که در دنیا هیچ نام نیکی ندارند.^۱

اهمیت و ضرورت اهتمام بانوان به حل مشکلات خود

خواهران عزیز و دختران من! اعتقاد این است که اگر در بخشی از جامعه‌ی اسلامی - چه در ایران و چه در بعضی کشورهای دیگر - نسبت به زن مسلمان، کوتاهی‌هایی صورت می‌گیرد، قدری تقصیر مردان و قدری هم تقصیر خود بانوان است. چون آن کسی که باید شأن اسلامی زن را بشناسد و از آن دفاع کند، در درجه‌ی اوّل، خود بانوان هستند. باید بدانند که خدا و قرآن و اسلام، درباره‌ی آنها چه قضاوتی دارد، از آنها چه میخواهد، مسؤلیت آنها را چه چیزی معین میکند و از آنچه که اسلام فرموده و خواسته، دفاع کنند و بخواهند. اگر نخواهند، کسانی که به هیچ ارزشی پایبند نیستند، به خود اجازه خواهند داد که به زن ستم کنند؛ کما اینکه امروز در دنیای غرب و در زیر سایه‌ی نظامهای مادی آن دیار، با وجود شعارهایی که

۱. در دیدار با خانواده‌های پرسنل سپاه ولیّ امر (۸۰/۸/۲۷)

نسبت به زن میدهند، بیشترین ظلم را مردان غربی به زنان میکنند؛ پدر به دخترش، برادر به خواهرش، شوهر به زنش.^۱

موفقیت در عرصه‌ی زنان با نگاه امیدوارانه و توجه به رفع مشکلات و ضعفها

این همه زنان دانشمند، استاد در رشته‌های مختلف علمی، در علوم حوزوی، در علوم دانشگاهی - که نمونه‌ای از آنها خوشبختانه شما حضار محترم هستید که در اینجا حضور دارید - همه نشان‌دهنده‌ی موفقیت جمهوری اسلامی است. نگاه من، این نگاه است. این نگاه، دل را به آینده امیدوار میکند. ما با همین حرکت و با همین شتاب - ان شاء الله - پیش برویم، قطعاً خواهیم توانست بر فرهنگ غلط غربی و رایج در دنیا فائق بیاییم. باید کار کرد، باید تلاش کرد، باید دنبالگیری کرد. نگاه، نگاه خوشبینانه است؛ منتها این نگاه خوشبینانه نباید مانع بشود از اینکه ضعفها را نبینیم. ما درجاتی پیش رفتیم، اما ای بسا ده برابر این ممکن بود پیش برویم. آنچه که موجب شد نتوانیم در آن حد جلو برویم، همین ضعفها و مشکلاتی است که وجود داشته؛ که شما به بعضی از آنها اشاره کردید، و مشکلات دیگری هم وجود داشته که باید برطرف شود.^۲

برطرف کردن عیوب با حلم و نرمش

خواهران دانش‌آموزی که ممتاز هستند و توی این جلسه تشریف دارند، باید بدانند که این درس خواندن خوب، یکی از بهترین و موفقترین کارهاست. خوب درس بخوانید و در کنار درس خواندن، اخلاق خودتان را کامل کنید، صحیح کنید، تهذیب نفس کنید، با دیگران به صورت نافذ برخورد کنید، عیوب دیگران را پیدا کنید برای رفع کردن، نه برای به رخ

۱. در دیدار زنان خوزستان (۷۵/۱۲/۲۰)

۲. در دیدار با بانوان نخبه (۹۰/۳/۱)

کشیدن. اوّل هم ببینید آیا این عیب در شما هست یا نیست؟ اگر در خودتان بود اوّل شروع کنید به خودتان؛ از خودتان، خودتان را اصلاح کنید. بعد که این عیب در شما برطرف شد با جرأت، با قدرت، با تسلط و البته با اخلاق خوش، با پختگی، با نرمش و حلم در دیگری آن عیب را برطرف کنید. این را بدانید که قدرت و قاطعیّت با حلم و نرمش و آرامش کاملاً میسازد، اینجور نیست که با هم نسازد.^۱

تکان دادن رسوبات فرهنگ قدیمی زن در جامعه

بازمانده‌های آن رسوبات فرهنگ قدیمی خودمان هم واقعاً تأثیر دارد. امروز شما مجالس زنانه را که ملاحظه بفرمایید، میبینید وقتی دور هم مینشینند، یک مقدار حرفهای زنانه به میان می‌آید که طبیعی است. از آشپزخانه‌شان میگویند، از چرخ خیاطی‌شان میگویند. اینها اشکالی ندارد؛ اینها حرفهای معمولی زنان خانه‌دار ماست. از این چیزها با هم میگویند. اما اینکه «فلان پارچه آمده، شما دیده‌اید؟ من یک قواره خریدم، فلان کس فلان‌طورش را خریده؛ گل زردش فلان‌طور است و...» وقت آنها را بگیرد، این، واقعاً یک انحراف است. این، همان وضع قدیمی‌هاست که خانمها مینشستند و دو ساعت، سه ساعت، با هم حرف میزدند و حرف، از چارچوب این مسائل، یک قدم فراتر نمیرفت! مرد بالاخره در بازار بود، در دکان بود، در اداره بود؛ میدان وسیعتر و افق بازتری داشت.

با اینها باید مقابله کنید. کاری که «جمعیت زنان» باید انجام بدهد، به اعتقاد من، تکان دادن زن است. این عنصر زن و قشر زن را در جامعه باید تکانی بدهید.^۳

۱. در دیدار با خواهران برگزارکننده‌ی سمینار (۶۳/۳/۱۰)

۲. در عقب ماندن زنان

۳. در دیدار اعضای شورای مرکزی جمعیت زنان (۷۱/۲/۱۵)

زن وسیله‌ی التذاذ مرد؛ باوری غلط

زن باید از باور غلطی که نسبت به خویش در ذهن او به وجود آورده‌اند، باید خارج شود و آن باور غلط آن است که زن وسیله‌ای است برای التذاذ مرد. این باوری است که فرهنگ مصرفی و استعماری غرب به ما تحمیل کرده است که البته زمینه‌ی باور در کاخهای سلاطین و مرفهین تاریخ وجود داشته و آنها اولین کسانی بودند که این بذر پلید را در ذهنیت جوامع پاشیدند؛ اما غرب آن را به اوج خود رسانید. این باور را باید از ذهنها خارج کنیم و شاید از ذهن خود زن به همان دشواری خارج میشود که از ذهن مرد؛ زیرا که هر دو بر اثر تلقین طولانی، این باور را پذیرفته بودند.^۱

توفیق الهی برای حرکت در راه درست اسلامی

امیدواریم که خداوند متعال به مسئولان کشور، به قانونگذاران، به برنامه‌ریزان مسائل زنان، به کسانی که در زمینه‌ی مسائل زنان فعالیت میکنند، کمک کند و توفیق بدهد تا بتوانند راه درست اسلامی و صحیح را بدون تمایل و انعطاف به روشهای غلط بیگانه و تحمیلی پیدا کنند و ان‌شاءالله در آن راه حرکت نمایند و بانوان کشور ما بتوانند به آن وضع و سطحی که اسلام برای آنها خواسته است که شامل خوشبختی مادی و معنوی و خوشبختی دنیا و آخرت است برسند.^۲

دعا برای رشد و تعالی

پروردگارا! تو را به فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله علیها) و زینب کبری (سلام‌الله علیها) و مکتب روحبخش فاطمی و زینبی سوگند میدهیم، بانوان کشور ما را به اهداف اسلامی و والای آنها نائل بفرما. پروردگارا! موانع رشد و تعالی بانوان را از سر راه بردار. پروردگارا! همه ما را مشمول ادعیه‌ی زاکیه‌ی حضرت

۱. در مصاحبه با ویژه‌نامه‌ی روز زن (۶۰/۲/۵)

۲. در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

بقية الله الاعظم قرار بده. امیدواریم که خداوند متعال همه‌ی شما را موفق و به سلامت بدارد.^۱

۲-۴- اهتمام زنان به تخصص‌گرایی در سطوح عالی علمی

عرصه‌های علمی؛ مناسبترین زمینه‌ی فعالیت اجتماعی زنان

کارهای دانشگاهی و علمی از هر نوعش برای زن مناسب است. زن اگر بخواهد استاد شده و تعلیم و تدریس کند و کتاب بنویسد و کارهای فرهنگی بکند و در هر رشته‌ای که باشد فرق نمیکند؛ چه رشته‌ی علمی محض باشد، چه رشته‌های علوم انسانی و تجربی و دینی باشد، تفاوتی نمیکند؛ یعنی زن در همه‌ی رشته‌ها میتواند وارد بشود و مفید باشد. برای این منظوری که بحث شد، در کارهای اجرایی، تعلیم و تربیت بهترین کار است و کارهای بهداشت و درمان هم همینطور است. در زمینه‌های اجتماعی من این کارها را از اینکه مثلاً خانمی مهندس ساختمان بشود یا مهندس راه بشود، مفیدتر میدانم. البته این رشته مثلاً مهندسی نفت برای زن ممنوع نیست؛ اما لزومی هم ندارد.^۲

حضور فعال و تحسین‌برانگیز در همه‌ی عرصه‌های علمی

احترام به زن این است. من میبینم این در جامعه‌ی ما به توفیق الهی، به فضل الهی دارد خودش را کاملاً نشان میدهد. خب، این مربوط به اساس کاری که امروز بحمدالله بانوان کشور ما دارند که خیلی ارزشمند است که در همه‌ی عرصه‌های علمی حضور دارند، آن هم حضور فعال و تحسین‌برانگیز؛ و به‌خصوص حضور در مجموعه‌ی قرآنی و کارقرآنی که بسیار چیز باارزشی است.

من گمان نمیکنم در هیچ نقطه‌ای از جهان اسلام، این کمیّت عظیم با این

۱. همان

۲. در مصاحبه با مجله‌ی زن روز (۶۶/۱۲/۱۳)

انگیزه و شور در کارهای قرآنی فعال باشند. البته اطلاع دقیق ندارم، بررسی نکردم؛ اما آنطور که از اطلاعات عمومی انسان میشنود - «لوکان لبان»؛ اگر بود ما میدانستیم؛ میفهمیدیم - چنین چیزی نیست و من گمان نمیکنم در دنیای اسلام وجود داشته باشد. این، فقط هنر شماسست. این همه خانمهای قرآن پژوه در مسائل گوناگون قرآنی؛ از مسائل صرفاً علمی تا مسائل تبلیغی، تا مسائل تربیتی، تا کار هنری؛ این همه خیلی به نظرم با ارزش است. البته اگر آنطوری که پیشنهاد شد - حالا بررسی بشود، جوانبش سنجیده بشود - این مسأله‌ی مسابقات بین‌المللی اگر عملی باشد و اقدام بشود، آنوقت ارج کار زن ایرانی در زمینه‌ی قرآن معلوم و روشن خواهد شد. و این یک افتخار است؛ هم برای زن ایرانی، هم برای جمهوری اسلامی که بتواند در مسأله‌ی قرآن، این چنین فعالیت چشمگیری داشته باشد.^۱

ضرورت تحصیلات عالیّه‌ی دختران در رشته‌های مفید و مورد علاقه

زنان میتوانند تحصیلات عالیّه بکنند. بعضیها خیال میکنند که دختران نباید تحصیل بکنند. این، اشتباه و خطاست. دختران باید در رشته‌هایی که برای آنها مفید است و به آن علاقه و شوق دارند، تحصیل کنند. جامعه، به تحصیلات دختران هم نیازمند است؛ همچنانکه به تحصیلات پسران نیازمند است.^۲

زنان مؤمن در بالاترین مدارج علمی؛ افتخار نظام اسلامی

خانمهای باسوادِ مسلمانِ مؤمنِ درسخوانی که یا مشغول تحصیلند و یا در دانشگاهها بهترین علوم را در بالاترین مدارج تدریس میکنند، زیادند و این برای نظام اسلامی مایه‌ی افتخار است. خانمهایی هستند که بحمدالله بالاترین تخصصها را در پزشکی و در علوم گوناگون - در زمینه‌ی علوم انسانی، در زمینه‌ی علوم تجربی و در زمینه‌ی علوم گوناگونِ دیگر دارند.

۱. در دیدار جمعی از بانوان قرآن پژوه کشور (۸۸/۷/۲۸)

۲. در دیدار زنان خوزستان (۷۵/۱۲/۲۰)

خانمهایی هستند که در زمینه‌ی علوم دینی پیشرفت کرده و بمراتب بالا رسیده‌اند. یک روز یک خانم بزرگوار در ایران - در اصفهان - بود، به نام «بانوی اصفهانی»^۱. که خانم بسیار عالی مقامی بود. مجتهده و عارف و فقیه بود. اما فقط او بود. امروز، بحمدالله دختران جوانی که در آینده‌ی نه چندان دور به مقامات عالی علمی، فقهی و فلسفی میرسند، بسیارند. اینها افتخار نظام اسلامی هستند؛ و پیشرفت زن یعنی این.^۲

دانشمندان زن در عرصه‌های مختلف؛ آبروی انقلاب

هزاران عالم، پژوهشگر، فقیه و فیلسوف در حوزه‌های علمیّه‌ی خواهران تربیت شوند؛ این چه حرکت عظیمی خواهد بود. ببینید نگاه دنیای مادی نسبت به پدیده‌ی زن و جنس زن چه نگاه بدی است، چه نگاه تحقیرآمیزی است، چه نگاه منحرفانه‌ای است. حضور دانشمندان اسلامی زن در عرصه‌های مختلف - مثل حضور دانشمندان فرزانه و فهمیده‌ی دانشگاهی زن که متدین و متشرّع هستند - اثرات بسیار عظیمی را در دنیا میگذارد؛ برای انقلاب آبروست. بانوان باید خوب درس بخوانند. البته هدف نهایی درس خواندن بانوان، تنها مجتهد شدن یا فیلسوف شدن نیست - ممکن است عده‌ای علاقه‌اش را داشته باشند، استعدادش را داشته باشند، وقتش را داشته باشند، عده‌ای هم نه - آشنایی با معارف اسلامی و قرآنی است که میتواند برای خود آنها و برای دیگران مورد استفاده قرار بگیرد.^۳

توجه به کارهای علمی؛ مبنایی و اصولی

در پژوهشهای قرآنی، توجه به کارهای علمی مبنایی و اصولی خیلی لازم است. اینجور نیست که هر کس عربی بلد بود، بتواند از قرآن همه‌ی مطالب را بفهمد و درک بکند؛ بتواند یک پژوهنده‌ی قرآنی باشد؛ نه. اولاً

۱. مجتهدی فقیه «حاجیه نصرت خانم امین»

۲. در دیدار با پرستاران و کارکنان نهادهای فرهنگی (۷۳/۷/۲۰)

۳. در دیدار با طلاب و فضلا و اساتید حوزه‌ی علمیّه قم (۸۹/۷/۲۹)

انس با خود قرآن لازم است؛ یعنی پژوهنده‌ی قرآنی باید با مجموع قرآن مأنوس باشد؛ تلاوت قرآن، دوباره خواندن قرآن، سه باره خواندن قرآن، تدبرهای شخصی در قرآن، کمک میکند به اینکه ما وقتی در یک موضوع خاصی در قرآن دنبال حقایق میگردیم، درباره‌ی آن موضوع بتوانیم راه به جایی ببریم؛ پس خود انس با قرآن لازم است. بعد هم کیفیت استفاده‌ی از قرآن؛ این شیوه‌ای که علمای دین ما، فقهای ما در استفاده‌ی از آیات و روایات دارند، یک شیوه‌ی تجربه شده است، یک متد علمی پخته شده و رسیده و کاملاً آزموده شده است؛ اینها را باید فرا گرفت. نمیخواهم بگویم هر کس میخواهد پژوهش قرآنی کند، برود سالها درس طلبگی بخواند؛ مراد من این نیست، اما پژوهش قرآنی بدون اینکه انسان مقدمات و مبادی فهم قرآن را که از جمله‌ی آنها همین آشنایی با زبان، آشنایی با نکات و دقایق زبان، آشنایی با بعضی از مبانی اصول فقه است - که اینها جزو چیزهای لازم است - اینها را باید فهمید؛ و استفاده‌ی از روایاتی که در ذیل قرآن هست. اینها همه در پژوهشهای قرآنی مؤثر است.^۱

تیغ دو دم حضور فعال زنان در دانشگاه

زنان تحصیلکرده هم زیاد داریم. شما ببینید الان در کنکور ما، عدد برندگان مؤنث از برندگان مذکر بیشتر شده است. الان خیلی اینطوری شده و در کشور ما اینطوری است. خب، این از آن شمشیرها و تیغ دو دم است؛ با یک طرفش برکات الهی جلب میشود؛ اما با یک طرف دیگرش خطرات بزرگ به وجود می‌آید. خیلی باید مراقب بود. مردان ما حضرت یوسف که نیستند؛ بنابراین جاذبه‌ی جنسی یکی از بزرگترین دامهاست؛ مراقب باشید!^۲

۱. در دیدار با بانوان قرآن پژوه (۸۸/۷/۲۸)

۲. در دیدار اعضای شورای شهر و شهرداران تهران (۸۴/۱۲/۱۳)

پرورش استعداد‌های برجسته

بطور خلاصه، پرورش استعداد‌های برجسته یکی از اهداف ما باشد؛ برای اینکه بتوانیم سطح فکری زنان را در آن حدّ اعلیٰ بالا ببریم. گمانم این است که در همه‌ی رشته‌ها و همه‌ی فنون اینطور است که اگر بخواهیم توده به دامنه برسد، بایستی نمونه‌هایی در قلّه داشته باشیم و الاً ممکن نیست؛ یعنی باید نمونه‌های برجسته‌ای را که از دسترس همه خارجند داشته باشیم تا تشویق‌کننده‌ی عدّه‌ای باشند که میخواهند راه بیفتند. البته، همه به آن قلّه نخواهند رسید؛ عدّه‌ی زیادی در دامنه متوقف خواهند شد.^۱

ذهنیّت بالا، منطقی و منظم بانوان نخبه‌ی کشور

این جلسه^۲ از نظر من جلسه‌ی بسیار خوب و مفید و دلنشینی بود؛ هم برای من، هم برای کسانی که بعداً از این جلسه مطلع خواهند شد و گزارش آن را خواهند دید. تقریباً دو ساعت بیانات بانوان محترم را من شنیدم. عمده‌ی مقصود هم همین بود؛ یعنی دو غرض از تشکیل این جلسه تعقیب میشد: یکی همین بود که از زبان برگزیدگانی از جامعه‌ی بانوان کشور، برخی از مسائلی که به نظر آنها مهم است، علناً مطرح شود؛ بخصوص در مقوله‌ی موضوعات مربوط به زن، و این کار انجام گرفت. همه‌ی سخنرانهای امروز دارای ذهنیّت بالا، قوی، منطقی، منظم و صاحب‌نظر در موضوعی که مطرح کردند، بودند؛ این برای من بسیار مطلوب و جالب بود. من خلاصه‌ای یا اشاره‌ای از مطالب این خانمها یادداشت کردم که بعد ان‌شاءالله به کار من خواهد آمد. مطالبی که مطرح شد - بخصوص بعضی از آنها - بسیار پرمغز و قابل توجه بود. این یک غرض و مقصود.

مقصود دوّم هم نگاه نمادین به این جلسه است. همانطور که بارها من اشاره کرده‌ام، در مسأله‌ی زن از دنیا طلبکاریم؛ ما مدّعی دنیاییم. حالا

۱. در دیدار با مؤسّسین و مسؤولان دانشگاه الزهرا (۷۱/۷/۲۳)

۲. در جلسه‌ی بانوان نخبه

مؤسّسات وابسته به سازمان ملل یا غیر آنها یا فلان مجموعه‌ی روزنامه‌نگار بیایند به اسم حقوق بشر، موضوع حجاب و بعضی از این قبیل چیزها را زیر سؤال بکشند و اظهار طلبکاری کنند، این واقعیت قضیه را عوض نمیکند.^۱

لزوم پیشرفت جهشدار زنان تحصیلکرده

به اعتقاد من با اینکه زنهای تحصیلکرده از لحاظ حضور در صحنه‌های اجتماعی و سیاسی پیشرفت متوسطی داشته‌اند، اما این پیشرفت در مورد آنها به صورت جهش نیست، در حالیکه برای مجموع زنهای ایرانی یک پیشرفت عظیم و شگفت‌آوری ایجاد شده است.^۲

حضور علمی فعال زنان در منبرهای جهانی

خوشبختانه در کشور ما از جمله‌ی امتیازات دوران اسلامی، این است که حضور بانوان در مجموعه‌ی دستگاههای دولتی، با رعایت ضوابطی، حضور چشمگیری است. شما در بخشهای مختلف نگاه کنید، زنان کشور اسلامی ما از خودشان در جاهای مختلف مدیریتهای علمی، حضور علمی فعال نشان دادند؛ تحسین برانگیز هم بوده است. من در برخی از گزارشهای خارجی خواندم که تعجب میکنند میبینند یک خانمی با حجاب کامل در فلان منبر جهانی می‌ایستد و جلو چشم عده‌ای، آنچنان عالمانه و محققانه حرف میزند، که نشاندهنده‌ی ذهن باز، فکر قوی، مغز بزرگ و توانایی فکری اوست. در زمینه‌ی اجرایی هم همینطور است؛ ما از این جهت الحمدلله مشکلی نداریم.^۳

وجود خانمهای دانشمند و متخصص برجسته در کشور

الحمدلله خانمهای بسیار برجسته‌ای داریم. من از چیزهایی که هر وقت

۱. در دیدار با گروه کثیری از زنان نخبه (۸۶/۴/۱۳)

۲. در مصاحبه با مجله‌ی زن روز (۶۳/۱۲/۱۳)

۳. در دیدار با اعضای شورای شهر و شهرداران تهران (۸۴/۱۲/۱۳)

یادم می‌آید، واقعاً هم خدا را شکر میکنم، هم به باعثینش و اشخاصش دعا میکنم، وجود این خانمهاست. این خانمهای دانشمند، عالم و متخصص، که بحمدالله تعدادشان امروز خیلی زیاد است. من بعضی را خودم میشناسم و بسیاری را از نزدیک نمیشناسم؛ اما میدانم که هستند، که جای حرف هم درباره‌ی اینها نیست که بگویند اینها تخصصشان کم است نه، غالباً در آن حدّ اعلاّی تخصصی هم در رشته‌ی خودشان قرار دارند. من یک وقت عرض کردم که این خانمها فقط دنبال رشته‌های مخصوص زنان نروند؛ این هم هست. ما به همان تعدادی که برای مردان دندانپزشک، پزشک قلب، پزشک عمومی و داخلی لازم داریم، ارتوپد و چشم‌پزشک برای همه جا لازم داریم، برای زنان هم در همه جا لازم داریم؛ فرقی نمیکند.^۱

حضور متخصصان زن، دانشمندان زن، هنرمندان زن در جامعه‌ی کنونی

زن اسلامی زنی است که راه را درست می‌رود، هدف را درست تشخیص میدهد و در این راه حاضر به فداکاری است و چنین زنی عظمت می‌آفریند همچنانکه زنان ایران عظمت آفریدند. اینها تعارف نیست.

اسلام زنان عالمه‌ی بزرگی پرورش داده است. اگر امروز هم در جامعه‌ی ما مشاهده کنید، ببینید که متخصصان زن، دانشمندان زن، پزشکان زن، محققان زن و هنرمندان بزرگ زن کم نیستند؛ انسانهای ارزش‌آفرین و صاحب فکر و مکتب در بین آنها هست. در صحنه‌ی سیاسی و در قوای مجریه و مقننه هم همینطور است. در همه‌ی بخشهای کشور، حضور زنان، حضور فعالی است. بین ما و آنها، بین تفکر و ارزشگذاری اسلامی و غربی، بحث بر سر اینها نیست؛ بحث بر سر چیز دیگری است.^۲

۱. در دیدار اعضای گروه انطباق پزشکی با موازین شرعی (۷۴/۸/۱۶)

۲. در دیدار با پرستاران و اقشار مردم (۷۰/۸/۲۲)

دانشمند شدن زنان

دانش، چیز بسیار عزیزی است و من طرفدار این هستم که زنان در جامعه‌ی ما در همه‌ی رشته‌ها دانشمند بشوند. البته در آن جلسه‌ی قبلی^۱ که پارسال یا پیرارسال بود من رشته‌ی پزشکی را اولویت دادم؛ این بخاطر آن است که پزشکی، ضرورت نقد و فوری ماست، و الا در همه‌ی رشته‌ها، خانمها بایستی به آن استعدادهای عالی خودشان پاسخ بدهند.^۲

واجبتر بودن تخصص در رشته‌ی پزشکی برای زنها

کسب علم فقط یک امتیاز نیست که کسی بخواهد به جایی برسد و شغل پردرآمدی داشته باشد؛ مسأله این است که کسانی که میتوانند درس بخوانند، واجب است که درس بخوانند و تخصصها را پیدا کنند. کسب علم و تخصص در رشته‌ی پزشکی - مثل بقیه‌ی رشته‌ها - برای مردها واجب است؛ اما برای زنها واجبتر میباشد؛ چون زمینه‌ی کار در میان خانمها کمتر است. به نسبت تعداد زنان در جامعه، ما پزشک زن کمتر داریم؛ بنابراین از نظر اسلام، این مسأله یک مسأله‌ی حل شده است و جامعه‌ی ما باید پیش برود.^۳

اولویت رشته‌ی پزشکی در تمامی تخصصها برای خانمها

جامعه‌ی ما در رشته‌های مختلف پزشکی، نیازمند پزشک زن به تعداد پزشکان مرد است و باید شمار پزشکان زن در کشور به حدی برسد که زنان ایران برای درمان بیماریهای خود بتوانند فقط به پزشکان زن مراجعه کنند.^۴

البته، من این نکته را همینجا بگویم که رشته‌ی پزشکی نه فقط زنان

۱. اشاره به: دیدار زنان پزشک (۶۸/۱۰/۲۶)

۲. در دیدار با اعضای شورای اجتماعی فرهنگی زنان (۷۰/۱۰/۴)

۳. در دیدار با گروهی از زنان پزشک سراسر کشور (۶۸/۱۰/۲۶)

۴. در دیدار جمعی از خواهران متخصص رشته‌ی پزشکی و مامایی (۷۲/۸/۸)

برای خانمها از اولویت برخوردار است؛ زیرا ما که به وجود یک فاصله‌ی ارتباطی و آمیزشی اجتماعی بین زن و مرد معتقدیم و تأکید داریم که نباید اختلاط بیقید و شرط بین زن و مرد باشد و معتقد به حجاب به معنای کامل و واقعی کلمه هستیم، نمیتوانیم در مسأله‌ی پزشکی بیتفاوت باشیم، یعنی به همان تعداد که پزشک مرد داریم، به همان تعداد هم پزشک زن لازم داریم. بگذاریم زنها برای مراجعات پزشکی خود، به طبیب زن مراجعه کنند و هیچ لزومی ندارد که ما این فاصله را برنداریم. بایستی کاری بکنیم که زنها بتوانند بدون هیچگونه مشکلی، به طبیب مراجعه کنند و آن طبیب هم طبیب زن باشد. بعضی از خانمها خیال میکردند که اگر زن در رشته‌ی زنان درس میخواند، بایستی فقط در زمینه‌ی بیماریهای ویژه‌ی زنان و مسأله‌ی زایمان درس بخواند؛ در حالی که اینطور نیست. خانمها موظفند که انواع و اقسام رشته‌های تخصصی پزشکی مثل قلب و داخلی و اعصاب و... را دنبال کنند این، فریضه است. امروز این تکلیف برای زنها، بیشتر از مردهاست؛ اگر چه در جامعه‌ی ما، آموزش رشته‌های مختلف علوم که برای ساختن این جامعه لازم میباشد، برای همه فریضه است. آن کسانی که بتوانند، حقیقتاً امروز از آن روزهایی است که کسب علم فریضه‌ی شرعی است؛ علاوه بر اینکه فریضه‌ی اجتماعی هم است.^۱

ضرورت افزایش زنان در تحصیلات پزشکی و آموزش و پرورش

به نظر من، پزشکی یکی از آن کارهای مهم و لازم است. بسیار خوب است که ما در همه‌ی رشته‌ها پزشک زن داشته باشیم، تا زنها براحتی به یک پزشک زن مراجعه کنند و این دغدغه را نداشته باشند که او ماهر نیست. من سابقاً شنیده بودم که میگفتند برای بیماریهای زنانه یک پزشک مرد است و چند پزشک زن، ولی زنها به آن پزشک مرد مراجعه میکردند و میگفتند او قویتر و بهتر از زنها معالجه میکند. یعنی خود زنها دکترهای زن را قبول نداشتند. این پایین بودن فرهنگ است. در حالی که آن زنان

۱. در دیدار با گروهی از زنان پزشک سراسر کشور (۶۸/۱۰/۲۶)

یقیناً بیماریهای زنانه را بهتر درک میکنند؛ زیرا خود آنها به آن مسائل مبتلا هستند و خوب میفهمند که باید چه کار کنند. یقیناً دردشناسی و دردآشنایی طیب، در طبابتش مؤثر است. ارتوپدهایی که خودشان استخوان دست و پایشان شکسته باشد، ارتوپدهای بهتری هستند؛ یعنی با مریض استخوان شکسته، میدانند چه کار کنند. کسی که خودش استخوانش شکسته، نمیداند که استخوان شکستن یعنی چه. زن هم که خودش احساس و لمس کرده، چطور بیماریهای زنان را نمیتواند معالجه کند؟ اما متأسفانه زنان اینها را قبول نمیکردند. آن وقتها اینطور بود؛ نمیدانم حالا هم همینطور است یا خیر؛ بنابراین زنها باید تعداد پزشکانشان زیاد باشد تا مراجعین زن، به طیب زن مراجعه کنند و محتاج به بیگانه و نامحرم نباشند. در زمینه‌های آموزش و پرورش هم همینطور است.^۱

در زمینه‌ی پزشکی، رعایت حدود الهی ضروری است و برای این منظور، تخصّص زنان اهمیّت زیادی دارد و در بخشهایی که اولویّت بیشتری دارند، نسبت به تربیت پزشکان زن، باید سرمایه‌گذاری لازم انجام شود.^۲

ضرورت تشکیل دانشگاه‌های ویژه‌ی زنان

شنیدم که زمزمه و صحبت این هست که ان‌شاءالله دانشگاهی مخصوص زنان به وجود بیاید؟ یعنی استاد و مدیر و دانشجو و حتّی کادر اداری هم همه زن باشند، به‌خصوص در دانشگاه‌های پزشکی. این، فکر بسیار خوبی است، من همینطور که با یک نظر دورادور نگاه میکنم، بدون اینکه درست جوانب قضیه را رسیده باشم چون فرصت این کار را نداشته‌ام میبینم که اجمالاً این کار با آن هدفهای کلی و ارزشی حرکت زن در جامعه‌ی ما کاملاً متناسب و خیلی خوب است. امیدوارم که ان‌شاءالله موفق و مؤید باشید.^۳

۱. در مصاحبه با مجله‌ی زن روز (۶۶/۱۲/۱۳)

۲. در دیدار با وزیر و مسؤولان وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی (۷۲/۷/۲۲)

۳. در دیدار با جمعی از زنان پزشک (۷۰/۱۰/۴)

وجود بانوان متخصص؛ مظهري از سازندگي اسلامي

از شما خانمها خیلی متشکرم که از نقاط مختلف - چه از شهرها و چه از دانشگاه‌های مختلف - تشریف آوردید و در اینجا اجتماع کردید تا مجموعه‌ی خانمهای عالم و متخصص را که بحمدالله حظّ وافری از اعتقاد و عمل و ایمان دینی دارند، بعنوان یک مظهر از مظاهر سازندگی اسلامی، به هر کسی که میبیند و مطلع میشود، نشان بدهید. همینطور، از اظهارات و بیاناتتان هم متشکرم. تحلیلتان نسبت به مسائل دنیای امروز، تحلیل درستی است و هر آنچه که بر چنین بینش و تحلیلی مترتب بشود، نوید برکت و پیشرفت را با خود خواهد داشت.^۱

تحصیل دانش دین و دانش جدید با معیارهای اسلامی برای بانوان

آنچنانکه امروز در شهر قم، مرکز تحصیل دانش جدید وجود دارد که با معیارهای اسلامی دقیق، زنان جوان در آن به تحصیل علم مشغول هستند، دانشجویان پزشکی در یک محیط اسلامی این هم بسیار حائز اهمیت است آن روزی که در این کشور در این جامعه تعداد قابل توجهی در سطح وسیعی بانوانی هستند که یا از دانش دین و معارف دینی به شکل استدلالی و قوی برخوردارند و یا متخصصان دانشهای دیگر هستند که با تربیت اسلامی به صورت دقیق پرورش یافته‌اند و در سطح جامعه منتشر هستند. این بسیار کمک خواهد کرد به گسترش معارف اسلامی و مفاهیم اسلامی و پایبندیهای پرهیزکارانه‌ی اسلامی برای بانوان در سطح جامعه این کارهایی است که امروز بحمدالله دارد میشود. آنطور که به من گزارش داده‌اند مجموعه‌ی خانمهای حاضر در اینجا هم از مراکز مختلفی هستید که این کارهای بزرگ انجام میگیرد.^۲

۱. در دیدار با گروهی از زنان پزشک سراسرکشور (۶۸/۱۰/۲۶)

۲. در دیدار با خواهران طلبه و فرهنگی قم (۷۴/۹/۱۶)

مفید بودن حوزه‌ی خواهران به شرط سازماندهی و برنامه‌ی درسی متناسب

به نظرم آمد که حالا مثلاً چه می‌خواهید درست کنید؛ بنابراین حوزه‌ی خواهران خیلی برایم جا نیفتاد؛ اما هر چه گذشت، اعتقاد این شده است که نه، حوزه‌ی خواهران اگر با شرایط خودش اداره بشود، بسیار چیز مفیدی خواهد بود و بنابراین بنده حوزه‌های خواهران را تأیید می‌کنم. طبیعتاً وقتی ما معتقدیم که حوزه‌ی خواهران باید باشد، ناگزیر بایستی همین سازماندهیها و همین کارهایی را که شما فرمودید - اساسنامه و امثال اینها - باید باشد. البته به شکل همراه با رفیق هم باید باشد که بالاخره در شهرستانها به برخوردهای تعصب‌انگیز منتهی نشود که بگویند مال خودمان است و نمیدهیم! لیکن آن چیزی که مهم است و بنده از آن خائفم، این است که ما مبدا بیاییم همین برنامه‌ی درسی‌ای را که الان برای طلاب معمولی وجود دارد، عیناً منتقل کنیم به خواهران؛ من برای این وجهی نمیبینم.^۱

عواطف جوشان زنان؛ مانع منصب قضاوت و مرجعیت

زن، قاضی و مجتهد نمیتواند بشود، هر مردی هم قاضی و مجتهد نمیتواند بشود. مجتهد چرا، مرجع تقلید نمیتواند بشود. مجتهد یعنی کسی که درس خوانده، قدرت استنباط پیدا کرده، این چه مرد، چه زن اشکالی هم ندارد برود بشود، اما مرجع تقلید نمیتواند بشود، یعنی دیگران از او تقلید نمیتوانند بکنند. هر مردی هم نمیتواند بشود. قاضی چندین شرط دارد، مرجع تقلید چندین شرط دارد، صدی هشتاد نود مردها هم این شرطها را ندارند، صدی نودوپنج هم ندارند. اما اگر جایی فرض کردیم که کسانی این شرایط را داشته باشند اما جزو خانمها و زنها باشند آن وقت نمیشود، چرا؟

■
قضاوت، یک منصبی است که احتیاج دارد به اینکه انسان خشک و قاطع

۱. در دیدار جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم (۷۹/۷/۱۵)

باشد. خشک بودن و تحت تأثیر عواطف قرار نگرفتن، چیزی است که بطور معمول زنها این را ندارند و این نقطه‌ی قوت زن است نه نقطه‌ی ضعف زن، این را توجه داشته باشیم. زن اگر عواطفش جوشان و احساساتش پرخروش نباشد عیب است. کمال زن در غلبه‌ی عواطف اوست و این به دلیل این است که شغل اول زن، تربیت فرزند است. نمی‌گوییم شغل دیگر نداشته باشد، داشته باشد میتواند، هیچ مانعی ندارد داشته باشد، اسلام مانع نیست، اما اولین و اساسیترین و پراهمیت‌ترین شغل زن، مادری است. اگر رئیس جمهور هم بشود، اهمیتش بقدر اهمیت مادری نیست. من اگر بتوانم تشریح کنم، وقت میبود و میگفتم که مادربودن چقدر اهمیت دارد، یک مادر خوب بودن، قبول میکردید که از ریاست جمهوری هم بالاتر است اهمیت و ارزشش، برای این کار عاطفه لازم است. خدا این موجود را با این عواطف خروشان آفریده تا مادری لنگ نماند، اگر مادری لنگ بماند، نسل انسان منقطع میشود، یا انسانهایی که به جامعه وارد میشوند، انسانهای کامل و درست و حسابی و معتدلی نخواهند بود. برای این منظور خلق شده، حالا شما میخواهید این موجودی که خدا برای خاطر همین موضوع او را عاطفی آفریده، بگذارید در رأس یک شغلی که بی‌عاطفگی میخواهد، قاطعیت و خشونت میخواهد، خشک بودن میخواهد؛ این را خدای متعال قبول ندارد. مجتهد جامع‌الشرایطی که مرجع تقلید میشود نیز همینطور. مرجع تقلید باید تحت تأثیر هیچ احساس و عاطفه‌ای قرار نگیرد و این چیزی است که بطور متوسط و معمول در مردها بیشتر است از زنها به این دلیل^۱.

حجت بودن فتوای زن برای زنان

به نظر من باید فقهای زن در این زمینه، آستین همت بالا بزنند و با تنقیح و تشخیص موضوع، اصلاً دمای ثلاثه را آنها بحث کنند بنویسند. ظاهراً فتوای زن هم حداقل برای زن، حجت است؛ اینطور به نظر میرسد؛ یعنی آن

۱. در جلسه‌ی پاسخ به سؤالات (۶۰/۴/۶) جلسه‌ی سخنرانی مسجد ابوذر تهران که در آن مقام معظم رهبری مورد سوء قصد قرار گرفتند.

اشکالاتی که در باب قضا هست، ظاهراً در باب فتوا نیست؛ به نظر میرسد که ایرادی هم نداشته باشد.^۱

لزوم مجتهد زن، به خصوص در مسائل زنانه

اعتقاد بنده این است که ما حتماً فقیه زن و مجتهد زن لازم داریم و گمان من این است که دماء ثلاثه و امثال اینها را غیر از زن هیچکس نمیتواند فتوا بدهد؛ همه‌ی فتواها به نظر من بدون آگاهی از موضوع است؛ ماها همینطور از بر فتوا میدهیم. زن محرممان یک چیزی به ما میگوید؛ اگر اهلش باشیم و دنبال بکنیم، یک چیزی از موضوع میفهمیم؛ بعد ناگهان مسأله‌ای می‌آید، میبینیم که یک جور دیگرش هم هست؛ لذاست که در دماء ثلاثه و امثال این چیزهای مخصوص زنها به نظر من اصلاً فقیه مرد نمیتواند موضوع را تشخیص بدهد، تا آنچه را که در روایات آمده، بتواند متعلق آن احکام و موضوع آن احکام را بشناسد و فتوا بدهد. این حالا سلیقه‌ی بنده است؛ ممکن است شما این سلیقه را نداشته باشید؛ اما به هر حال فقیه زن لازم است؛ لیکن نه این تعدادی که حالا شما دارید تربیت میکنید؛ این تعداد فقیه زن اصلاً لازم نیست.^۲

لزوم مرجعیت زنان مجتهده در مسائل اختصاصی

مسائلی که حوزه‌های علمیّه در مورد خانمها باید دنبال کنند، مسائل دیگری است. چند نفر از خانمهای مجتهده - که خیلی خوب و فاضل هستند - بارها پیش من آمده‌اند و من مکرّر به آنها گفته‌ام که در فصولی از فقه، شما میتوانید مرجع تقلید باشید؛ من نمیتوانم باشم؛ چون موضوع را اصلاً تشخیص نمیدهم و نمیتوانم بفهمم؛ موضوع را شما میفهمید؛ این یک واقعیت است. سراغ این چیزها بروید و اینها را از حوزه‌های علمیّه مطالبه

۱. در دیدار دسته‌جمعی روزهای دوشنبه (۷۵/۱۲/۱۳)

۲. در دیدار جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیّه قم (۷۹/۷/۱۵)

کنید. یا معضلاتی که از لحاظ فرهنگی وجود دارد. اخیراً نامه‌ای برای من آمده بود که آن را برای شما - کمیسیون خانمهای مجلس - فرستادم تا شما روی آن فکر کنید. دختری از اهواز برای من نوشته که سی و چند سالش است؛ زمان جنگ، اواخر دبیرستان بوده یا درسش را تمام کرده بوده؛ اما بخاطر عشق به جنگ، ازدواج نکرده است. ما با اینگونه معضله‌ها چگونه باید برخورد کنیم؟ مگر همین یک نفر است؟ همه‌ی اینها فرهنگسازی می‌خواهد. و این کار شما و امثال شماست. البته نماینده‌ی مجلس، به حیث نمایندگی نمیتواند فرهنگسازی کند؛ اما میتواند قانونگذاری و تمهید مقدمات کند؛ هر چند بعضی از شما - مثل خانم راکعی که شاعرند - میتوانید فرهنگسازی هم بکنید؛ بنابراین در این زمینه به مسائل اصلی بپردازید.^۱

عدم تشخیص موضوع مربوط به احکام زنانه توسط آقایان فقها

از جمله چیزهایی که مدتی است حقیقتاً برای من معضلی شده است، مسائل احکام مخصوص زنان است که به اعتقاد من، مرد نمیتواند موضوع این را درست تنقیح کند؛ من اینطور خیال میکنم. یعنی مسائل زنانه - شما میدانید، آقایان فقها هم در جلسه هستند - ابواب دماء ثلاثه، جزو مغلقترین و مشکلترین ابواب فقهی است؛ یعنی در کتاب طهارت، شاید هیچ بحثی از مباحث، به اشکال بحث حیض نیست! جای قواعد، روایات متواتر و چه و چه؛ خیلی‌ها، خود آقایان علما در این مسأله، شوخی‌هایی هم دارند، با همدیگر شوخی‌هایی هم میکنند! خب، فقها برای چه این همه زحمت میکشند؟ برای موضوعی که از آن هیچ خبر ندارند؛ چیز خیلی عجیبی است.^۲

۱. در دیدار با نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی (۸۰/۷/۱۴)

۲. در دیدار دسته جمعی روزهای دوشنبه (۷۵/۱۲/۱۳)

کثرت بانوان مجتهد و عالم؛ شرف بزرگ و پر ارزش جامعه

شما خانمهایی که مشغول تحصیل هستید در قم خیلی، باید قدر این محیط معنوی را بدانید، خیلی با ارزش است، چه آنهایی که طلبه هستند، چه آنهایی که دانشجو هستند و همچنین بانوانی که به کارهای تبلیغاتی و دینی و فرهنگی یعنی کارهای تبلیغات دینی و مسائل فرهنگی اشتغال دارند، این محیط دینی و این تلاش فرهنگی و علمی در کنار آن بسیار چیز با ارزشی است، اگر جامعه‌ی ما به آنجا برسد که در آن تعداد زیادی بانوان با معرفت اسلامی به صورت عمیق و عالمانه آشنا باشند، این خیلی برای جامعه‌ی ما پیشرفت بزرگی است یا در میان بانوان تعداد قابل توجهی مجتهدات وجود داشته باشد، یعنی بانوانی که قدرت بر استنباط احکام و معارف الهی را دارند. از متون اسلامی خیلی پدیده پرارزشی است، بسیار چیز مهمی است، اگر کسانی در جامعه‌ی ما باشند که بتوانند بانوانی در جامعه باشند که بتوانند نسل جوان دختران را در دانشگاه‌ها، در دبیرستانها، در همه‌ی زوایای اجتماع در معرض تبلیغات دینی خودشان قرار بدهند، این چیز بسیار بدیعی خواهد شد. این چیزی است که در سطح وسیع هرگز وجود نداشته است در طول تاریخ ما. لذا بسیار حائز اهمیت است که تعداد قابل توجهی از زنان جوان علوم دینی و معارف دینی را با استدلال متکی به روشهای علمی و منابع صحیح و متین قرار بگیرند. این سطح معرفت دینی را در جامعه بالا خواهد برد. این کار مهمی است امروز دارد بحمدالله در اینجا انجام میگیرد.^۱

تربیت ده نفر مجتهد و مبلغان آشنا به حدیث، احکام، تاریخ و فلسفه

اگر همه‌ی ایران ده نفر مجتهد زن در هر برهه‌ای داشته باشیم، کافی است؛ اگر زیاد نباشد. شما بایستی اینها را بعنوان مبلغان پا به رکاب خوش روحیه‌ای تربیت کنید که در هر مجموعه‌ی زنانه و دخترانه بتوانند بروند و سخن نیک و عمیق و پرمغز بیان کنند. اینها لازم است یک قدری فلسفه

۱. در دیدار با خواهران طلبه و فرهنگی قم (۷۴/۹/۱۶)

بخوانند؛ لازم است حدیث بخوانند؛ لازم است با احکام آشنا بشوند؛ لازم است یک مقدار تاریخ بدانند تفسیر باید بدانند؛ این چیزها را باید بدانند؛ یعنی در واقع باید مبلّغات درست بشوند؛ منتها مبلّغ عالمه و فاضله و البتّه با تقوا؛ این لازم است. اگر برنامه اینجور نباشد، بنده تردید دارم که این برنامه بتواند کارایی زیادی داشته باشد.

در فصولی از فقه، فقط خود خانمها میتوانند موضوع را تشخیص دهند و فتوا بدهند.^۱

پرورش استعدادهاى برجسته با ایجاد دوره‌هاى عالی در حوزه

این را باید یکی از اهداف بگیریم، که استعدادهاى برجسته را پرورش دهیم تا بتوانیم سطح فکر زنان را در آن حدّ اعلی بالا ببریم. ■

به اعتقاد من، در آینده باید طوری شود که دانشکده‌ی الهیات را بفرستند حوزه. حوزه بگوید این برابر فلان مدرک ما هست یا نیست. حالا لیسانس را چون یک مقدار جاذبه دارد، مجبوریم. اما برای آن کس که شوق معلومات و تحصیلات دارد، شما بگویید دوره‌ی عالی. اسمی هم غیر از دکتری، برایش بگذارید و معین کنید. مثلاً «دوره‌ی تحقیق»، «مدرک تحقیق» و این «خانم محقّقه است». یا مثلاً بگذارید «دوره‌ی اجتهاد» و «این خانم مجتهده است». اگر چنین دوره‌ای درست شود، من گمان میکنم شوق و انگیزه‌ای در دخترانی که اینجا درس میخوانند، برخواهد انگینخت. البتّه سختگیری هم نکنید. برای آن دوره‌ها، هیچ مقتضی نیست که تساهل شود. بعضی از خانمها واقعاً با استعدادند؛ واقعاً چیز فهمند! گاهی چیزهایی برای من مینویسند، آدم میبند اینها استعدادهايشان چقدر دقیق و متین است.^۲

۱. در بیانات در دیدار جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم (۷۹/۰۷/۱۵)

۲. در دیدار مؤسّسین و مسؤولان دانشگاه الزهراء (س) (۷۱/۷/۲۳)

افتخار به دانشمند زن ایرانی در جهان

من خانمهایی را میشناسم که حقاً و انصافاً خوب، دانشمند فاضل و مایه‌ی افتخار هستند که انسان حقیقتاً به وسیله‌ی آنها در مقابل مردم ملت‌ها و کشورهای دیگر افتخار میکند. لیکن از لحاظ کمی این مقدار کم است؛ بایستی گسترش پیدا کند. وسایل را طوری فراهم کنید که دختران مسلمان بتوانند در حرفه و رشته‌ی پزشکی تحصیل کنند و ان‌شاءالله پیش بروند.

احساس لذت از دیدن دختران محبّه‌ی مُتخصّص طراز اوّل

من به شما این را بگویم تصوّر غلطی از سابق در ذهن بعضیها هست؛ خیال میکنند که بعضی از بخشهای کشور با دین و ایمان سازگار نیست. مثلاً در سابق فکر میکردند کسی که دانشگاهی باشد، نمیشود دین و ایمان داشته باشد! یا خانمی که پزشک باشد نمیتواند دین و ایمان داشته باشد! چرا؟ چون در رژیم گذشته غالباً اینگونه بود که خانمهای پزشک خیلی مقید به امر حجاب نبودند!

خیلی خوب، حالا بیایید و نگاه کنید؛ متخصّصهای پزشکی طراز اوّل - در مقیاسهای بین‌المللی در بین همین دخترهای چادری متعهد متدین ما هستند که من از دیدن و اطلاع از وجود اینها، واقعاً لذت میبرم، بارها هم پیش من می‌آیند. کم نیستند؛ الحمدلله زیاد هم هستند.^۱

حادثه‌ی پر معنا و الگو بودن خانمهای اهل علم پایبند به ارزشها

دیدار با شما بانوان محترم در شهر مقدّس قم که شهر علم و شهر دین است برای اینجانب دارای معنای قابل‌اهتمامی و نیز خاطره‌ی بسیار خوب و مطلوبی است چون این جمع محترم که در میان آنها بانوان عالم و فاضل و طلاب علوم دینی و دانشجویان رشته‌های علمی مختلف و بانوان فرهنگی حضور دارند، یک مجموعه‌ی اهل علم و اهل معرفت و در عین حال پایبند

۱. در دیدار رئیس و معاونین سازمان تربیت بدنی کشور (۷۵/۱۰/۸)

به ارزشهای والای اسلامی است و این برای زمان ما نه فقط در سطح کشور بلکه در سطح جهان یک حادثه‌ی پرمعنایی است و یک الگوست.^۱

افتخار به عملی شدن ادعاهای اسلام در مورد زنان عالم

در یک جمله باید بگوییم که ما - کسانی که امروز به نام اسلام سخن می‌گوییم و رسالت اسلام را رسالت برتر میدانیم - به وجود خانمهایی مثل شما افتخار می‌کنیم و این از آنجاست که هر تبلیغ و ادعایی، هر گاه به مرحله‌ی عمل و تحقق نزدیک شد، ارزش واقعی خود را خواهد یافت. ما در مورد مسأله‌ی زن از یک سو و مسأله‌ی دانش و تخصص از سوی دیگر و مسأله‌ی خدمت به افراد بشر هم از جانب دیگر، به نام اسلام ادعاهایی داریم. ادعاهای ما، در چارچوب اسلام است.^۲

انگیزه‌ی عمیق قرآنی بانوان؛ موهبتی بزرگ

بانوان محترم، خواهران عزیز! حقیقتاً امروز با دیدن این جمع متراکم و فرزانه و همه دل‌بسته‌ی قرآن، برای من یک روز عید محسوب می‌شود و این را لطفی از طرف کریمه‌ی اهل بیت - حضرت فاطمه‌ی معصومه (سلام‌الله علیها) - به حساب می‌آورم. خدا را شکر می‌کنیم که در کشور ما روزی پیش آمد که این مجموعه‌ی عظیم از بانوان کشور با انگیزه‌ای عمیق و منطقی و عالمانه به دنبال قرآن، فهم قرآن، ترویج قرآن، تحقیق در قرآن باشند و اینجور فضای قرآنی کشور را رونق بدهند. یقیناً این یک موهبت بزرگی از طرف پروردگار برای کشور ماست.^۳

۱. در دیدار با خواهران طلبه و فرهنگی در مصلا‌ی شهر قم (۷۴/۹/۱۶)

۲. در دیدار با گروهی از زنان پزشک سراسر کشور (۶۸/۱۰/۲۶)

۳. در دیدار با جمعی از بانوان قرآن پژوه کشور (۸۸/۷/۲۸)

۲-۵- وظایف زنان متخصص

وظایف اختصاصی زنان

وظیفه‌ی اختصاصی زن عبارتست از: وظیفه‌ی مادری، مادر شدن که تعبیر دیگری است از همسر بودن و کدبانو بودن، این یک وظیفه است. با وظایف دیگر هم منافاتی ندارد، خیلی از خانمهای بزرگ و سرشناس و معروف دنیا، چه از لحاظ علمی، چه از لحاظ سیاسی، مادران خوبی هم در جای خودش بودند، همسران خوبی هم بودند، کدبانوهای خوبی هم بودند. حالا فرهنگ منحوس پهلوی اینجور وانمود کرده بود که؛ اگر یک دختر خانمی رفت دانشگاه درس خواند و بعد هم یک شغلی یک جا گرفت، این دیگر کدبانو نمیتواند باشد. خب، چرا؟ به چه دلیل؟ نخیر کدبانو هم میتواند باشد در حالی که یک دانشمند باشد، یک سیاستمدار باشد. خب نگاه کنید زنهای معروف دنیا را شما ببینید که چه جوری‌اند. در حالی که چهره‌های علمی یا سیاسی هم هستند در عین حال مادران خوبی، فرزندان تربیت میکنند و فرزندان از لحاظ تربیتی خوب هم میرسند. زنان خوبی برای همسرانشان، شوهرانشان هستند. کدبانوهای خوبی هستند. یک وقت من شرح حال یک خانم سیاستمدار معروف را - که نمیخواهم حالا از جهتی اسمش را بیاورم - یک چهره‌ی خیلی معروف سیاستمدار که البته الان در صحنه نیست، مال ده، پانزده سال قبل، از صحنه‌ی سیاست بود. شرح حال او را خواندم، معلوم شد که این خانم با آن شغل بالای سیاسی که دارد توی خانه میرود توی آشپزخانه و غذای خانه‌شان را خودش میپزد. خب چه اشکالی دارد؟ حالا بعضی از خانمها به صرف اینکه یک مختصر سواد، معلوماتی داشته باشند، یک ذره دستشان به یک کاری بند بشود، خیال میکنند که دیگر دست زدن به ظرف و به دیگ به عرض کنم که - چراغ خوراک‌پزی جزو محرمات است و خلاف و دون شأنشان است. این چه تصوّر باطلی است؟ این هم از آن کارهایی است که فرهنگ غلط رژیم گذشته روی اغراض سیاسی حقیقتاً تزییق کرده و به وجود آورده.^۱

۱. در جلسه‌ی پرسش و پاسخ با دانشجویان (۶۷/۱۰/۲۲)

مسئولیت سنگین زنان اهل علم

شما خواهران و برادرانی که بحمدالله از معرفت و دانش برخوردارید و درس خوانده‌اید و دوره‌های علمی را دیده‌اید و کار کرده‌اید و با کتابها و احیاناً با معارف بیگانگان آشنا هستید، مسئولیت سنگینتری دارید.^۱

فرصت آشنایی بانوان نخبه‌ی جهان اسلام؛ پایه‌ای برای یک حرکت عظیم

این اجتماع شما به نظر من بسیار حائز اهمیت است. اجتماع بانوان نخبه از شرق و غرب دنیای اسلام، اهمیتی دارد بیش از اهمیت یک اجلاس برای بیداری اسلامی. این اهمیت از این جهت است که فرصت شناسایی یکدیگر، پیدا کردن یکدیگر برای بانوان نخبه‌ی دنیای اسلام، در این اجلاس فراهم شده است. و این بسیار مهم است.

این حرکت بانوان مسلمان، این آشنایی با یکدیگر از سرتاسر دنیای اسلام را مغتنم بشمرید و این را یک پایه‌ای قرار بدهید برای یک حرکت عظیم در میان امت اسلامی که ان‌شاءالله به پیروزی‌های بزرگتری منتهی خواهد شد.^۲

ترسیم نقش زن از دیدگاه اسلام؛ وظیفه‌ی زنان نخبه

شما بانوان نخبه، دختران نخبه، جوانان نخبه، یکی از مهمترین مسئولیت‌هاتان امروز این است که نقش زن را از دیدگاه اسلام ترسیم کنید، برجسته کنید، روشن کنید؛ تربیت انسانی زن، بزرگترین خدمت به جوامع انسانی و اسلامی است؛ این حرکت باید راه بیفتد. البته راه افتاده است، باید تشدید بشود، باید فراگیر بشود، باید پیش برود و شما در این حرکت، بدون تردید پیروز خواهید شد. یک کار اساسی این است.^۳

۱. در دیدار با جمعی از پزشکان، پرستاران (۶۸/۹/۱۵)

۲. در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» (۹۱/۴/۲۱)

۳. همان



تصحیح نگاه غلط به مسأله‌ی زن و مرد؛ مسؤولیت سنگین زنان نخبه

امروز دستهای بشدت مشکوک، موج ضد ارزشی را در دنیا به راه انداخته‌اند - که در همه جا هست، در کشور ما هم متأسفانه در گوشه و کنار دیده میشود - اینها میخواهند زن را وادار کنند به اینکه بشود یک مرد! این را کسر شأن زن میدانند که چرا فلان کارها را مرد میکند، زن نکند! این کسر شأن است؟ نگاه به این مسأله، نگاه غلطی است. این را عیب میگیرند که چرا شما میگویید زن، زن است؛ مرد، مرد است. خوب، مگر اینطور نیست؟ شما دلتان میخواهد که ما بیاییم بگوییم زن، یک مرد است؛ آن وقت یک مرد مصنوعی؛ کپی دوّم مرد! این چه افتخاری است برای زن؟ افتخار برای زن این است که یک زن باشد؛ یک زن کامل، یک مؤنث کامل. در مقام ارزشگذاری‌های والا اگر نگاه کنیم، این ارزش - یک زن کامل بودن - از یک مرد کامل بودن کمتر که نیست، در مواردی قطعاً بالاتر و بیشتر هم هست. ما چرا این را از دست بدهیم؟

به هر حال شما زنان نخبه‌ی کشورید؛ چه آنهایی که در اوّل کار و اوّل راه هستید - یا دانشجویید، یا در دوره‌های اوّل کار هستید - چه آنهایی که چندین سال کار کردید، زحمت کشیدید. بدانید امروز زنان کشور ما مسؤولیتشان سنگین است. مسؤولیت مضاعفی که امروز شما دارید، همین است که نگاه غلط به مسأله‌ی زن و مرد را تصحیح کنید. نگاهی که امروز دنیای غرب سعی میکند در مسأله‌ی زن و مرد القا کند، نگاه غلطی است، نگاه باطلی است؛ این به پایمال شدن ارزشهای بسیاری در جوامع بشری منتهی خواهد شد، که الان دارد گوشه‌هایی از آن نشان داده میشود، دیده میشود، و در جوامع ما به طریق اولی. این نگاه را باید تصحیح کنید.^۱

۱. در دیدار با گروه کثیری از زنان نخبه (۸۶/۴/۱۳)

مسئولیت اصلی خانمهای متخصص و هنرمند در قبال زنان

خوشبختانه در میان خانمها شخصیتهایی با بهره‌ی وافر و قابل توجهی از دانش و بینش و هنر و ذوق، امروز در جامعه‌ی ما حضور دارند، آنچه من میخواهم به این خانمها بگویم این است که مسئولیتشان در قبال زنان را یکی از مسئولیتهای اصلی بدانند. نویسندگان زن خوب، شعرای زن خوب، دانشمندان، متفکران، استادان، چهره‌های برجسته‌ی سیاسی در میان بانوان مؤمن و انقلابی ما، امروز وجود دارند؛ اینها دوشادوش مردان و گاهی بهتر از آنها در زمینه‌های گوناگونی که در آنها تخصص و آگاهی دارند، دارند کار میکنند. من میخواهم به اینها بگویم: مسأله‌ی زن را در کشور ما قرار بدهند و روی این مسأله فکر کنند. این مسأله ابعاد زیادی دارد.^۱

بزرگترین خدمت زنان نخبه؛ احیای هویت زن مسلمان

امروز اگر شما بانوی نخبه‌ی اسلامی تلاش کنید که این هویت را به زن مسلمان برگردانید، بزرگترین خدمت را به امت اسلامی و به بیداری اسلامی و به عزت و کرامت اسلامی کردید. این اجتماع میتواند گام بلند و مؤثری در این راه باشد. به نشستن دور یکدیگر و چند روز گفتگو کردن اکتفا نکنید و این دیدار را مقدمه‌ی یک حرکت بزرگ و ماندگار قرار بدهید که بر دنیای اسلام اثر بگذارد و میتواند اثر بگذارد. بیداری زنان، احساس شخصیت و هویت در میان بانوان، آگاهی و بصیرت در میان جامعه‌ی زن، تأثیرش بر روی بیداری اسلامی و عزت اسلامی، یک تأثیر مضاعف است.^۲

کوتاهی خانمهای اهل معرفت در حل مشکلات زنان

خیلی خوشحالم که میبینم بحمدالله خواهران در مجلس شورای اسلامی، یک مجموعه‌ی کیفی و کمی قابل توجهی را به وجود آورده‌اند، نه اینکه بنده دنبال این باشم که - مثلاً - از دویست و هفتاد نماینده، باید صد و چقدرش

۱. در مراسم بزرگداشت روز زن در استادیوم آزادی (۶۷/۱۱/۸)

۲. در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» (۹۱/۴/۲۱)

زن باشد؛ نه، اصلاً این مطرح نیست که چقدر از مسؤولیتها را زنان، و چقدر آن را مردان بگیرند.

اتفاقاً به نظر من، توجه به این قضیه، نکته‌ی منفی‌ای است که خیال کنیم در هر صحنه و هر عرصه‌ای که مردان با یک تعداد کمیّتی حضور دارند، زنان هم باید با همان کمیّت باشند! این یک فکر ابتدایی و بسیط و کودکانه است. از این جهت نمی‌گوییم خوشحالم؛ بلکه از این جهت خوشحالم که احساس میشود خوشبختانه یک حرکت جدّی و حقیقی برای بازیافت شخصیت زن به وجود آمده است.

من مدتها پیش گفتم نمیدانم خانمها این را از من شنیده‌اند؛ شاید بعضی از شما شنیده باشید به نظر من بزرگترین مقصّر در این قضیه خود زنها هستند؛ یعنی خانمهای باسواد و تحصیلکرده، خانمهای اهل معرفت که باید وارد یک میدان مبارزه‌ی صحیح برای مسأله‌ی زن بشوند، به نظر من کوتاهی میکنند، کار را دست عامّی، بی‌اطلاع، و احیاناً کسانی که دلشان میخواهد فقط حرف بزنند، رها میکنند. این درست نیست. باید کار، صحیح و دست افراد سنجیده، عاقل و حکیم بیفتد.^۱

ضرورت کار فرهنگی در مورد زنان

جامعه‌ی زنان باید کار فرهنگی در مورد زنان را در اولویّت کارهای خود قرار دهند و با دادن شناخت و آگاهی به قشر زنان، آنان را در برابر تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام مقاوم سازند. زنان باید درک و شناخت کاملی نسبت به موانع رشد و شکوفایی و احیای شخصیت واقعی خود داشته باشند.^۲

معرفی و ترویج جهش فرهنگی زنان مسلمان به دنیا

دنیا، شأن زن را پایین آورده است و وظیفه‌ی شما زنان است که با این

۱. در دیدار با زنان نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی (۷۶/۴/۳۰)

۲. در دیدار با جمعی از بانوان (۷۱/۲/۲۳)

تلاشهای بزرگوارانه و انقلابی که انجام می‌دهید؛ چه در محیط پرستاری، چه در محیط علمی، چه در محیط پزشکی، چه در محیط دانشجویی و چه در محیط خدماتی و فرهنگی و خدمات گوناگون دیگر باشید، زن و جهش فرهنگی اسلامی زن را به دنیا نشان دهید و بدانید که دنیا از شما تقلید خواهد کرد.^۱

لزوم بازشناسی مسائل و حقایق زندگی زن ایرانی

روز زن که از مناسبت این ولادت بزرگ، شکوهی همراه با صفا و معنویت یافته، فرصت شایسته‌ای است که در آن بانوان اندیشمند و انقلابی در جامعه‌ی ما به زن ایرانی و به مسائل و حقایق زندگی او، به هدفها و راهها و آرزوهای بزرگ او و نیز به موانع و مسائل آن بیندیشند و پاسخ سؤالا و استفهامهایی را که امروز نه تنها در برابر زن مسلمان بلکه پیش روی زن در همه جای جهان قرار دارد، با بهره‌گیری از سرچشمه‌ی معارف اسلام آماده سازند.^۲

ضرورت تشویق و تربیت دختران دانشجو

شما هر چه بتوانید، به‌خصوص دانشجویان دختر را تشویق و تربیت کنید و در رشته‌ی علوم پیش ببرید. این کار، انقلاب و کشور را به اهداف خودش نزدیکتر خواهد کرد. مردم به خدمات شما نیازمندند؛ همچنانکه به روش و منش و تعهد و پایبندی شما به دین هم نیازمندند. امیدوارم که ان‌شاءالله خداوند به شما توفیق بدهد و همچنان که گفتید فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله علیها) را الگوی خودتان بدانید و قرار بدهید و مشکلات کار تحصیلی هم از سر راه زنان مسلمان، بیشتر از پیش برطرف بشود. بعضی از مشکلات هنوز در بعضی از مراکز آموزشی شدیداً وجود دارد. ان‌شاءالله این

۱. در دیدار با عده‌ای از پرستاران به مناسبت روز پرستار (۶۵/۱۰/۱۵)

۲. در کنگره‌ی بین‌المللی زن و انقلاب جهان اسلام در تاترشهر (۶۷/۱۱/۸)

مشکلات برطرف بشود و دخترها و زنهای مسلمان ما بتوانند این جاده‌ی تحصیل علم را هر چه بیشتر و قویتر بپیمایند و ما به وجود خانمهایی که با حفظ موازین اسلامی، به عالیترین قله‌های استعداد بشری چه از لحاظ علمی و چه از لحاظ اخلاقی و سیاسی و اجتماعی _ رسیده‌اند، افتخار میکنیم.^۱

رعایت ارزشهای اسلامی در میدانهای علم و معرفت

زنان امروز، دختران جوان که در محیطهای پایبند به ارزشهای الهی و اسلامی مشغول تحصیل هستند، مثل همین شما خانمهای محترم که در این مجامع مشغول تحصیل و مشغول کار و تلاش هستید، شما برای زنان دنیا، امروز حجّتید. شما نشان میدهید که بانوان میتوانند میدانهای علم را و معرفت را بپیمایند و پیش بروند، در عین حال ارزشهای اسلامی را رعایت کنند، پایبند به دین باشند، اهل عفاف باشند.^۲

تفاوت منزلت علمی و فرهنگی یا انحطاط تا سطح ابزار شدن

ظرفتی هوشمندانه لازم است که میان تشخص و منزلت علمی و فرهنگی و اجتماعی و هنری و سیاسی زن، با تنزل و انحطاط او تا سطح وسیله و ابزاری برای مقاصد سیاسی و شخصی فرق گذاشته شود و این یک، با آنچه مطلوب و محبوب هر انسان آزاده و آگاه است، مشتبه نگردد.^۳

حیثیت معنوی زن، مهمتر از عظمت دانش او

فرض بفرمایید در بین این پنجاه میلیون جمعیت کشور ما، اگر مثلاً سی میلیون یا سی و پنج میلیون انسانی هست که در سنین متناسب برای ثمر رساندن به این کشور است، طبیعتاً از این سی و پنج میلیون، نصفش زنان

۱. در دیدار با گروهی از زنان پزشک سراسر کشور (۶۸/۱۰/۲۶)

۲. در دیدار با خواهران طلبه و فرهنگی قم (۷۴/۹/۱۶)

۳. در پیام به سمینار بررسی شخصیت زن از دیدگاه امام خمینی (ره) (۶۸/۸/۳)

هستند. مگر میشود از کنار این همه استعدادی که در اینها نهفته، به آسانی گذشت؟ مگر میشود این خزانه‌های الهی را در وجود اینها نادیده بگیریم؟ در میان اینها باید دانشمند باشد؛ منتها دانش با همه‌ی عظمتش، در مقابل آن حیثیت معنوی‌ای که خدای متعال به زن داده، چیزی نیست.^۱

نیاز جامعه به زنان محقق و عالیه در معارف دینی

الان، چقدر زنان روشنفکر و متجددانی که در علوم مختلف درس خوانده‌اند، هستند که چون محیط، محیط دینی است، به معضلات فکری دینی برخورد میکنند. یک نفر باید این معضلات را برای اینها برطرف بکند. اگر خانمی در شهری دارای یک معرفت دینی و یک قدرت تحلیل و تحقیق باشد، واقعاً خیلی راه باز خواهد شد. زنان پیش او میروند و وی جواب میدهد.

اگر ما بتوانیم در کل کشور، پانصد نفر زن عالیه خبره و دانای معارف اسلامی، در حد آن خانم (بانو مجتهده اصفهانی) داشته باشیم، به نظر میرسد که ما از لحاظ معارف و تبلیغات دینی، خیلی در فسحت قرار خواهیم گرفت. این خیلی مهم خواهد بود.^۲

۲-۶- ورزش بانوان

لزوم ورزش برای مرد و زن، پیر و جوان

توصیه‌ی من این است که جوانها به من نگاه کنند. من وقتی به کوه می‌آیم و گاهی میبینم حتی از من مُستتر هم کسانی می‌آیند که با استحکام و استقرار جسمانی و قرص و محکم این راه را طی میکنند، واقعاً لذت میبرم. البته این نکته را تأکید کنم که وقتی میگوییم جوانها، معنایش این نیست که

۱. در دیدار با اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان (۷۰/۱۰/۴)

۲. در دیدار با مسؤولان دانشگاه الزهرا (۷۱/۷/۲۳)

ورزش مخصوص جوانهاست. نخیر؛ همانطور که ورزش برای جوانها لازم است، برای مسترها هم لازم است. بلکه میشود گفت برای جوانها لازم است، برای مسنها واجب مؤکد است. توجه کردید؟ چون اگر کسانی که پا به سن گذاشته‌اند، ورزش نکنند، پیری زودرس به سراغشان خواهد آمد و قطعاً دچار عوارض پیری خواهند شد و از کار خواهند افتاد. چرا کسی که میتواند کار و تلاش کند و عمر خود را ده، بیست سال با ورزش، بر حسب روال طبیعی استمرار بخشد، این کار را نکند؟ من حرفم این است. از این رو توصیه میکنم همه ورزش کنند؛ هم جوانها، هم پیرها، هم میانسالها، هم مردها و هم زنها. زنها هم باید ورزش کنند. گاهی من در همین راه «کُلک چال» که از پایین به بالا می‌آیم، یا بعکس به طرف پایین میروم، خانمهایی را میبینم که با چادر مشکی این راه را طی میکنند. با اینکه قسمتی از این راه، بسیار ناهموار و یا به قول ما مشهدیها قلب است، درعین حال خانمها این راه ناهموار را تحمل میکنند و با چادر مشکی می‌آیند. خب؛ این همّت است دیگر. من اینطور زنها و همچنین افراد مسنی که این راه‌های طولانی را طی میکنند و میروند، بسیار تحسین میکنم.^۱

ابعاد عظمت صعود بانوان مسلمان ایران به قلّه‌ی اورست

خیلی خوشحالم که یک بار دیگر با شما کوهنوردان عزیز ملاقات میکنم. اهمّیت فوق‌العاده‌ای که دیدار این دفعه دارد، این است که در جمع شما ورزشکاران سرافراز، خانمهای فاتح قلّه‌ی اورست هم حضور دارند. واقعاً انسان احساس افتخار میکند از اینکه زنان جوان باایمان ما یک چنین حرکت عظیم و ارزشمندی را میتوانند به وجود بیاورند و مایه‌ی افتخار برای جامعه‌ی ایرانی بشوند. من خبر را که شنیدم، لذّت بردم؛ وقتی هم که عکسهای صعود خانمها را دیدم که در ارتفاع ظاهراً هشت هزار و هشتصد و خرده‌ای ایستاده بودند و پرچم «یا فاطمة الزهراء» را دستشان گرفته بودند،

۱. مصاحبه هنگام کوهپیمایی (۷۵/۶/۲)

واقعاً بیشتر احساس افتخار کردم. حقاً عظمت این کار خیلی زیاد است. مطمئناً بسیاری از مستمعان و بینندگان این برنامه‌ها نمیتوانند حس کنند که چقدر اراده و نشاط جسمی و روحی لازم است تا یک انسان را در آن هوای نامساعد، در آن فشار شدید، با آن همه موانع و بدون هیچ تماشاچی، به آنجا برساند. در میدان فوتبال یا والیبال یا بسکتبال یا ورزشهایی که جلوی چشم مردم انجام میگیرد، این همه تماشاچی ایستاده‌اند، کف میزنند، تشویق میکنند، نگاه میکنند؛ اما در غربت کوهستان، آن هم در آن نقطه‌ی دور از دسترس، آن هم بین این درّه‌ها و برجهای یخ و آن هوای نامساعد، زن شجاع و بااراده‌ای حرکت میکند و قصدش این است که این قدرت و نیروی پنهان در جسم و وجود و روح خودش را استخراج کند و به معرض بروز و ظهور برساند؛ خیلی عظمت دارد؛ خیلی کار بزرگی است. من تجلیل از شماها را وظیفه‌ی خودم میدانم و حقاً و انصافاً باید عظمت این کار به مردم نشان داده بشود. این کار از دو، سه نظر اهمیت دارد:

یکی، بُعد تبلیغی و نمایشی عظیم این کار در سطح جهان. این، یک نمایش عظیمی است. نمایش یعنی مکنونات یک ملت را، انسان جلوی چشم مردم دنیا قرار بدهد تا آن را به چشم ببینند. با حرف، با زبان، خیلی ادعاها میشود کرد. اگر یک ملتی بتواند آنچه را که میگوید - اگر میگوید شجاعم، اگر میگوید به فرهنگ خود مطمئن و دلگرمم، اگر میگوید قدرت تربیت انسانهای بزرگ را دارم، اگر میگوید در من عزم و اراده موج میزند؛ به مردم نشان داده بشود.

حالا ما بگوییم بانوی مسلمان ایرانی چنین و چنان است؛ این حرف است؛ میتواند مخاطب ما را قانع بکند، میتواند قانع نکند؛ اما وقتی بانوی مسلمان ما در یک چنین میدانی یا در میدانهای بزرگ مشابه‌اش - همانطور که ذکر کردند، در میدان نبرد، در میدان حماسه و ایثار، در میدان سیاست، در میدان مدیریتهای کلان کشور یا در میدان علم - خودش را نشان داد، این کار از دهها کتاب، از صدها ورق، از هزارها سطر نوشته ارزشش بیشتر



است. این، تجسّم واقعیت است؛ این، تبلور آن چیزی است که وجود دارد؛ چشمشان را که نمیتوانند منکر بشوند. کاری که میتوانند بکنند، این است که در تبلیغات آن را منعکس نکنند.

یک بُعد دیگر این کار، جنبه‌ی معنوی و روانی قضیه است. همچنان که عروج و صعود به قلّه‌های بزرگ از سوی نخبگان، افراد متوسط را به دامنه‌ها میکشاند - من بارها این را گفته‌ام - و لذا احترام به قهرمان، شخص‌پرستی نیست، تشویق انسانهاست برای حرکت به این سمت - که فوایدی برای کشور دارد - در زمینه‌های معنوی هم همینطور است؛ یعنی وقتی ما اراده و عزم یک جوان مسلمان یا یک بانوی مسلمان را تجسّم میدهیم و نشان میدهیم که چه عزم راسخی او را به این عرصه کشانده، این، تقویت اراده را در سطوح متوسط جامعه زمینه‌سازی میکند. البته در این کار، فضایل اخلاقی دیگری هم وجود دارد: کار دسته‌جمعی، توکل، اعتماد به نفس؛ همه‌ی اینها خصوصیات است که آمیخته‌ای از همه‌ی این خصوصیات در وجود یک ورزشکار که چنین کارهای بزرگی را انجام میدهد، نشان داده میشود؛ یعنی در واقع یک مجموعه‌ی در هم تنیده‌ای از احساسات درست، از خلیات والا در یک ورزشکاری که به یک چنین ورزش بزرگی و کار بزرگی دست میزند، هست.

بعد سوّم قضیه، جنبه‌ی ورزشی است. برای تشویق مردم، بهترین کار نشان دادن همین کاری است که این خانمها و این آقایان انجام دادند. این بُعد سوّم، در واقع تشویق به ورزش عمومی است. یک کشور و یک ملت، باید سلامت جسمانی خودش را تأمین کند و ورزش در تحقق این مسأله خیلی مهم است.^۱

ورزش به معنای پرورش جسمی و تضمین سلامت

ورزش البته برای خانمها بیشتر به اندازه‌ی تأمین سلامتی است، در

۱. در دیدار فاتحان قلّه‌ی اورست (۸۴/۸/۳۰)

زنهای ما متأسفانه ورزش اصلاً معمول نیست. ورزش زنها همین است که دائم که توی خانه بدونند، برای آشپزی، بین آشپزخانه و اتاق پذیرایی و اتاق نمیدانم نشیمن و پله‌ها بروند بالا پله‌ها بیایند پایین، ورزش طبیعی‌شان این است.

زنهای ما غالباً یا مهره‌ی کمرشان عیب میکند یا نمیدانم انواع و اقسام بیماری‌های دیگر. ورزش به معنای پرورش جسمی و تضمین سلامت، آن چیزی که بخش یکی از شعبه‌های بهداشت است، در بین مردم ما معمول نیست و در بین زنها هیچ معمول نیست؛ و این کار را عادت نکردند و بلد نیستند. اگر توی خانه‌ای یک دختر جوانی، یک زن جوانی بایستد ورزش کند؛ مردهای آن خانه هم تعجب میکنند به او میخندند. حالا در این خلال یکهو چند تا از خانمهای ما مثلاً میخواهند بروند ورزشهای قهرمانی.

ورزشهای قهرمانی را من هیچ معتقد نیستم که خانمها بکنند، چون لازمه‌ی قهرمانی جلوه و نمایش دادن است، و این از نظر اسلام ممنوع است و نمیتواند یک خانمی - یک اسب‌سوار یا یک شناگر یا یک نمیدانم دونده، یا یکی از اینهایی که هستند دیگر - باشد و درعین حال عامل به اسلام و متعبد به اسلام باشد. اگر چه حالا بعضی از ورزشها هم ممکن است اما غالباً از آن انواعی است که نمیشود. بنابراین طرفدار ورزش قهرمانی برای خانمها نیستم، اما طرفدار ورزش به معنای بهداشت و سلامتی برای همه‌ی خانمها هستم، اعم از جوان و پیر و شاغل و غیرشاغل و خانه‌دار و همه‌ی اینها.^۱

تقویّت اراده و سلامت جسم

نیروی اراده خود را تقویّت کنید. به ورزش اهمیّت دهید. من بخصوص روی ورزش تأکید میکنم. من ورزش را بعنوان یک کار بین‌المللی، نمایشی

۱. در مصاحبه با مجله‌ی شاهد بانوان (۶۷/۹/۱۳)

و هیجانی، در درجه‌ی دوّم میدانم؛ در درجه‌ی اوّل، ورزش برای تقویّت و سلامت جسم است، که این را برای همه‌ی جوانان کشورمان - از زن و مرد - لازم میدانم.^۱

ورزش متناسب با زنان؛ جزو برنامه‌های حتمی زندگی

من برای عموم مردم از زن و مرد ورزش متناسب با خودشان را لازم میدانم. این ورزش، لزوماً به معنای ورزشهای قهرمانی و شرکت در مسابقات نیست. بعضی خیال میکنند که ورزشکار بودن یعنی اینکه حتماً در مسابقات شرکت کنند، اگر میگوییم زنان ورزش کنند، یعنی حتماً باید در مسابقات شرکت کنند. نه ورزش بکنند، مثل اینکه غذا میخورند. مثل اینکه کارهای روزانه‌شان را انجام میدهند، مثل اینکه درس میخوانند، ورزش باید یکی از برنامه‌های حتمی زندگیشان باشد.^۲

رعایت اصول و باورها در ورزش بانوان

زنها هم حق دارند این ورزش سالم جهت‌دار و معنی‌داری را که گفتم بکنند. و آنچه به ذهن شما میرسد که بر اثر آن واردات ذهنی سؤال میکنید و میگویید چرا در عالم ورزش به زنها توجه نمیشود؟ البته این ناشی از نگاه نادرست نسبت به مفهوم ورزش است و گویا شما تبلور ورزش را جز در میدانها و مسابقه‌ها نمیدانید و لذا چون میبینید در مسابقه‌ها و جلو چشم زن و مرد، زنهای ورزشکار ظاهر نمیشوند، برایتان این سؤال مطرح میشود که زنها چرا ورزش نمیکنند؟ در حالی که اگر زنها به میدانهای مسابقات نیامدند، دلیل بر این نیست که در ورزش وارد نیستند. حقیقت مسأله این است. ما در حالیکه به ورزش بها میدهیم، جایز نمیدانیم به سایر باورها و اصول خودمان بی‌اعتنایی کنیم و لذا بر این باوریم که زن باید

۱. در دیدار با جوانان استان اصفهان (۸۰/۸/۱۲)

۲. در دوّمین روز از دهه‌ی مبارک فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان) (۷۷/۱۱/۱۳)

مثل مرد ورزش کند و همچنان که یقیناً زن باید از آمیختگی با مرد در صحنه‌های گوناگون زندگی بپرهیزد. ما نمیتوانیم بپذیریم که مربیان مرد، زنان و دختران را تعلیم ورزش دهند، اما براحتی قبول میکنیم که مربیان زن در همه‌ی رشته‌های ورزش سنگین و سبک زنان و دختران را پرورش جسمانی بدهند.^۱

رعایت حدود در محیط ورزش بانوان

محیط ورزش بانوان باید به گونه‌ای باشد که حدود اسلامی در آن دقیقاً رعایت شود. در ورزش بانوان تبرّج و خودنمایی زن ممنوع است؛ زیرا اگر جامعه به محیطی برای خودنمایی زن تبدیل شود، امور جدی جامعه نظیر خانواده، سلامت، عفاف و عصمت جوانان ضربه می‌خورد.^۲

ورزش زنان در محیطهای سرپوشیده و بررسی لزوم شرکت آنها در مسابقات جهانی

زنها - همینطور که گفتید- در محیطهای سر پوشیده ورزش بکنند؛ اما چه لزومی دارد دخترهای ما، در مسابقات جهانی شرکت کنند؟! من نمیفهمم چرا؟ البته الان من نمیخواهم در این زمینه دستوری بدهم؛ اما بررسی بشود. برای جاهای مشخصی که هستند، بفرستید تا بررسی کنند که زنها، در چه حدودی خوب است شرکت کنند؟^۳

نامناسب بودن ورزش دوچرخه‌سواری برای بانوان در خیابانها

به نظر من در بعضی از این ورزشهای اخیر- این دو، سه ساله - و بعضی از این کارها که من در یک مورد، به شما^۴ پیغامی هم دادم، روند خیلی

۱. در مصاحبه با روزنامه‌ی جمهوری اسلامی (۶۰/۹/۲۴)

۲. در دیدار رئیس و معاونین سازمان تربیت بدنی (۷۵/۱۰/۸)

۳. همان

۴. اشاره به رئیس سازمان تربیت بدنی

خوبی شروع نشده بود! البتّه حالا قدری کند، متوقف شده است و همین هم درست است که متوقف بشود. فرض کنید که شما، ورزش دوچرخه سواری را ترویج کنید، بعد دخترها در خیابانهای تهران دوچرخه سواری کنند! بدیهی است این کار، مناسب نیست. این کار، کار بدی است؛ همان تبرّج است.^۱

پرهیز از روشهای غلط برای نتیجه دادن ورزش بانوان

دختر تهرانی که در خیابان می آید و دوچرخه سواری میکند، مثل دختر چینی نیست. در زمان مائو که شما به چین میرفتید یا حتی بعد از او هم که ما دیده بودیم، اصلاً نمیشد فهمید که این دختر است یا پسر! میدانید چینیها بگونه‌ای هستند که درست نمیشود تشخیص داد این، زن است یا مرد! لباس آنها هم یک جور بود! آن، اصلاً تبرّج نیست؛ اما این دختر شلوار تنگ و لباس چسبان پوشیده، وقتی سوار یک دوچرخه تشریفاتی هم بشود و در خیابان بیاید، این تبرّج است!

به نظر شما این ورزش است؟! توجه میکنید؟ اینهاست که بعضی اوقات اشتباه میکنند. بعضی چیزها، یا بعضی از کارهای دیگر در این زمینه، یا شرکت در میادین برای تماشای فوتبال و از این قبیل چیزهایی که وجود دارد، اینها را بطور جدّ دنبال کنید. همانطور که گفتیم، اگر میخواهید ورزش کشور به سرانجامی برسد، حتی ورزش بانوان به جایی برسد، شما باید اینها را دقت بکنید که در این مسیرهای غلط نیفتد.^۲

۱. در دیدار رئیس و معاونین سازمان تربیت بدنی (۷۵/۱۰/۸)

۲. همان

فصل سوم ————— ❁

نقش زن در انقلاب اسلامی

۳-۱- وضعیت زنان در رژیم سابق

متزلزل شدن پایه های اخلاقی جامعه در برنامه ای پنجاه ساله میدانید قبل از انقلاب این مملکت چگونه بود؟ در طول پنجاه سال چگونه پایه های اخلاقی در این مملکت عمداً و با حساب و پیگیری متزلزل شد؛ زنان و دختران و جوانان را به چه وضعی کشاندند؟ اگر میدانستید، آن گاه میفهمیدید طبقه ی جوان صالح و نورانی - چه دختران و چه پسران که در بخشهای مختلف جامعه هستند - چقدر ارزش دارند.^۱

ضد ارزش نمودن شوون و مقام زن

در نظر زن شوون انوئیت، شوون طبیعی انوئیت؛ یعنی همسری و مادری و تربیت فرزند در اداره ی خانه و تکفل به مدیریت خانه و تأمین آسایش شوهر، این چیزهایی که غالباً جزو لوازم آن انوئیت است یعنی میل زن و طبیعت زن به این است، اینها شده بود ضد ارزش، در حالیکه در آن کشورهایی که این مفاهیم را از آنجا نقل میکردند و میخواستند از آنها یاد بگیرند، به این شدت نبود.

بی پردگی و بی حجابی میان زن و مرد به معنای اعم حجاب نه به معنای پوشش شرعی یعنی به کلی آمیختگی زن و مرد با هم که در کشور ما بخاطر

۱. در جلسه ی پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی (۸۲/۲۲/۲)

اسلام وجود نداشته در گذشته و هیچ زمینه‌ای از پیش نداشته این را با یک شتاب عجیبی ترویج میکردند در بین مردم، خب این وضعیّت زن بود طبعاً زن با این خصوصیات تبدیل میشود به یک موجود کم‌کار، کم‌تأثیر، پرمصرف، از لحاظ اخلاقی دچارکننده و پایبندکننده‌ی مرد و جامعه‌ی به بسیاری از بیهودگیها و پوچیها و تباهیها یک چنین حالتی داشتند به وجود می‌آوردند. خب، معلوم است که کید و توطئه‌ی دشمنان بشریّت و انسانیت غالباً موفق نیست، یعنی در خلال کارهای اینها یک تخلفاتی از آنچه که اینها میخواستند وجود داشت، به چشم میخورد.^۱

تحت فشار بودن زنان بخاطر حجاب معقول

زنی که مایل بود حجابش را حفظ کند - نه اینکه با چادر و روگیری، بلکه با یک حجاب معقول - مگر میتواند در جامعه‌ی راه برود؟! ما ماجراها دیدیم و شنیدیم و اطلاع داریم، که الان نه وقتش هست، نه مناسب است آنها را بگوییم. آن وقایع را شما ندیدید. امروز جامعه‌ی ما، جامعه‌ی دینی و اخلاقی است؛ البته در آن فساد هم هست. زمان امیرالمؤمنین هم فساد بود. شما خیال میکنید آن زمان فساد و بدی نبود؟ آن زمان آدمهایی که احیاناً دچار فساد و فحشا بشوند، نبودند؟ چرا، آن زمان هم بودند.^۲

۱. مصاحبه‌ی مجله‌ی شاهد بانوان (۶۷/۹/۱۳)

۲. سؤال: برای به‌رحال جایگزین کردن فرهنگ اسلامی به جای فرهنگی که در غرب وجود داشت، طبیعتاً باید کار فرهنگی درازمدت بشود. ما هم همیشه صحبت‌مان توی کارمان همین بوده که واقعاً خیلی از مسائلی که ما حالا فرض کنید پنجاه سال یا حالا به این تعبیر جدیدش و گرنه که خب خیلی قدیمتر بود، واقعاً در ذهن زنهای ما و فرهنگشان را از بین برد، در عرض سه، چهار سال واقعاً یک مقدار زیادش که خب عوض شده این واقعاً معجزه بوده، ولی آنچه هم که باقی مانده به‌رحال چون در درازمدت در اینها جایگزین شده با کار فرهنگی درازمدت میشود از بین اینها در آورد آن فرهنگ را. و باز با توجه به اینکه ما معتقدیم که ائمه‌ی جمعه خیلی میتوانند توی این زمینه نقش داشته باشند و اصولاً کلیه‌ی مسؤولین و خب کمتر شاید در خطبه‌ها مسأله‌ی خانواده، مسأله‌ی فرهنگ خانواده، مسأله‌ی زن پرداخته شده، یک مقداری هم زنها خودشان عقبگرد داشتند؛ هم از لحاظ مسائل - میگوییم - فرهنگی داخل خانواده، هم اینکه در اجتماع هم شاید حالا بشود گفت که یک حالت رکودی هم پیش آمده. باز نظر شما را میخواستیم در این مورد بفرمایید.

غلبه دادن شهوت بر فضای زندگی به جای فکر، عاطفه و علم

ماهیت فرهنگی پیش از انقلاب - که شما گفتید^۱ فرهنگی که پیش از انقلاب بود - یک ماهیتی است که در یک دوران خاصی رویش کار فکری و عقیدتی شده، یعنی سعی شده با استفاده از وسایل ارتباط جمعی و انواع و اقسام شیوه‌های تبلیغ در دوران طاغوت به صورت یک فکر و یک عقیده‌ی راسخ در ذهن یک بخش عظیمی از جامعه‌ی زنان به وجود بیاید و نفوذ داده بشود. علاوه‌ی بر این، زمینه‌هایی در طبیعت انسان وجود دارد که به رشد آن فرهنگ کمک میکند، مثل زمینه‌ی تمایل جنسی که در هر انسانی وجود دارد دیگر. آن فرهنگ، فرهنگی بود که با استفاده‌ی از زمینه‌ی تمایل جنسی - که در هر موجود بشری هست - گسترش پیدا میکرد به صورت بی‌رویه و به صورت بی‌قاعده. چرا؟ چون فرهنگ هزل بود، نه فرهنگ جدّ. فرهنگ شهوت بود، یعنی غلبه دادن شهوت بر فضای زندگی زن و مرد، نه غلبه دادن فکر، عاطفه، احساس، علم و هر چیز دیگر بر محیط زندگی زن. آنچه آنها میگفتند که میخواهند زنها را روشنفکر کنند، وارد مسائل علمی بکنند یا از لحاظ درجات علمی یا سیاسی بالا ببرند یک فریب بود. درست است که یکی، دو تا، ده تا، پنج تا مقام عالی‌رتبه هم از زنها آن زمان گذاشته بودند، اما آن یک حرکت جدّی و اصلی برای سیاستهای خاصّ دوران طاغوت نبود، حرکت جدّی و اصلی آن چیزی بود که شما توی فیلمها، توی نمایشنامه‌ها، توی تلویزیون، توی مجلات، توی کاباره‌ها و توی چیزهای دیگر میشنیدید، میدیدید یا خبرش را میشنیدید. توجه می‌کنید؟ آن بود حرکت جدّی و سیاست اصلی برای کشاندن زن، برای جهت دادن به زن، آن بود؛ و آن یک فرهنگی است که طبیعت انسانی و غریزه‌ی بشری موجود در هر انسان - که به آن اشاره کردم - به او کمک میکند، به توسعه و گسترشش کمک میکند. خب، حالا بعد از انقلاب در مقابل آن دو عامل: عامل در آوردن آن فرهنگ به صورت یک فکر و عقیده - که گفتیم ترویج میشد - و عامل زمینه

۱. در جلسه‌ی پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی (۸۲/۲/۲۲)

داشتن طبیعی و غریزی در انسان، این دو عامل با یک مانع سخت - یعنی انقلاب - روبرو شد، یعنی انقلاب یک تودهنی محکم زد به حرکت سریعی که آن فرهنگ به صورت شتابان در جامعه‌ی ما آغاز کرده بود و به دور هم افتاده بود دیگر، درست است؟ یعنی ناگهان انقلاب آمد وسط و همچنین محکم زد توی سینه‌ی آن حرکت. کی؟ سال مثلاً ۵۶، ۵۷؛ نمیگویم پیروزی انقلاب، بلکه میگویم بروز هیجان انقلاب، بروز حرکت انقلابی.^۱

ورود سیل آسای فرهنگ فاسد غربی درون محیط کار

در دوران ستمشاهی پرستار خوب بود، خواهران مؤمن در بین جامعه‌ی پرستاری بودند، آن کسانی که میخواستند شغلشان را با سلامت و طهارت و وظیفه‌شناسی و احساس عمیق دردآشنایی انجام بدهند بودند، اما فرهنگ فاسد غربی که سیل آسا به طرف جامعه‌ی ما سرازیر میشد، اجازه نمیداد که خواهران پرستار در آن روز بتوانند زن مسلمان باشند.^۲

حرفهای پوچ و بی‌محتوا و شعارهای فریب‌آمیز

پیش از پیروزی انقلاب در کشور ما کارهایی بعنوان زن و دفاع از زن انجام گرفت، یا از قبیل شعارها و کارهای تبلیغاتی به آن رژیم از این چیزها زیاد داشت، حرفهای پوچ و بی‌محتوا و شعارهای فریب‌آمیز، یا از قبیل برخی از مقررات و قوانین بود در باب حقوق که آنها بعضیهایش خوب بود، بعضی هم چندان مفید به حال زنان جامعه‌ی ما نبود، و یا از حیث ایجاد سازمانها و تشکیلات زنان که آن هم به درد زنان جامعه‌ی ما اصلاً نمیخورد، بلکه یک کار سیاسی و در ردیف دیگر کارهایی که آن رژیم انجام میداد. مجموعاً آنچه که برای زن و به‌عنوان زن در جامعه‌ی ایرانی مطرح میشد؛ یک تقلید خشک بی‌محتوایی بود از آنچه که در غرب و اروپا انجام

۱. در مصاحبه پیرامون جایگاه زن در جمهوری اسلامی (۶۳/۱۲/۴)

۲. در دیدار با عده‌ای از پرستاران (۶۵/۱۰/۱۵)

میگرفت. و نتیجه این شد که زن ایرانی از لحاظ پوشش، از لحاظ بعضی از اخلاقیات و رفتارهای فردی و اجتماعی و خانوادگی سنتهای قدیمی خودش را رها کرد و سوغاتهای فرهنگی اروپاییها و غربیها را که پر از نواقص و اشکالات بود، چشم‌پسته گرفت. اما از لحاظ معرفت عمومی زنان در کشورمان تفاوتی پیدا نشد. جامعه‌ی زن مظلوم بود، مظلوم ماند جامعه‌ی زن از بسیاری از معارف و شناختها محروم بود، محروم هم ماند و برخی از ارزشها و خلیات مطلوب و مورد قبول جامعه را هم از دست دادند. برای زن کاری نشد، به سود زن عملی انجام نگرفت؛ اما به زیان زن چرا کارهای زیادی در جامعه‌ی ما انجام گرفت.^۱

بیرون کشیدن دختران از آغوش عفیف خانواده با عنوان دختر شایسته
آن روز زنان با هیأت‌های مختلف به مسافرت‌های گوناگونی می‌رفتند؛ اما تشریفاتی بود. برای هوسرانی و نشان دادن سر و کول خودشان به این و آن بود. لکن زن مسلمان امروز، در مجامع جهانی، در کنفرانسهای گوناگون جهانی، در مراکز علمی و در دانشگاهها، حضور علمی یا سیاسی یا خدماتی دارد. اینها ارزش دارد. آن روز دخترانی را بعنوان «دختر نمونه» و «دختر شایسته»، از آغوش گرم و عفیف خانواده‌ها بیرون میکشیدند و در منجلاب فساد فرو میکردند.^۲

بی‌بندوباری تهران بیشتر از اروپا

در آن زمان، زن اصلاً پوشش و حجابی نداشت؛ حتی در این جاها وقتی نوبت به این کارها میرسد، بی‌بندوباری خیلی بیشتر هم میشود؛ کما اینکه در زمان شاه، بی‌بندوباری که در همین شهر تهران و بعضی دیگر از شهرهای کشور ما بود، از معمول شهرهای اروپا بیشتر بود! زن معمولی در اروپا، لباس و پوشش خودش را داشت؛ اما در اینجا آنطوری نبوده، آنطور که

۱. در مراسم بزرگداشت روز زن در استادیوم آزادی (۶۷/۱۱/۸)

۲. در دیدار گروهی از خواهران پرستار (۷۳/۷/۲۰)

دیده بودیم و شنیده بودیم و میدانستیم و مناظری که از آن وقت الان جلوی نظر من هست، انسان واقعاً حیرت میکند که چرا بایستی اینگونه بشود؛ کما اینکه در خیلی از کشورهای متأسفانه عقب مانده مسلمان و غیرمسلمان هم همینطور است. بنابراین، باید به دقت و با نهایت کنجکاوی و بدون اغماض، مسائل ارزشی را رعایت کرد.^۱

غیر اسلامی بودن رفتار و پوشش بانوان در دوران طاغوت

در دوران طاغوت که انسان وقتی به داخل محیطی میرفت، احساس می کرد در آن محیط، همه چیز ضد اسلام است. به یک مسلمان و به یک آدم متدین که میرسیدند، نگاهها از روی بغض؛ از روی سردی و از روی بی اعتنائی بود. رفتار زنان؛ پوشش زنان، برخورد مردان؛ جلفگریهایی که گاهی بعضی از مردان و زنان میکردند؛ همه چیز غیر اسلامی بود.^۲

وابستگی زن به تجمل غیر معقول، مد و جلوه‌گری

زن اگر در خطّ رابطهای مرد و زن افتاد، همان میشود که در زمان پهلوی و رژیم ستمشاهی بود؛ یعنی به سمت عریان شدن در جامعه، به سمت مدهای مختلف، به سمت جلوه‌گریهای گوناگون و به سمت تجملات زیادی میرود. تجمل در حدّ معقول، کاملاً مطلوب و مفهوم است و اسلام هم آن را رد نکرده است. اما در حدّ غیر معقول، به شکل مسابقه، به شکل چشم و همچشمی و رقابت و به شکل وابسته کردن شخصیت زن به این تجمل، همه‌اش موارد انحرافی است و درست در جهت عکس آن هدفی است که ما در مورد زنان داریم. قبلاً عرض کردم که این، پایه و قاعده‌ی حرکت ماست، که امام رضوان‌الله تعالی علیه روی آن اینقدر تکیه داشتند، و یکی از مبانی است.^۳

۱. در دیدار با اعضای فرهنگی-اجتماعی زنان (۷۰/۱۰/۴)

۲. در دیدار جمعی از اعضای انجمن‌های اسلامی (۷۱/۶/۴)

۳. در دیدار اعضای شورای مرکزی جمعیت زنان (۷۱/۲/۱۵)

تبدیل زن به موجود مصرفی در قبل از انقلاب

معرفت و دانش اسلامی و آگاهی سیاسی در میان جامعه‌ی زنان ما آن عمق لازم را در همه‌ی افراد پیدا نکرده در بعضی چرا، یک عده از خانمها قدرت تحلیل دارند، تحلیل سیاسی دارند، بینش خوب دارند از بعضی از مردها خیلی هم بهتر میفهمند اما در میان جامعه‌ی زنان این چندین میلیون زنی که توی جامعه‌ی ما هست بطور کامل این معنا هنوز رواج و گسترش پیدا نکرده، این یک نقیصه است، چرا؟

علّت، کوتاهیهای قبل از انقلاب است، قبل از انقلاب دستگاه‌های مسلط آن روز شما میدانید با جنس زن و با آگاهی زن مخالف بودند، به نام حمایت از زن بزرگترین ضربه‌ها را به زنها زدند، خانمهای ما را تشریفاتی، تجمّلاتی، دنبال طلا، دنبال آرایش، دنبال وسایل راحتی، دنبال پرده، دنبال مبل، دنبال این چیزها اسیر کردند، این کار آنها بود، این مربوط به خانمها نبود. ما زنهایمان همان زنهای ۵۰ سال قبل، ۶۰ سال قبلند که تجمّلات و این چیزها در زندگی‌شان اینقدرها وجود نداشت اما کشاندند جامعه‌ی زنان را با استفاده‌ی از احساسات زنانه که این احساسات همان چیزی است که این حرکت عظیم را راه انداخت، احساسات زنانه چیز بدی نیست اشتباه نشود، احساسات زنانه با آن لطافت زنانه، لطافت روحیه‌ی همان چیزی است که زنها را از مردها در این تظاهرات و در این حرکات انقلابی جلو انداخت. پس این احساسات چیز خوبی است اما آنها با استفاده‌ی از همین احساسات قبل از پیروزی انقلاب در طول سی سال با تبلیغات گوناگون از زن ایرانی، از خانم ایرانی یک موجود مصرفی کامل ساختند. شما میبینید مردهایی را که مرد یک کاسب است، یک کارمند است، یک روحانی است، یک دانشجو است مثلاً یک آدم معمولی است لباسش را نگاه میکنید یک لباس معمولی است، سر تا پایش را نگاه میکنید هیچ تجمّلاتی ندارد، کفشش معمولی است، جورابش معمولی است، کت و شلوارش معمولی است، خانم این آقا را که میروید توی خانه نگاه میکنی میبینی خانم یک اشرافی



است، لباسش آنجور، پیراهنش آنجور، طلایش آنجور، باورش آدم نمی آید که این خانم خانم همین این آقاست. ثروت خاصی ندارد اما آن مقدار پولی که باید صرف زندگی و تجملات زندگی بشود صرف آن خانم میشود این است دیگر ببینید فرق بین استفاده‌ی از احساسات خانمها و وضع مردها در این رابطه در همین است که این کار آن رژیم است.^۱

تجمل طلبی حتی در بین خانواده‌های مذهبی و متوسط

خانمها را کشاندند به تجمل طلبی لذا شما میبینید خانم یک خانواده‌ی متوسط معمولی متدین اسراف میکند، تجملات دارد، طلا از اینجا تا اینجا دارد، نمیدانم انواع و اقسام البسه و زیور آلات دارد، حالا غیر متدینهایشان یکجور بودند آنهایی که متدین بودند یک چادر مشکی روی همه‌ی اینها کشیده بودند. ولی باطن قضیه فرقی نداشت. این را آن رژیم این کارها را کرد. از تبلیغات فرهنگی غافل نشوید.^۲

زن؛ ابزار تبلیغ مصرف‌گرایی در تلویزیون قبل از انقلاب اسلامی

در تلویزیون، مثلاً تبلیغ میکرد با شیوه‌ای که مصرف‌گرایی را در مردم تقویت میکرد و مردم را به مصرف‌گرایی سوق میداد و هم به شیوه‌ای که در عین حال آنها را به شهوترانی، فحشا و فساد سوق میداد و به آن قسمت میکشاند. یک زن عریانی را با یک شکل مهیج می‌آورد در صحنه تا فلان کالای زینتی یا فلان وسیله‌ی تجملی را، یا فلان جنس لازم یا غیر لازم را به مردم نشان بدهد. هم مردم به مصرف حریص شوند و سوق داده شوند به اینکه هر چه بیشتر چیزهای غیر لازم را تهیه و مصرف کنند و جامعه را مصرفی بار بیاورند.^۳

۱. در دیدار جمعه‌ی حضرت زینب(س) (۶۶/۱۱/۲۷)

۲. همان

۳. در خطبه‌ی نماز جمعه‌ی تهران (۶۴/۱۰/۲۰)

دور نگه داشتن زنان از آگاهیهای سیاسی و مشغول کردن به تجملات در گذشته هدف، دور نگه داشتن زنان از مسائل سیاسی، آگاهیهای اجتماعی و مشغول نگه داشتن آنها در پرداختن به تجملات و ظواهر دنیا و تبدیل کردن آنها به موجودی مصرف کننده بود؛ ولی امروز زنان مسلمان کشورمان از بینش سیاسی عمیقی برخوردارند.^۱

تزریق ارزشهای کاذب مانند طلاپرستی به زنان شهری و روستایی
فرهنگ غربی در رژیم گذشته ارزشهای کاذبی همچون زیورپرستی، طلاپرستی و دلخوش کردن به برخی از چیزهای کم ارزش را در جامعهی زنان شهری ما تزریق کرده بود که انقلاب اسلامی مثل توفانی، خیلی از آن ارزشهای کاذب را از بین برد.^۲

نابهنجاری محیط کسب علم در نظام پادشاهی پهلوی

زن، در جامعهی خود باخته نظام پلید پادشاهی، حقیقتاً و از همه جوانب مظلوم بود. اگر زن میخواست وارد مقولهی علم بشود، باید قید دین و تقوا و عفاف را میزد. مگر یک خانم مسلمان، در دانشگاهها و محیطهای آموزشی و مراکز علمی و فرهنگی میتواند به آسانی حجاب و متانت و وقار خود را حفظ کند؟ مگر ممکن بود؟ مگر میشد یک زن مسلمان، در خیابانهای تهران و بعضی از شهرهای دیگر با متانت و وقار اسلامی یا حتی با حجاب نیمه کاره، راحت راه برود و از گزند زبان و حرکت هرزگان و دلباختگان به فساد و فحشای سوغات غرب، مصون بماند؟ کاری کرده بودند که در این مملکت، کسب علم برای زنها غالباً ممکن نمیشد. موارد استثنایی را کاری ندارم. بطور غالب، رفتن زنان به وادی علم میسر نمیشد؛ مگر با برداشتن حجاب و منصرف شدن از تقوا و وقار اسلامی! در میدان سیاست و در زمینهی فعالیتهای اجتماعی هم همینطور بود. اگر زنی میخواست منصبی از

۱. در دیدار با اعضای دفتر مرکزی جامعهی زینب (س) (۶۶/۱۱/۲۷)

۲. در مراسم افتتاحیهی کنگره بین المللی زن و انقلاب جهانی اسلام (۶۶/۱۱/۱۷)

مناصب اجتماعی و سیاسی را در ایران دوران پادشاهی دارا باشد، باید قید حجاب و عفاف و وقار و متانت زن اسلامی را میزد. البته، بسته به این بود که خود این زن، جوهر و استعدادش چگونه باشد. اگر خیلی سست‌عنصر بود، باید تا آن اعماق میلغزید. اگر خوددار و خویشتندار بود، تا حدودی خود را حفظ میکرد؛ اما دائماً با فشارهای روزافزون از سوی محیط اجتماعی روبه‌رو بود. جامعه‌ی ما، اینگونه بود.^۱

پایین نگه داشتن سطح فکر خانمها

در جامعه‌ای که برای زن سواد و معرفت و شخصیت سیاسی و شخصیت اجتماعی یک چیز نامفهومی بوده، در این جامعه معلوم است وضع زنان چگونه میشود. واقعیت جامعه هم طبعاً به همین جهت سیر میکند، یعنی سطح فکر زنها پایینتر از مردهاست. ما اگر امروز بگوییم سطح فکر خانمها پایینتر از آقایان است، به خانمها برمیخورد. لذاست که بنده هم بشدت احتیاط میکنم این کلمه را بر زبان جاری نمیکنم.^۲

ممانعت از رشد استعدادها و گرفتن فرصت تفکر از زنان

در انقلاب ما و در جامعه‌ی ما مسأله‌ی زن یک مسأله‌ی بسیار حسّاس و بسیار اساسی بوده و هست. پیش از انقلاب، فرهنگی که حاکم بر جامعه‌ی ما بود سعی میکرد که نگذارد استعدادهای درونی زنان، آنچنانی که اسلام خواسته و اسلام میپسندد، رشد کند. تمام برنامه‌هایی که در این مملکت حول و حوش وجود زن از سوی دستگاه‌های گذشته طراحی میشد، برنامه‌ریزی میشد و اجرا میشد، به این منظور بود. البته در همان وقت بودند زنانی و بودند مؤسّساتی و بودند افراد خیری که کوشش میکردند جامعه‌ی زنان را به آن طرفی سوق بدهند که اسلام خواسته و اسلام میپسندد. اما این تلاشها

۱. در دیدار با جمع کثیری از بانوان (۶۸/۱۰/۲۶).

۲. در مصاحبه با مجله‌ی زن روز (۶۶/۱۲/۱۳).

همیشه در اقلیت قرار داشت. حقیقت این است که در متن جامعه‌ی ما این فرصت را به زن نمودند که مانند زن صدر اسلام فکر کند و آنطور بیندیشد و آنطور عمل کند و رشد کند.^۱

تلقی غلط از جایگاه زن؛ مانع عالم شدن زنان

شما ببینید در جامعه‌ی ما نسبت به زنان تصورات و برداشتها چگونه است. زن بعنوان یک موجودی که تنها تکلیف او عبارت از خدمت به مرد در محیط خانه است، تلقی میشد. یک چنین تلقی در جامعه‌ی ما در طول زمان حتی در آن مواردی که مردها به همسر خودشان علاقه هم داشتند و طبعاً یک امتیازاتی برای او قائل میشدند، نیز وجود داشته است. زن بعنوان یک عنصری که میتواند عالم و دانشمند بشود، در جامعه شناخته نشده بود. مردم ما در گذشته تعجب میکردند اگر میشنیدند یک زنی عالم شده است و بعضی تعجب میکردند که چرا زن باید درس بخواند. من یاد می‌آید در مشهد در سال ۴۶ و ۴۷ چون دبیرستان دخترانه‌ی اسلامی در مشهد وجود نداشت، یک عده را جمع کردیم که بیاید یک دبیرستان دخترانه‌ی اسلامی درست کنیم. با دو مانع برخورد کردم البته دو سال هم تلاش نمودم و آخر هم نتوانستم یک عده می‌گفتند که همین مدارس هست، مدرسه‌ی اسلامی لزومی ندارد، شما چند تا معلم خوب را به همین مدارس بفرستید. نمیفهمیدند که اگر یک مدرسه‌ای مدیریتش با دستگاه اسلامی نباشد، نمیتواند تربیت خوبی بنماید. عده‌ی زیادی که آنها هم کم نبودند، میگفتند اصلاً چه لزومی دارد دختر مسلمان دبیرستان برود، دوره‌ی دبستان را بخواند و بعد به خانه‌داری اش پردازد. این مربوط به سال ۴۷ است، مربوط به قرن یازدهم و دوازدهم هجری نیست. همین بیست سال قبل یک چنین تصویری در جامعه‌ی ما بود.^۲

۱. در دیدار با گروهی از خواهران طلاب و دانش‌آموزان (۶۱/۶/۴)

۲. در مصاحبه با مجله‌ی زن روز (۶۶/۱۲/۱۳)

فرهنگ برهنگی به جای دانش و معرفت

تبلیغات فراوانی درست کردند در دوران رژیم گذشته که نشان بدهند وضع زن در ایران بد است. من نمیگویم وضع زن در ایران بد نبوده، یا الان کاملاً خوب است، من میگویم وضع زن در ایران و غیر ایران در کشورهای شرقی و غربی، وضعی همراه و آلوده‌ی به ستم‌پذیری زن و ستمگری مرد در مقابل زن بوده. این باید درست بشود، این باید حل بشود، مسأله این است. آن روز برای اینکه بتوانند فرهنگ برهنگی را به میان جامعه‌ی معصوم ما بکشانند، این حرفها را زدند. آنچه آوردند، دانش و معرفت برای زن ایرانی نبود، آنچه آوردند این نبود که نیمی از جمعیت کشور از همان مزایا و امکاناتی برخوردار بشود که آن نیم دیگر بطور طبیعی برخوردار است. آنچه آوردند این بود که زن را به سنتها و خلیات و ریشه‌های اعتقادی و رفتاری دیرین جامعه‌ی خودش بی‌اعتقاد کنند، آن را یک موجود مصرفی تربیت کنند. متأسفانه در نسل گذشته موفق هم شدند.^۱

تصوّر غلط ناسازگاری دین و ایمان با تحصیل علم در گذشته

من به شما این را بگویم، تصوّر غلطی از سابق در ذهن بعضیها هست؛ خیال میکنند که بعضی از بخشهای کشور، با دین و ایمان سازگار نیست. مثلاً در سابق، فکر میکردند کسی که دانشگاهی باشد، نمیشود دین و ایمان داشته باشد! یا خانمی که پزشک باشد، نمیتواند دین و ایمان داشته باشد! چرا؟ چون در رژیم گذشته، غالباً اینگونه بود که خانمهای پزشک، خیلی مقید به امر حجاب نبودند!

خیلی خوب، حالا بیایید و نگاه کنید؛ متخصصهای پزشکی طراز اول - در مقیاسهای بین‌المللی - در بین همین دخترهای چادری متعهد متدین ما هستند که من از دیدن و اطلاع از وجود اینها، واقعاً لذت میبرم. بارها هم پیش من می‌آیند. کم نیستند؛ الحمدلله زیاد هم هستند.^۲

۱. در کنگره‌ی بین‌المللی زن و انقلاب جهانی اسلام (۶۷/۱۱/۸)

۲. در دیدار رئیس و معاونین سازمان تربیت بدنی (۷۵/۱۰/۸)

محیط آموزشی اروپایی؛ عامل محرومیت علمی زنان

به لحاظ ورود و گسترش تعلیم و تربیت سبک اروپایی به ایران، خانواده‌های مؤمن و مسلمان به چنان وضعی کشانده شده بودند که از جهت حضور دخترانشان در مدارس و محیطهای اجتماعی، علمی و آموزشی دارای امنیت خاطر نبودند و این امر موجب محرومیت زنان ایران از لحاظ معرفت و علم و فرهنگ، نسبت به مردان شده بود. ولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی حضور زنان در همه‌ی صحنه‌های اجتماعی و بویژه در محیطهای علمی و تحقیقاتی رو به گسترش نهاد.^۱

عقب‌نگه داشتن زن در وادی‌های مختلف

ما می‌خواهیم ببینیم چه چیزی، چه عاملی وجود داشت که توانست این تحوّل عظیم را در میان زنان ما به وجود بیاورد؛ این مسأله است. می‌دانید اگر مردها مثلاً - که توی میدانهای اجتماعی بیش از زنها بودند، توی سیاست بودند، با علم و سواد و دفتر و نوشتن و خواندن و روزنامه و اینها بیشتر سر و کار داشتند، بطور سر جمع شده - اینها اگر چنانچه گرایش به یک جهتگیری سیاسی پیدا کنند، خب این یک چیز طبیعی مینماید. اما می‌دانید که زنان ما، در جامعه‌ی ما زن از معرفت لازم و کاملی که در حدّ تربیت و معرفت مردان باشد نگذاشته بودند برخوردار بشود، یا لااقل نمیخواستند بگذارند برخوردار بشود. همیشه زنان از تیررس تبلیغات اسلامی عمیق در طول سالیان اختناق دورتر بودند، جز یک عده‌ی معدودی. حالا یک وقت یک گوشه‌ای، یک کلاسی، یک مکتبی، یک مجمعی تشکیل میشد، آن بحث جداگانه‌ای داشت؛ تازه همانها هم نمیشد که با آن کیفیتهای لازم اداره بشود بخاطر محدودیتهایی که وجود داشت. اما در کلّ جامعه حقیقت این است، زن را با یک فرهنگی، با یک تربیتی آن رژیم گذشته بار آورده بود - که هنوز هم داشت بیشتر از آن بار می‌آورد - که از معارف ناب اسلامی و از

۱. در دیدار با جمعی از بانوان کشور، دفتر مشارکت زنان (۷۳/۹/۲)

روحیه‌ی انقلابی و از منش انقلابی‌گرانه دور بود؛ چه زنی که توی خانه بود، چه زنی که در یک جایی کارمند و شاغل بود و حتی زنان و دخترانی که در مدارس یا در دانشگاه‌ها تحصیل میکردند. غالباً اینها، آنهایی هم که در میدان بودند کمتر از مردها بودند. عامه‌ی زنان ما هم که توی خانه بودند، مشغول کار و زندگی خانگی خودشان بودند؛ بچه‌شان را بزرگ کنند، شوهرشان را اداره کنند، خانه‌شان را حفظ کنند، کار بکنند توی خانه. توی میدان سیاست، در میدان انقلاب، در میدان بلندپروازیه‌های انقلابی با اندیشه‌ی تکان دادن و منقلب کردن یک نظام نبودند.^۱

۲-۳- نقش زنان در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

لزوم تبیین نقش زنان در دوران مبارزه و اصل انقلاب

نقش و سهم بانوان در نظام، یک نقش فوق‌العاده و ممتاز است؛ همچنانکه در اصل انقلاب، نقش بانوان ممتاز بود. حالا شاید جوانهای عزیزی که در جلسه هستند و در دوران مبارزات نبودند یا در دوران انقلاب نبودند، میدانند آنجا چه اتفاقی افتاد؛ جز از طریق گزارشهایی که همه‌اش هم متأسفانه ناقص است. همه‌ی گزارشهایی که از دوران مبارزه و دوران انقلاب بیرون آمده، گزارشهای ناقص و یکجانبه و کوتاه است. یک کار بزرگی هم در این زمینه داریم، که اگرچه جزو اندیشه‌های راهبردی نیست، اما جزو کارهای راهبردی است و - ان شاء الله - باید دنبال شود. آن کسانی که سابقه دارند، میدانند که زنان، هم در دوران مبارزه نقش داشتند، هم به‌خصوص در همان دوران انقلاب - یعنی آن یک سال و نیمی که حرکت انقلابی عمومی شروع شد - نقش داشتند.^۲

۱. در دیدار با ۱۰۷ نفر از خواهران مکتب نرجس (۶۱/۲/۲)

۲. در سوّمین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)

حضور زنان باحجاب در قیام مشروطه و صحنه‌های انقلاب

زنان متدین ما در میدانهای گوناگون و در همه‌ی قضایا جزو پیشروان بودند. قبل از شروع مبارزات تند مشروطیت، زنها در میدان بودند. در یک برهه‌ای، مبارزات مشروطیت آرام بود؛ بعد شدت پیدا کرد، که همه وارد شدند. آن وقتی که هنوز همه وارد نشده بودند و در واقع فقط یک عده‌ای از علما و خواص دنبال این قضایا بودند، زنها بلند شدند، یک اجتماعی تشکیل دادند، آمدند اینجا سر راه حاکم و زمامدار وقت را گرفتند، او از دست اینها فرار کرد، رفت در کاخ مخفی شد! رفتند آن طرف، فرّاش‌باشی‌های دستگاه حکومت، اینها را کتک زدند. آن زمان با چادر و چاقچور وارد میدان شده بودند. اکثر قریب به همه‌ی شماها چاقچور را ندیده‌اید. چادر و چاقچور و روبند، نوع بسته‌ی حجاب اسلامی - ایرانی بود. با آن حالت، اینها وارد این میدان شدند. حالا یک عده‌ای خیال میکنند زن تا وقتی که بی‌حجاب نباشد، بی‌اخلاق نباشد، نمیتواند در میدانهای گوناگون اجتماعی و سیاسی وارد شود. در همین انقلاب خود ما، در بعضی از نقاط کشور، زنها زودتر از مردها اجتماع راه انداختند، در خیابانها حرکت راه انداختند و مقابله کردند؛ که ما اطلاع قطعی داریم. در دوران انقلاب همینجور، در مبارزات گوناگون بعد از پیروزی انقلاب همینجور، در جنگ تحمیلی همینجور^۱.

معجزه‌ی عظیم زن مسلمان

شما ببینید وقتی زن مسلمان برمیگردد به فطرت و اصل خود، چه معجزه‌ی عظیمی درست میکند. آنگونه که در انقلاب و نظام اسلامی ما بحمدالله مشاهده شده و امروز هم دارد، مشاهده میشود.^۲

۱. در دیدار جمعی از مدّاحان سراسر کشور (۹۱/۲/۲۳)

۲. در دیدار گروهی از زنان، به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا(س) (۷۱/۹/۲۴)

اوج تعالی زن در جامعه

یک پسر جوانی، پانزده ساله‌ای که جثه‌اش هم از یک پسر پانزده ساله کوچکتر است، مشتاق رفتن به جبهه است، اشک میریزد، گریه میکند برود جبهه، این طرف، آن طرف، به هر جا مراجعه میکند، حاضر نیستند او را ببرند جبهه، مادرش مراجعه کرد به بنده که این بچه را بفرستید جبهه. من گفتم آخر این بچه کوچک است، این هنوز نوجوانی است، وقت جبهه رفتنش نیست، چهارده - پانزده ساله است، به علاوه جثه‌اش مثل نوجوانهای سیزده ساله است مثلاً، آماده نیست. آنقدر مادر با واسطه البته با من تماس گرفته بود، آنقدر التماس کرد که من مجبور شدم به اقدام که این نوجوان برود جبهه و اقدام کردم.

حالا که کارهای این بچه درست شده است که برود جبهه مادر آمده به سراغ ما آنقدر تشکر از اینکه من وسیله فراهم کردم بچه‌ی او برود جبهه. شما ببینید نمونه‌ی این را دیگر کجا میبینید در تاریخ؟ نامه‌هایی که مینویسند، هدایایی که میدهند، من حیفم آمد این نمونه‌های عزیز و ارجمند را نگویم تا در تاریخ ثبت بشود، با اینکه اینها به نظر کوچک می‌آید اما خیلی مهم است اینها، اینها نشاندهنده‌ی ترقی و تکان عظیم ملت ماست، نشاندهنده‌ی اوج تعالی زن در جامعه‌ی ماست؛ این عاطفه‌ی مادری چطور در مقابل احساس وظیفه نسبت به انقلاب تحت تأثیر قرار میگیرد؟ این مادری که حاضر نیست خاری به پای فرزندش برود، اینطور می‌آید دودستی فرزندش را میفرستد به کام جبهه‌های جنگ برای اینکه برود در راه خدا مبارزه کند و مجاهدت کند.^۱

شان والای شخصیت زن در ترازوی انسانی

از همه بالاتر این مادرهایند. لذاست که وقتی انسان نگاه میکند ممکن است میلیونها خانم هستند در دنیا که اینها - میلیاردها - سر و وضعشان

۱. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۶۴/۱۲/۲۳)

خوب است، پولشان خوب است، جیبشان پر است، نمیدانم زندگی اشرافی دارند، سواد دارند، کتاب خواندند، کار کردند اما ارزش هزار تا از آنها بقدر یک ناخن کوچک این خانمها نیست. یعنی اینها ارزششان بمراتب از آنها بالاتر است، نه به نظر ما - که مسلمانیم - نه، توی همان ترازوهای انسانی، یعنی الان شما مثلاً بروید در نظر افرادی در دنیا که نه به دینی، نه به اسلامی، نه به تشییعی هیچی هم عقیده ندارند، بگویید آقا ما دو تا زن داریم یکی سوادش خیلی است، معلوماتش خیلی است، هنرش و ذوقش و استعدادش هم خیلی است، اما این خانم هر چی تلاش میکند برای شکم خودش، برای بزرگ خودش، برای لباس خودش، برای خودش بالاخره میکند، یک نفر هم هست که سواد و معلوماتی ندارد اما عزیزترین چیزهایش را دارد برای دیگران میدهد، کدام یک از اینها بالاترند؟ شما ببینید چی میگویند؟ یک نفر در دنیا هست بگوید او بالاتر از این است؟ نه، همه خواهند گفت این بالاتر است، این خانم روستایی بیسوادی که یک کلمه هم نمیتواند بخواند این ارزشش نه یکبار، نه دو بار، صد بار بیشتر است از آن خانم باسواد پولدار تحصیلکرده‌ی دکتر فلان که این احساسات را ندارد؛ این روحیه را ندارد. شما اینجوری هستید، قدر خودتان را بدانید.^۱

زنان ما مثل زنهای بزرگ تاریخ

امروز شما توی مملکت ما نگاه کنید ببینید که زن چه نقشی دارد. در همه‌ی میدانهای حساس زن حضور اصلی دارد، یک جاهایی از مرد حاضرتر، یک جاهایی در ردیف مرد، یک جاها هم یک‌خرده عقبتر. توی میدان جنگ البته زنهای پهلوی مردها نیستند، خدا هم نخواسته، هیچ عقل سالمی هم این توقع را از دخترها ندارد که بروند توی میدان جنگ و بجنگند، اما در پشت جبهه، زنهای قویتر عمل کردند. در داخل خانه‌ها مادرها، از پدرها قویتر عمل کردند. خدا شاهد است که انسان از هیجان به پرواز در می‌آید،

۱. در دیدار با خانواده‌ی آزاده‌ی دربند آقای شهسواری (۶۴/۵/۳)

هنگامی که میبیند مادر چهار یل را که در راه خدا شهید شدند، عکسهایشان به دیوار اتاق زده و مادر مثل یک شیرزن، مثل زنهای بزرگ تاریخ که قرآن از اینها اسم آورده، با یک روحیه‌ای حرف میزند انگار که این بچه‌ها توی اتاق نشستند، انگار اینها عکس نیست، اینها خود آن بچه‌ها هستند که اینجا نشستند، با همین روحیه حرف میزند، من دیدم.^۱

تلاش برای پیشرو بودن

باید پیشرو باشد. در باب امور الهی، امور مربوط به دین، باید مسابقه گذاشت. باید به یک حرکت و تلاش معمولی بسنده نکرد، قرآن به ما تعلیم میدهد «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ^۲» مسابقه بگذارید در باب خیرات یا «سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ^۳» مسابقه بگذارید به سوی آمرزش از سوی پروردگارتان؛ بنابراین شما اکتفا نکنید به اینکه خانم مبارزی هستید و در خدمت این انقلابید، همّت بگمارید بر اینکه جزو پیشروان این راه باشید، برجسته باشید و کسی باشید که بیشترین زحمت را، بیشترین تلاش را، برای خود قبول بکند.^۴

راههای حفظ زن ایرانی در روند انقلاب

الان برای نگه داشتن زن ایرانی در همان روندی که انقلاب او را در آن روند انداخته بود و حفظ آن حالت جدیدی که با آن استحاله‌ی عظیم انقلابی برایش به وجود آورده بود، احتیاج داریم به چند چیز. اول به ادامه‌ی استدلال، یعنی آن استدلال صحیح و متینی که نشان میدهد جایگاه زن چیست؟ ثانیاً به ادامه و حفظ حالت انقلابی در او، ثالثاً به جلوگیری از نفوذ آن چیزی که بیشترین تکیه‌گاه فرهنگ طاغوتی بود که آن غریزه را تحریک میکرد؛ باید از نفوذ اینها هم جلوگیری کنیم؛ یعنی عکسها، فیلمها، که وسایل

۱. در دیدار گروهی از خواهران دانشجوی مراکز تربیت معلّم (۶۳/۲/۲۱)

۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۴۸

۳. سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۲۱

۴. در دیدار با خواهران واحد حزب جمهوری اسلامی تهران (۶۱/۱۱/۱۴)

و ابزار پوشش و آرایش و نشست و برخاستها و از این قبیل چیزها. اینها چیزهایی است که اگر در یک جامعه‌ای وجود داشته باشد، بطور طبیعی با زمینه‌ی غریزه‌ای که در هر انسانی هست به همان فرهنگ منتهی خواهد شد. آنهایی که نشستند طراح‌ی کردند، خوب طراح‌ی کردند. آن کسانی که برای زن، زن دنیا - نه زن یک کشور خاص - این فکر را کردند، خوب فکر کردند، درست فکر کردند. با توجه به جنبه‌های غریزی و خصوصیات‌ی که در مرد و زن وجود دارد این فرهنگی که، این وسایل و ابزاری که اینها در اختیار جوامع گذاشتند و در اختیار ملت‌ها گذاشتند، اینها منتهی به همان سرانجامی خواهد شد که فرهنگ طاغوتی برای زن می‌خواهد. حالا چرا می‌خواهد، دلیلش چیست؟ آنها بحث‌های اجتماعی است و جای دیگری باید بحث بشود، که اصلاً به چه دلیل هست که زن را می‌خواهند به انحطاط بکشانند، با زن چه دشمنی دارند؟ اینها یک بحث دیگری است، به جای خودش میتواند مورد توجه قرار بگیرد.^۱

لزوم مقاومت عملی برای حفظ ارزشها

یک نکته را به خانواده‌های شهدا و مفقودین و ایثارگران و جانبازان و همچنین به خود جانبازان عرض کنم. عزیزان من، شما با تحمل این دشواری، یک اجر بزرگی پیش خدا پیدا کردید. شما که جانبازید، شما که پدر شهید یا مادر شهیدید، پدر و مادر جانبازید، همسر جانباز یا همسر شهید، مفقود یا همسر اسیرانی هستید که در اختیار دشمن‌اند - هر کدام از این چند دسته باشید - پیش خدای متعال، مقام و ارزشی را به دست آورده‌اید. آیا این ارزشهایی که من و شما - در اموری - به دست می‌آوریم، ابدی و ماندنی و تغییر نیافتنی هستند؟ نه، نکته همین است. اگر بالاترین خیرات از ما صادر بشود و ما پیش خدای متعال اجری به دست بیاوریم، لیکن خدای نکرده بعد از آن حرکت و عملی از ما سر بزنند که با ثواب آن

۱. در مصاحبه پیرامون جایگاه زن در جمهوری اسلامی (۶۳/۱۲/۴)

عمل سازگار نباشد- آن وقت به خدا پناه میبریم- اجر آن عمل یا ضعیف خواهد شد یا در مواردی از بین خواهد رفت. در اصطلاح قرآنی به این میگویند « حبط » خب حالا که این حقیقت را فهمیدیم، لازمی این کار چیست؟ باید مواظب باشیم که آن لطف و فضل الهی را که با این عمل بر ما و بر قلب و جان ما سایه گستر شده است، برای خودمان حفظ کنیم. آن را برای خودمان نگه بداریم و این با مراقبت عملی میشود و من خدا را شکرگزارم که پدران و مادران شهدا و جانبازان و ایثارگران ما در طول این مدت، آن اجرها را برای خودشان نگه داشته‌اند و بعضی با تحمّل مشکلات، آن اجرها را چند برابر کرده‌اند.^۱

سهم عظیم زنان در تمام زمینه‌ها

زنان در این انقلاب سهم بسیار مهمی را عهده‌دار شدند. اولین تظاهراتی که در سطح کشور به صورت علنی، خصمانه، علیه زن، علیه دستگاه با شعارهای تند، اتفاق افتاد به وسیلهی زنها شد. یک حرکت بسیار عظیم و مهمی به وسیلهی زنها شروع شد و این حرکت، آن وقتی که تداوم پیدا کرد هم، باز زنها در او یک نقش فوق‌العاده فعالی را به عهده گرفتند، چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب. اما فقط حضور در صحنه‌های شعار و تظاهرات کار زنها نبود، بلکه یک حرکت عظیم دیگری هم به وسیلهی زنان انجام گرفت و آن فداکاریها، گذشتهایی بود که نسبت به همسرانشان، فرزندانیشان، برادرانشان ابراز کردند. این هم فوق‌العاده مهم بود و چیزی است که در دنیای موجود و در تاریخ گذشتهی ما بسیار کم‌نظیر است، این هم یک حرکت که انجام گرفت. کارهای پشت جبهه انجام دادند، کمک به امداد کردند، کمک به جنگ کردند، حتی اوایل در جبهه‌ی جنگ هم رفتند که آن کار غلطی بود البته، درست نبود، این روی شوق و اشتیاق انجام میگرفت و به نفس عمل کار درستی نبود که بروند در میدان جنگ و بخواهند بجنگند،

۱. در دیدار خانواده‌های شهدای گچساران (۷۳/۳/۲۰)

در حالیکه مردها بودند احتیاجی هم نبود.^۱

نقش محوری زن در میدانهای مختلف

خوشبختانه زنان ما این را نشان دادند که هنگام مبارزه میتوانند محور مبارزه قرار گیرند. این راه هم در دوران انقلاب و هم در دوران جنگ و تا امروز نشان داده‌اند. آنچه در این میان جایی ندارد یا جای زیادی ندارد، پرداختن به ارزشهای پوچ و خیالی و بیهوده است.

در جایی که مسأله‌ی دین و اخلاق جامعه و مبارزه مطرح است، زن در صفوف مقدم قرار میگیرد و درسی برای مردان جامعه - شوهران و فرزندان - میشود. این، همان کاری است که در نظام اسلامی انجام گرفت.^۲

حضور فعال زنان در میدان فرهنگ و انقلاب اسلامی

البته زنان شجاع و آگاه و مقاوم و صبور ایران، در دوران انقلاب، در دوران جنگ - چه در پشت جبهه، چه در جبهه، چه در داخل خانه‌ها - و کلاً در همه‌ی میدانها حضوری فعال داشتند. امروز هم در میدان سیاست، در میدان فرهنگ، در میدان انقلاب، در فعالیتهای مقابل چشم دشمنان جهانی، زنان ما حضور فعال دارند. امروز اجتماع عظیم شما در اینجا، یک مفهوم فرهنگی، یک مفهوم سیاسی و یک مفهوم اجتماعی دارد. آن کسانی که قضایای کشور عزیز ما و نظام جمهوری اسلامی را تحلیل میکنند، وقتی این اجتماع عظیم، این اراده‌های استوار، این آگاهی، این شور و شوق را از شما مشاهده میکنند، نسبت به ایران بزرگ و ملت عظیم‌الشأن و نظام مقدس جمهوری اسلامی، احساس تعظیم و ستایش خواهند کرد.^۳

۱. در دیدار با خواهران واحد حزب جمهوری اسلامی تهران (۶۱/۱۱/۱۴)

۲. در دیدار جمعی از پرستاران (۷۴/۷/۱۲)

۳. در اجتماع زنان خوزستان (۷۵/۱۲/۲۰)

پیروزی انقلاب؛ مرهون ایمان و اراده‌ی زن مسلمان

ای زن مسلمان! ای مادری که کودک خردسالت را در آغوش گرفتی و به میدان خطر رفتی و جان خودت و کودکت را در معرض خطر گذاردی! ای مادر! ای همسر! ای خواهر که حاضر برای فداکاری شدی تا انقلاب پیروز شد و اگر نیروی ایمان و اراده‌ی تو زن مسلمان نبود، انقلاب پیروز نمیشد! امروز هم انقلاب محتاج توست.^۱

نقش مؤثر و بی‌جایگزین زنان در انقلاب اسلامی

زنان یک نقش مؤثر و بی‌جایگزین داشتند؛ که اگر نبودند زنان توی این اجتماعات، بلاشک این اجتماعات عظیم و این تظاهرات عظیم، آن اثر را نمی‌بخشید؛ علاوه بر اینکه در بعضی جاها مثل مشهد ما، اصلاً شروع این تظاهرات، از زنان شد؛ یعنی اولین حرکت عمومی مردمی، یک حرکت زنانه بود. البته مورد تعرض پلیس هم قرار گرفتند. بعد از آن بود که حرکت‌های مردانه راه افتاد. هم در مبارزات اینجور بود، هم در ایفای نقش در تشکیل نظام، هم در دوران سرعت پدیدآمده‌ی بعد از تشکیل نظام.^۲

ورود زن به متن انقلاب اسلامی؛ رمز پیروزی

این چیزی که فرهنگ انقلاب را در ذهن زنها می‌کارد، روحیه‌ی انقلاب را به اینها تلقین میکند، اخلاق انقلابی را در اینها میدمد، آن همین اسلام انقلابی است و به همین دلیل است - اینجا من می‌خواهم نتیجه بگیرم - و به این دلیل است که ما به همه‌ی کشورهای اسلامی و به همه‌ی انقلاب‌هایی که در دنیا هستند، این دو مطلب اساسی را یادآور می‌شویم. اول اینکه زنان را در متن انقلاب داخل کنند که بودن زنها ادامه‌دهنده، محکم‌کننده، استوارکننده‌ی پایه‌های انقلاب است؛ دوم اینکه اسلام را متن انقلابشان و متن حرکتشان بگذارند. و به همین دلیل است که ما به حرکت امروز فلسطین امیدوارتریم

۱. در خطبه‌های نماز جمعه (۵۹/۴/۱۳)

۲. در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)

تا حرکتهای گذشته؛ زیرا این حرکت با نام خدا و با روحیه‌ی اسلامی دارد آغاز میشود. حرکتی است متکی به اسلام، با شعار اسلامی، با روش و منش اسلامی.^۱

برجستگی خاص نقش بانوان در پیروزی انقلاب اسلامی

این یک چیز قهری است که در جوامعی که خانواده بنیان مستحکمی دارد و محیط خانوادگی و کانون خانوادگی به شکل انسانی خودش رونقی دارد، زن و مرد از هم جدا نیستند. در دو محیط نمیتوانند فکر کنند، با دو بینش نمیتوانند با مسائل زندگی روبرو بشوند، اگر مرد باید مبارزه بکند زن باید مبارزه را و مبارزه‌ی او را پذیرا باشد و مشکلات او را که بیشتر هم متوجه زنان به خصوص همسران بود تحمل کند. این بخش عظیم تلاش زنان دوران مبارزه بود در طول سالهای اول مبارزه. البته در کنار او فعالیت بانوانی که وارد میدان مبارزه‌ی مثبت شدند، خودشان مستقیم فعالیت کردند هم نباید نادیده بگیریم. در دو سه سال آخر مبارزه ناگهان نقش بانوان در پیروزی انقلاب و در قیام عظیم مردم یک برجستگی خاصی پیدا کرد و این را دنیا و تاریخ هم باید بدانند که تا همین امروز در میدانهای کار و تلاش و احساسات مبارزه‌گرانه و مبارزه‌جویانه و احساس شور انقلابی زنها در کشور ما از مردها جلو هستند، اولین پاسخ‌دهندگان به همه‌ی دعوتهای بزرگ انقلابی بانوان هستند فرزندان را و شوهران را مادران و همسران هستند که تشویق میکنند به حضور در میدانهای پرخطر. این در جامعه‌ی ما یک واقعیت موجود و ملموس است. یک ادعا نیست و از پیش از پیروزی انقلاب این روند شروع شد؛ یعنی خانمها اولین راهپیمایی‌های خطرناک را شروع کردند و در میدانهای پرخطر حضور پیدا کردند و محیطهای خانواده را لبالب از احساس قهر انقلابی کردند و کانون مبارزه را گرم کردند.^۲

۱. در دیدار با ۱۰۷ نفر از خواهران مکتب نرجس (۶۱/۲/۲)

۲. در کنگره‌ی جهانی زن (۶۶/۱۱/۱۷)

حضور زن؛ باعث حضور کل خانواده در مبارزه

نقش اجتماعات زن در پیروزی انقلاب به احتمال زیاد از اجتماعات مخصوص مردان بیشتر بود. وقتی زن خانه‌ی خود را در مبارزه سهم میدانست و وارد میدان میشد، در واقع خانه را می‌آورد در میدان مبارزه حاضر میکرد. در جنگ هم اگر مادران و همسران شهدا این صبر را نمیکردند، جنگ دچار مشکلات بسیار سنگینی میشد. نقش زنان در جامعه، زنان ما را از یک آگاهی و رشد سیاسی برخوردار کرد. زن وقتی از سواد و آگاهی سیاسی برخوردار باشد، کسی نمیتواند به او زور بگوید.^۱

نقش زنان در پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی

بانوان در پیروزی و تداوم انقلاب و در مقابله با حوادث بزرگ دوران ده ساله، یکی از بارزترین و درخشانترین نقشها را داشته‌اند. امام فقید بزرگوار ما، با توجه به این نقش حساس بود که در ستایش زنان جمهوری اسلامی، بارها لب به سخن گشوده و یادگارهای ارزنده‌ای از قضاوت خود در این مورد برای نسلهای آینده بر جای نهاده است.^۲

نیمی از افتخار پیروزی انقلاب، منحصر و متعلق به زنان

واقعاً یکی از بزرگترین معجزات اسلام که در انقلاب اسلامی ما آشکار شد، همین بود. شما ببینید برای زنهای ما چه خواب و حشت‌انگیزی استعمار و غرب دیده بود. می‌خواست زنهای را به کجا سوق بدهد؟ با چه فرهنگی آنها را آلوده و آمیخته بکند و امروز زنهای ما چی‌اند؟! ■

در پیروزی انقلاب اسلامی اگر ما بگوییم زنهای نیمی از افتخار پیروزی را به خودشان منحصر و متعلق کردند، یقیناً مبالغه نکردیم. در بعضی از موارد بنده باید بگویم نقش زنان از نقش مردان بالاتر است.^۳

۱. در جمع خواهران ارومیه (۷۵/۶/۲۸)

۲. در پیام به ملت شریف ایران، در پایان چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینی (ره) (۶۸/۴/۲۳)

۳. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۶۴/۱۲/۲۳)



نقش پنجاه درصدی زنان در عرصه های مختلف انقلاب اسلامی

زن در جامعه‌ی انقلابی ما یک تحرک عظیمی را پیدا کرده از آنچه که درباره‌ی او گفته میشد، اندیشیده میشد، عمل میشد، عملاً خارج شد. امروز در اجتماع ما زنها یک بار سنگینی از انقلاب را بر دوش دارند، مملکت را هر دو گروه دارند میکشند واقعاً، هم زنهایی که مثل شماها در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی هستند، حتی زنهایی که تو فعالیتهای سیاسی هم نیستند، البته نه به قدر شما کمتر از شما اما آنها هم سهم دارند، آنی که تو خانه است، شوهرش را تشویق میکند که برود به جبهه، آنی که تو خانه است فرزندش را تشویق میکند برود به فعالیتهای اجتماعی یا توی جبهه، او هم سهم دارد، او هم سهم عظیم دارد. اگر - ما خودمان این را تجربه کردیم - اگر زن توی خانه با فعالیت شوهر موافق باشد، شوهر امکان فعالیت و تلاشش چند برابر میشود، در آن دوران اختناق هم کسانی بودند که زنهایشان مخالف بودند با فعالیتشان. ما میدیدیم آنها را که بسیار بهشان سخت میگذشت یک عده هم بودند مثل خود من که زنهایشان با فعالیت اجتماعی‌شان، با زندان رفتنشان، با مبارزه کردنشان موافق بودند، کلی کمک میکرد به تلاش و مبارزه‌ی انسان، آسایش انسان. ببینید چقدر نقش زن در داخل خانه حتی آن زنی که بیرون هم نمی‌آید از خانه، به حزب هم نمی‌آید، به میدانم سپاه هم نمیرود، به جهاد هم نمیرود، به جبهه هم نمیرود، به بیمارستان هم نمیرود، اما تو خانه اجازه میدهد که شوهرش برود به این فعالیتهای برسد یا فرزندش برود به جبهه و به جبهه کمک کند، اینها هم ارزشمندند، اینها هم نقش دارند. وقتی مجموعاً نگاه میکنیم، میبینیم که امروز در ایران نقش زن اگر نخواهیم خیلی مبالغه کنیم یک نقش پنجاه- پنجاه است. پنجاه درصد مردها دارند عمل میکنند، پنجاه درصد زنها دارند عمل میکنند. پنجاه درصد امروز زنها دارند عمل میکنند و این چیز بسیار عظیم و ارزشمندی است.^۱

۱. در دیدار با خواهران واحد حزب جمهوری اسلامی تهران (۶۱/۶/۴)

زنها حداقل مالک پنجاه درصد این انقلابند؛ زیرا که پنجاه درصد ملت ما زنها بودند و زنها حضورشان در صحنه از مردها کمتر نبود و در مواردی بیشتر بود.^۱

دو نقش مؤثر زنان در پیروزی انقلاب اسلامی

زنان در پیروزی انقلاب اسلامی دارای دو نقش مثبت و مؤثر بودند؛ نقش اول آنها فعالیت مثبت و مستقیم در مبارزه‌ی خود و نقش بعدی زنان که از اهمیت بیشتر برخوردار است، صبر، شکیبایی، مساعدت و تحمل مشکلات ناشی از مبارزه بود. بسیاری از زنان در انقلاب اسلامی مشوق همسران خود بودند. معمولاً در انقلاب بیشترین مشکلات متوجه همسران مبارزان بود. در دو سه سال آخر مبارزه ناگهان نقش بانوان در پیروزی انقلاب و قیام عظیم مردم دچار برجستگی عظیمی شد و خانمها اولین راهپیمایی خطرناک را شروع کردند و در میدانی پرخطر مبارزه، حضور فعال و چشمگیری داشتند. بانوان پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز جزو اولین پاسخ‌دهندگان به همه دعوت‌های بزرگ انقلابی هستند و تا امروز در میدان فعالیت و مبارزه زنها بمراتب جلوتر از مردها هستند.^۲

نقش حیاتی زنان در ثمردهی اصل انقلاب اسلامی

حقاً و یقیناً میشود گفت که زنها در این حرکت عظیمی که در ایران انجام شد که به پیروزی انقلاب و سپس به تداوم انقلاب و به پایداری مردان در جنگ منتهی شد، نقش حیاتی و تعیین‌کننده‌ای داشتند، در این هیچ شکی نیست. همسران و مادران و خواهران و عناصر مؤثر در حرکت مردان که به جای خود و در این شکی نیست اما علیرغم اینکه نقش زنان در انقلاب و در جنگ یک نقش فوق‌العاده‌ای بوده واقعاً اگر زنهای ما این روحیه را

۱. در مصاحبه با سردبیران مجلات وزارت ارشاد (۶۰/۱۲/۴)

۲. در کنگره‌ی جهانی زن (۶۶/۱۱/۱۷)

نداشتند و این ایمان را نداشتند ما نمیتوانستیم حالا اینجایی که هستیم باشیم و خیلی عقبتر از اینها بودیم و شاید اصل انقلاب به ثمر نمرسید. با وجود همه‌ی اینها من یک نکته‌ای را میخواهم عرض بکنم و او این است که نقش خانمها به این اندازه تمام نمیشود. نقش شما زنان مسلمانان از آنچه تاکنون انجام دادید که بسیار هم ارزنده است باز هم میتواند بیشتر باشد.^۱

نیاز آینده‌ی انقلاب به حفظ ظرفیت حضور زنان

نقش زنان، یک نقش بی‌بدیلی است. پس خود این نقش، اقتضا میکند؛ چون آینده دارد. تازه از عمر انقلاب، سی و دو سال گذشته. سی و دو سال برای یک انسان هم عمر جوانی است، چه برسد برای یک تاریخ. این نظام الهی باید صدها سال عمر کند. ما هنوز در اوّل جوانی‌اش هستیم. آینده احتیاج دارد به این حضور زنانه در مجموعه‌ی حضور ملی. پس بایستی ما راجع به مسأله‌ی زن و حفظ این ظرفیت که در جامعه‌ی ما وجود دارد، تلاش کنیم. این دلیل اوّل است برای اینکه باید به مسأله‌ی زن پردازیم.^۲

نقش زینب گونه‌ی زنان در پیشبرد انقلاب اسلامی

انقلاب ما انقلاب زینبی است. از اوّل انقلاب، زنان یکی از برجسته‌ترین نقشها را در این انقلاب ایفا کردند. هم در خود حادثه‌ی بزرگ انقلاب، هم در حادثه‌ی بسیار بزرگ هشت سال دفاع مقدّس، نقش مادران، نقش همسران، از نقش مجاهدان اگر سنگینتر و دردناکتر و تحمّل‌طلبتر نبود، یقیناً کمتر نبود. مادری که جوان خودش را، عزیز خودش را، دسته‌ی گل خودش را هجده سال، بیست سال - کمتر، بیشتر - پرورش داده، با آن محبّت مادرانه او را به ثمر رسانده، حالا او را به طرف میدان جنگ میفرستد، که معلوم نیست حتی جسد او هم برخواهد گشت یا نه. این کجا، رفتن خود این جوان کجا؟ که خوب، این جوان، با شور و هیجان جوانی، همراه

۱. در دیدار با جامعه‌ی حضرت زینب(س) (۶۶/۱۱/۲۷)

۲. در سوّمین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)

با ایمان و روحیه‌ی انقلابی‌گری، حرکت میکند و میرود. کار این مادر، از کار آن جوان اگر بزرگتر نباشد، کوچکتر نیست. بعد هم که جسد او را برمیگردانند، افتخار میکند که بچه‌ی من شهید شده. اینها چیز کمی است؟ این، حرکت زنانه، حرکت زینب‌گون در انقلاب ما بود. عزیزان من، خواهران، برادران! انقلاب ما اینجوری پیش رفت. قدرت و عظمت این انقلاب به این چیزهاست؛ به دل دادن به معنویت، مجذوب شدن در مقابل لطف الهی.^۱

لقب قهرمان؛ زینب‌دهی زنان مسلمان انقلابی

همه موظفند که در سرتاسر این جبهه‌ی وسیع به دفاعی از سر ایمان و شور و اخلاص کمر بندند. وظیفه‌ی همگانی است، هر چند سنگرها متفاوت است. سخن در این است که زنان در این جبهه‌ی وسیع، نقش‌آفرین جهادی کم نظیر و بی‌سابقه بوده‌اند. زنان ما چه در انقلاب و چه در جنگ تحمیلی هشت ساله نشان دادند که در میان خود زبده‌گانی دارند که هر نام و عنوان دیگری جز «قهرمان» برای آنان کوچک است. آنان در نقش مادران و همسران و تلاشگران چهره‌ای از زن ترسیم کرده‌اند که حتی در صدر اسلام، جز در مواردی بس معدود، شبیهی برای آن نمیتوان یافت.^۲

تاریخترین نقش زنان

در مورد مسؤولیت خواهران در وضع کنونی انقلاب و کشور حرف زیاد است، همچنین در مورد نقشی که زن در انقلاب ما و در رسیدن ما به این مرحله‌ی از موجودیت دارا بوده. و من میخواهم بگویم که این نقشی که تا به حال زنان در این انقلاب داشتند و در تشکیل این جمهوری داشتند و نقشی که در آینده زنان در تداوم انقلاب خواهند داشت، جزو تاریخترین نقشهایی

۱. در دیدار با گروه کثیری از پرستاران (۸۹/۲/۱)

۲. در مصاحبه پیرامون جایگاه زن در جمهوری اسلامی (۶۳/۱۲/۴)

است که در طول زمان زن داشته. اما در پیروزی انقلاب ما میدانیم که انقلاب ما با حرکت مردم پیروز شد؛ یعنی اگر عامه‌ی مردم حرکت نمی‌کردند این انقلاب پیروز نمیشد، یا به این شکل پیروز نمیشد. در حرکت عامه‌ی مردم عوامل زیادی نقش داشتند، لکن یکی از عوامل حتمی و قطعی، حضور زنان در صحنه‌ها بودند. بی‌شک اگر زنان در صحنه‌ها، در آن تظاهرات، در اجتماعات، در خانه‌ها سهم خودشان را ایفا نمی‌کردند، این اجتماعات عظیم مردمی به وجود نمی‌آمد. در خانه‌ها هم زنها سهم ایفا کردند و این چیز مهمی است، این را نباید کم گرفت. اگر دل زن و فکر زن در خانه با یک جهتگیری و با یک جریان همراه نباشد مرد نمیتواند آنجور همه‌ی نیروی خودش را در این راه مصرف کند. پس زنها در حقیقت دو کار میکردند، هم با جسم خودشان در میدانها و در خیابانها و در شهادتگاهها و در قتلگاهها و در این تظاهرات میلیونی شرکت میکردند و آنچه که بود آن را دو برابر میکردند؛ هم با روح خودشان، با فکر خودشان، با دل خودشان، با اعتقاد عمیقی که به این جریان داشتند کیفیت را بالا میبردند، مردها را تشجیع میکردند، آنها را به این کار تشویق میکردند، برای آنها محیط تصمیمگیری مناسب به وجود می‌آوردند؛ این دو تا حرکت است، حرکت دوّم کم‌اهمیتتر از حرکت اوّل نیست. به این ترتیب شد که آن اجتماعات به وجود آمد و انقلاب پیروز شد. بعد از انقلاب هم تا امروز در هیچ حرکتی شما نمیتوانید سراغ بدهید که زنها حداقل به اندازه‌ی مردها نباشند، اگر نگوییم بیشتر. این نمازجمعه‌های ماست، این تظاهرات ماست، این اجتماعات عظیم ماست، این شعار دادن و آرمانها را با صدای بلند فریاد کردن ماست، در همه جا زنها آن نقش اساسی و واقعی خودشان را دارا بودند. خب حالا ما نمیخواهیم با این حرفها تعریف از زنها بکنیم، مجامله کنیم؛ زیرا دلیلی ندارد که تعریف کنیم، خب یک مشت خواهر و برادر مسلمانیم، هرکسی کار خودش را انجام میدهد و انجام داده، اینجور نیست که حالا ما بخواهیم به‌خصوص



برای زنها یک باب تعریفی باز کنیم، نه؛ زنها هم بودند، مردها هم بودند، حرف دیگری میخواهیم بزنیم، این مهم است.^۱

سهم زن در بزرگترین حوادث زندگی یک جامعه

ایمان انقلابی در وجود زن مسلمان ایرانی چنان معجزه‌ای نشان داد که بی‌شک در طول قرن‌ها سرچشمه‌ی ایمان مخلصانه‌ی انبوه مردان و زنان خواهد شد. زن مسلمان ایرانی چنانکه امام عزیزمان فرموده‌اند، در طول تجربه‌ی جنگ تحمیلی ثابت کرد که سهم زن در بزرگترین حوادث زندگی یک جامعه میتواند همسنگ و گاه بیشتر از مردان باشد. بحقیقت باید گفت که ارزشگذاری الهی اسلام برای زن در خلال حوادث جنگ تحمیلی چنان تجسم و تبلوری یافت که هرگونه داعیه‌ی مدعیان مادی حمایت از زن را پوچ و بی‌محتوا قلمداد کرد. ما به نقش زنان در انقلاب و در دفاع از ارزشهای اسلامی افتخار میکنیم و نیز به مکتب حیاتبخش و سازنده‌ی اسلام که چنین شأن والا و تأثیر عمیقی در زنان به جا نهاد.^۲

نقش زن؛ نقش یک عنصر انقلابی

در انقلاب آیا شما هیچ فرق میگذارید بین نقش زن و نقش مرد یا مسؤلیت زن و مسؤلیت مرد؟ البته خب طبیعی است که یک کار خاصی را این مرد میتواند آن مرد دیگر نمیتواند، یا این زن میتواند آن زن دیگر نمیتواند، همینطور کارهایی هست که مرد میتواند زن نمیتواند و کارهایی هم هست که زن میتواند مرد نمیتواند. تقسیم کار یک چیز طبیعی است، اما مسؤلیت‌ها مشترک است، انگیزه‌ها مشترک است، هدفها مشترک است، مخاطب بودن به خطاب و نهیب انقلاب مشترک است، زن و مرد ندارد خب، زن همان کاری را باید بکند که مرد باید بکند؛ این چه سؤالی است که شما میکنید که نقش زنها را شما چه میدانید؟ بنده نقش زنها را نقش یک

۱. در دیدار با ۱۰۷ نفر از خواهران مکتب نرجس (۶۱/۲/۲)

۲. در پیام به سمینار نقش زن در نظام دفاعی کشور



عنصر حزبی انقلابی‌ای که واقعاً برای حزب - یعنی برای تشکّل - اعتبار و احترام قائل است، تشکّل صحیح را یک ارزش میداند و آن را همانطور که تعبیر کردم یک مرکبی میداند برای رسیدن به هدفهای انقلاب که ما را خیلی سریعتر و مرتب‌تر و مطمئنتر به آن هدفها خواهد رساند.^۱

زنان؛ سربازان خطّ مقدّم انقلاب

خانمها سربازان خطّ مقدّم انقلاب بودند و این به معنای واقعی کلمه است و من بعنوان یک مبالغه نمی‌گویم. ما در جریان انقلاب شاهد بودیم که زن در کشور ما سرباز خطّ مقدّم انقلاب شد. اگر زنها با انقلاب سازگار نبودند و این انقلاب را نمی‌پذیرفتند و به آن باور نداشتند، مطمئناً این انقلاب واقع نمیشد. من به این معنا اعتقاد دارم. اولاً اگر آنها نبودند، نیمی از گروه انقلابیون مستقیماً در میدان نبودند. ثانیاً بطور غیرمستقیم روی فرزندان و شوهران و برادران و محیط خانه که زن در محیط خانه دارای تأثیر فرهنگی زیادی است اثر می‌گذاشتند. این حضور آنها بود که توانست ستون فقرات دشمن را بشکند و مبارزه را به معنای واقعی کلمه پیش ببرد. در میدانهای سیاسی نیز، ما خانمهایی را دیده‌ایم و میبینیم که دارای قدرت تحلیل و سخنوری هستند و برای پذیرش مسؤولیت در نظام اسلامی آماده‌اند. البته این کار باز هم رو به گسترش است و باید پیش برود. در زمینه‌های علمی هم که خود شما مصداق و نمونه‌اش هستید و از قبیل شما در رشته‌های مختلف وجود دارند.^۲

حضور زنده و نیرومند زنان در همه‌ی مراحل انقلاب

چقدر مادران و همسران و خواهران شهدا و سایر بازماندگان آنها در دوران جنگ و قبل از آن استقامت و ثبات از خود نشان دادند که گاهی

۱. در دیدار با شورای خواهران حزب جمهوری اسلامی (۶۳/۹/۲۲)

۲. در دیدار گروهی از زنان پزشک سراسر کشور (۶۸/۱۰/۲۶)

موجب تعجب انسان میشود؛ زیرا نمونه‌ی آن را در تاریخ اسلام کم میبینیم.

حضور خانمها در همه‌ی مراحل انقلاب، حضوری زنده و نیرومند و قوی بود و توانستند بارهای سنگین را تحمل کنند و مصیبت‌های بزرگ را از سر بگذرانند. در طول تاریخ اسلام، مانند زنهای ما، نادر و کمیاب بوده است. یقیناً اگر پشتیبانی و حمایت بانوان کشورمان نمیبود، در دوران جنگ و پیش از آن در همه‌ی مراحل انقلاب، این پیروزیها به دست نمی‌آمد.^۱

نقش پر اهمیت زن در حرکتهای انقلابی

ما کسانی که به نقش زن اهمیت میدهیم؛ در حرکت انقلاب و حرکت نظام جمهوری اسلامی و استقرار این بنا و ما مسلمانها و ما کسانی که فکر میکنیم در مصر، در آفریقا، در خاورمیانه، در همه جای دنیای اسلام اگر زنها حرکت نکنند، حرکت عمومی و همگانی و موفق امکان ندارد انجام بشود و اگر سلیمان خاطرها آن فداکاری را میکنند باید سراغ تربیت یک مادر را اینجا گرفت. ما که اعتقادمان این است، ما که در زن این چنین نقش بزرگی سراغ داریم و آن را تجربه کردیم در انقلاب خودمان و معتقدیم در جاهای دیگر هم باید تجربه بشود، ما بایستی این ابعاد را بررسی کنیم.^۲

رونق و شکوه در انقلاب و در اداره‌ی انقلاب

بعد از پیروزی انقلاب، روال و جریان امور به سمت هدفهای خوبی است، زنان در انقلاب نقش داشتند آن هم نقشی بزرگ. بسیاری از حوادث، حوادث بزرگ کشورمان به کمک زنها آن هم کمک بسیار مؤثر و تعیین‌کننده‌ی آنها شکل گرفت. اگر در راهپیماییها زنها وارد میدان نمیشدند؛ راهپیماییها شکل نمیگرفت. زنها خودشان می‌آمدند و برای انقلاب حرکت

۱. در مراسم بیعت گروه کثیری از خواهران شهرهای مختلف کشور (۶۸/۴/۱۵)

۲. در سمینار نقش زن در جامعه در دانشگاه تربیت معلّم (۶۴/۱۲/۱۰)

میکردند. شوهرها و فرزندان و برادرانشان را هم با خودشان میکشانند و می‌آوردند. در جنگ اگر بانوان جامعه‌ی انقلابی ما معتقد و مؤمن به جنگ نمیشدند، جنگ این رونق و این شکوه را پیدا نمیکرد. خانمها فرزندانشان را، شوهرانشان را تشویق کردند و فرستادند به میدان نبرد و داغ آنها را تحمّل کردند؛ خلاصه اگر ما بخواهیم حساب بکنیم در طول این ده سال و از پیش از انقلاب، تقریباً دوازده سال گذشته اگر سهم زن در جامعه‌ی ما از جهتی بیشتر نباشد از سهم مردان، لاقلاً یک سهم متعادلی را با مردان دارند، این قدم اول. خب دستگاه‌های دنیا و تبلیغات جهانی که برای زن کار میکنند مقصود چیست؟ آیا غیر از این است که میخواهند زن را با شخصیت طبیعی انسانی خودش آشنا کنند و با حقوق خودش او را آشنا کنند و سهم او را در اداره‌ی محیط زندگی جامعه به او برگردانند، این کار با انقلاب در ایران انجام گرفت؛ قدم بسیار بزرگی بود. امروز زن‌ها حقیقتاً احساس میکنند که در انقلاب و در اداره‌ی انقلابی این مرز و بوم نقش دارند، از انقلاب دفاع میکنند و اگر آنها دفاع نکنند انقلاب دچار ضررها و لطمه‌هایی خواهد شد، این یک قضیه. اما قضیه به اینجا خاتمه پیدا نمیکند، مشکل زن فقط این نیست.^۱

ایمان آگاهانه؛ منشاء مبارزات زن ایرانی

کدام عنصر در زن ایرانی توانست او را که بکلی از این مفاهیم دور بود و جدا بود، اینجور تبدیل کند به یک عنصر انقلابی، سیاسی، آگاه، فداکار، مبارز، پرگذشت، متحمّل انواع سختیها. این عنصر، ایمان آگاهانه بود ما در ارزیابی شخصیت زن اگر سراغ دانش و تجربه و تخصص و دیگر چیزهایی که امروز در فرهنگهای جهانی برای زن بعنوان ارزش بحساب می‌آید وقتی می‌رویم در صدر این لیست بایستی روح ایمان آگاهانه را جستجو کنیم، زن کامل و زن دارنده‌ی پایگاه والا و شایسته. زن باید با ایمان و آن هم ایمان

۱. در مراسم بزرگداشت روز زن در استادیوم آزادی (۶۷/۱۱/۸)

آگاهانه زیور یافته باشد تا او را بتوان بعنوان یک زن الگو به حساب آورد.^۱

ورود به میدان با ایمان قلبی

مادرهایی که اگر خار توی پای بچه‌شان میرفت تحمل نمی‌کردند، حالا جسد بچه‌شان را از تظاهرات آوردند توی غسالخانه، مادر نگاه میکند به این میگوید این شهید شده در راه خدا، اصلاً گریه نمی‌کند. چقدر دیدید شماها؟ چقدر شنیدید؟ من خودم هم دیدم، هم شنیدم. این ایمان است، ایمان اسلامی. اول چیزی که انسان را حرکت می‌دهد در این راه‌های اساسی و تعیین‌کننده ایمان قلبی انسان است. بعد از ایمان، بعد از حرکت، شناخت بتدریج عمیق می‌شود.

«وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»^۲؛ کسانی که در راه ما مجاهدت میکنند ما راهها را برای آنها روشن میکنیم، آنها را هدایت میکنیم این یک واقعیتی بود که انجام گرفت در جامعه‌ی ما، زنها از روی ایمان وارد میدان شدند، بعد خدای متعال بر اثر حرکت، بر اثر تلاش و مجاهدت به آنها شناخت داد، به آنها نور داد، به آنها عمق اندیشه‌ی اسلامی داد؛ لذاست که امروز محکم ایستادند.^۳

نقش اول در تحولات تاریخی در سایه‌ی ایمان و آگاهی

بطور حتم، اگر بانوان کشور ما این حضور فداکارانه و مواج از آگاهی و اراده و ایثار را از خود نشان نمیدادند، سرنوشت انقلاب و جمهوری اسلامی چیز دیگری میبود و هرگز این توفیقات بزرگ تاریخی نه در پیروزی انقلاب و نه در حوادث بعد از آن به دست نمی‌آمد. نقش زنان در انقلاب ثابت کرد که زن در سایه‌ی ایمان و آگاهی و به دور از منجلاب فساد که دنیای غرب بر او درست کرده است، میتواند نقش اول را در

۱. در مراسم افتتاحیه‌ی کنگره‌ی بین‌المللی زن و انقلاب جهانی اسلام (۶۶/۱۱/۱۷)

۲. سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۶۹

۳. در دیدار با ۱۰۷ نفر از خواهران مکتب نرجس (۶۱/۲/۲)



تحوّلات تاریخی ایفا کند. ثابت کرد که افتخار و عظمت زن در چیزهایی که دستهای آلوده صهیونیسم برای او در دنیای منحنّ کنونی فراهم آورده، نیست؛ بلکه زن در سایه‌ی طهارت و عفت و احساس مسؤولیت است که میتواند دوشادوش مردان و در مواردی جلوتر از آنها، گام بردارد.^۱

اخلاق اسلامی و توکل بر خدا، عقبه‌ی ملت ایران در مبارزه با استکبار

عقبه‌ی ما، در مبارزه‌ی ملت ایران با قلدری استکبار جهانی، عبارت بود از «فرهنگ» ما. منطقه‌ی عقبه‌ی ما عبارت بود از اخلاق اسلامی، توکل به خدا، ایمان و علاقه به اسلام. یعنی علاقه‌ی آن مادری که چهار پسرش شهید شده‌اند و می‌گویند من اینها را در راه اسلام دادم، و به این راضی است. بنده خانواده‌هایی را از نزدیک دیده‌ام - یعنی به خانه‌ی آنها رفته‌ام و با پدران و مادران صحبت کرده‌ام. روایت نیست؛ خودم از نزدیک دیده‌ام - خانواده‌ای که دو پسر داشتند، هر دو شهید شدند. خانواده‌ای که سه پسر داشتند و هر سه شهید شدند. این مگر شوخی است؟! این مصیبت، مگر قابل تحمل است؟! این پدر و مادر باید از غصه دیوانه شوند. آن وقت، مادر، که عواطف جوشانتری هم دارد، با کمال قدرت می‌گوید: «ما اینها را در راه اسلام دادیم و حرفی نداریم.»^۲

پیروزی انقلابها با ورود زنان با ایمان

اگر چنانچه اسلام در یک جامعه‌ای مطرح شد، آن ایمان مذهبی، ایمان اسلامی زنها را از خانه‌ها میکشد بیرون، می‌اندازد در میدان مبارزه. البته یک تذکر لازمی هم باید عرض کنم، مبارزه‌ی ما از اوّلی که شروع شده از ایمان شروع شده، هر چه می‌گذرد بایستی این ایمان با شناخت و با عمق شناخت بیشتر آمیخته بشود.^۳

۱. در پیام به ملت شریف ایران، در پایان چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینی (ره) (۶۸/۴/۲۳)

۲. در دیدار وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور (۷۱/۵/۲۱)

۳. در دیدار با ۱۰۷ نفر از خواهران مکتب نرجس (۶۱/۲/۲)

بی‌نصیب بودن مدعیان آزادی غربی از افتخارات زن ایرانی بعد از انقلاب

خیلی از کسانی که امروز به اصطلاح سنگ حقوق زن را به سینه می‌زنند، در واقع سنگ آزادی غربی و بی‌بندوباری را به سینه می‌زنند و از غربیها تقلید میکنند؛ همینهایی که گاهی چیزهایی هم مینویسند. اینها از آن افتخارات سهمی نداشتند؛ از آن عظمتی که زن ایرانی در این هجده ساله‌ی بعد از پیروزی انقلاب نشان داده و آفریده است، سهمی نداشتند و کار بزرگی نکردند. خیلی از اینها به فکر جیب خود، درآمد خود، کیف خود و وسایل آرایش و زینت خود بودند. اینها هیچ عظمتی ندارند. آن نسخه، نسخه‌ی غلطی است. اگر نسخه‌ی غربی در مورد زن درست بود، غربیها مجبور نمیشدند دوباره بعد از هفتاد، هشتاد سال، صد سال، مجدداً یک نهضت حقوق زنان راه بیندازند. مقصود، نهضتی است که سالهای اخیر به راه انداختند.^۱

پرورش ستونهای استوار جمهوری اسلامی

اگر همه‌ی مردها و همه‌ی رهبران هم نباشند، من دارم میبینم در مقابل چشمم، میدانم که جامعه‌ی زنان کشور ما مثل جامعه‌ی مردان البته - عرض کردم یک امتیاز خاصّی نمیخواهیم به یک جنس از دو جنس بدهیم - این راه را ادامه خواهند داد مثل آحاد مردم، مثل توده‌ی مردم، باز در دامانشان دختر و پسر مؤمن خواهند پرورید، برای آینده‌ی استوانه‌ها و ستونهای استوار جمهوری اسلامی را خواهند گذاشت. این کار را شما باید بکنید، این کار زنان است.^۲

۱. در همایش بزرگ خواهران در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

۲. در دیدار با ۱۰۷ نفر از خواهران مکتب نرجس (۶۱/۲/۲)

زنان بزرگ؛ پرورش‌دهنده‌ی انسانهای فداکار

در جامعه‌ی خود ما هم از این قبیل زنان زیاد داشتیم، در دوران اختناق هم کم و بیش داشتیم. در دوران مبارزات، بعد در دوران نظام اسلامی، زنان بزرگ، این زنانی که توانستند شهیدانی را پرورش بدهند، این زنانی که توانستند شوهران یا فرزندان خود را به صورت انسانهای فداکاری در بیاورند که بروند و از کشور و انقلاب دفاع کنند، از هستی ملت و از آبروی ملت دفاع کنند اینها زنان بزرگی هستند. این زنان بودند که توانستند این کار بزرگ را بکنند و من موارد متعددی را شاهد بودم.^۱

نقش مادران شجاع و همسران پرگذشت در میدانهای جنگ و سازندگی

انقلاب، زنهای مسلمان را آنچنان ارزشی بخشید که هیچگاه زن ایرانی در طول تاریخ خود اینقدر موقعیت و ارزش نداشته است. امروز زنان کشور ما نیمی از تلاش و فعالیت این جامعه‌ی پرتلاش و پرتحرک را برعهده دارند. اگر زنان مسلمان ما نبودند، میدانهای جنگ ما اینطور با شجاعت و شهامت و ایثار رزمندگان و جوانان آمیخته نمیشد. اگر مادران شجاع نبودند، اگر همسران پرگذشت و فداکار نبودند، فرزندان و شوهران نمیتوانستند به این کارهای دشوار تن بدهند. امروز کار سازندگی کشور و کار مبارزه‌ی ما با استکبار جهانی بر روی دوش زن و مرد است و زنان سهم مهمی را دارند. زنان و مردان ما باید توجه کنند، این نعمت بزرگ را حفظ کنند.^۲

درخشندگی در صحنه‌ی مبارزه

مرد ترجیح میدهد که زن و بچه‌اش در خانه بمانند و خودش به میدان برود. مثلاً ما که اهل مبارزه بودیم، حاضر نبودیم زنانمان را به میدان مبارزه ببریم. میگفتیم: «شما باشید؛ ما خودمان میرویم این کار را میکنیم.» اما زن وقتی به میدان مبارزه میرود، شوهرش را با خودش میبرد و جلوتر میفرستد.

۱. در همایش بزرگ خواهران به مناسبت جشن میلاد کوثر (۷۶/۷/۳۰)

۲. در دیدار با گروهی از خواهران (۶۳/۱۲/۲۱)

زن، چنین عنصری است. این شخصیت، این تأثیر ذاتی، این درخشندگی در صحنه‌ی مبارزه و اینکه مبارزه بود و هست و خواهد بود را باید حفظ کرد.^۱

افتخار زنان از حضور در سنگر مبارزه

زنی که هم بار مبارزه را بر روی دوش خودش احساس میکند، نمیگوید مبارزه مال مردها، مال جبهه‌ها، نه، واقعاً احساس میکند که او هم در سنگر است بلکه احساس میکند که پشت خاکریز اول است. وقتی شوهر او میرود جبهه یا جوانش میرود جبهه، و در آنجا پیکرش به خون آلوده میشود و این جسد پاک و مطهر را می‌آورند، این زن احساس میکند که او کاری انجام داده و افتخار میکند. احساس نمیکند که خب حالا یک مصیبتی پیش آمده باید تحمل کرد، ببینید چقدر فرق است بین آن احساس و این احساس. یک روز زن مؤمن ما اگر یک مصیبتی برایش پیش می‌آمد، وقتی مؤمن بود میگفت خب چی کار کنیم یک مصیبتی است دیگر باید تحملش کنیم یک جور، خوب هم هست البته. اما از این بالاتر، از این افتخارآمیزتر، از این ارزشمندتر آن احساس دوّم است و او این است که او اگر شوهرش نرود یا جوانش نرود احساس میکند یک باری بر دوش اوست، بعضیها حتی احساس گناه میکنند. وقتی که این عزیز رفت جبهه و آغشته به خون جسد او را آوردند آن وقت این احساس میکند که کاری انجام داده، نه اینکه دلش نمیسوزد، که اگر دلش نمیسوخت انسان نبود اما مثل همه‌ی انسانهای بزرگ احساس میکند که در راه خدا انفاق لازم خودش را کرد. این همان چیزی است که از زنها با تربیتی که دنیا میخواست به زن بدهد و با نقشه‌ای که دنیا برای زن و برای همه‌ی نسلها، متتها به وسیله‌ی زن کشیده بود و چیده بود، دنیا با این سابقه از یک چنین احساسی خبر ندارد. این ارزش والای زن امروز ایرانی این است و تازه این یک قسمت قضیه است.^۲

۱. در دیدار اعضای شورای مرکزی جمعیت زنان (۷۱/۲/۱۵)

۲. در دیدار با جمعی از خواهران آموزش و پرورش (۶۳/۱۱/۷)

ایستادگی زنان در دفاع از مقدّسات

همه‌ی زن و مرد باید در صف واحد باشند. زنهای ما هم به فضل الهی در دوره‌ی حاکمیت اسلام مثل مردها در جبهه‌های دفاع از مقدّسات و ارزشها ایستاده‌اند. این جوانانی که در جبهه‌ی جنگ یا در مبارزه با اشرار و مفسدان اجتماعی و اقتصادی به شهادت رسیدند، پرورش یافته‌ی همین دامنهای پاکند.^۱

حضور عظیم و ایستادگی زنان؛ عامل پیروزی در انقلاب و جنگ

با همین نگاه بود که وقتی نهضت اسلامی به مرحله‌ی انقلاب اسلامی رسید و زنان با همان برداشت طبیعی که از اسلام در جامعه‌ی زنانه بود، جلو افتادند؛ امام فرمودند - و درست هم فرمودند - که: اگر زنان در این نهضت همکاری نمیکردند، انقلاب هم پیروز نمیشد. یقیناً اگر زنها در داخل خیابانها و در راهپیماییهای عظیم حضور پیدا نمیکردند - آن حضور عظیم و باشکوه زنان در دوران انقلاب - انقلاب پیروز نمیشد. در جنگ تحمیلی اگر امثال همین مادر گرامی سه شهید و مادران شهیدان و همسران شهیدان - که من افتخار داشته‌ام با هزارها نفر اینها از نزدیک نشست و برخاست و گفتگو کنم و خصوصیات آنها را مشاهده کنم - ایمان خود، صبر خود، ایستادگی خود، معرفت خود و روشن‌بینی خود در قبال ضایعات جنگ و فداکاریهای جوانان و مردان را نشان میدادند، جنگ پیروز نمیشد. اگر مادران و همسران شهدا بیصبری نشان میدادند، شوق جهاد در راه خدا و شهادت در دل مردها میخشکید؛ این‌گونه نمیجوشید؛ این‌گونه به جامعه طراوت میداد. در میدان جنگ هم زنان نقشهای درجه‌ی اول را ایفا کردند. اگر در طول انقلاب، وفاداری زنان، عواطف زنان، حضور زنان در میدانهای مختلف، در راهپیماییها و در انتخاباتها نمی‌بود، یقیناً این حرکت

۱. در جمع مردم زاهدان در استادیوم آزادی (۸۱/۱۲/۴)

عظیم مردمی نمیتوانست اینگونه شکل پیدا کند و ادامه یابد. این نظر اسلام است، این نظر نظام اسلامی است.^۱

زنان و سرود حماسه‌ی جنگ و انقلاب

ما در جنگ و انقلاب مشاهده کردیم که نقش خانمها اگر از مردها بیشتر نبود، کمتر نبود. اگر زنها حماسه‌ی جنگ را نمیسروودند و جنگ را در میان خانه‌ها بعنوان یک ارزش تلقی نمیکردند، مردها اراده و انگیزه‌ی رفتن به میدان جنگ را پیدا نمیکردند. دهها عامل دست به دست هم میدهد تا خیل عظیم بسیجی را به سمت جبهه روانه میکند. یکی از مهمترین این عاملها، روحیه‌ی مادرها و همسرها و زنهاست. من، شاید بتوانم ادعا کنم که در ملاقات با خانواده‌های معظم شهدا، روحیه‌ی مادری را شکسته ندیده‌ام. گرچه همه یکی نیستند، برخی قویتر و برخی ضعیفترند، بعضی مطلب را به آن روشنی درک نکرده‌اند و برخی آن را در اوج وضوح حقیقت دریافته‌اند، ولی در بیشتر خانواده‌ها، روحیه‌ی زن را از مرد بهتر یافتیم. این، وضع زن در جامعه‌ی ما است؛ اما غربیها نه فقط زن، بلکه هر دو جنس را به لجنزار فساد سوق میدهند.^۲

نقش بیسابقه‌ی زن در تاریخ

و آنچه که ما امروز از مجاهدت زنان داریم میبینیم واقعاً بی نظیر است؛ در تاریخ بنده نظیرش را سراغ ندارم. من شخصاً به تاریخ اسلام هم آشنا هستم، خیلی هم دیدم، خیلی هم گفتم اما آنی که من امروز دارم میبینم، نمونه‌هایی که امروز دیده میشود در تاریخ وجود ندارد. خب، ما در تاریخ میخواندیم که یک مادری پسر چهارده، پانزده ساله‌اش را فرستاد میدان جنگ نمیدانم بعد که رفتند پیشش پسره کشته شده بود. رفتند گفت که به

۱. در دیدار با گروه کثیری از بانوان (۷۹/۶/۳۰)

۲. در دیدار با اقشار مختلف مردم و جمعی از پزشکان پرستاران (۶۸/۹/۱۵)

من تسلیت میگوئید یا تهنیت میگوئید، گفتند یعنی چه؟ گفت اگر کشته شده به من تهنیت بگوئید، اگر زنده مانده به من تسلیت بگوئید. ما این را میشنیدیم، تعجب هم میکردیم، یک قدری هم واقعاً دیر باور میکردیم، مشکل باور میکردیم. میشود؟ حالا به من می آیند از بنیاد شهید خبر میدهند که مادری از مردم کاشان سه تا بچه را در حالی که پدر آن بچه‌ها از دنیا رفته بوده، با زحمت، با عسرت، با کارگری بزرگ کرده، به سن هفده، هجده سال رسانده. اولی را میفرستد میدان جنگ شهید میشود، بلافاصله دومی را میفرستد، جسد شهید دوم را برایش می آورند، سومی را فرستاده حالا. بنیاد شهید هر چه کرده به این خانم بقبولاند که شما بچه‌ی سومت را نفرست، گفته من تا دارم میدهم، تا دارم میدهم. همین یکی را دارم میدهم در راه خدا. مادری که این را شماها خوب میفهمید، شاید مردها درست این را نتوانند بفهمند، بدون شوهر، با عسرت، سه تا بچه را خودش با آن زحمت بزرگ کند، هیچکس را هم ندارد. شوهرش بوده و این سه تا بچه‌ها، این سه تا بچه را هم در راه خدا دارد آسان میدهد. شما کجای تاریخ این را سراغ دارید؟! کی میتواند بگوید من در دنیا نظیر این را نشان دارم؟^۱

جمعیت کیفی زنان در مقاطع حسّاس، بیش از نصف جمعیت کشور

آنچه که از نظر ما مهم است و من در طول سنین متمادیه، همیشه میدیدم که حضرت امام (رضوان الله علیه) به آن اهمیت میدادند، شخصیت بخشیدن به زن است. ایشان همیشه سعی داشتند به عنصر زن در جامعه‌ی خودمان، که کما نصف جمعیت کشور و کیفاً - در مقاطع حسّاس - بیش از نصف است، شخصیت ببخشند.

اینکه عرض شد «در مقاطع حسّاس، جمعیت زنان ما، کیفاً بیش از نصف جمعیت کشور است»، اگر برای مردم جوامع دیگر گفته شود، قابل

۱. در دیدار با ۱۰۷ نفر از خواهران مکتب نرجس (۶۱/۲/۲)

فهم نیست. همچنان که اگر برای خود ما در سابق گفته میشد، چندان قابل فهم نبود؛ اما در انقلاب و مسائل جنگ و مقاطع حسّاس، ما این واقعیت را لمس و درک کردیم. بلاشک اگر زنان ما در آغاز انقلاب، به اندیشه‌ی انقلاب و ندا و دعوت امام ایمن نمی‌آوردند، این انقلاب یا اصلاً به پیروزی نمی‌رسید، یا ممکن بود به قیمتهای بسیار گزاف به پیروزی برسد. بیان قضیه این است که مردان - چه شوهران و چه پسران - تحت تأثیر زنان - اعمّ از همسران و مادرانشان - هستند.^۱

زنان؛ عامل شورآفرینی در جنگ

وقتی که در جبهه‌ها لباسهای دوخته و اتوکشیده و یا خوراکیهای بسته‌بندی شده و یا طبخهای بسیار مهربانانه و مادرانه و یا ترشی و مربا... را میبینیم، میفهمم که تلاش بسیاری در پشت جبهه از سوی مادران و زنان وجود دارد. جالبتر آنکه نامه‌هایی به مناسبت جنگ همراه با هدایایی از خواهران به دستم میرسد و حتی بعضی از آنها اظهار میکنند که فرزندان را در راه خدا از دست دادیم و این هدیه را هم میدهیم و یا بعضی از زنان زیورآلات خودشان را که در میان آنها یادگاری خاطره‌انگیز دوران ازدواجشان نیز دیده میشود، برای جبهه‌های جنگ میفرستند. به اعتقاد من بخش مهم محیط گرم و پر شور جنگ مربوط به جهت فکری خواهران است و اگر زنان ما، در این حال و هوای فکری نبودند، نیمی از این شور وجود نداشت.^۲

نقش زن در انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی(ره)

معلم بزرگ انقلاب، حضرت امام خمینی(ره) نقش زن را در انقلاب چه در پیدایش و چه در استمرار آن و نیز جایگاه او را در تکامل جامعه‌ی

۱. در دیدار اعضای شورای مرکزی جمعیت زنان (۷۱/۲/۱۵)

۲. در مصاحبه با ویژه‌نامه‌ی روز زن (۶۰/۲/۵)

اسلامی و بلوغ اسلامی و انقلابی آن، بسی بزرگ میداشت و حقّ هم همین است و این مستلزم آن است که زن ایرانی و زن مسلمان، به مجاهدت خود برای رها شدن از دامها پرداخته و در راه نهاده فرهنگ تباهگر غرب، با اراده‌ای راسخ ادامه دهد و به هیچ رو تسلیم اغوای آنان که زن را ابزاری برای پیشبرد سیاستهای ویرانگر و اسارت‌بار خواسته‌اند، نشود.^۱

نقش بالاتر و تعیین‌کننده‌ی زنان

من اینجا باید به نقش زنان در این حادثه‌ی عظیم و شگفت‌انگیز حتماً پردازم، چون بی‌انصافی است، اگر ما نقش تعیین‌کننده‌ی زنان جامعه‌ی خودمان را در این حوادث، درست ندانیم. واقعاً یکی از بزرگترین معجزات اسلام که در انقلاب اسلامی ما آشکار شد، همین بود. شما ببینید برای زنهای ما چه خواب وحشت‌انگیزی استعمار غرب دیده بود. میخواست زنهای ما را به کجا سوق دهد؟ با چه فرهنگی آنها را آلوده و آمیخته بکند و امروز زنهای ما چه هستند.

در پیروزی انقلاب اسلامی اگر ما بگوییم زنهای نیمی از افتخار و پیروزی را به خودشان منحصر و متعلق میکردند، یقیناً مبالغه نکردیم. در بعضی از موارد بنده باید بگویم نقش زنان از نقش مردان بالاتر است.^۲

پیامد گرایش و پیوستن زنان به نهضتها

بعد، انقلاب اسلامی پیش آمد و زن در جامعه‌ی ما - به معنای حقیقی کلمه - گل کرد. اینکه امام بارها درباره‌ی نقش زن در انقلاب فرمودند و دیگران هم گفته‌اند، تعارف نیست. واقعاً اگر زنان به انقلاب نمیپیوستند، بدون شک این انقلاب اتفاق نمی‌افتاد. اگر فرض کنیم مردان یک جامعه‌ی به نهضتی گرایش پیدا کنند و زنان مخالف آن باشند؛ بعد صورت عکس

۱. در پیام به سمینار شخصیت زن از دیدگاه امام خمینی (ره) (۶۸/۸/۳)

۲. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۶۴/۱۲/۲۳)

مسأله را ملاحظه کنیم - زنان یک جامعه به نهضتی عقیده داشته باشند، اما مردان بی‌اعتقاد باشند - چنانچه تأثیر این طرفداری را در پیشرفت نهضت اندازه‌گیری کنیم، به نظر من درجه‌ی دوّمی بالاتر است؛ یعنی اگر جامعه‌ی زنان به حرکت و نهضتی معتقد بودند، این می‌تواند به پیشرفت آن حرکت کمک کند؛ و این در جمهوری اسلامی اتفاق افتاد. مردانی بودند که در خانه‌ها نشسته بودند، اما زنان، اینها را برای نهضت از خانه‌ها بیرون فرستادند. مردان فراوانی بودند که اگر زنانشان مخالف بودند، اراده‌های آنها متزلزل میشد؛ اما زنان اراده‌ی آنها را مستحکم کردند.^۱

حضور زنان؛ مستلزم پیشرفت حرکت‌های انقلابی

من به شما عرض کنم، اگر زنان در حرکت اجتماعی یک ملّتی حضور نداشته باشند، آن حرکت به جایی نخواهد رسید، موفق نخواهد شد. اگر زنان در یک حرکت حضور پیدا نکنند، یک حضور جدّی و آگاهانه و از روی بصیرت، آن حرکت بطور مضاعف پیشرفت خواهد کرد. در این حرکت عظیم بیداری اسلامی، نقش زنان، یک نقش بی‌بدیل است و باید ادامه پیدا کند. زنان هستند که همسران خود را و فرزندان خود را برای حضور در خطرناکترین میدانها و جبهه‌ها آماده میکنند و تشجیع میکنند. ما در دوران مبارزه با طاغوت در ایران و همچنین بعد از پیروزی انقلاب تا امروز، برجستگی نقش زنان را بطور واضح و ملموس مشاهده کردیم و دیدیم. اگر در جنگی که هشت سال بر ما تحمیل شد، زنان ما، بانوان کشور ما در میدان جنگ، در عرصه‌ی عظیم ملّی حضور نمیداشتند، ما در این آزمایش دشوار و پر محنت پیروز نمیشدیم. زنها، ما را پیروز کردند، مادران شهدا، همسران شهدا، همسران جانبازان، همسران اسرا و آزادگان ما؛ مادران اینها با صبر خود یک فضایی را در یک منطقه‌ی محدودی به وجود آوردند، که آن فضا جوانها را، مردان را، به حضور مصممانه تشویق میکرد؛ و این

۱. در دیدار با نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی (۸۰/۷/۱۴)

در سراسر کشور گسترده شد و گسترده بود. نتیجه این شد که فضای کشور ما یکسره فضای مجاهدت شد، فضای فداکاری و گذشت شد؛ گذشت از جان. و پیروز شدیم. امروز در دنیای اسلام هم همین است؛ در تونس، در مصر، در لیبی، در بحرین، در یمن، در هر نقطه‌ی دیگر. اگر زنها در صفوف مقدم حضور خودشان را تقویت کنند و ادامه بدهند، پیروزیها یکی پس از دیگری نصیب آنها خواهد شد. در این هیچ تردیدی نیست.^۱

زنان؛ پشتوانه‌ی حرکت مردان در انقلاب

زنان کشور ما در طول مدّت انقلاب، پشتوانه حرکت مردها بودند. اگر احساسات و ایمان قوی زنها نبود، شاید بسیاری از مردهای ما این قدرت را پیدا نمی‌کردند که در میدانهای سخت مبارزات گوناگون حضور داشته باشند. امروز هم همان مسؤلیّت بر دوش خانمهاست. شما که میدانید دشمنان ما در صددند به انقلاب ضربه بزنند و اطلاع دارید که وحدت به وجود آمده در کشور ما چقدر با ارزش است و حضور مردم ما در صحنه‌های انقلاب تا چه اندازه اهمیّت دارد، باید این حضور را حفظ کنید و مردها و فرزندان و شوهران و برادرانتان را به حضور قوی در همه‌ی صحنه‌ها و حفظ وحدت و پشتیبانی از آرمانهای عزیز انقلاب که امام بزرگوارمان تأمین آنها را از ما انتظار داشتند وادار کنید.^۲

جانفشانی مردان در پی حضور زنان

اگر زنها به انقلاب نپیوسته بودند، انقلاب پیروز نمیشد. جوانها از خانه برای پیوستن به صفوف انقلاب بیرون نمی‌آمدند. مادرهایشان نمی‌گذاشتند. مادرهایشان حداقل آنها را تشویق نمی‌کردند. اگر زنها دل در گرو انقلاب نداشتند، مردها اینجور آزادانه در صفوف انقلاب جانفشانی نمی‌کردند.^۳

۱. در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» (۱۳۹۱/۴/۲۱)

۲. در مراسم بیعت گروه کثیری از خواهران شهرهای مختلف کشور (۶۸/۴/۱۵)

۳. در دیدار با جمع کثیری از پرستاران (۷۰/۸/۲۲)

زنان انقلابی، قوت بخشیدن اراده‌ی مردان

مادامی که دنیا، مادّی است؛ مادامی که جهانخواری، استکبار و قدرت‌طلبی هست، روح سلطه‌گری بر ملت‌ها هست. این راه، راهی است که با پلشتیها مخالف است. طبیعی است که مخالف هم پاسخ خواهد داد. در این میدانها، باز همین عنصر بسیار مؤثر و بسیار فعّال - یعنی زن - همین نقش را خواهد داشت. پس وقتی نگاه میکنیم، میبینیم زنان علاوه بر اینکه کمیّت خودشان، یعنی آن پنجاه درصد را دارند، در به صحنه آمدن پنجاه درصد دیگر هم که مردان باشند، مؤثرند. البته مردان هم احیاناً در آمدن زنان به صحنه مؤثرند؛ اما تأثیر زن بر روی حضور مرد، بمراتب بیشتر است. مثلاً شاید سه برابر تأثیر مرد نسبت به آمدن زن باشد.^۱

تأثیر حضور زنان در انقلاب بر مردان

هیچ جای دنیا ما سراغ نداریم که زنان در پیروزی انقلاب یک چنین نقشی را ایفا کرده باشند. بله چند تا زن، لباس چریکی به تن کنند بروند با مردها توی مثلاً فرض کنید که جنگلها معلوم نیست چه جور زندگی‌ای بکنند، یک چهار تا گلوله‌ای از لوله‌ی تفنگشان خارج کنند، از اینها داشتیم ما توی دنیا، اما همه میدانند که اینها تأثیری ندارد. هر یک زنی به اندازه‌ی یک آدم معمولی، یک مرد معمولی توانسته فرضاً یک گلوله‌ای را، یک فشنگی را، از تفنگش پرتاب کند یک نفر را هم بکشد یا نکشد اینکه در دنیا بوده این است، در کشور ما این نبود، در کشور ما حرکت زنها حرکتی بود که جامعه را به حرکت در آورد. در آن روزهای اوّل شروع این تظاهرات و راهپیماییها سال ۵۶ و ۵۷ و ۵۷ وقتی خانمها هزاران هزاران در خیابانها در همه جای کشور ظاهر شدند، مشت‌ها را گره کردند، با عزم و تصمیم فریاد کشیدند، یکهو جامعه را از جا کند، ای بسا خانمهایی که شوهرهایشان را کشیدند به میدان مبارزه، ای بسا مردانی در این جامعه که کم هم نبودند

۱. در دیدار با جمعی از زنان (۷۱/۲/۱۵)

وقتی این سیل خروشان زنان را دیدند در خیابانها و دیدند این مشت‌های گره کرده را و این فریادهای بدون لرزش را و این قاطعیت را در آن صحنه‌ی قیامت‌گونه، اصلاً منقلب شدند و آماده‌ی هر جور فداکاری شدند، زن نقشش این بود آمد، تو میدان و همه را آورد تو میدان. این چیز کوچکی نیست، این خیلی چیز با عظمتی است و انقلاب ما با همین آمدن تو خیابانها پیروز شد این هم نقش زنان بود که اگر زنان نمی‌آمدند توی خیابانها تحوّل جامعه نصف نمیشد که حالا بگوییم عدد مردها و عدد زنها برابر است تو جامعه، زنها که نبودند نصفی نیستند نه، اگر زنها نمی‌آمدند نصف نمیشد خیلی کمتر از اینها میشد یک جمعیتی می‌آمدند توی خیابانها اما ملت نمی‌آمد، این حرکت عظیم به برکت حضور خانمها بود؛ یعنی این بسیار نقش مؤثری داشت در آن حضور عمومی این هم در آنجا. بعد انقلاب شد، انتخابات شد، رفراندوم شد، جنگ شد، حضور در جبهه‌ها شد، فرستادن جوانها شد، فرستادن مردها و رفتن مردها شد، در همه‌ی اینها خانمها یک موضعی را اتخاذ کردند که کلاً در جامعه یک روحیه‌ی مبارزه‌جویانه و انقلابی و شجاعت‌آمیزی به همه‌ی جامعه داد.^۱

نقش حیاتی زنان به تشویق مردان در مبارزه

در دوران مبارزات ضد رژیم طاغوت در ایران، خلیها در میدان مبارزه بودند، ولی زنان آنها نگذاشتند که آنها مبارزه را ادامه بدهند؛ بخاطر اینکه طاقت نداشتند سختی‌های مبارزه را تحمل کنند، گذشت هم نداشتند. خلیها هم به عکس، شوهران خود را به ایستادگی در راه مبارزه تشویق میکردند، آنها را کمک میکردند و برای آنها تقویت و پشتیبانی روحی می‌آفریدند. در سال ۵۶ و ۵۷، آن روزی که خیابانها و کوچه‌ها از اجتماعات مردم پر شده بود، زنان در بسیج و فرستادن شوهران و فرزندان خودشان به میدانهای

۱. در دیدار با جامعه‌ی حضرت زینب(س) (۶۶/۱۱/۲۷)

مبارزه و تظاهرات، نقش حیاتی داشتند.^۱

عواطف یک زن مادر را در نظر بگیرید، عواطف یک همسر جوان را در نظر بگیرید؛ این مرد شجاع پر حماسه‌ی پر شور دارد می‌رود میدان جنگ. شاید اگر این زن هم بنا بود برود تفنگ دست بگیرد بجنگد، برایش از لحاظ روانی و عاطفی قابل تحمل‌تر بود. اما او نشسته توی خانه و پاره‌ی تن خودش را، جوان خودش را میبندد که رفت و نه فقط دلش نمی‌لرزد، نه فقط مانع او نمیشود، نه فقط تردید در او ایجاد نمیکند، بلکه خود اوست که تشویق میکند این جوان را و افتخار میکند، و ما نشانه‌های عجیبی را در زنده‌های جامعه‌ی خودمان داریم. بنده گاهی با بعضی از خانواده‌های شهدا که برخورد کردم، دیدم زن توی این خانواده اگر از مرد قویتر نباشد لااقل عدل و برابر مرد هست و بیشتر موارد اینجوری است.^۲

خیلی از زنها هستند که اگر آنها نبودند، شوهرهاشان و فرزندهاشان به میدان جنگ نمی‌رفتند. ما اگر بخواهیم بشماریم من چون گاهی با بعضی از خانواده‌های شهدا برخورد میکنم، میدانم که این شهیدی که امروز یک ستاره است، یک اسطوره است برای ما و برای تاریخ و آینده‌مان، این را مادرش فرستاده میدان جنگ. آمده مادر را خشنود کرده، راضی کرده و مادر به او اجازه داده و اگر مادر اجازه نمیداد او نمی‌رفت. بعضیها را مادر تشویقشان کرده، بعضی از مادرهای شهدا به من میگویند که پسرمان آمد گفت مادر اجازه میدهی که مثلاً من هم بروم بسیج، به او گفته‌ام که مادر جان چرا اجازه نمیدهم، یعنی برایش یک چیز خیلی حل شده و تمام شده بوده، و همینطور شوهرها و همینطور کارهای دیگر. در فعالیتهای اجتماعی، در فعالیتهای سیاسی همانطور که میبینید خانمها فعالیت وسیعی داشتند.^۳

۱. در اجتماع زنان خوزستان (۷۵/۱۲/۲۰)

۲. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۶۴/۱۲/۲۳)

۳. در مصاحبه پیرامون جایگاه زن در جمهوری اسلامی (۶۳/۱۲/۴)

ارزیابی ایثار مادران و زنان

واقعاً نمیشود شرح داد که یک مادر که فرزند خودش را میفرستد میدان جنگ یا فرزندان خودش را میفرستد میدان جنگ، چقدر تأثیر میگذارد بر روی روحیه‌ی جامعه، این را اصلاً نمیشود بیان کرد، هیچ ترازویی نیست که بشود با آن ارزش چنین مادری و ارزش کار او را سنجید و فهمید، خیلی بالاتر از این حرفهاست. آن احساسات مادری، آن محبت مادری، آن مراقبت فوق‌العاده و بی‌نظیری که مادر از فرزند خودش میکند، آن امیدی که به فرزند خودش بسته، لحظه لحظه‌ی زندگی یک جوان برای مادرش دارای اهمیت است همینطور در مورد همسران، همسران جوان، تازه ازدواج کرده، گذشتی که اینها میکنند و میفرستند این جوان را به میدان جنگ و راضی میشوند و به او کمک میکنند و اگر مدتها نیاید تحمل میکنند، اگر مجروح بشود ناشکری نمیکنند، اگر معلول بشود جانباز بشود ناشکری نمیکنند، اگر شهید بشود احساس افتخار میکنند، اینها دیگر واقعاً جزو چیزهایی است که زبان بنده و امثال بنده قاصر است از اینکه بتواند اهمیت و منزلت و عظمت این روحیه را بیان بکند.^۱

تقدیم زیورآلات زنان به رزمندگان

آزادی این است که شما توانستید بر فرهنگها و سنتهای طاغوتی تا حدود زیادی غلبه کنید. زنهایی که به فکر جمع‌آوری طلا بودند، امروز گروه گروه زیورآلات خود را تقدیم مدافع انقلاب اسلامی میکنند.^۲

زنان ایرانی یادگارهای خود را که برایشان بسیار گرانبها بوده در اختیار گذاشته‌اند. گاه یک خانواده مستضعف تمامی طلا و زیورآلات خود را تقدیم جبهه‌های حق علیه باطل کرده است. گاه یک خانواده‌ی مستضعف

۱. در دیدار با جامعه‌ی حضرت زینب(س) (۶۶/۱۱/۲۷)

۲. در خطبه‌های نماز جمعه (۵۹/۹/۷)

انگشتری و یا گوشواره‌ی خود را تقدیم جبهه‌ها کرده و گاه یک خانواده‌ی عراقی که فرزند خلبانشان در جنگ کشته شده بود طلاهای دریافتی از صدام را برای کمک به جبهه‌های جنگ علیه رژیم صدام هدیه کردند و همسران جوان شهدا نیز حلقه‌ی نامزدی خود را دادند و نظیر این در تاریخ هیچ کشوری دیده نمیشود.^۱

گذشت مادران شهدا؛ ستونهای مستحکم نظام

من به خانه‌ی شهدای عزیزمان، نسبتاً زیاد رفت و آمد میکنم. پهلوی پدرها و مادرها مینشینم؛ حرفهای آنها را میشنوم؛ احساسات آنها را ادراک میکنم؛ میبینم که آنها چگونه فکر میکنند. غالباً حتی مادرها - این خانمها، این زنها - که از لحاظ احساسات و عواطف خیلی از مردها رقیقترند؛ مادر! مادر! عواطف مادر نسبت به فرزند خود، آن هم نسبت به آنچنان جوانی مگر شوخی است؟! آن وقت همین مادر برای خاطر خدا، این جوان را به میدان جنگ فرستاده است؛ جنازه‌ی او را تحویل گرفته است؛ گاهی جنازه‌ی او را هم تحویل نگرفته است! سالهای متمادی در انتظار اثر کوچکی از این جوان نشسته است. اینها «گذشت» است.^۲

بنده دیشب در محضر یکی از خانواده‌هایی که چند شهید در راه انقلاب - در جنگ تحمیلی - داده‌اند، بودم. مادر این شهیدان به بنده گفت: من پسرهای خودم را از رفتن به جبهه منع نکردم؛ رو ترش نکردم؛ از آنها نخواستم که نروند، بلکه آنها را تشویق کردم که بروند. دل انسان در مقابل این عظمت سر تعظیم فرود می‌آورد. مادر دیگری گفت، دو پسر داده‌ام و پنج پسر دیگر نیز دارم، اگر اینها هم در راه خدا به میدان شهادت میرفتند و بروند، حرفی ندارم. اینها افسانه نیست، واقعیات جامعه‌ی ماست. اینها

۱. در دیدار با اقشار مختلف و ایثارگر مردم (۶۷/۵/۲۲)

۲. در دیدار با خانواده‌های شهدا؛ جانبازان و آزادگان در مصالای ارومیه (۷۵/۶/۲۷)

ستونهای مستحکمی است که این نظام پُر عزّت اسلامی، علیرغم همه‌ی دشمنی‌های جهانی، بر روی آن قرار گرفته است؛ اینها شوخی نیست.^۱

گذشتن از منافع شخصی خود برای به ثمر نشستن انقلاب

شخصیت یک زن که یک انسان به سواد کتاب و درس خواندن نیست که، به آن روحش است، به آن ذهنش است، به آن مغزش است. اینجور در مقابل منافع اجتماع، منافع انقلاب از منافع شخصی خودش میگذرد، منافع شخصی خودش چیه؟ پسرش؛ خب پسرش مال آن است دیگر، این از منفعت شخصی خودش صرفنظر میکند به سود کی؟ میدهد که چیزی برای خودش بگیرد؟ نه میدهد که چیزی برای انقلاب بگیرد، برای اجتماع بگیرد، برای تاریخ بگیرد، همینطور این خانم هم، آن خانم همسرش است، آن اگر میخواست با دو تا بچه نگذارد شوهرش برود میتوانست، ولی واقعاً اگر یک زنی بخواهد نگذارد شوهرش برود میتواند، به زور شوهرش را نگاه دارد، به زور نمیدانم گریه کند فلان کند بچه‌ها را یک جوری جلویش بیاورد که نگذارد، اما آن خانم نکرده این کار را، گذاشته شوهرش رفته و اسیر شده در راه خدا، الان شوهرش در اختیارش نیست، یعنی از منافع شخصی خودش صرفنظر کرده برای چی؟ برای این مملکت، برای این انقلاب، همینطور همه‌ی کسانی که یک ارتباطی دارند.^۲

بسیج خواهران؛ منشأ آثار بسیار مهم در جبهه و پشت جبهه

بسیج خواهران علیرغم ناشناخته بودن، منشأ آثاری شده که این آثار برای ما، برای حرکت ما، هم در جبهه، هم در پشت جبهه بسیار مهم بوده. بسیج برای خواهران یک چیز عملی و جایز هست و باید ادامه پیدا بکند. بسیج خواهران بخش نظامی دارد؛ یعنی همه‌ی افراد مسلمان اگر بتوانند

۱. در دیدار خانواده‌های شهدا، جانبازان شهرستان زابل (۸۱/۱۲/۱۱)

۲. در دیدار با خانواده‌ی آزاده‌ی دربند آقای شهسواری (۶۴/۵/۳)

آموزشهای نظامی را در یک محیط سالم کسب کنند بسیار خوب، گاهی لازم هست که بکنند این کار را، کسب بکنند، خواهران هم همینطور. البته مراقب باشند در محیط سالمی این کار انجام بگیرد؛ با شکل‌های نامناسب و ناسالم انجام نگیرد. با معلّمین شایسته انجام بگیرد، و معلّمینی که از خود خواهران باشند. خوشبختانه امروز داریم ما خواهرانی را که آزمایشهای نظامی را خیلی خوب انجام دادند و میتوانند آموزش بدهند. ثانیاً بسیج خواهران فقط هم مخصوص مسائل نظامی نیست، در همه‌ی اموری که در پشت جبهه به نحوی از انحاء مورد استفاده است، میتواند جزو بسیج قرار بگیرد، و واحدهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که بسیج را زیر پوشش دارند باید به این نکته توجه کنند. در اجتماعات عظیم زنان - که امروز نماز جمعه و اجتماعات و راهپیماییها و مساجد و مجالس را پر کرده - اگر ما از خواهران عناصر بسیج نداشته باشیم بسیاری از کارها لنگ خواهد ماند. علاوه بر این، در بقیه‌ی کارهای مربوط به بسیج عمومی و از جمله در همین کار پرستاری که امروز خوشبختانه خواهران پرستار و خواهران بسیج کنار هم نشستید اینجا، این یکی از مصداقهای مهم بسیج نیروهاست. آن کسانی که آمادگی دارند در خدمت این کار قرار بگیرند، کما اینکه میگیرند هم؛ خانمهایی آمادگی دارند و در خدمت این کار قرار میگیرند و نیز در خدمت بسیاری از حواشی و جوانب کار در امر بسیج عظیم نیروها.^۱

بسیج یک زن؛ به معنای بسیج یک خانواده

وقتی زنی دفاع از اسلام را میپذیرد، به معنای این است که یک خانواده و مجموعه‌ی آن را پذیرفته است و مسأله‌ی بسیج یک زن در واقع به معنای بسیج یک خانواده است و بسیج خواهران نشاندهنده‌ی یک حرکت سمبلیک در جامعه است و نشاندهنده‌ی نقطه‌ی اوج ایمان است. امروز

۱. در دیدار با خواهران پرستار واحد بسیج (۶۱/۱۱/۳۰)

مسأله‌ی حفظ نظام اسلام و قرآن مطرح است و در این میان زن و مرد و پیر و جوان فرقی ندارد و تکلیف بر دوش همگان است.^۱

بسیج خواهران در جبهه

شما خواهران بایستی قدر خود را بدانید؛ زیرا بسیج خواهران علیرغم ناشناخته ماندن، منشاء آثار مهمی بویژه در جبهه و در پشت جبهه شده است. بسیج خواهران دو جنبه دارد: یکی بسیج نظامی است و دیگری بسیج در همه امور که در پشت جبهه به نحوی از آنها مورد استفاده واقع میشود. اگر در اجتماعات عظیم زنان افرادی از خواهران بسیج نباشند، در بسیاری از مراحل با نقص روبرو خواهیم بود.

مجموعاً در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی زنان توفیق زیادی داشتند بعد از انقلاب، بطوری که به آنچه عاید زنان شده - یعنی عاید جامعه‌ی زن در ایران شده - می‌توان یک جهش و یک حرکت بی‌سابقه نام نهاد. این به معنای آن نیست که ما بعد از انقلاب زنانی را داشته باشیم که از لحاظ فکر سیاسی مثلاً در گذشته‌ی زنان ایران سابقه نداشته باشند. نه، صحبت سر یک زن یا دو زن نیست، صحبت سر یک گروه زن یا یک قشر زن که زن تحصیلکرده یا زن روشنفکر یا زن دانشگاه رفته باشد نیست، صحبت سر جامعه‌ی زن است، جامعه‌ی زن ایرانی - یعنی به صورت یک کل، یک مجموعه وقتی در نظر گرفته میشود - آن دستاوردی که بعد از انقلاب داشته قابل مقایسه با دستاورد آن در تمام دوران تاریخش نیست.^۲

شجاعت و ایستادگی زنان در برابر متجاوزان

جوانان و پیرمردان و مردان و زنان ایستادند و مبارزه کردند و جنگیدند. من در سوسنگرد، یک زن مسلمان شجاع را دیدم که مردم سوسنگرد

۱. در دیدار اجتماع گروهی از خواهران و برادران بسیجی (۶۵/۹/۱۰)

۲. در مصاحبه پیرامون جایگاه زن در جمهوری اسلامی (۶۳/۱۲/۴)

میگفتند او در هنگام حضور نیروهای متجاوز در این شهر، با چوبدستی خود، چند متجاوز را به خاک انداخته و نابود کرده است! در سرتاسر این استان ممتحن و مجرب، مردان و زنان و خانواده‌ها، شهریها و روستایی‌ها، عشایر عرب و لر و بختیاری و مردم فارس که در این استان هستند، همه و همه در کنار یکدیگر و دست در دست هم، در مقابل متجاوزان ایستادند. البته ملت ایران به کمک استانهای مرزی آمد - در این شکی نیست - و آزمایش بزرگ، آزمایش ملت ایران بود؛ اما چه کسی است که نداند استانی که در کنار مرز است، در مقابل اولین حملات دشمن، چه شکنجه و درد دشواری را تحمل میکند. و این استان، هشت سال این دشواری را تحمل کرد و ایستاد و فداکاری نمود.^۱

عظمت و ایستادگی زنان کردستان در مقابل فشار روانی دشمن

در کردستان موارد زیادی اتفاق افتاد، ما هم مطلع شدیم و مطلع بودیم که دشمنان این استان، دشمنان این کشور، به خانواده‌های شهید هم فشار وارد میکردند؛ فشار روانی، فشار جسمی و فشار امنیتی. البته این فشارها نتیجه نداشت.

خانمهایی که هم شوهرشان را از دست دادند، هم فرزندشان را از دست دادند و در مقابل فشار روانی و سیاسی دشمن، بعد از دست دادن جگرگوشه شان هم تسلیم نشدند، زیر فشار دشمن شانه خم نکردند. این خیلی عظمت دارد. من این را در کردستان دیدم.^۲

حضور قهرمانانه‌ی زن در میدان جنگ

با این مایه‌ی نفوذ مادر و همسر، اگر اینها با نهضت مخالف بودند و ایمان نیاورده بودند، فکر میکنید در هفده شهریور، آن مقدار جمعیت به

۱. در اجتماع بزرگ مردم اهواز (۷۵/۱۲/۱۸)

۲. در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران کردستان (۸۸/۲/۲۲)

صحنه می‌آمد و هجوم مردم امکان داشت؟ وقتی که جمعیت عظیم صد هزار نفری زنان - در مشهد این را دیدم. در تهران که طبعاً بیشتر بود و در شهرهای دیگر هم، به تناسب خودش - راه می‌افتاد و به حرکت در می‌آمد، مردان را برای حضور در میدان جنگ، دیوانه میکرد و آنها احساس میکردند که تکلیفی دارند. زن، اینطور قهرمانانه به میدان جنگ آمد. من اثر حضور زن را در انقلاب، بالعیان دیدم. واقعاً اگر زنان نمیبودند و اگر بی‌اعتنایی به خرج میدادند و یا نسبت به نهضت، خونسرد بودند، مردان آن حضور را پیدا نمیکردند تا کار به اینجا منتهی شود.^۱

سهم بسیار مؤثر و ارزنده‌ی زنان در دفاع مقدس

مسأله‌ی دیگری که لازم میدانم عرض بکنم، نقش زنان در این جنگ است. ما در انقلاب هم نقش زن را در جامعه‌ی خودمان دیدیم. در این جنگ هم نقش زنان را در تسریع حرکت جنگ داریم میبینیم. باور کنید که زنان سهم بسیار مؤثری در این حرکتی که ملت ایران دارد انجام میدهد داشتند و قدر این سهم عظیم را آن کسانی میدانند که سیاستهای استعماری گذشته را که سعی میکرد زن را به صورت یک عضو منفصل از دست فعال جامعه در بیاورد یا او را سرگرم چیزهای کوچک و پست کند دیده‌اند. آنها قدر این حرکت فعالانه خواهران را میدانند. من به خواهران عزیزم بعنوان اطلاع و تذکر عرض میکنم، شما نقشتان بسیار ارزنده است. داشتن پشت جبهه، تشویق مردان، راضی شدن به فداکاری شوهران و فرزندان و برادران و پدران، فراهم آوردن و تهیه کردن بسیاری از چیزهایی که در جبهه لازم است، نقش پرستاری و کمک و امدادگری که امروز بسیاری از خواهران در جبهه به عهده دارند یا در پشت جبهه، این از برکات انقلاب ماست و امید است خدای متعال به زنان و مردان ما توفیق بدهد که بتوانند این نقش ارزنده را همچنان پیش ببرند.^۲

۱. در دیدار با اعضای شورای مرکزی جمعیت زنان (۷۱/۲/۱۵)

۲. در خطبه‌های نماز جمعه (۵۹/۹/۲۸)



دوران محنت‌بار جنگ و نقش فوق‌العاده‌ی زنان در آن

دوران جنگ، دوران محنت، دوران امتحان سخت؛ «حَتَّى إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ»^۱. اوضاع و احوال در دوران جنگ سخت شد. حالا بعضیها جنگ را از تلویزیون و رادیو و اینها میشنیدند، بعضیها با جسم و جان و تن خودشان توی میدان جنگ بودند. این گزارشهای پر از حماسه و شور که از جنگ داده میشود، همه‌اش هم درست است - من چون خیلی از این کتابهای مربوط بخاطرات رزمندگان را میخوانم، میدانم همه‌ی اینها درست است - آن شور و شوق و آن عشق به مجاهدت و شوق به شهادت و عدم بیم از مرگ و اینها، همه‌اش همینی است که توی گزارشها هست و درست است؛ لیکن نگاه کلان به جنگ، یک نگاه کاملاً محنت‌بار بود. خب، آن گردانی که جلو با شوق و ذوق دارد می‌جنگد، او که نمیداند توی قرارگاه اصلی نسبت به مجموعه‌ی جبهه چه حالتی وجود دارد، چه ضعفهایی هست، چه نگرانیها و دغدغه‌های جدی‌ای هست؛ و پشت سر قرارگاه اصلی، در سطح کلان، در کشور، چه کمبودهایی، چه دلهره‌هایی وجود دارد. دوران سختی بود. در این دوران سخت، نقش زنان، یک نقش فوق‌العاده بود؛ نقش مادران شهدا، نقش همسران شهدا، نقش زنان مباشر در میدان جنگ، در کارهای پشتیبانی و بعضاً بندرت در کارهای عملیاتی و نظامی - که من بخش کارهای پشتیبانی‌اش را خودم از نزدیک در اهواز دیدم - یک نقش فوق‌العاده بود. زنها حتی در بخشهای نظامی هم فعال بودند؛ همین نوشته‌ی خانم حسینی - دا^۲ - این را نشان میدهد. اینها یک مجموعه‌ی کاری است که واقعاً با هیچ معیاری، با هیچ ترازویی قابل اندازه‌گیری نیست.^۳

۱. سوره‌ی توبه، آیه ۱۱

۲. کتاب «دا»؛ خاطرات سیّده زهرا حسینی به اهتمام سیّده اعظم حسینی در دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری تولید و در انتشارات سوره‌ی مهر منتشر شده است. «دا» در مهر ماه سال ۸۷ برای اولین بار منتشر شد و در فاصله‌ی کمتر از هشت ماه به چاپ ۵۵ رسید.

۳. در سوّمین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)

مادران شهدا؛ الگوهای تربیت‌یافته‌ی دامان مطهر حضرت زهرا(س)

بدانید امروز در هیچ جای دنیا زنانی که مثل این مادران شهدای ما، مادر دو شهید، مادر سه شهید و مادر چهار شهید باشند نیست. در جامعه‌ی ما مادرانی با این خصوصیات که از پدرها بهتر و قویتر و آگاهانه‌تر ایستادند در این میدان بسیار داریم. این همان تربیت اسلامی است. این همان دامان پاک و مطهر و نورانی فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها) است. شما دختران فاطمه(سلام‌الله‌علیها) هستید؛ فرزندان فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها) هستید. دنباله‌رو آن فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها) هستید. امیدوارم که انوار مقدّس ولایت و معنویّت و معرفت، دل‌های همه شما را روشن کند و روز به روز در جهت حفظ هویت اسلامی، زنان مسلمان، گام‌های بلندتر و بهتری بردارند و روح مطهر امام راحل که این راه را به روی زنان ما باز کرد مشمول الطاف و تفضّلات الهی باشد و ان شاءالله ادعیّه‌ی زاکیه‌ی حضرت ولیّ عصر(عج) شامل همه شما خواهران گرامی و عزیز من باشد.^۱

مادر شهید؛ آیت صبر و استقامت

این همسران مجاهدان راه حقّ و مبارزان و سرداران و مادران آنها حقیقتاً آیتی هستند از صبر و مقاومت. شرح حال اینها را که انسان نگاه میکند و میخواند، رنج‌های اینها را که ملاحظه میکند - البته بانوانی که قبل از انقلاب همسر مبارزینی بودند که سختی‌هایی را تحمّل میکردند، نمونه‌هایی هم در آنجا دیده میشد؛ لیکن نمونه‌های کامل در دوره‌ی دفاع مقدّس بود - میبیند این همسران چه کشیدند، این مادران چه کشیدند. اینها فرزندان را فرستادند جبهه‌ها؛ بسیاری از آنها شهید شدند، جانباز شدند و این اسوه‌های صبر و مقاومت مثل کوه، استوار ایستادند.^۲

۱. در دیدار با گروه کثیری از بانوان (۷۹/۶/۳۰)

۲. در دیدار جمعی از بانوان نخبه(۹۰/۳/۱)

عظمت افسانه‌ای مادران شهدا

ما مطالبی که در تاریخ خوانده بودیم، مثل افسانه به گوش ما می‌آمد؛ اما آنها را در زندگی واقعی خودمان دیدیم. من این را به جوانها می‌خواهم بگویم؛ به فرزندان شهدا و به خانواده‌های آنها آن عظمتی که خانواده‌های شهدا و پدرها و مادرها و همسرها نشان داده‌اند، از عظمت خود شهدا کمتر نیست. ما مادران و پدرانی را دیدیم که اینها با حادثه‌ی سنگین و کوبنده‌ی فقدان فرزند خودشان مثل بشارت برخورد کردند؛ چون میدانستند که فرزند آنها در چه راهی حرکت میکند.^۱

عظمت ایستادگی مادران شهدا

انسان مبهوت میماند. من الان مادر شهیدان مؤمنی را زیارت کردم. سه جوان در راه خدا داده و یک پسر جانباز دارد و خودش سالخورده است؛ اما با وجود همه‌ی اینها از لحاظ روحی مثل کوه ایستاده است. دست اینها را باید بوسید؛ عظمت واقعی یعنی این. یک ملت وقتی یک چنین عظمت‌های انسانی را در درون خود دارد، باید مطمئن باشد که به هر کار بزرگی همت بگمارد، از عهده‌ی آن برخواهد آمد.^۲

عظمت و شجاعت مادران شهدا

اغلب موارد یا مادر شهید قویتر هست از لحاظ روحی از پدر شهید یا لاقلاً اینها با هم برابرند، یک چیزهای عجیبی را انسان مشاهده میکند که واقعاً در تاریخ اگر ما می‌خواندیم، به صورت داستان اگر می‌خواندیم، یقیناً به آسانی نمیشد باور کرد، اما امروز داریم در مقابل خودمان میبینیم. مادری دو تا جوانش را با هم از جبهه می‌آورند نعلشان را که شهید شدند. این روز تعطیلی است این مادر همراه جنازه‌ی شهیدان خودش است، میرود بهشت زهرا بعد میرود آنجا مثل اینکه وسیله‌ی غسل و اینها آماده نیست، خودش

۱. در دیدار با خانواده‌ی معظم شهدا، جانبازان و آزادگان استان همدان (۸۳/۴/۱۶)

۲. در دیدار با مردم دامغان (۸۵/۸/۱۹)

آستینها را میزند بالا، چادرش را میزند به کمرش، دوتا بیچه‌ی شهید خودش را خودش به دست خودش غسل میدهد. وقتی که این را نقل میکند، آنچنان با عظمت، آنچنان با شجاعت از این حادثه‌ی جانگداز حرف میزند که انسان در مقابل آن همه عظمت کوچک میشود.^۱

عظمت روح مادران و همسران شهدا

شما پدر و مادرها به گردن این انقلاب و این کشور، خیلی حق دارید. صبر شما، تحمل و بردباری شما، تسلیم شما در مقابل حادثه‌ی تلخی که چون در راه خداست، شیرین به کام شما می‌آید، پیش خدا خیلی اهمیت دارد. یک مادر، فقدان عزیز خودش را چطور تحمل میکند؟! دوری گلی را که در طول سالهای متمادی در آغوش خود پرورده است، نهالی را که با زلال محبت خود آبیاری کرده است، چطور تحمل میکند؟! اما مادران عزیزی را ما سراغ داشتیم و سراغ داریم که در غم شهادت فرزند شهید خود، حتی خم به ابرو نیاوردند! بنده گاهی که به دیدار خانواده‌های شهدا مشرف میشوم و از روی ارادت به آنها سری میزنم. بعضی از مادرها میگفتند که ما گریه نمیکنیم تا دشمن، احساس ضعف در ما نکند. بنده به آن مادرها عرض میکردم که نه، گریه کنید، گریه اشکالی ندارد.

ما باید به آنها میگفتیم گریه کنید! چقدر عظمت در این دلها و در این روحها نهفته است؟! پدرها همینجور، مادرها هم همینجور، فرزندان هم که امروز به دوران جوانی رسیده‌اند، بخاطر شهادت پدرانشان افتخار میکنند؛ اینها خیلی عزیزند. همسران شهدا هم همینطور. جانبازان هم مثل شهدا هستند. جانباز قطع نخاعی، جوانی که جوانی خودش را در راه خدا از دست داده، کم چیزی را از دست نداده است؛ اما با افتخار، با شرف و با عزت، تحمل میکند. خانواده‌ها، مخصوصاً همسران جانبازان هم همینجور.^۲

۱. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۶۴/۱۲/۲۳)

۲. در دیدار خانواده‌های شهدای تربت جام (۷۸/۶/۹)

مادران شهید شجاعتر، مقاومتر، و فهیمتر از پدران شهید

من از هفت، هشت سال اخیر تاکنون، با خانواده‌های شهدا ارتباطی دارم و گاهی در رفت و آمدهایی که میشود، پای صحبتشان مینشینم. در اغلب موارد - شاید بشود گفت در صدی هشتاد موارد - میبینم که مادر شهید، روحیه‌اش، درکش و فهمش از قضیه‌ی شهادت، از پدر شهید بیشتر است. آن وقت است که میفهمم چطور میشد که یک جوان، بعد از آنکه یک یا دو برادرش به جبهه رفتند و شهید شدند، چنان دیوانه‌وار راه می‌افتاد و سر از پا نشناخته به میدان جهاد و مبارزه میرفت. این، نقش زنان است که در انقلاب ایفا کردند و در آینده هم ایفا خواهند کرد. ما سند مهر و امضا شده از کسی نگرفته‌ایم که من بعد هیچکس به ما تعرّض نخواهد کرد. بلکه به عکس؛ اعتقادمان این است که تا وقتی که این راه را ادامه میدهیم، دشمنان نیز اطرافمان هستند و تعرّض دارند.^۱

بارها من این را گفته‌ام؛ در زیارت خانواده‌های شهدا، اغلب اوقات مادران شهید را شجاعتر و مقاومتر از پدران شهید یافتم. مگر محبت مادر را میشود با محبت پدر مقایسه کرد؟ روح لطیف زنانه، آن هم نسبت به جگرگوشه، این را پرورش بدهد، بزرگ کند مثل دسته‌ی گل، بعد راضی بشود که او برود میدان جنگ و به شهادت برسد؛ بعد برای اینکه جمهوری اسلامی دشمن شاد نشود، بر جنازه‌ی او گریه هم نکند! که بنده مکرر به این خانواده‌های شهدا گفتم گریه کنید؛ چرا گریه نمیکنید؟ گریه ایرادی ندارد. گریه نمیکردند، میگفتند میترسیم جمهوری اسلامی دشمن شاد شود. «زن مگو، مرد آفرین روزگار^۲». زنهای ما اینها را امتحان خوبی دادند. البته انسان در معرض آسیب است؛ مردها در معرض آسیبند، زنها در معرض آسیبند، جوانها در معرض آسیبند، پیرها در معرض آسیبند؛ عالم، جاهل، همه در

۱. در دیدار با اعضای شورای مرکزی جمعیت زنان (۷۱/۲/۱۵)

۲. عمان سامانی، دیوان اشعار

معرض آسیبند؛ «و المخلصون فی خطر عظیم^۱». کو حالا مخلص؟ همه‌ی ما زیر این استاندارد قرار داریم. اگر به حدّ استاندارد هم برسیم، مخلص هم بشویم، تازه «فی خطر عظیم»! خب، باید مراقب باشیم. دشمنان دنیای ما، دشمنان آخرت ما، دشمنان عزّت ما، دشمنان نظام جمهوری اسلامی، از نقاط ضعف ما استفاده میکنند؛ از حسّ شهوت ما، از حسّ غضب ما، از قدرت‌طلبی ما، از علاقه‌ی ما به جلوه‌فروشی و خودنمایی؛ باید مراقب باشیم. بانوان عزیز هم باید مراقب باشند، دخترهای جوان هم باید مراقب باشند.^۲

ایمان و استقامت مادران شهدا

بعضیها دو فرزند، بعضیها سه فرزند، بعضیها چهار فرزندشان به شهادت رسیدند. مادرانی را که عزیزانشان به شهادت رسیده بودند، ما دیدیم آنچنان از خودشان استقامت نشان میدادند که انسان را به حیرت فرو میبرد. من با خانواده‌های مکرم شهدا، بحمدالله دید و بازدید و نشستهای متعددی را همیشه داشته‌ام و دارم. به نظرم رسیده است که مادران شهدا، از لحاظ قوّت و قدرت، حقیقتاً بی‌نظیرند. این، چه نیرویی است که به زنی که عاطفه و احساسات در او قوی است و فرزند خودش را عاشقانه دوست میدارد، آنچنان قوّتی میبخشد که در مقابل شهادت یک فرزند یا دو فرزند یا بیشتر، چنین قدرت و قوّتی را از خود نشان میدهد؟ این، از ایمان است.^۳

ایثار و استقامت مادران شهدا؛ عامل ایستادگی در هشت سال دفاع مقدّس

مادر، مادر شهید، مادر دو شهید، مادر سه شهید، مادر چهار شهید؛ شوخی نیست؛ اینها به زبان آسان می‌آید. بچّه‌ی انسان سرما میخورد، دو

۱. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۴۵

۲. در دیدار جمعی از مدّاحان سراسر کشور (۲۳/۲/۹۱)

۳. در جمع خانواده‌های شهدای ایلام (۶۹/۱۰/۱۳)

تا سرفه میکند، چقدر نگران میشویم؟ یک بچه‌ی انسان برود کشته بشود، دوّمی برود کشته بشود، سوّمی برود کشته بشود؛ شوخی است؟ و این مادر با همان احساسات مادرانه‌ی سالم و جوشان و پرفوران، آنچنان نقشی ایفا کند که صد تا مادر دیگر تشویق بشوند بچه‌هاشان را بفرستند میدان جنگ. اگر این مادرها آن وقتی که جنازه‌ی بچه‌هاشان می‌آمد یا حتی نمی‌آمد، آه و ناله میکردند، گله میکردند، یقه چاک میزدند، اعتراض به امام و اعتراض به جنگ میکردند، مطمئناً جنگ در همان سالهای اوّل و در همان مراحل اوّل زمینگیر میشد. نقش مادران شهدا این است.^۱

شادی و افتخار مادران شهدا

مردم ما آدمهایی نبودند که یک جوانشان کشته بشود، شیرینی پخش کنند؛ بعد ناگهان ما دیدیم واقعاً هم ناگهان دیدیم دیگر، یعنی ماها که در جریان بودیم، هیچ سابقه‌ای نداشتیم در مشهد، در تهران اینهایی که به چشم خودمان دیدیم جوانشان که در مواجهه با پلیس کشته میشود، در مجلس ترحیمش شیرینی می‌آورند و پخش میکنند! بعد انقلاب پیروز شد و جنگ آمد و این هزاران شهید، با شادی و افتخار پدر و مادرها مواجه شد؛ حتی به این صورت که مادری دو جوان خودش را من دیدم این مادر را به دست خودش کفن و دفن کرده بود! این چیزها دیده شد. مادرهای شهدا زینت کردند. اتفاق افتاد که وقتی خبر آوردند که بچه شما شهید شده، در مجلس ترحیم، با زینت وارد شدند مثل مجلس شادی! یعنی خدا مصیبت را میدهد، صبر مصیبت را هم میدهد. این، نشاندهنده‌ی این است که برکات الهی بناست نازل بشود.^۲

۱. در سوّمین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)

۲. در دیدار با رهبر و اعضای حزب الله لبنان (۷۶/۷/۲۲)

شکرگزاری مادر از شهادت فرزند

یک مادری نامه‌ای فرستاده و نوشته است که من مادر یک شهید هستم و اسم شهید را هم آورد که یکی از پاسداران مقرر شهید مطهری بوده و رفته جبهه و شهید شده، این مادر نوشته است: شکرانه اینکه بچه من رفته شهید شده مبلغ ۱۲۰۰۰ ریال به شما تقدیم میکنم و این را بعنوان هدیه از خانواده شهید قبول کنید. بخاطر اینکه بچه‌اش رفته و در راه خدا شهید شده، شکر میکند و به این وسیله شکر خود را اظهار میکند. این را میگویند ترقی و تعالی زن. کجایند آن کسانی که هنوز این ارزشها را حاضر نیستند درک کنند.^۱

ارزش والای صبر و بزرگواری خانواده‌های شهدا

عظمت شهدا چیزی نیست که فقط ما بعنوان یک مجمع مسلمان و انقلابی در مقابل آن سر تعظیم فرود بیاوریم؛ هر انسان با انصاف و با بصیرتی باید در مقابل این عظمت، احساس خضوع کند. شهید، آن کسی است که جان و هستی خود را در راه عالیتین آرمانها و آرزوهای بزرگ مردم خود فدا کرده است. جانبازان و آزادگان و مفقودان و خانواده‌هایی که این عزیزان را پرورش داده‌اند، همه در همین صف پُر افتخار قرار دارند. آن پدر و مادر یا همسر و فرزند و برادر و خواهری که فداکاری عزیز خود را با صبر و بزرگواری تحمل میکنند، او هم از ارزش بسیار والایی برخوردار است.^۲

فرستادن فرزندان به جبهه

این ملت، با هشت سال مقاومت جوانمردانه‌ی خود در جنگ تحمیلی؛ با هفده سال ایستادگی در مقابل تهدیدها و خباثتهای استکبار و دشمنان، حداقل این مسأله را به همه‌ی دنیا ثابت کرده است که ملتی نیست که با زور

۱. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۶۴/۱۲/۲۳)

۲. در جمع خانواده‌های شهدا، جانبازان و آزادگان در مصلاّی رشت (۸۰/۲/۱۱)

و تهدید بشود او را به راهی کشاند، یا از راهی برگرداند. این مادران را ببینید! این شیرزنانی که فرزندان خود را در راه خدا، به جبهه‌های جنگ فرستادند - مثل کسی که به حجله‌ی عروسی میفرستد - و خم به ابرو نیاوردند.^۱

مقام والای رضای مادران شهدا

ممکن است انسان اجری را به دست بیاورد و بعد بخاطر اینکه مشکلاتی را متحمل میشود یا دردی را میکشد، آن اجر چند برابر بشود. من مادران زیادی را دیده‌ام که شهادت یک یا دو فرزند - یا بیشتر - برای آنها - بعنوان عملی که آنها را به خدا نزدیک میکند - شیرین هم هست؛ شادند. جوانش را در راه خدا داده است که اگر ایمان نبود، باید از چشمش اشک و خون میریخت؛ اما شاد است. این همان چیزی است که اجر را روز به روز بیشتر میکند. مقام را بالاتر میبرد.^۲

افتخار به قربانی شدن فرزندان در راه اسلام، نه دموکراسی

مادرانی که فرزندان خود - گاهی دو پسر، سه پسر، چهار پسر - یا داماد و شوهر خود را قربانی کردند و خم به ابرو نیاوردند و احساس افتخار نمودند، دنبال دموکراسی غربی و جمهوری دموکراتیک و امثال اینها نبودند. منشور واقعی انقلاب و خواست حقیقی مردم همان چیزی است که در قانون اساسی ما - بخصوص در اصول اول آن - منعکس شده است.^۳

الگوی رفتاری حضرت زینب(س) در برخورد مادران شهدا

ده سال پیش، هشت سال پیش اگر به شما میگفتند که زن ایرانی به جایی خواهد رسید که بچه‌های خودش را دو تا دو تا، سه تا سه تا میفرستد جبهه و از کشته شدن آنها گریه نمیکند حتی باور میکردید؟ بنده که باور

۱. در دیدار با مردم مشهد و زائران حرم امام رضا (ع) (۷۵/۱/۴)

۲. در دیدار خانواده‌های شهدای گجساران (۷۳/۳/۲۰)

۳. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۸۱/۹/۱)

نمی‌کردم. مادرها بچه‌شان را سربازی می‌بردند، فقط سربازی، آن هم سربازی آن وقت؛ نه تویش تیراندازی بود، نه تویش نمیدانم خطر بود، هیچی نبود، سربازی میرفت دو سال برمیگشت توی خانه و زندگی‌اش، بعد مادرها از گریه خودش را میکشیدند. یادتان نیست شماها. به این متوسل میشد به آن متوسل میشد بچه‌اش را بردند سربازی. دو سال دوری نبود می‌آمد، هر چند ماه یکبار می‌آمد، میرفت. همین که رفته بود سربازی، اسم سربازی دل زن را فشار میداد. سبحان‌الله، حالا زن اصفهانی آمده پیش من می‌گوید من چهار تا بچه‌ی خودم را که توی دامن خودم بزرگ کرده بودم با دست خودم گذاشتم توی قبر؛ راست میگفت، من خبر دارم. قبل از اینکه آن خانم بیاید هم من میدانستم. بعد هم آمد دیدمش اینجا. زنهای یکی، دو تا، سه تا، چهار تا شهید داده توی مملکت ما زیادند، باکشان هم نیست.

کی باور میکرد؟ حالا باور کردید که حضرت زینب (سلام‌الله علیها) دو تا بچه‌های خودش را سرهایشان را شانه کرد فرستاد گفت بروید بجنگید کشته بشوید، کفن به گردنشان انداخت. آن وقتها هم ما درست باورمان نمی‌آمد، قبول داشتیم که هست اما درست تصوّر نمی‌کردیم، حالا دیگر تصوّر میکنی، حالا می‌فهمیم که آره اینجوری میشود. به حضرت زینب (سلام‌الله علیها) هم شما یک قدم نزدیک شدید. درست است؟ چهره‌ی حضرت زینب (سلام‌الله علیها)، را حالا میشناسید، می‌فهمید که آره میشود، اینجوری است، اینجوری بوده حضرت. هر چه نزدیکتر بشوید، هی چیزهای دیگری برایتان آشکار خواهد شد.^۱

صبر بر شهادت؛ مجاهدت تمام نشدنی خانواده‌ی شهدا

این جوانی که جبهه رفت و شهید شد فقط خود او نبود که مجاهدت کرد؛ شما هم که پدر هستید مجاهدت کردید که رفت. شما هم که مادر او

۱. در دیدار با خواهران پرستار واحد بسیج (۶۱/۱۱/۳۰)

هستید مجاهدت کردید که او رفت. رفتن یک جوان به سمت محلّ خطر این فقط مجاهدت او نیست، پدر او هم با رفتن او مجاهدت میکند، مادر او هم با رفتن او مجاهدت میکند، همسر او هم مجاهدت میکند، فرزندان او هم مجاهدت میکنند، هر کسی که به او علاقه دارد مجاهدت میکند. و شگفتا که این مجاهدتها تمام هم نمیشود! خود او به جبهه میرود مدّتی ایستادگی میکند و شهید میشود مجاهدت او تمام شد؛ امّا مجاهدت این مادر، ادامه دارد؛ مجاهدت این پدر ادامه دارد. صبر اینها، مجاهدت اینهاست. مجاهدت این فرزندان ادامه دارد؛ مجاهدت آن همسر جوان ادامه دارد. اینها که صبر میکنند، اینها که شکایت نمیکنند، اینها که پای خدا محاسبه میکنند، اینها که این خون را مایه‌ی افتخار خودشان میدانند، اینها که با این صبر و شکر خودشان گردونه‌ی مجاهدت را بین بقیّه‌ی مردم ادامه میدهند، اینها که مایه‌ی تشویق دیگران به جهاد میشوند، اینها که با بیانات حکایت‌کننده از استواری آنها مایه‌ی آبروی یک ملت میشوند، اینها که موجب میشوند ملت و کشور در عرصه‌ی افکار عالم، به صورت یک الگو در بیاید که ملت ایران درآمده است اینها مجاهدت میکنند. اگر پدران و مادران و همسران شهدا بیصبری و شکایت میکردند، منت میگذاشتند، آه و ناله میکردند، مگر چهره‌ی این ملت اینقدر درخشان میشد؟!^۱

صبر و افتخار مادران شهدا؛ عامل زنده ماندن نهضت

من همیشه به خانواده‌های شهدا گفته‌ام که شهدای ما خطّ مقدّمند؛ پشت سر شهدا، خانواده‌هاشان هستند؛ همین پدران و مادران و همسران که به رزمندگی جوان و مرد خانه و محبوبشان افتخار کردند؛ از کشته شدن او نترسیدند؛ او را از رفتن منع نکردند؛ حتی مادران بچه‌هاشان را تشویق کردند! چه میشنویم و چه میبینیم؟! این چه حوادث عظیمی است در زمان ما و در مقابل چشم ما؟! اگر این حوادث در تاریخ بود، انسان با تردید آنها

۱. در دیدار با خانواده‌های معظّم شهدای نیروهای مسلّح و جهادسازندگی (۷۷/۷/۵)

را میگفت. خیلیها هم در بیرون از این مرزها، این مسائل را با تعجب زیاد میشنوند؛ اما شما خودتان آنها را لمس کرده‌اید. در رفتن به میدان جنگ، پدران با فرزندانشان، و فرزندان با یکدیگر مسابقه گذاشتند! همسران غصه خوردند و گریه کردند که چرا آنها نمیتوانند به میدان جنگ بروند؛ و صبر کردند و در خانه‌ها نشستند و پشت جبهه را نگه داشتند؛ بعد هم که آن رزمنده شهید شد، پدران و مادران و همسران و فرزندان شکر کردند و به شهادت شهیدشان افتخار نمودند! این است که شعله‌ی یک نهضت، همچنان زنده میماند. این است که امام بزرگوار، قلّه‌ی عزّت و عظمت را برای اسلام فتح میکند. این است که ملت‌ها صریحاً میگویند: ای ملت ایران! ما از شما یاد گرفتیم؛ شما معلّم ما هستید.^۱

تعلّق افتخار عظیم هشت سال مقاومت به پدران و مادران و همسران شهدا

نکته‌ی مهم این است که اگر ما در جوانان این کشور در مدّت هشت سال آن مقاومت بزرگ را مشاهده کردیم، یک افتخار عظیم این شرف و عظمت متعلّق به پدران؛ مادران و همسران است؛ آن کسانی که تحمّل کردند تا عزیزانشان به آن میدانهای دشوار بروند؛ آن مادرانی که جوانانشان را در آغوش خود پرورش دادند، جگرگوشه‌هایشان را به جوانی رساندند، بعد آنها را به پیشباز فداکاری و شهادت فرستادند؛ آن پدرانی که تحمّل کردند جوانانشان بروند و پیکرهای بیجانِ مطهر و خون‌آلود آنان برگردد؛ آن همسرانی که دوری یار و نگهداری فرزندان را تحمّل کردند؛ آن فرزندانی که نداشتن پدر و سایه‌ی سر را قبول کردند.^۲

۱. در دیدار گروهی از خانواده‌های شهدا، آزادگان و جانبازان استان بوشهر (۷۰/۱۰/۱۱)

۲. در دیدار خانواده شهدا و جانبازان اردبیل (۷۹/۵/۳)

ایثار پدران و مادران و همسران شهدا؛ عامل بالانگه داشتن طراز اجتماع و آماده کردن آن برای خودسازی

بنده لازم میدانم علاوه بر اظهار ارادت و اخلاص به پدران و مادران و همسران و فرزندان شهدای عزیز، به خانواده‌های عزیزان جانباز و همسران آنها که متحمل زحمات آنها هستند، عرض ارادت کنم. این تلاشها، تلاشهایی است که در دیوان ارزشهای الهی، در شمار برترین ارزشها قرار دارد. اینها یک اجتماع را، یک جامعه را، یک ملت را در طراز بالا زنده نگه میدارد و او را آماده‌ی خودسازی میکند.^۱

منش و رفتار مادران و همسران شهدا؛ عامل درخشش چهره‌ی ملت

اگر پدران، مادران و همسران شهدا بی‌صبری و شکایت میکردند؛ منت میگذاشتند و آه و ناله میکردند، مگر چهره‌ی این ملت این قدر درخشان میشد؟! این شما بودید که به این ملت آبرو دادید. این شما بودید که با حرفهایتان، با بیاناتتان، با منش و رفتارتان، با بالا گرفتن سرتان بخاطر شهادت این فرزندان، چهره‌ی این ملت را اینطور نورانی کردید! این مجاهدت، هنوز هم ادامه دارد. سالهاست که این شهید، به رضوان الهی پیوسته است - مجاهدت او تمام شد - ولی مجاهدت شما ادامه دارد. کدام ارزشی و کدام کار بزرگی اینطور ترکیب پیچیده‌ای از مجاهدتهای گوناگون - آن هم برای مدتهای طولانی - است؟! هر کار خوبی را یک بار انجام میدهند، تمام میشود. صدقه‌ی در راه خدا، پولی است میدهند، تمام میشود و میرود؛ اما شهادت، اینگونه نیست. ببینید چقدر والاست!^۲

روحیه‌ی مادران شهدا نشاندهنده‌ی نقش زنان مؤمن

من با خانواده‌های معظم شهدا دیدار و نشست و برخاست زیادی داشته‌ام. در کمتر خانواده‌ی شهیدی است که روحیه‌ی مادر از روحیه‌ی پدر

۱. در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران استان خراسان شمالی (۹۱/۷/۲۲)

۲. در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای نیروهای مسلح و جهاد سازندگی (۷۷/۷/۵)

بالا تر نباشد. در اغلب خانواده‌ها، روحیه‌ی مادر شهید از روحیه‌ی پدر شهید بالاتر است. این، یک چیز فوق‌العاده است. این، نقش زنان مؤمن را در این انقلاب نشان می‌دهد؛ زنانی که برای پیروزی انقلاب و برای پیشرفت مقاصد انقلاب ایستادند و همه چیز را برای اهداف و آرمانهای الهی و اسلامی خود فدا کردند.^۱

روحیه و استقامت زنان؛ پشتگرمی برای ملت‌ها

من به شما عرض می‌کنم که ای پدران و مادران و همسران و فرزندان و برادران و خواهران شهدا! این آبرو و این روحیه را برای خودتان حفظ کنید، همچنانکه - بحمدالله - حفظ کرده‌اید. دنیا تاریک و پر از ظلم است. ملت‌ها تنه‌ایند و احتیاج به پشتگرمی دارند. روحیه‌ی شما و تداوم نهضت شما و استقامت شما، مایه‌ی روحیه و پشتگرمی برای ملت‌هاست. شما زنان مسلمان، برای زنان فلسطین و زنان کشورهای اسلامی، مایه‌ی دلگرمی هستید. صریحاً می‌گویند که ما از شما به‌خصوص از شما جوانان یاد گرفته‌ایم. این مقاومت را حفظ کنید و این ایستادگی را غنیمت بشمارید. با استقامتتان، با وحدتتان، با حضورتان در صحنه‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی و سازندگی و اداره‌ی کشور، و با پیشبرد کارها و پشت سر مسؤولان قرار گرفتن، آبرویی را که به اسلام داده‌اید، تداوم ببخشید، شماها اسلام را زنده کردید.^۲

شیرینترین برخوردها توسط بازماندگان شهدا در سختترین مصائب

صلوات و رحمت خدا بر آن صابران که مصیبت و حادثه‌ی گزنده را تحمّل میکنند و با روی باز با آن مواجه میشوند. مادری که دسته گل عزیز خود را در طول سالیان دراز بزرگ کرده و به برگ و بار رسانده؛ پدری که آرزوی جوانی فرزند را در طول سالیان دشوار تربیت همواره در دل پرورانده، ناگهان خبر میشود که این جوان در جبهه‌ی جنگ به شهادت

۱. در دیدار جمع کثیری از پرستاران (۷۰/۸/۲۲)

۲. در جمع خانواده‌ی شهدا، مفقودین، جانبازان بوشهر (۷۰/۱۰/۱۱)

رسید؛ صبر میکند. خیر شهادت به همسر محبوب او میرسد؛ یارِ دورانهای تلخ و شیرین زندگی و دل پیوند خورده‌ی با دل این زن؛ خیلی اینها سخت است؛ خیلی سخت است؛ اما مردم ما با بازترین چهره و شیرینترین برخورد، این سختیها را تحمل کردند. این گزافه نیست اگر بگوییم در هیچ ملّتی و در هیچ جنگی، آزمایشی که ملّت ما دادند، پیش نیامده است. صبر پدر و مادر و همسر و فرزند در فقدان عزیزشان در جبهه، گاهی دشوارتر از صبر خود آن رزمنده است در زیر گلوله‌های آتشبار دشمن. این صبر را مردم نشان دادند. من با پدران شهدا، مادران شهدا و همسران شهدا زیاد نشست و برخاست کرده‌ام و میکنم؛ داستانها و ماجراها در این دیدارها از زبان آنها شنیده‌ام که حیرت‌آور است. شماها هم میدانید.^۱

عنصر مبارز و فعال و صبور

اولین پاسخ‌دهندگان به همه‌ی دعوت‌های بزرگ انقلابی بانوان هستند فرزندان را و شوهران را مادران و همسران هستند که تشویق میکنند به حضور در میدانهای پر خطر. این در جامعه‌ی ما یک واقعیت موجود و ملموس است. یک ادّعا نیست و از پیش از پیروزی انقلاب این روند شروع شد؛ یعنی خانمها اولین راهپیماییهای خطرناک را شروع کردند و در میدانهای پرخطر حضور پیدا کردند و محیطهای خانواده را لبالب از احساس قهر انقلابی کردند و کانون مبارزه را گرم کردند. یک مرحله‌ی دیگر هم در مبارزه‌ی زنان ما وجود دارد و او مرحله‌ی بعد از پیروزی انقلاب است که بعد از پیروزی انقلاب همانطور که گفتم، چه در میدانهای شور و احساس انقلابی و پاسخ گفتن و لبیک گفتن به خواستها و دعوت‌های انقلاب و چه در تحریض و تحریر مردان و چه در اثبات مقاومت کنونی جامعه‌ی ما یک نقش فوق‌العاده حسّاس و برجسته‌ای داشتند، اینها از چی شد؟ این کدام عنصر در شخصیت زن هست که او را به این کیفیت به صورت یک

۱. در دیدار با خانواده‌ی شهدا و ایثارگران (۸۵/۸/۱۸)

عنصر مبارز و فعال و باایمان و صبور و تحمل‌کننده‌ی همه‌ی مشکلات در می‌آورد؟ این نکته‌ی عزیمت فکری ماست، هیچ میدان تجربه‌ای برای مسائل انسانی از میدان اجتماع آن هم در دورانهای دشوار و بحرانها بهتر نیست. میدان جامعه‌ی ما که دوران یک تحوّل عظیم و بنیادین را پشت سر گذاشت، میدان آزمایش ویژگیهای انسانی است.^۱

نقش همسران شهدا در شرف و عزّت ایران

همسران سربازان شجاع و افسران و درجه‌داران، به همان اندازه‌ی سربازان در این مبارزه نقش داشتند.^۲

اگر بعد از انقلاب، در دوران این جنگ تحمیلی هشت ساله، این جوانهای فداکار این ملت نبودند، اگر همین ایثارگران، همین بسیجیان، همین ارتش و سپاه، این خانواده‌ها، این همسران جوانی که حاضر شدند شوهرانشان را به جبهه‌های جنگ بفرستند و در فراق آنها بمانند و آخر هم نعل آنها را تحویل بگیرند یا نگیرند و اگر این پدر و مادرهای از خودگذشته نبودند، شما خیال میکنید عزّتی برای ملت ایران میماند؟! ملت ایران را تحقیر میکردند. امروز شما، عزیز و سربلندید. من اطلاعات زیادی دارم که کسانی در نقاط دوردست دنیا بخاطر جنگ، به اسلام توجّه پیدا کردند بعضیها به مذهب تشیع توجّه کردند نه بخاطر تبلیغات ما، نه بخاطر انقلاب، بلکه بخاطر جنگ؛ این جنگ بزرگ، این دفاع عظیم و شکوهمند! یعنی بخاطر همین کاری که جوانهای شما کردند، نام ایران عظمت پیدا کرده است؛ در دنیا عزّت پیدا کرده است. افتخار این دستاورد بزرگ، متعلق به شهدا، جانبازان، آزادگان، ایثارگران و خانواده‌هایشان است؛ افتخار مال اینهاست. ملت ایران باید در مقابل اینها احساس احترام کند، باید خود را در

۱. در کنگره‌ی جهانی زن (۶۶/۱۱/۱۷)

۲. بیانات در دیدار مردم در پایگاه چهارم شکاری دزفول (۷۸/۱/۸)

مقابل آنها موظف بدانند. مسؤولین هم در درجه‌ی اوّل باید خود را موظف بدانند. باید خود را موظف به احترام و تکریم آنها بدانیم.^۱

حافظ خون و نگهدارنده‌ی عَلم شهید

شما عزیزان خانواده‌های عزیز، پدران، مادران، همسران، فرزندان و بقیه‌ی کسان شهدا این افتخار را برای خودتان حفظ کنید که حافظ خون شهید و دنباله‌رو راه شهید و نگهدارنده‌ی عَلم شهید باشید که همان عَلم راه خدا و دین خدا و حفظ ارزشهای الهی و اسلامی است.^۲

تقاضای تبریک به جای تسلیت

این مبارزه توانست زنده‌ی خانه‌نشین و گوشه‌نشین ما را در میان تظاهرات خیابانی به خیابانها بکشانند.

اگر عقیده و باور اسلامی نبود، آن مادری که فرزندش یا فرزندانش را در مقابل چشمش شهید کرده‌اند، به جای تسلیت از مردم تقاضای تبریک نمی‌کرد، آن پدر داغدیده در مجلس ختم فرزندش و یادبود شهادت فرزندش شیرینی نمیداد. در قبرستانها مادران به جای نوحه و زاری، نطق و خطابه ایراد نمی‌کردند.^۳

موفقیت خانوادگی‌های ایثارگر در امتحان بزرگ

همه‌ی کسانی که در جنگ تحمیلی هشت ساله، چه با حضور خود یا فرزندان و عزیزانشان حضور و فعالیت داشته‌اند، مخصوصاً خانواده‌های شهیدان عزیز و جانبازان و اسیران گرامی، باید بدانند که در امتحانی بزرگ شرکت کرده و در آن سربلند بیرون آمده‌اند. خدا را بر این توفیق بزرگ،

۱. در اجتماع باشکوه مردم کرج (۷۶/۷/۲۴)

۲. در دیدار با خانواده‌های معظم شهدای نیروهای مسلح و جهادسازندگی (۷۷/۷/۵)

۳. به مناسبت روز پاسدار

سپاس‌بگزارند و روحیه‌ی دفاع از اسلام را که موهبتی عظیم است، برای خود حفظ کنند.^۱

اجر بالاتر از عبادت بخاطر رنج خانواده‌ی شهدا

شما پدرها و مادرها و همسرها و فرزنداها و خواهر، برادرها و بقیه‌ی خویشاوندان این شهیدان عزیز، که بخاطر فقدان این عزیزان رنج میبرید، این غصه‌ای که شما میخورید، این رنجی که شما میبرید، این ناراحتی که شما پیدا میکنید، به قدری پیش خدای متعال اجر دارد که با کمتر عبادتی میشود این قدر اجر را به دست آورد! آنطوری که من از خلال بعضی از دعا‌های صحیفه‌ی سجادیّه به دست آوردم و احساس کردم، اجری که خدای متعال برای سختیها به انسان میدهد که این هم از جمله بزرگترین سختیهاست گاهی از اجر عبادات، خیلی بیشتر است؛ بگونه‌ای است که خود آن کسی که دچار این مشکل شده، وقتی میبیند که خدای متعال برای او چه اجری در نظر گرفته، باورش نمی‌آید؛ این اجر، اینقدر عظیم است! لذا شماها هم درست است که ناراحتید، عزیزانتان در بلاد غربت از دست رفته‌اند، به دست دشمنان دین، آنطور به شهادت رسیده‌اند و شما را داغدار کرده‌اند، اما اجر شما پیش خدای متعال، خیلی بالاست. سعی کنید که این اجر را برای خودتان نگه دارید؛ ناشکری نکنید. البته ناشکری نکردن، معنایش این نیست که انسان گریه و مصیبت‌داری نکند، نه، اینها اشکالی ندارد؛ اما انسان بایستی بداند که از سوی خداست و صبر کند.^۲

نقش بی‌بدیل و فداکاری همسران شهدا و جانبازان

همسران صبور شهدا، زنهای جوان، شوهران جوان خودشان را در آغاز زندگی شیرین خانوادگی مورد آرزو از دست بدهند. اولاً راضی بشوند این

۱. در پیام به خانواده‌های شهدا، اسرا و مفقودان (۶۸/۶/۲۳)

۲. در دیدار خانواده‌های شهدای سپاه در کردستان (۷۶/۷/۱۵)

شوهر جوان بلند شود برود جایی که ممکن است برنگردد؛ بعد هم شهادت او را تحمّل کند؛ بعد هم افتخار کنند، سرشان را بالا بگیرند. اینها آن نقشهای بی‌بدیل است. بعد آنچه که تا امروز ادامه دارد، همسری با جانبازان است. خانمهایی رفتند همسر جانبازان شدند. یک مرد ناقص معیوبِ احیاناً بداخلاقِ بخاطر وضع جسمی یا اختلالات ناشی از موج‌گرفتگی و غیره را انسان بعنوان یک متعهد و یک مسؤل، داوطلبانه و بدون هیچ اجباری برود پذیرایی‌اش را به عهده بگیرد، خیلی فداکاری کرده است. یک وقت شما می‌گویید من می‌آیم روزی دو ساعت از شما پذیرایی می‌کنم. خب، هر روزی که شما می‌روید، او از شما تشکر میکند. یک وقت هست که نخیر، شما خودتان را بعنوان همسر او توی خانه‌ی او می‌گذارید؛ شدید بدهکار! یعنی طبیعت کار این است که باید شما این کار را بکنید. اینها این فداکاری را کردند. اصلاً نمیشود نقش زنان را محاسبه کرد.^۱

تکریم و تجلیل از همسران جانبازان

من به این خانمها^۲ عرض بکنم؛ پرستاران و همسران و کسانی که به تعبیر این برادر عزیزمان، پروانه‌وار گرد جانباز قطع نخاعی، جانباز گردنی می‌چرخند، برای اینکه آسایش او را فراهم کنند، ادامه‌ی زندگی راحت او را ممکن کنند. من واقعاً از همه‌ی این همسران محترم، صمیمانه و از ته دل تشکر می‌کنم. این خانمها بدانند که اجر آنها در خدمت صادقانه و با روی خوش به این جانباز، یکی از بزرگترین ایثارهاست، یکی از برجسته‌ترین جهادهاست؛ پیش خدای متعال اجرهای بزرگ دارد.^۳

ثواب و پاداش الهی در برابر تحمّل مخلصانه‌ی همسران جانبازان

من به همسران این جانبازانی که بر روی ویلچر سوار هستند، خیلی

۱. در سوّمین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)

۲. همسران جانبازان

۳. در دیدار جمعی از جانبازان قطع نخاعی (۹۰/۷/۶)

ارادت دارم. میدانم که اینها خیلی زحمت میکشند؛ خیلی رنج میبرند؛ خیلی فداکاری میکنند. آن کسانی که اینطور هستند، آن زنهایی که این رنج را از روی اخلاص تحمّل میکنند، ثواب الهی بر آنها گوارا باد.

همچنین خواستیم به خانواده‌های آزادگان و مفقودین، عرض اخلاص کنیم. آزادگان چند سال رنج بردند. پدر و مادرهاشان، زنان، همسران و فرزندان‌شان نیز اینجا رنج بردند. اگر بگوییم که رنج زن و بچه و پدر و مادر اینها، از رنج خودشان بیشتر بود، مبالغه نکرده‌ایم! رنج بردند؛ خیلی زحمت کشیدند و تحمّل کردند. خدا از آنها راضی باشد. بحمدالله برگشتند و شیرینی دیدار عزیزان، بعضی از آثار آن رنجها را از بین برد؛ اما خانواده‌های مفقودین، هنوز گرفتارند!

خدای متعال، فرشتگان و قدسیان؛ قدردان همسران جانبازان

من درباره‌ی شهدا، همیشه این جمله را به خانواده‌های شهدا عرض میکنم که در دفاع از حق و حقیقت، خاکریز اول، مال همین ایثارگران است - چه شهید، چه جانباز و امثال اینها، مثل آزادگان و مفقودین. اینها هم خطّ مقدمند - و پشت سر اینها - یعنی خاکریز دوم - خانواده‌های اینها هستند - پدران و مادران و همسران شهدا - اجر زیادی دارند. امروز این را هم اضافه کنیم که همسران جانبازان هم خیلی اجر دارند. من میخواستم این مطلب را بعنوان قدردانی از بانوانی که به عقد همسری جانبازان در می‌آیند و میخواهند به این عزیزان خدمت بکنند، بر زبان جاری کنم و حالا همان وقت است. من از همسران جانبازان در سراسر کشور تشکر میکنم. آنها جوانانی را که جزو فداکاران برجسته‌ی ما هستند؛ در آغوش محبت خودشان گرفته و از آنها پذیرایی میکنند. گمان نشود که جامعه و مسئولین، قدر این خدمت و فداکاری را نمیدانند، چرا میدانند. البته بالاتر از قدردانی همه‌ی بشریت، قدردانی پروردگار عالم و قدردانی ملاّعلی

۱. در دیدار با خانواده‌های شهدا، جانبازان و آزادگان در مصلاّی ارومیه (۷۵/۶/۱۷)

است - فرشتگان و قدوسیان که کارهای نیک بندگان خدا را در زمین میبینند و برای آنها پیش خدای متعال تمجید و استغفار میکنند - قدردانی اینها از قدردانی امثال من - که سر تا پا قصور و نقص و تقصیر هستیم - بمراتب ارزشمندتر است. لیکن ما هم قدردانی میکنیم.^۱

۳-۳- تأثیر انقلاب در وضعیت زنان

تجلیل انقلاب از زن ایرانی؛ عامل نقش آفرینی او در صحنه‌های انقلاب
البته از بعد از پیروزی انقلاب، درباره‌ی مسأله‌ی زن و تلاش برای دفاع از حقوق زنان، فعالیت‌های زیادی شده است. در حقیقت باید گفت که بعد از انقلاب، از زن ایرانی تجلیل شده است. پیشقراول این تجلیل هم امام بزرگوار بود که با همه‌ی وجود برای زن ایرانی مسلمان ارزش و احترام قائل بود. همین بینش بود که موجب شد زنان کشور در انقلاب اسلامی سهم بزرگی را ایفا کردند؛ بطوری که اگر حضور زنان در نهضت انقلابی ملت ایران نمی‌بود، به احتمال زیاد این انقلاب به این شکل پیروز نمیشد؛ یا اصلاً پیروز نمیشد، یا مشکلات بزرگی در سر راه آن پدید می‌آمد. بنابراین، حضور زنان مشکل‌گشا بود. در جنگ هم همینطور بود، در مسائل دیگر از اول انقلاب تا به حال هم همینگونه بوده است.^۲

امام خمینی (ره)؛ احیاگر هویت زن

همه‌ی ما، به خصوص زنهای این جامعه باید حقگزار و قدردان رسالت و پیام آن رهبر و پیشوای فقید عظیم‌الشانی یعنی امام بزرگوار باشیم که با قیام و حرکت خود و با مطرح کردن ارزشها و عظمت‌های اسلامی و درخشندگی‌های شخصیت‌های صدر اسلام از جمله فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله علیها)

۱. در دیدار خانواده‌های شهدای گجساران (۷۳/۳/۲۰)

۲. در همایش بزرگ خواهران در ورزشگاه آزادی (۷۶/۷/۳۰)

ما و بیش از همه زنهای ما را زنده کرد.^۱

تودهنی انقلابی به افکار پوچ

توی تظاهرات روز عاشورا - که در مشهد بودم - رفتم بالای بلندی با دوربین خواستم جمعیت را نگاه کنم، چون آن جمعیت را ما هرگز ندیده بودیم، آنچنان جمعیتی. خواستم ببینم چقدر جمعیت است؛ یک دوربین گرفتم و رفتم روی ساختمان بلندی، حرکت جمعیت را که توی خیابانهای مشهد عبور میکرد بنا کردم نگاه کردن، یک چیز شگفت‌آوری بود اصلاً برای من، یک چیز عجیبی بود. برای همه یعنی در همه جا اینجور بود، از جمله در مشهد. چیزی که برای من از همه بیشتر شگفت‌آور بود شعارهای زنان بود، که من آنقدر تحت تأثیر قرار گرفتم که بعد سخنران آن روز هم خود من بودم. آمدم در آن محل سخنرانی و همان شعار را تکرار کردم و بحثم را اصلاً راجع به تبدیل زن قرار دادم.

شعارشان این بود که «قسم به سرور زنان فاطمه، ندارم از کشته شدن واهمه» که هزاران شعاری بود که همه جا داده بودند، مشهد هم میگفتند. بقدری این شعار گیرا و جدی بود، دروغ نمیگفتند، آدم کاملاً احساس میکرد که این شاید بگویم صدها هزار زن که با هم فریاد میکردند راست میگفتند و این اصلاً یک استحاله بود. میدانید یعنی شاید واقعاً درست باشد این تعبیر یک استحاله بود، اصلاً یک تبدیل ماهوی بود برای زن. خب، این را حرکت انقلابی ما به وجود آورد. چی در مقابل چی؟ این را درست دقت کنید. یک فکر و یک موج عظیم احساسات در مقابل یک فکر و ایدئولوژی که قبلاً رویش کار شده بود و یک موج عظیم غریزی. درست است؟ آن فکر با نقطه‌ی مقابل خودش باطل میشود، یعنی آن فکری که قبلاً سعی کرده بودند به صورت راسخی در زنها به وجود بیاورند - که البته در همه هم به صورت

۱. در دیدار با جمع کثیری از بانوان (۶۸/۱۰/۲۶)

راسخ به وجود نیامده بود - با استدلال و با سخنرانی و با همان حرفهایی که شما گفتید توی نماز جمعه بگویند و با مقاله و با این چیزها از بین می‌رود، معلوم می‌شود این فکر پوچ است؛ بعد تا حالا هم کم و بیش معلوم شده. آن موج غریزی‌ای که از آن استفاده می‌کردند با تهاجم تبلیغاتی که آن روز انجام میگرفت، با هیجان انقلابی تودهنی می‌خورد می‌رود کنار؛ اما یک چیزهایی میماند در آن وسط که اینها باید علاج بشود، یکی همان خود غریزه است. توجه کردید؟ اسلام برای اینها علاج دارد.^۱

حرکت حیاتبخش انقلاب؛ عامل حرکت زنان

تأثیر مجموعه‌ی زنان در انقلاب و بعد از انقلاب و در جنگ و مقاطع دیگر، بدون تردید تعیین‌کننده بود. زن به وسط میدان آمد. نتیجه‌ی همان حضور است که شما امروز میبینید در آزمون کنکور - به قول شما - شصت و چند درصد، دختران پذیرفته شده‌اند. این یک چیز معمولی و ناگهان پدید آمده نیست. همان حرکت حیاتبخش انقلاب و خونی که جوشید و در رگ جامعه‌ی زنان به حرکت درآمد، به این چیزها و به خیلی چیزهای دیگر و به فهم سیاسی شما - که در مسائل سیاسی، درک خوب، دقیق و در مواردی، بسیار روشن دارید - منتهی میشود؛ بنابراین سطح فکر جامعه‌ی زنان بالا آمد.^۲

معجزه‌ی انقلاب در رابطه با زنان

هنگامی که اولین پرچمهای پیروزی انقلاب از دور نمایان شد، یعنی سالهای ۵۶ و ۵۷ و نسیم خوش انقلاب آهسته آهسته بر پیکر مرده‌ی ما ملت ایران وزید و ما زنده شدیم، لطف خدا و برکت ایمان اسلامی اینجور پیش آورد که زنان نه فقط از مردان عقب نماندند، بلکه حتی در موارد

۱. در مصاحبه پیرامون جایگاه زن در جمهوری اسلامی (۶۳/۱۲/۴)

۲. در دیدار نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی (۸۰/۷/۱۴)

بسیاری پیشاپیش صفوف مردان حرکت کردند و این یک معجزه بود. در سال ۵۷ در بحبوحه‌ی تظاهرات و اجتماعاتی که بود، ما ناگهان دیدیم که زنان مسلمان ما علیرغم دوری از تیررس تبلیغات سیاسی و فکری اسلامی، آنچنان استوار پا در میدان گذاشتند که مردها را خیلی جاها عقب گذاشتند و از همه جلو افتادند، تا انقلاب پیروز شد.^۱

شستشو و تطهیر فرهنگ زنان با انقلاب

هر قشری را که شما حساب کنید، یک عیب مخصوص به خودش را دارد. زنها هم عیوبی دارند مخصوص به خودشان، البته همه‌ی این قشرها و گروهها و صنفها و جنسها در یک عیوب کلی هم مشترکند، اما هر کدامی یک جریان عیوب خاصی هم دارند. زنها مثلاً غیبت زیاد میکردند، سابقها اینجوری بود، مگر نبود جلسه‌ای که بنشینند، غیبت نکنند، اسم یک خواهری را نیاورند، بدگویی از او نکنند، عیبجویی نکنند، اصلاً چنین جلسه‌ای خیلی بعید بود و کم بود، کم پیش می‌آمد. سابق را میگویم. زنها به مسائل تجملاتی و ظاهری خیلی اهمیّت میدادند، چادر کی سنگینتر است؟ طلای کی بیشتر است؟ بعدها که یواش، یواش یک مقداری توسعه پیدا کرده بود میدان نفوذ خانمها و همه‌ی خانه را شامل میشد، مبل کی گرانقیمتر است؟ فرش کی نمیدانم زیباتر است؟ و از این قبیل، مال زنها بود دیگر. هر چی بود مال خانمها بود. این هم یکی، یک قلم درشت تجملگرایی. یک خصوصیت در بین خانمها بود آن وقتها که شاید آن مسأله‌ی غیبت که آن وقت گفتم، ناشی از این خصوصیت بود. عدم التّقاء با یکدیگر در یک مسائل مورد توافق و اشتراک. مردها زودتر به هم میرسیدند در یک سری مسائل، زنها دیرتر به هم میرسیدند. اختلاف در میان زنها بیشتر است آن وقت، خب و از این قبیل بود. حالا «أهل البيت أدری بما فی البيت»^۲ خود شما بهتر از من میدانید

۱. در دیدار با گروهی از خواهران طلاب مدرسه‌ی علمیّه مسجد سلیمان (۶۱/۶/۴)

۲. یعنی: اهل خانه آگاه‌ترند به آنچه در خانه است.

که عیوب زنها چیه و چی‌ها بود البتّه. درست است؟ حالا آب انقلاب ما را شسته، آب انقلاب ما را شستشو داد، ما هم همان از بسیاری از عیوب صنفی و قشری و انسانی و شخصی قبل از انقلابمان آمدیم بیرون، خیلی از عیوبمان انصافاً کم شد. خواهران هم در سطح کشور و در سنین مختلف، یک شستشو، یک تطهیر، یک طهارت پیدا کردند.^۱

انقلاب و متحوّل شدن زن ایرانی

در گذشته وقتی که جنگی هم نبود، وقتی جوانی را به سربازی میبردند، مادرش دو سال گریه و بیتابی میکرد، اما امروز همین مادر بچه‌اش را برای رفتن به جبهه تشویق میکند و این چقدر عظمت میخواید و انقلاب زن ایرانی را متحوّل کرده است.^۲

انقلاب و گردش زنان به سمت نور

انقلاب آمد و رفتار خانمها و جهت حرکت زنهای کشور ما را صد و هشتاد درجه عوض کرد؛ یعنی پشت به آن سمت و رو به سمت نور و رشد و فهم علمی و اخلاقی و سیاسی و حضور در میدانها و رشد شخصیت‌های بشری و فایده بخشیدن برای جامعه به معنای واقعی. مواظب باشید از این راه برنگردید. زنها مواظب باشند این راه مبارک انقلاب را گم نکنند. امروز، سرگرم شدن به زر و زیور، برای زن مسلمان ایرانی انقلابی، عیب است. امروز، پر کردن سر و سینه و دست از زیورآلات و بت قرار دادن زیور و آرایش و مد و لباس، برای زن انقلابی مسلمان ایرانی ننگ است. آن کسی که در پی اینگونه چیزهاست، ارزشش پایین است. طلا، برای زن ارزش‌آفرین نیست؛ بی‌اعتنایی به طلا، ارزش‌آفرین است. مد، برای زن ارزش‌آفرین نیست؛ بی‌اعتنایی نسبت به مدهای دام‌گونه‌ی ساخته و پرداخته‌ی دشمنان،

۱. در دیدار با خواهران واحد حزب جمهوری اسلامی تهران (۶۱/۱۱/۱۴)

۲. در دیدار با گروهی از بانوان (۶۳/۱۲/۲۱)

برای زن ارزش است.^۱

تحول فرهنگی در جامعه‌ی زنان بعد از پیروزی انقلاب

آن فرهنگی هم که قبل از انقلاب بر ذهن جامعه‌ی ما مخصوصاً بر ذهن زنان حاکم بود، یعنی فرهنگ تجمل پرستی، رفاه طلبی، تابعیت از خواسته‌ها و هوسهای نفسانی، این فرهنگ هم تقریباً، نمیگویم صددرصد، اما تقریباً متحول شده، به صورتی که به شکل سابق، دیگر امروز وجود ندارد. دخترهایی که جهیزیه نمیخواهند، دخترهایی که مهریه‌ی زیاد نمیخواهند، دخترهایی که حاضرند همسر معلولان جنگی بشوند، دخترانی که حاضرند در راه خدا هر کاری که خدا از آنها میخواهد انجام بدهند، امروز در جامعه‌ی ما زیادند. خب این وضع کنونی زنان ایران است. شما در میان یک چنین وضعیتی، شما خواهران، در صدد برآمدید که از یک بعد دیگری به یک حرکت جدید و خوش عاقبتی دست بزنید و آن حرکت عبارتست از پرداختن به اندیشه‌ی اسلامی و فراگرفتن اسلام و علوم اسلامی از همان راهها و روشهایی که علمای بزرگ دین و فهمندگان و دانندگان اسلام از آن طرق استفاده کردند.^۲

ایجاد زمینه‌ی فرهنگی و بازسازی فرهنگی در مورد زنان در کل جامعه

انقلاب بکلی وضعیتی را عوض کرد اگر چه نه عمیق، سطحی، اما واقعاً این جریان به این وسعت را برگرداند به یک طرف دیگر؛ که خب نمونه‌اش را شما نگاه میکنید میبینید در این مادران شهدا، همسران شهدا، خیلی از دخترانی که در راههای انقلاب و اینها چه آثار بزرگ و خوبی از خودشان نشان دادند و روش عمومی زنها در جامعه‌ی ما به خصوص در چند سال، دو سه سال اول انقلاب. بله چون جریان عمق خیلی نداشته، همیشه باید منتظر نوعی ناکامی در این جریان خوب بود، احتمال این را داد

۱. در دیدار با جمع کثیری از زنان (۶۸/۱۰/۲۶)

۲. در دیدار با گروهی از خواهران طلاب مسجد سلیمان (۶۱/۶/۴)

که ناکامی‌هایی، نافرجامی‌هایی به وجود بیاید، که باید در مقابل آنها هم یک برنامه‌هایی داشت و برای پرهیز از آن کارهای زیادی انجام داد، همیشه هم در جامعه بالاخره یک جریانی ولو باریک فساد و انحطاط در غالب جوامع هست، نمیشود فرض کرد که بکلی یکسره همه چیز به شکل درست و صحیح خودش برمیگردد. اما بهر حال انقلاب یک چنین زمینه را به وجود آورد؛ بنابراین ما این را مثل اینکه از این صحبت مفصل به نظرم میخواستم به این نتیجه برسم که انقلاب بطور طبیعی یک زمینه‌ی خوب فرهنگی را، بازسازی فرهنگی را در مورد زنان و بوسیله‌ی آنها در مورد کل جامعه به وجود آورد.^۱

تأثیر اسلام بر اندیشه‌ی زنان

ببینید شما چقدر فرق است بین این وضعیتی که امروز هست با آن وضعیتی که دیروز بود. وضعیّت دیروز - دیروز که می‌گوییم یعنی مثلاً ده سال پیش فرض بفرمایید - ده سال پیش توی خانه‌ها اگر گفته میشد یک انقلابی است، یک حرکتی است، یک روش سیاسی‌ای است، یک حکومت اسلامی‌ای در ذهن بعضیها هست، چند درصد زنان ما، چند در هزار زنان ما این مطلب را درک میکردند یا اگر درک میکردند نسبت به آن علاقه و تمایل و هیجانی نشان میدادند؟ یقیناً بسیار بسیار کم بود. امروز که توی صحنه نگاه میکنید میبینید که همان انسانهای بی تفاوت یا بی توجه که البته همان وقت هم زن از ایمان و عاطفه‌ی قوی‌ای برخوردار بود؛ در این شکی نیست، اما توی این خط نبود. همان زنی که توی این خط نبوده امروز شما نگاه میکنید میبینید که صحنه‌های عظیم اجتماعی ما را، مبارزات ما را، از انواع و اقسامش، از قضیه‌ی فلسطین و قدس و نمیدانم روز کارگر و روز زن و نماز جمعه و اینها بگیرید تا پشت جبهه کار کردن و توی جبهه برای بازدید رفتن و توی بیمارستانها کمک رساندن و تا همه جای دیگر؛ هر جایی که

۱. در مصاحبه با مجله‌ی شاهد بانوان (۶۷/۹/۱۳)

نامی از این انقلاب هست شما زن را آنجا حاضر میبینید. این تحوّل از کجا به وجود آمد؟ این مهم است. ما معتقدیم این تحوّل ناشی از اسلام است. یعنی چه ناشی از اسلام است؟ این را بازش کنیم. یعنی جامعه‌ی زنان این کشور که از ایمان به خدا و ایمان به غیب برخوردار بودند و اعتقاد به دین و گفتار خدا و گفتار پیغمبر و گفتار فقیه و مجتهد و روحانی قابل اطمینان داشتند وقتی به آنها تفهیم شد و گفته شد که این تکلیف اسلامی است، راه افتادند. اوّل با ایمان حرکت کردند، آنچه اوّل اکثر مردم ما و از جمله زنان را وارد این میدان کرد شناخت نبود ایمان بود؛ میدانستند که تکلیف شرعی آنها این است که بیایند توی این تظاهرات، آمدند. می‌دانستند که سخنی که امام یا هر فقیهی، یا هر روحانی قابل قبولی به آنها میگوید سخن دین است. یا روششان، یا گفتارشان، علمای قابل قبول این است و این فتوای دین است، این نظر دین است. بمجردی که فهمیدند این نظر، نظر دین است آمدند؛ آمدند توی میدان. بمجردی که فهمیدند این خواست خداست، دیگر بچه‌هایشان را نگفتند که نروید توی تظاهرات.^۱

ولادت جدید برای زن

شما خانمها! خواهرها! این حرکتی را که زن ایرانی شروع کرده از دست ندهید. این حرکت برای دنیا یک پیام جدید دارد و همانطور که گفتم برای زن یک ولادت جدید است. مشخصه‌های این حرکت عبارتست از اینکه زن احساس شخصیت کند، احساس کند که دست او گرداننده‌ی آینده و تاریخ است، اوست که میتواند مردان صالح را به وجود بیاورد و اوست که حضورش در جامعه میتواند تعیین‌کننده باشد. شما بخواهید، شما بسازید و حرکت کنید، شما مردها را وادار کنید به خطّ صحیح و صراط مستقیم، شما رزمندگان ما را با میدانهای جنگ و مناظر وحشتناک مانوس کنید، دلگرم کنید و این کاری است که شما میتوانید بکنید و بحمدالله زن ایرانی هم دارد

۱. در دیدار با ۱۰۷ نفر از خواهران مکتب نرجس (۶۱/۲/۲)

این کار را انجام می‌دهد. ما با داشتن یک چنین خانواده‌هایی و این فرهنگی که امروز حاکم بر زنان ماست، بنده تقریباً به فضل الهی از آینده خیلی مطمئن و امیدوار هستم؛ برای خاطر اینکه زن‌ها یک حرکت صحیح و عمیقی را بحمدالله شروع کردند و این برای آینده‌ی ما بسیار ارزشمند است.^۱

بالا بردن زن از ته درّه به سمت قلّه‌ی کمال

زن ایرانی قبلاً حقیقت این است که ته درّه بود، حالا در اعماق منجلاب غوطه‌ور بود، مگر یک عده‌ای که خدای متعال اینها را حفظ کرده بود. نمی‌گویم همه‌شان از لحاظ اخلاقی به آن معنای رایج فاسد بودند، نه اینجور نبود. پاکدامن بودند، زندگی خودشان را می‌کردند، اما به چه می‌اندیشید زن ایرانی؟ بگویید ببینیم. به طلا، به لباس، به مد، غیر از این بود؟ به میز، به مبل، به پرده، به کاغذ دیواری، به ساختمان بهتر، حتی کسانی که از لحاظ زندگی امکانات نداشتند به همان اندازه که امکانات داشتند.

■
من یک وقتی در یک نقطه‌ی دوردستی یک حادثه‌ای پیش آمده بود، آنجا امداد تشکیل داده بود، یک گروه امداد، آن سالها، میرفتند توی زندگیهای مردم، توی آن مراکز سکونت بسیار بسیار دردآور، گریه‌آور، که من بارها از دیدن آن منظره‌ها گریه می‌کردم من، همانجا مینشستم گریه [می‌کردم] اشک میریختم بی‌اختیار. همانجا آن خانم طلاهایش، باورتان شاید نشود، بنده را متعجب می‌کرد، تعجب می‌کردم این شکم گرسنه اینقدر طلا. این از این جا شروع میشد تا آن نقطه‌های بالا. ما اینجوری فکر می‌کردیم، زنهای ما اینجوری بودند.

■
زنهای ما چندین ده هزار، چندین ده هزار با هم می‌گویند «قسم به سیّد زنان فاطمه، ندارم از کشته شدن واهمه»؛ این زنهایمان، این انقلاب فرهنگی

۱. در دیدار با گروهی از بانوان کشور (۶۳/۱۲/۲۱)

شروع شد. همانجا هم به مردم گفتم، گفتم شما دارید انقلاب می‌خواهید بکنید، این انقلاب است، انقلاب این است. راست هم گفتند زنها، همانجا عده‌ای شهید شدند؛ بعدش، قبلش، بعد هم که انقلاب شد، بعد هم که شجاعتها و شهامت‌هایی که زنهای ما نشان دادند واقعاً کم‌نظیر است. حالا هم که مجامع عظیم این کشور اقلماً صدی پنجاه هزار، غالباً بیشتر، بوسیله‌ی خانمها دارد پر میشود. ارزشها عوض شده، شکل عوض شده. این تغییری است که از آن وقت شما کردید، خانمها کردند. حالا ممکن است شما که من می‌گوییم آن زمان هم یک پارسایی بودید، چه میدانیم، اما غالباً نبودند. غالباً آن وقتها توی آن فکرها بودند، حالا ما آمدیم پای دامنه‌ی کوه، تا حالا که آن ته‌ها بودیم، حالا آمدیم اینجا. از اینجا بایستی تا سر قلّه شما با کمال تلاش پیش بروید، دارید می‌روید میدانم، اما باز هم تلاش کنید. خدا را در نظر داشته باشید، همت کنید، بر روی خواسته‌های نفسانی پا بگذارید، فقط برای خدا بخواهید. اگر شما اینجور شدید همه‌مان خوب می‌شویم، هم مردهایمان هم فرزندانمان. کلید مشکل، زن است؛ لذا گفتند بهشت در زیر قدم زنان است، مادران است.^۱

اثر عمیق انقلاب در فرهنگ زنان

امروز زنها به آرایش نمی‌اندیشند، به طلاآلات و زیورآلات نمی‌اندیشند و من وقتی نگاه میکنم گاهی میبینم، چقدر این زیورآلاتی که آن روزها زنها برایش آن همه اصرار می‌ورزیدند در نظر آنها بی‌قدر شده، طرفش هم نمیروند. انسان احساس میکند که انقلاب یک اثر عمیقی در فرهنگ حاکم بر همه‌ی زنها گذاشته است. باید این ادامه پیدا کند.^۲

۱. در دیدار با خواهران پرستار واحد بسیج (۶۱/۱۱/۳۰)

۲. در خطبه‌های نماز جمعه (۶۲/۱۰/۱۶)

موفقیت انقلاب در برقراری تقییدها

خواهران پرستار مشکلاتی دارند در برخورد با بیماران مرد؛ در گذشته اینها مشکل به حساب نمی‌آمد؛ زیرا این تقییدها و مواظبتها نبود. امروز خوشبختانه دخترها و زنهای ما مایلند مسلمانانه زندگی کنند، مایلند حدود شرعی را رعایت کنند، و این یکی از افتخارات ماست، یکی از موفقیت‌های انقلاب ما و پیشرفتهای حرکت انقلابی ماست.^۱

فاصله‌ی ژرف و عمیق وضعیّت امروز حجاب با قبل از انقلاب

خیلی از دختران بودند که به حجاب هیچ اعتقادی نداشتند، اما در دوران نهضت، بدون اینکه کسی به آنها حتی یک کلمه بگوید، خودشان با حجاب شده بودند.^۲

امروز از لحاظ وضع حجاب و وضعیّت زنان کشور، فاصله‌ی ما با قبل از انقلاب، خیلی ژرف و عمیق است. کمتر قسمتی است که ما نسبت به قبل از انقلاب، اینقدر فاصله پیدا کرده باشیم. شما ببینید در کدامیک از بخشهای مختلف جامعه - چه بخشهای مربوط به مذهب و دین، چه بخشهای مربوط به مسائل علمی، چه بخشهای مربوط به سیاست و اقتصاد و غیره - این همه فاصله بین وضع موجود و وضع آن روز وجود دارد، که در حال حاضر ما میان زن امروز و زن زمان حکومت ستمشاهی مشاهده میکنیم؟ آن روز، چیزی از زن باقی نمانده بود. آن روز، نگذاشته بودند که چیزی به نام حرمت و حجاب و حفاظ و قداست و طهارت زن باقی بماند؛ بخصوص در شهرهای بزرگ. وضعیّت امروز، قابل مقایسه با آن روز نیست. البته شکی نیست که باید از این بهتر بشود؛ اما آنچه که امروز هست، قابل مقایسه با آن روزگار نیست. این، آن چیزی نیست که ما باید بعنوان ضایعه‌ی فرهنگی و پوسیدگی جامعه‌ی خودمان و بعنوان خطر و حمله‌ی دشمن به آن توجه

۱. در دیدار با خواهران پرستار واحد بسیج (۶۱/۱۱/۳۰)

۲. در دیدار با دانشجویان دانشگاه تهران (۷۷/۲/۲۲)

بکنیم؛ چیز دیگری است که در مواردی، این هم یکی از گوشه‌ها و یکی از مظاهر آن است.^۱

پیشرفته بودن نظام اسلامی در رعایت حقوق واقعی زن

پس از پیروزی انقلاب اسلامی جایگاه زنان در جامعه ارتقا یافته و نقش اساسی زنان در مسائل مختلف مشخص گردیده است.^۲

کشور اسلامی ایران به لحاظ رعایت حقوق واقعی زن و خانواده پیشرفته‌تر از غربیهاست و ظلمها و بی‌حرمتیهای را نیز که در کشورهای غربی به خصوص امریکا نسبت به زنان اعمال میشود، عملی مذموم میدانند.^۳

پیشگامی زنان بعد از انقلاب در کارهای اساسی و عمیق

اگر چنانچه برای فعالیتها و کارهای عظیم و اساسی‌ای که توی این مملکت دارد انجام میگیرد مثلاً جهاد سازندگی، اعلام کنند که مثلاً زنها بیایند، فرض کنید در فلان منطقه برای فلان کار سنگین، کار سنگین جسمی، من مطمئن هستم تعداد زنی که داوطلب خواهد شد، بیش از مردهایی است که داوطلب میشود؛ یعنی روحیه‌ی زنها امروز این است. هر جایی که جای پای یک کار اساسی و عمیق وجود دارد، آنجا زنها اولین کسانی‌اند که آنجا حاضرند.^۴

پیشگامان تحوّل الهی

با پیروزی انقلاب اسلامی، جامعه‌ی ما تحوّل الهی یافت و زنان در این

۱. در دیدار ائمه‌ی جمعه (۷۰/۶/۲۵)

۲. در دیدار با زنان نماینده‌ی مجلس (۸۰/۷/۱۴)

۳. در دیدار با اعضای دفتر مشارکت زنان، نمایندگان زن مجلس (۷۳/۹/۲)

۴. در دیدار با ۱۰۷ نفر از خواهران مکتب نرجس (۶۱/۲/۲)

تحوّل جزو پیشگامان بودند. زینت واقعی زن ایرانی این است که بتواند نیمی از بار این انقلاب را به دوش کشد و این در صورتی است که به لحاظ اخلاقی، تقوا، پاکدامنی و حفظ امانت، ایمان و عصمت و گذشت در راه خدا حقّ خود را ادا نماید.^۱

تبدیل شدن به موجودی درجه یک

چه چیزی زن را در جامعه‌ی ایرانی ما از یک موجود درجه‌ی دو تبدیل کرد به یک موجود درجه‌ی یک که در مواردی از مردها جلوتر هم هستند؟ در این شکی نیست. الان اگر راه جبهه‌ها را باز کنند به روی زنها من یقین دارم تعداد دختران و زنانی که داوطلب میدان جنگ خواهند شد بیشتر از تعداد مردانی خواهد شد که داوطلب میدان جنگند؛ این روحیه‌ی الان در زنان ما هست و ما این را داریم میبینیم. خب، این وضع زنان ما در امروز است.^۲

از یاد رفتن مسائل شخصی

افرادی از امتّ حزب‌الله توی بیابانهای داغ و گرم در نقاط دورافتاده مشغول سازندگی‌اند؛ دخترها هم همینطور، زنها هم همینطور. زنها را من میبینم مسائل شخصی یادشان رفته. مادر چهار شهید که چهار جوان مثل دسته‌ی گل در راه خدا داده از اوّل انقلاب تا حالا، یکی در اوّل انقلاب، سه تا هم در جنگ؛ عکس جوانها روی دیوار اتاقش زده شده، یک ذره خواهش ندارد از جمهوری اسلامی، یک کلمه تقاضا ندارد، یک سر سوزن منتّ بر سر امام و انقلاب و مردم ندارد، از من هیچی نمیخواهد، میگوید من فقط از شما خواهش میکنم کاری کنید جلوی شیوع اعتیاد گرفته بشود؛ این آگاهی زنهای ماست. این توجه درستی است که امروز مردم ما زن و مرد ما به مسائل دارند، از خودش یادش رفته، از شهدای خودش، از جوانهای

۱. در دیدار با خاوران پرستار واحد بسیج (۶۱/۱۲/۳۰)

۲. در دیدار با ۱۰۷ نفر از خاوران مکتب نرجس (۶۱/۲/۲)

خودش، از عواطف خودش، به یاد انقلاب است، به یاد جوانهای مردم است.^۱

قانع نبودن به کم در فضای انقلاب

اکثریت ملت ما توانست به وظیفه‌ی انقلابی خودش عمل کند. شهید دادند، شهید شدند، با خون خودشان، با مال خودشان، با کوشش و تلاش خودشان، با صبر انقلابی خودشان ملت ما توانستند مشکلات و زحمات این انقلاب را بر دوش بکشند و آن را تا امروز پیش بیاورند. در این مرحله‌ی جدید و دوره‌ی جدید هم ما هنگامی که نگاه میکنیم، میبینیم اتفاقاً نقش زنان از نقش مردان نه تنها کمتر نیست، گاهی خیلی شورانگیزتر و چشمگیرتر است. من اینها را میگویم که شما خواهران محصل درسخوان عزیز توجه بکنید که در چه مرحله‌ای قرار دارید و چه وظایفی بر دوش شماست، به کم قانع نشوید.^۲

بهره برداری از استعدادهای نهفته

به فضل خدای متعال و به برکت انقلاب بزرگ اسلامی ما این فرصت به وجود آمده که استعدادهای نهفته‌ی در وجود دختران این ملت در زمینه‌ی دستیابی به معارف اسلامی مورد بهره‌برداری و استفاده قرار بگیرد و ما بتوانیم امیدوار باشیم که آینده‌ای خواهیم داشت که مادران آینده‌ی این مملکت میتوانند در دامن پاک و با فضیلت خودشان فرزندان را پرورش بدهند که به معنای واقعی کلمه وارث این انقلاب و به ثمر رساننده‌ی نهایی آن باشند.^۳

۱. در خطبه‌های نماز جمعه (۶۳/۲/۲۱)

۲. در دیدار با گروهی از خواهران طلاب و دانش‌آموزان مسجد سلیمان (۶۱/۶/۴)

۳. همان

افتخار زنان بعد از انقلاب

الحمد لله بعد از انقلاب دخترها و پسرهای ما حزب اللهی شدند.

هر زنی با همسالهای خودش، اقران خودش افتخارش به این باشد که شوهرش متدیتر، مجاهدتر، مبارزتر و در راه خدا زجر کشیده‌تر و زحمت کشیده‌تر است، اینها را باید به هم افتخار کنند. هر زنی افتخارش به این باشد که به زینتها، به آرایشها، به نمیدانم طلاآلات و این چیزهایی که به آن، سابقها اینقدر اهمیت میدادند بی‌اعتنا تر است باید به اینجا برسد. سابقها زنها افتخارشان به این بود که طلاهای بیشتر این جاها آویزان کرده باشند دستهایشان از اینجا تا اینجا پر طلا بود. اگر یک زنی هم نداشت، نخواست بود داشته باشد، فروخته بود در راه خدا یا برای خاطر خدا نخریده بود، دیگران، زنها که نگاه میکردند، میگفتند این بی‌عرضه است، تو دلشان خیال میکردند این بی‌عرضه است، عرضه ندارد، که نتوانسته طلا جمع کند برای خودش طلا بخرد، سابقها اینجوری بود. حالا البته اینجور نیست بکلی بر نیفتاده، اما نسبتاً خوب شده، ان شاء الله بکلی برمی‌افتد.^۱

انقلاب اسلامی؛ سر آغاز مسیر جدید زنان

انقلاب یک سدی را شکست و یک مسیر جدیدی را برای زنان باز کرد و آنان توانستند در مسائل انقلاب حضور قوی و پرحجمی داشته باشند. تظاهرات، راهپیماییها و اجتماعات عظیمی که انجام شد و حضور در رأی دادنها سرآغاز این مسیر جدید بود. لکن این یقیناً نمیتوانست و نمیتواند جبران آن عقب‌ماندگیهای دوران طولانی گذشته را بکند.^۲

عبور زن ایرانی از موج مخرب غرب با گوهر ایمان

البته ما در جمهوری اسلامی پیشرفت داشتیم. نگاه من، نگاه خوشبینانه

۱. در مراسم اجرای صیغه عقد (۶۴/۷/۲)

۲. در مصاحبه با مجله‌ی زن روز پیرامون نقش زن (۶۶/۱۲/۱۳)

است. ما قبل از انقلاب را از نزدیک دیدیم. وضعی که آن روز کشور ما و جامعه‌ی ما و زنان ما به سمت آن می‌تاختند، وضعیّت بسیار هولناک و خطرناکی بود. بخاطر خاصیت تقلیدی بودن کار در اینجا، گاهی وضعیّت ظاهر زنان از آنچه که ما در عکسها و نقلها و گزارشها از زنهاى اروپایی میدیدیم یا میخواندیم هم بدتر بود! یک چنین وضعی را داشتند ترویج میکردند. البته زن ایرانی بخاطر گوهر ایمان که در او نهادینه بود، توانست بر این موج مخرب فائق بیاید؛ در انقلاب مشارکت اساسی داشته باشد؛ هم با حضور خود، هم با تشویق مردان؛ و یک پایه‌ی اساسی پیروزی انقلاب بشود. بعد از انقلاب هم که حرکت زنان، حرکت فوق‌العاده‌ای است.^۱

سربلندی زنان در دوران بعد از انقلاب

زنها توانستند در دوره‌ی بعد از انقلاب باز همان امتحان بزرگ و خوب را بدهند و از امتحان سربلند بیرون بیایند. یک نمونه‌ی آن مادری بود که دو تا، سه تا، پنج تا فرزندش را شهید داد. یک نمونه آن مادری بود که فرزند منافق خودش را مثل هسته‌ی خرمایی از دهان بیرون آورد و پشت سرش پرت کرد و نگاه هم نکرد که چیه. یک نمونه زنهایی بودند که در هر جایی که کاری از عهده‌ی زن برمی‌آمد، اینها حضور داشتند، اعمّ از پشت جبهه و یا در خود جبهه یا در آسایشگاههای بیماران یا در مراکزی که زنها باید مینشستند و تمهید زندگی راحت رزمندگان را میکردند. و چه آن زنانی که در میان زنان مسلمان دیگر تلاش میکردند تا فرهنگ اسلامی را به آنها بفهمانند، به آنها تعلیم بدهند، به آنها پایداری ببخشند. مثل شمعی تازیانه‌ی پروانگانی باشند که منتظر این هستند که شعله‌ی شمع آنها را به حرکت در بیاورد. در دیگران جان بدمند، در دیگران انرژی و روح مبارزه را به وجود بیاورند. ما امروز بعد از گذشت بیش از سه سال از پیروزی انقلابمان یا نزدیک چهار سال، با جامعه‌ی زنانی روبرو هستیم که انقلاب را فهمیدند، در

۱. در دیدار جمعی از بانوان نخبه (۹۰/۱/۳)

همه‌ی مشاهد انقلاب حضور پیدا کردند - چه نماز جمعه، چه سخنرانیهای بزرگ، چه راهپیماییها و چه هر جایی که حضور ملت در آنجا به صورت محسوس مطرح بوده - و گله و شکایت و ایراد و اعتراضی هم که گاهی گوشه و کنار بر اثر نارساییها، نابسامانیها از دیگران شنیده میشده، از جامعه‌ی زنان کمتر شنیده شد.^۱

زن انقلابی؛ وسیله‌ی اصلاح جامعه

زن امروز ایرانی زن است، همان احساسات و غرائز را هم دارد اما از او فساد نمیتراود، وسیله‌ی فساد نمیشود، بلکه وسیله‌ی صلاح میشود. به زن و مرد مسلمان نصیحت میکند. در صحنه‌ی انقلاب ظاهر میشود، راهبه نیست اما از راهبه‌ها پاکتر است، طیب و طاهرتر است. سرباز میدان جنگ نیست اما بقدر سرباز میدان جنگ شجاع است، جهاد را خدا بر او در میدانهای رزم واجب نکرده اما بقدر یک جهادگر در راه خدا به تن و جان خودش رنج وارد میکند. تمام صحنه‌های اجتماعی که ملت ایران در آن صحنه‌ها خودش را نشان داده حضور پیدا میکند. هیچ جا از او خالی نیست و هر جا از او خالی باشد، آن جلوه و شکوه معنوی و آن عظمت هم در آنجا نیست. شما فرض کنید توی تظاهرات ما زنها نبودند، توی نماز جمعه‌ی ما زن نبود، ببینید چه میشد، چقدر این عظمتی که این مادران، این خواهران، این زنان جوان پشت به دنیا کرده و رو به خدا و جهاد آورده، به محراب عبادت نماز جمعه شکوه و عظمت میدهند. اینها نمونه‌های زن ایرانی است، ابعاد ناشناخته‌ی شماهاست که خودتان هم قدر خودتان را من نمیدانم چقدر میدانید. زن ایرانی امروز این است انقلاب ماها را اینجوری کرد، انقلاب عوضمان کرد، انقلاب ما مسها را تبدیل کرد به طلا والا ما که در زمان انقلاب متولد نشدیم، ما که در یک دنیای دور از تربیتهای استعماری و فرهنگ استعماری مدرسه نرفتیم، اما انقلاب همینجور است. انقلاب خاصیتش این است، جوهرها را

۱. در دیدار با گروهی از خواهران طلاب مسجد سلیمان (۶۱/۶/۴)

عوض میکند، عنصرها را تبدیل میکند. ما که دل به انقلاب دادیم عوض شدیم، بعضیها هم هستند عوض نشدند، دل به انقلاب ندادند. حقیقتش این است، نسیم انقلاب بر اینها در حقیقت نوزیده. مثل آدمی است که آمده در غوغای تسبیح گویندگان یک شب احیاء مثلاً، دنبال رفیقش میگردد توی این جمعیت هست اما با آنها نیست، همه حال دارند او حال و هوایش جای دیگر است، یک عده‌ای توی انقلاب اینجوری‌اند، زن و مرد هم ندارد، هر دو جورش هست. شاید مردها یک خرده بیشتر زنها کمتر، از آنجور یا هم بقدر هم هستند اما زن ایرانی آنی که جواب به انقلاب داد، آنی که انقلاب را فهمید آنی که انقلاب را خواست اینجوری‌اند مردها را هم نگه داشتند مردها را هم هدایت کردند این زن ایرانی است.^۱

جهش سیاسی اجتماعی زنان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

به نظر من، زنان مجموعاً در زمینه‌های اجتماعی سیاسی بعد از انقلاب توفیق زیادی داشته‌اند؛ بطوری که آنچه را عاید زنان و عاید جامعه‌ی زن در ایران شده میتوان یک جهش و یک حرکت بیسابقه نام نهاد و این به آن معنا نیست که بخواهیم بگوییم ما بعد از انقلاب زنانی را داشته‌ایم که از لحاظ فکر سیاسی در گذشته زنان ایرانی سابقه نداشته‌اند. اصولاً صحبت بر سر یک یا چند زن و یا بر سر یک گروه یا قشر زن تحصیلکرده و روشنفکر و زن دانشگاه رفته نیست بلکه صحبت بر سر جامعه‌ی زن است. ما وقتی زن ایرانی را به صورت یک کل و یک مجموعه در نظر بگیریم مبینیم دستاوردی که او بعد از انقلاب داشته قابل مقایسه با دستاوردهای تمام دوران تاریخی‌اش نیست. لذا در کل میتوانیم بگوییم آن زمان فعالیت سیاسی در بین زنان خیلی محدود بود و فعالیت اجتماعی هم تا حدودی محدود بود و در این رابطه چیزی که وجود داشت، مربوط به زنان تحصیلکرده و گروه خاصی از زنان بود. در حالیکه امروز فعالیت اجتماعی و سیاسی در

۱. در دیدار با جمعی از خواهران آموزش و پرورش (۶۳/۱۱/۷)

بین زنان، مربوط به میلیون‌ها ایرانی اعم از باسواد و دارای سطوح عالی‌هی سواد یا متوسط و یا حتی بیسواد اعم از زنان جوان و زنان میانسال و پیرزنان و دخترها، زنان تهرانی و زنان مثلاً فلان روستای دور افتاده‌ی کرمان است.^۱

عظمت زن مسلمان در میدانهای سیاسی و فرهنگی

بعد از اقامه‌ی دولت حق، به فضل الهی زنان کشور اسلامی ایران توانستند شخصیت حقیقی خودشان را تا حدود زیادی پیدا کنند؛ در میدانهای گوناگونی حضور یابند و عظمت روحیه‌ی زن مسلمان را نشان بدهند که شما نمونه‌اش را در وضع این مادر شهید و مادران عزیز ما و دلاور سایر شهدا دیدید و میبینید. من هر جا که با مادران شهدا مواجه شده‌ام، آنها را حتی از پدران شهدا هم قویتر دیده‌ام. غالباً نمونه‌اش را در روحیه‌ی این مادران بزرگوار و شجاع می‌توانید ببینید؛ این، عظمت زن مسلمان در میدانهای سیاسی و فرهنگی است. آن وقت اینها می‌آیند و درباره‌ی تضييع حقوق زن در جمهوری اسلامی، قلم‌فرسایی و جوّسازی میکنند. اگر ما بیایم برای اینکه آنها را راضی کنیم، درباره‌ی زن طوری حرف بزنیم که با نظر اسلام که مایه‌ی عزت زن است مخالف باشد، خطا است. چرا باید کسانی در زمینه‌ی زن یا در زمینه‌ی حقوق بشر طوری حرف بزنند که گویی ما باید سعی کنیم خودمان را با نقطه‌نظرهای غریبها نزدیک و آشنا کنیم؟ آنها اشتباه میکنند. آنها باید نقطه‌نظرهای خود را به ما نزدیک کنند. آنها باید نسبت به مسأله‌ی زن و حقوق بشر و آزادی و دموکراسی نقطه‌نظرهای غلط و باطل خودشان را تصحیح کنند و با نظرات اسلامی مواجه نمایند؛ نه اینکه عده‌ای از این طرف دچار انفعال بشوند.^۲

۱. در مصاحبه با مجله‌ی زن روز (۶۳/۱۲/۱۳)

۲. در دیدار خانواده‌های سرداران شهید استان تهران (۷۶/۲/۱۷)

زنان مؤمن و انقلابی فعالترین زنان در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، علمی و...

امروز زن مسلمان در کشور ایران، یک موجود سرافراز و عزتمند است. هزاران وسیله‌ی تبلیغی، بمباران خبری میکنند برای اینکه این واقعیت را واژگون جلوه بدهند؛ اما حقیقت این است. امروز مؤمنترین و انقلابیترین زنان ما، زنان تحصیلکرده‌ی ما هستند. امروز زنان ما، زنان تحصیلکرده‌ی ما، زنان جوان ما در پیچیده‌ترین آزمایشگاهها و مراکز علمی تجربی و انسانی حضور دارند و فعالند. فعالترین زنان ما در زمینه‌ی سیاسی، در زمینه‌ی علمی، در زمینه‌ی مدیریتهای اجتماعی، زنان مؤمن و انقلابی ما هستند؛ دارای تحصیلات خوب، دارای اندیشه‌ی عمیق.^۱

باز شدن میدان برای زنان

امروز میدان برای شما باز است، اگر سابق یک کلمه شما از مفاهیم قرآنی را میخواستید بشکافید، میخواستید از یکی بگیرید آنجا ببرید، مشکلات داشتید، نمیدانم گوشها و چشمهای جاسوس مزاحم داشتید و چقدر به شماها حمله میکردند، چقدر بخاطر بهانه‌های کوچک جلوی کار شما را میگرفتند، بساط شما را جمع میکردند، امروز به عکس است، امروز تشکیلات مسلط بر این کشور از شما این را میخواهد، به شما کمک میکند، شما را تشویق میکند، بنابراین عذری، بهانه‌ای وجود ندارد.^۲

رفتار عمومی و چند بعدی زن در جامعه‌ی اسلامی

اگر شما در جامعه‌ی اسلامی به زن نگاه کنید، رفتار عمومی او را رفتاری میبینید که در جهت ارزشهای واقعی، در جهت علم، در جهت تقوا، در جهت تخصصهای بالا، در جهت فعالیت و تلاش سیاسی، در جهت کمک

۱. در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» (۲/۴/۱۹۱)

۲. در دیدار با ۱۰۷ نفر از خواهران مکتب نرجس (۶۱/۲/۲)

رسانی به انسانها، در جهت کیفیت دادن به محیط خانه و خانواده و احیای سنت خانواده است.^۱

حماسه‌سازی زنان در انقلاب اسلامی

نقش زنان در انقلاب زیاد بوده است. پس از پیروزی انقلاب تا امروز هم واقعاً بانوان کشور در همه‌ی صحنه‌ها خیلی نقش داشتند و این حادثه‌ی خیلی بزرگ و شگفت‌آوری است. تصوّر من این است که بانوان در دوره‌ی پیش از انقلاب و در دوره‌ی آن رژیم، مورد ستم سیاسی و فرهنگی بودند؛ پیش از آنچه که در بعضی از خانواده‌ها ممکن بود مورد ستم قرار بگیرند. به جای نقش‌آفرینی، آنها را به بیکارگی و به ابتذال سوق میدادند. انقلاب حقیقتاً میدانی باز کرد و خانمها بیش از آقایان در این قضیه فعالیت و حماسه خلق کردند.^۲

حضور فعال زنان در صحنه

امروز در سراسر کشور اسلامی، جوانان مؤمن، حزب‌اللهی و خانواده‌های بشدت پایبند به اصول انقلاب زنان و مردان مؤمن و برخوردار از روحیه‌ای بالا در صحنه، حضور فعال دارند و در مقابل هر دشمنی از کشور، از اسلام و نظام اسلامی و حیثیت و استقلال خود دفاع میکنند.^۳

حضور مؤثر زنان؛ برکت انقلاب

بحمدالله مظاهر عظیم شرکت زن در تصمیم‌گیریهای اجتماعی، در پیشبرد انقلاب، در رقم زدن آینده همه‌جا به چشم میخورد. اجتماعات، نمازجمعه‌ها، میتینگها و راهپیماییهای ما همه جا در این کشور با حضور زنان، با همّت زنان و با روح انقلابی زنان مزین است این

۱. در دیدار جمعی از پرستاران (۷۴/۷/۱۲)

۲. در دومین روز از دهه‌ی مبارک فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان) (۷۷/۱۱/۱۳)

۳. در دیدار با پرستاران و کارکنان نهادهای فرهنگی (۷۳/۷/۲۰)

را حفظ کنید، این از برکتهای انقلاب، اسلام و عفاف است.^۱

تا وقتی جامعه، جامعه‌ی انقلابی است، حضور خانمها مثل حضور آقایان واجب و لازم است، این شکی نیست چون مسلمانند، همه تکلیف دارند، همه وظیفه دارند، زن و مرد ندارد.^۲

نقش زن در مسؤولیت‌های فرهنگی و آموزشی

فرهنگ جزو ظریف‌ترین چیزهاست و یکی از مسؤولیت‌های مهمی که زنان میتوانند در آن نقش داشته باشند، همین مسؤولیت‌های فرهنگی و آموزشی است و پرورشی. تربیت از زن بر می‌آید، خوب. یک جاهایی بی‌شک ظرافت روحی زنانه از صلابت خشونت‌آمیز مردانه کاربرد بیشتری دارد، در آموزش و پرورش، در یاد دادن و شکل دادن، هر دو.^۳

افتخار محیط اسلامی به دوری زنان از کارهای خشن

من یادم نمیرود در هند، منزل یکی از دانشجویها مهمان بودم؛ بعد از ظهر میخواستیم استراحت کنیم، دیدم از بیرون پنجره، صدای کوبیدن چیزی می‌آید. نگاه کردم، دیدم محوطه‌ای است - فرض کنید - پانصد متری، که در آنجا سنگهایی ریخته شده است و یک خانم حدود چهل، پنجاه سال، عمه است و پتکی در دستش گرفته است - آن خانم، چاق و سیاه بود و از این لباسهای خاص پوشیده بود، که وقتی خانمها میپوشند، قسمتی از بدنشان را (در قسمت سینه) باز میگذارند. این به اصطلاح پز آنهاست که قسمتی از بدن را باز میگذارند - این خانم عمه، این قسمت بدنش را باز گذاشته بود! اتفاقاً در همان حال عملگی هم فراموشش نشده بود که این جنبه‌ی

۱. در خطبه‌های نماز جمعه (۶۲/۱۰/۱۶)

۲. در دیدار با جامعه‌ی حضرت زینب(س) (۶۶/۱۱/۲۷)

۳. در دیدار با جمعی از خواهران آموزش و پرورش (۶۳/۱۱/۷)

زیتتی را حفظ کند! با وضع رقت‌باری داشت سنگ می‌کوبید. من گفتم این خانم چرا این کار را میکند، گفتند عمله است. گفتم روزی چقدر می‌گیرد؟ گفتند روزی چهار یا پنج روپیه می‌گیرد- که آن وقت روپیه با پول ما، شاید پانزده ریال بود- سال ۵۹، بعد از انقلاب، این خانم روزی حدود ده تومان می‌گرفت، برای اینکه چهارده، یا دوازده ساعت سنگ‌شکنی کند! به نظر میرسد اینکه در محیط اسلامی، به زن اینگونه کاری نمیدهند، افتخاری است. البته زن در مزارع خودش کار میکند، در شمال برای خودش کار میکند؛ ولی برای دیگری عمله نمیشود! یعنی آدم حالا بیاید، تلاش کند، یک چیزهایی را به زن بدهد! اینها ارزشی ندارد. ان‌شاءالله خداوند کمک کند، تا این کارها بتواند بخوبی پیش برود. شما خانمها در مجلس موفق باشید و تلاش کنید، تا ان‌شاءالله به یک جایی برسیم.^۱

ارائه‌ی نظرگاه جدید در باب زن و ارزشهای او

باری، ملت ایران امروز به برکت انقلاب قادر گشته است که نظرگاه جدیدی در باب زن و ارزشهای او ارائه کند و طراز نوینی از زن برجسته و والا بیافریند. این، توفیقی بزرگ و حرکتی ماندگار و قابل تقلید است. علیرغم هیاهوی امتناع و مقاومت از سوی محافل و مطبوعات غرب، نشانه تأثیر و نفوذ این حرکت را در دنیا میتوان مشاهده کرد. باید زنان اندیشمند و آگاه ایران اسلامی، راه روشن خود را ادامه دهند و گامها را متین و محکم بردارند. مبادا چنانکه در افراد سطحی و غافل دیده شده است، نسل انقلابی و زنان مؤمن، دوباره روی به مصرف و تجملهای پوچ و گرایشهای غیرانقلابی بیاورند یا رسم جاهلی اختلاط بی‌پروا را دوباره زنده کنند.^۲

۱. در دیدار نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی (۸۰/۷/۱۴)

۲. در پیام به سمینار بررسی شخصیت زن از دیدگاه امام خمینی (ره) (۶۸/۸/۳)

زنان مرفّه و اروپایی

در جامعه‌ی ما من تصوّر میکنم که یک مقدار حالا راجع به عقبگرد چون سؤال کردید، من عقبگردی نمیبینم. اکثریت زنهای کشور، نه هیچ عقبگردی ندارند. آنچه که انقلاب در زمینه‌ی مسائل مربوط به زن به انسان میدهد چیزی نیست که قابل عقبگرد باشد. بله، گفتم که آن چیزی که انقلاب در زمینه‌ی زن میبخشد به او چیزی نیست که قابل از بین رفتن و به اصطلاح از دست دادن باشد، بلکه آنچه که مشاهده میشود غالباً در آن افرادی است که یا از آغاز به دعوت انقلاب پاسخ درستی نداده بودند و آن استحالهی لازم در آنها به وجود نیامده بود، یا آنها بودند و یا کسانی بودند که پس از انقلاب در نفوذ آن عوامل و تشدیدکننده‌ها را به روی خودشان نبستند. غالباً طبقات مرفّه، غالباً طبقاتی که قشرهایی که با زندگی اروپایی ارتباط دارند، آشنایی بیشتر دارند، رفت و آمد دارند، غالباً کسانی که سفرهای اروپا و کشورهای غربی برایشان پیش می‌آید، توجه میکنید؟ این عقبگردی که شما اشاره به آن میکنید غالباً در آنهاست، و الاً زنهای معمولی طبقه‌ی پایین غالباً نه، هیچ عقبگردی به نظر من نداشتند.^۱

ارزشمندترین دوره‌ی تاریخی زن ایرانی

انقلاب، زنهای مسلمان را آنچنان ارزشی بخشید که هیچگاه زن ایرانی در طول تاریخ خود اینقدر موقعیت و ارزش نداشته است.^۲

ما انقلابمان نسبت به زن حقّ دارد، حتی زن هم نسبت به انقلاب حقّ دارد.^۳

۱. در مصاحبه پیرامون جایگاه زن در جمهوری اسلامی (۶۳/۱۲/۴)

۲. در خطبه‌های نماز جمعه (۶۳/۱۰/۱۴)

۳. در مصاحبه با مجله‌ی شاهد بانوان (۶۷/۲/۲۸)

درخشش نخبگان زن؛ جواب عملی به مسأله‌ی زن

تکلیف مسأله‌ی زن در نظام اسلامی چه میشود، این جواب عملی‌اش، جواب عینی‌اش، همین وجود مجموعه‌ی عظیم نخبگان زن در جامعه‌ی ماست، که هیچ‌وقت ما در کشور چنین وضعی را نداشتیم؛ در دوره‌ی طاغوت هم نبوده، قبل از آن هم که وضع تعلیم و تربیت از جهت دیگری اشکال داشته. امروز در نظام اسلامی - بحمدالله - این فراهم است. حالا تعداد بیشتر برگزیدگان دختر در دانشگاه‌ها و امثال آن، اینها مسائل درجه‌ی دو است؛ مسأله‌ی درجه‌ی یک این است که همین مجموعه‌ی زنان نخبه توانسته‌اند در نظام جمهوری اسلامی در بخشهای مختلف بدرخشند.^۱

پرورش زنان صاحب‌نظر در مسأله‌ی بحران زن

نظام جمهوری اسلامی توانسته است به یک قلّه‌ای دست پیدا کند که عبارت است از پرورش زنان فرزانه و صاحب اندیشه و صاحب رأی و نظر در ظرفیت‌های و حسّاسترین مسائل یک جامعه، که حالا عرض خواهم کرد. مسأله‌ی زن - که امروز در دنیا باید بعنوان «بحران زن» آن را نامید - یکی از اساسیترین مسائل هر تمدّنی، هر جامعه‌ای و هر کشوری است. در این مورد، شما توانسته‌اید به ریزه‌کاریهایی، به دقتهایی، به سرفصلهای مهمّی دست پیدا کنید و درباره‌ی این مسأله بیندیشید، بنابراین آن قضاوت این شد که جمهوری اسلامی به یک قلّه‌ای دست یافته است که ای بسا بسیاری از کشورهای عالم به آن دست نیافته‌اند.^۲

نمادی از مجموعه‌ی حرکت عظیم بانوان کشور

بانوان برجسته‌ی بخشهای مختلف زندگی اجتماعی و زندگی علمی ما و نخبگان حقیقی جامعه‌اند؛ چه استادان محترم و برجستگان میدانهای مختلف علمی و فنی و غیره، و چه خانواده‌های محترم شهیدان، این همسر محترم

۱. در دیدار با زنان نخبه (۱۳/۴/۸۶)

۲. در دیدار جمعی از بانوان نخبه (۹۰/۳/۱)

شهید و مادر چهار شهید؛ که اینها نمونه‌ای هستند از اوج حرکت بانوان به سمت کمال و تعالی.

اهمیت دیگر این جلسه، جنبه‌ی نمادین بودن آن است. یقیناً در سرتاسر کشور بانوان محترم دیگری هستند که برجستگی‌هایی را کسب کرده‌اند، از خود نشان داده‌اند و سرمایه‌هایی برای پیشرفت کشور و آینده‌ی کشورند. این جلسه، نمادی از مجموعه‌ی حرکت عظیم بانوان کشور ماست.^۱

نمایش قدرت و استقلال بانوان در مقابل چشم جهانیان

این اجتماع باشکوه و بزرگ، یکی از معدود اجتماعاتی است که در کشور اسلامی ما به معنای حقیقی کلمه برای تجلیل از بانوان فداکار میهن عزیزمان تشکیل شده است. تشکیل این مجلس و این دیدار با عظمت بانوان اهواز و خوزستان، اولاً به خاطر این است که مقام والای زن ایرانی، مخصوصاً در این منطقه‌ی خونبار مورد احترام و اهتمام ویژه‌ای قرار گرفته باشد. ثانیاً درباره‌ی مسأله‌ی زن ایرانی و زن مسلمان، در اجتماعی که از خود بانوان تشکیل شده است، مطالب لازم و مهمی مطرح شود، تا در تصحیح بینش عمومی ملت عظیم‌الشأن ایران و همه‌ی مسلمانان جهان نسبت به زن مسلمان و دیدگاه اسلام درباره‌ی زن، مؤثر واقع شود. ثالثاً این اجتماع، نشان‌دهنده‌ی استقلال زن ایرانی و حضورش در میدان سیاست و میدان مسائل انقلابی است و این، نمایش قدرت ملت ایران، مخصوصاً بانوان در مقابل چشم جهانیان است.^۲

حضور برجسته‌ی زنان در همه‌ی عرصه‌های علمی، خاصه پژوهشهای قرآنی

به نظر اینجور میرسد که اصل توجه بانوان کشور ما به قرآن و حضورشان در صحنه‌ی قرآن، پدیده‌ای است که باید بعنوان توفیق بزرگ نظام جمهوری

۱. همان

۲. در دیدار با زنان خوزستان (۷۵/۱۲/۲۰)

اسلامی در مقابل چشم بینندگان و جویندگان و منتقدان و دوستداران و مخالفان قرار بگیرد؛ همه ببینند. اولاً خود ورود بانوان در مسائل تحقیقی و علمی - که این دیگر مخصوص مباحث قرآنی نیست - قابل توجه است. بنده معمولاً مجلاتی را که در کشور منتشر میشود - مجلات علمی؛ علمی - تحقیقی؛ علمی - ترویجی - نگاه میکنم؛ مرور میکنم و در همه‌ی رشته‌هایی که مجلات ما - که حاوی مطالب جدید هستند - بر گرد آنها مطلب مینویسند، انسان میبیند شمار نویسندگان و پژوهشگران زن در آنها، شمار برجسته‌ی قابل توجهی است. در علوم حوزوی، در فقه، در فلسفه، در مسائل دانشگاهی، در علوم انسانی، علوم طبیعی، حضور زنان در کشور ما حضور بارز و برجسته‌ای در همه‌ی بخشهای علمی است. دانشگاهها را دختران دانشجوی ما پر کرده‌اند؛ محیطهای علمی را حضور زنان به شکل شگفت‌آوری واضح و آشکار کرده. این چیست؟ این چه پدیده‌ای است؟ این چه حقیقتی است؟ کی ما در کشور این همه عنصر پژوهشگر و محقق و عالم و باسواد و اهل تبلیغ و اهل ترویج از زنان داشتیم؟ در گذشته‌ی تاریخ ما هرگز چنین چیزی وجود نداشته. بله، تک و توکی، دانشمندانی از زنان، برجستگانی بوده‌اند، لیکن نه به معنای حضور چشمگیر و غالب در همه‌ی جامعه. این مخصوص دوران جمهوری اسلامی است؛ این به برکت حاکمیت اسلام در این کشور است که زنان در عرصه‌ی حضور علمی، اینجور خودشان را دارند نشان میدهند و این برجستگیها را پیدا میکنند. این جزو افتخارات نظام جمهوری اسلامی است.^۱

عدد چشمگیر نخبگان زن؛ نشانه‌ی موفقیت نگاه نظام اسلامی به زن

نفس وجود این مجموعه‌ی بانوان نخبه در رشته‌های مختلف - که همه‌ی بانوان نخبه هم در این جمع خلاصه نمیشود؛ شما نمونه‌ای از نخبگان زن در سرتاسر کشور هستید - نشاندهنده‌ی موفقیت نگاه نظام اسلامی و

۱. در دیدار با بانوان قرآن پژوه (۸۸/۷/۲۸)

نگاه اسلام به زن است. ما این همه زن نخبه در دوره‌ی حاکمیت طاغوت نداشتیم. این، حرف من است و بر این اصرار دارم. امروز عدد مطلق و نسبی محققین زن، اساتید زن، دانشمندان زن در رشته‌های مختلف، متفکرین و نویسندگان زن که در رشته‌های گوناگون فکر میکنند، صاحب‌نظرند و قلم میزنند، ادبای زن، شعرای زن، هنرمندان زن - قصه‌نویسها، شاعرها، نقاشها - بمراتب بیشتر از دوره‌ی طاغوت است؛ یعنی آن دوره‌ای که به نام طرفداری از زن، حجاب و عفاف و وجود فاصله‌ی بین زن و مرد را بکلی از بین برده بودند و روز به روز هم این بی‌بندوباری را ترویج میکردند؛ حتی در مواردی از کشورهای اروپایی هم بدتر و تندتر عمل میکردند.^۱

تعجب آیندگان از میزان رشد اخلاقی، معرفتی و تقوای زنان اول انقلاب

یک چیزهایی هست که - ان‌شاءالله - پنج سال دیگر، ده سال دیگر زن ایرانی به آنها خواهد رسید و آن روز وقتی نگاه میکند به امروز تعجب میکند که سال ۱۳۶۱ عجب ما غافل بودیم، توجه نداشتیم. از لحاظ اخلاق، از لحاظ معرفت، از لحاظ هوشمندی، از لحاظ عمق بینش اسلامی، از لحاظ تقوا و طهارت، از لحاظ بی‌اعتنایی به همه‌ی چیزهایی که نقطه‌ی ضعف زنان در طول تاریخ بشر بوده؛ آن وقت به زنهای بزرگ تاریخ نزدیک میشوید، میفهمید که چطور میشد که «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ^۲» یک نمونه‌ی مؤمنان تاریخ، زن فرعون است. این جاه و جلال و اینها چشمش را نگرفت، رفت توی آن وادی فداکاری. این چیزها را - ان‌شاءالله - در آینده خواهید فهمید.^۳

۱. در دیدار با زنان نخبه (۸۶/۴/۱۳)

۲. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۱

۳. در دیدار با خواهران پرستار واحد بسیج (۶۱/۱۱/۳۰)

۲-۴- تبلیغات و تهاجمات دشمنان علیه زنان ایرانی

تهاجم فرهنگی غرب

هویت هر ملتی با فرهنگش است. غربیها که برتری علمی پیدا کردند، سعیشان این شد که همه‌ی دنیا را جزو خودشان بکنند و این نمیشود مگر با فرهنگ. الان شما لباستان کجایی است؟ هر کسی که کراوات یا پاپیون نداشته باشد، در مجلس رسمی راه ندارد! این صدور فرهنگ است. فرهنگ تحمیلی این است. هر طوری که آنها زندگی میکنند، شما هم باید زندگی کنید! اگر برخورد شما با مسأله‌ی زن مثل آنها نبود، بنا میکنند به صورت شدید به شما حمله کردن! اینها بخشهای جهانی تهاجم فرهنگی است.^۱

تلاش صد ساله‌ی فرهنگ غرب برای دور کردن زن مسلمان از هویت خود

صد سال است که فرهنگ غربی به پشتوانه‌ی پول و زور و سلاح و دیپلماسی، سعی میکند فرهنگ غربی را و اسلوب زندگی غربی را بر جوامع اسلامی در میان زنان تحمیل کند. صد سال تلاش شده است برای اینکه زن مسلمان را از هویت خود بیگانه کنند. تمام عوامل اثرگذاری و قدرت به کار رفته است: پول، تبلیغات، اسلحه، فریبنده‌های گوناگون مادی، استفاده‌ی از غرائز طبیعی جنسی انسان؛ همه‌ی اینها را استخدام کرده‌اند برای اینکه زن مسلمان را از هویت اسلامی خود دور کنند.^۲

تحمیل استانداردهای غربی به فرهنگهای دیگر

با حجاب، شدت مبارزه میکنند. نه به این دلیل که حجاب، تحمیلی بر زن است؛ نه! انواع تحمیل‌های گوناگون را بر زن روا میدارند و هیچ مسأله‌ای برایشان نیست. از جمله، تحمیل کار سخت، تحمیل اهانت، تحمیل ریختن

۱. در دیدار با نمایندگان فرهنگی ایران در خارج از کشور (۷۶/۶/۱۰)

۲. ۲. در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» (۲/۴/۱۹۱)

آبرو و حیثیت زن بعنوان عنصر و یکی از دو جنس اصلی آفرینش. اینها تحمّل میشود. اما این یکی تحمّل نمیشود. چرا؟ چون این، مخالف فرهنگ اروپاست. شما دیدید که در همین چند سال اخیر، در اروپا - در فرانسه و در چند جای دیگر، از جمله آلمان - با حجاب مبارزه شد. چند نفر خودشان میخواستند با روسری به مدرسه بروند. گفتند: «اصلاً نمیشود!» و با آن مبارزه کردند! از آن طرف، میبینید که همه جا دم از استانداردهای جهانی میزنند. وقتی میخواهند بگویند که فرضاً جمهوری اسلامی، این تکالیف را باید انجام دهد، چیزی که بیش از همه رویش تکیه میشود این است که «ایران خودش را باید با استانداردهای جهانی تطبیق دهد.» استانداردها، یعنی همین چیزها! یعنی چیزهایی که منطبق با الگوی فرهنگ غربی است. پس، این سختگیری و فشار، از طرف غربیها، همواره وجود دارد. هر وقت که یک فرهنگ غیرغربی، به خصوص فرهنگ اسلامی که فرهنگی است مهاجم و برای خودش مکانتی قائل است و حالت هجومی و ضعف و انکسار و هزیمت ندارد، بخواهد جایی خودنمایی کند، بشدت مورد تحقیر و فشار قرار میگیرد.^۱

زن در معرض و لبه‌ی یک تحوّل بنیادین فرهنگی

در یک برهه‌ای از تاریخ معاصر ما، یعنی در قرن اخیر، زن ایرانی در معرض یک آزمایش بسیار بسیار مهم و خطرناکی قرار گرفت. مخصوص زن ایرانی البته نبود، عین همین قضیه در کشورهای دیگر اسلامی، کشورهای عربی و غیر عربی هم اتفاق افتاد، اما حالا ما ایران را فعلاً مورد نظر داریم و ایران را می‌شناسیم که چه جوری بود. یک آزمایش بسیار حسّاسی که زن لازم بود در آن آزمایش یک انتخاب بزرگ و تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز بکند، برای زن پیش آمد. آن آزمایش چی بود؟ او این بود که زن در معرض و لبه‌ی یک تحوّل بنیادین فرهنگی قرار گرفت. کی؟ در هنگامی که تمدن

۱. در دیدار اعضای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (۷۱/۵/۵)

صنعتی و تکنولوژی و فرهنگ غربی داشت وارد کشور ما میشد که البته یک چیز آمیخته‌ای بود از خوب و بد، در آن چیزهای خوبی هم بود نه اینکه هیچ چیز خوب نداشت اما مثل همان طاووسی که در بعضی از روایات هست شیطان را زیر منقار خودش یا زیر گلوی خودش مخفی کرد و وارد بهشت شد همینطور شیطان، فرهنگ منحنّ مادّی لغزاننده‌ی گمراه‌ساز تباهاگر غربی را هم با خودش آورد، طاووسی به نام دانش و تمدن که بعد هم معلوم شد طاووس واقعی هم نیست، شکل طاووس است.^۱

تجربه‌ی بزرگ تحوّل فرهنگی یا انحطاط فرهنگی برای زنان

ای کاش که حالا واقعاً همان تکنولوژی و دانش غرب به شکل صحیحش می‌آمد وارد کشور ما، نیامد. یک انگاره‌ای درست کردند، یک شکلکی درست کردند و در کنار او شیطان فرهنگ غربی را با همه‌ی بدیهایش و حتی به شکل مبالغه‌آمیزتر آوردند وارد کشور ما کردند، خب عامل این کار البته رضاخان بود و رضاخان فقط یک عامل بود، هر کس خیال کند که تجربه‌ی بزرگ تحوّل فرهنگی یا انحطاط فرهنگی برای زنان به مغز رضاخان و ذهنیت او و دستگاه او منتهی میشود، یقیناً ساده‌اندیشی کرده، ساده‌نگری کرده. مسأله این نبود، مسأله خیلی بالاتر از این بود.^۲

نابودی بنای خانواده و شکستن حریم عفاف و حجاب؛ میراث هزاران ساله‌ی ایرانی

همان کسانی که سی سال با این ملت مبارزه کردند، معارضه کردند، عناد ورزیدند، همان دستگاهها و سیستمهایی که از کارخانجات خودشان مواد شیمیایی و سلاح شیمیایی دست صدام دادند که بزند توی جبهه‌ها و توی جاده‌ها و حتی توی شهرها، همان کسانی که در عرصه‌ی فرهنگی شبکه درست میکنند - که شماها بیشتر از من دیده‌اید و مطلعید که به قصد نابود

۱. در سمینار نقش زن در جامعه در دانشگاه تربیت معلّم (۶۴/۱۲/۱۰)

۲. همان

کردن بنای خانواده و شکستن حریم عفاف و حجابی که میراث هزاران ساله‌ی ایرانی است و کشور ما و ملت ما از دوران قبل از اسلام، از لحاظ مسائل شهوانی و جنسی، یک ملت عقیف و نجیب بوده، شبکه درست میکنند - همینها در زمینه‌های سیاسی، فیلم «بدون دخترم هرگز!»^۱ را، فیلم «۳۰۰۲» را میسازند که علیه حیثیت ایرانی است و سر تا پا دروغ و خباثت است؛ همان آدمها ادعا میکنند که با ایران دشمنی ندارند، با ملت ایران دشمنی ندارند، اما شب و روز دشمنی میکنند. این مسأله خیلی مهم است؛ این نشاندهنده‌ی این است که ملت ما در یک عرصه‌ی عظیمی مشغول حرکت است و در مقابل خواسته‌های استعماری و استکباری و جهانخوارانه و غصب‌آلود این قدرتها - که این هدفها در همه‌ی دنیا منتشر است و محسوس است - ایستاده است. ما در حال یک مبارزه‌ی عمومی هستیم. ملت در حال یک مبارزه‌ی عمومی است. خب، در یک چنین شرایطی، وظیفه‌ی ماست که در زمینه‌ی کار سیاسی، جهت سیاسی، طعم سیاسی فیلم بدانیم چه کار داریم میکنیم.^۳

دشمنی غرب با حجاب زنان

آنها با چه چیز زن مسلمان بیشتر دشمنند؟ با حجاب او، آنها با حجاب دشمنند. با این چادر شما، با حجاب صحیح و متقن شما از همه چیز بیشتر دشمنند. چرا؟ چون فرهنگ آنها این را قبول ندارد، اروپاییها اینجورند. آنها

۱. این فیلم بر اساس داستانی از بتی محمودی، همسر امریکایی یک دکتر ایرانی با کارگردانی برایان گیلبرت، سال ۱۹۹۱ در امریکا ساخته شده بود بر اساس داستان فیلم که سراسر به سیاه نمایی از ایران و زندگی ایرانی پرداخته است.

۲. فیلم «۳۰۰» به کارگردانی زاک اسنایدر، محصول شرکت فیلمسازی برادران وارنر است. در سال ۲۰۰۷ در امریکا ساخته شده و ماجرای آن در مورد حمله خشایارشا به یونان است. نکته‌ی خاص و عجیب ماجرای ساختگی فیلم، پیروزی ۳۰۰ سرباز یونانی بر سپاه ۱۲۰ هزار نفری ایران است! نمایش این فیلم در نهایت به تحریک افکار عمومی بر ضد ایران و فرهنگ و تمدن ایرانی منتهی خواهد شد.

۳. در دیدار هنرمندان و دست‌اندرکاران سازمان صداوسیما (۸۹/۴/۱۲)

میگویند هر چه ما فهمیده‌ایم دنیا باید از ما تقلید بکند. جاهلیت، خودشان را بر معرفت عالم، مایلند که غلبه بدهند. آنها میخواهند زن به سبک اروپایی که عبارت است از سبک مد و مصرف و آرایش در انظار عموم و ملعبه قرار دادن مسائل جنسی، بین دو زن و دو جنس و این چیزها را میخواهند در جامعه به وسیله‌ی زنان رواج بدهند. هر جا با این هدفگیری غریبه‌ها مخالفت بشود، فریادشان بلند میشود.^۱

زنان مسرف و هوسران و مدطلب؛ اسیران فرهنگ غرب

این کسانی که به خیال خودشان با هیاهو زن را مطرح کردند، یک چهار تا زن بیسواد کم‌شعور را آرایش کرده و پررو و وقیح انداختند توی اجتماعات و اینجا آنجا حرف زدند، اینها خودشان را رسوا کردند. این خانمهایی که مبلّغ بی‌حجابی و مبلّغ به قول خود آنها آزادی - که آزادی آن نبود، عین اسارت و بدبختی بود، منتها بی‌بندوباری - مبلّغ آن بی‌بندوباری‌ها بودند، این خانمها غالباً از لحاظ فکری و ذهنی افراد پایینی بودند. از آنها یک عدّه پایتتر از خود آنها یاد گرفته بودند از زنهای متوسط خانواده‌های متوسط ما، که سواد نداشتند اما تجمل و آرایش و اسم مدها و اسم فلان و هر چی بخواهی بلد بودند. چیزی که در زندگی آنها وجود نداشت ایثار است؛ الان هم متأسفانه بعضیها اینجوری هستند. درست است که زن ایرانی متحوّل شده اما این به معنای این نیست که زنان مسرف و هوسران و مدطلب و مصرفگرا توی جامعه‌ی ما دیگر نیستند، چرا، توی خانواده‌های متمکن بیشتر هم هستند. این به معنای سواد داشتن آنها نیست، این به معنای شعور داشتن آنها نیست.

اینها اسیر آن سرپنجه‌ی آن فرهنگ غلطند؛ آن فرهنگ شیطانی و اهریمنی.^۲

۱. در دیدار با جمع کثیری از پرستاران (۷۰/۸/۲۲)

۲. در دیدار با گروهی از بانوان کشور (۶۳/۱۲/۲۱)

علت متهم شدن ایران به تضييع حقوق زنان

تضييع حقوق زنان، تهمت از سوی کسانی است که شأن والای زن ایرانی را که با حفظ حجاب و حدّ شرعی، در برترین فعالیتهای کشور شرکت میورزد نمیپسندند و ابتدال حاکم بر روابط زن و مرد و بهره‌کشی ناجوانمردانه از زن در جوامع غربی را نسخه‌ی مطلوب در حیات اجتماعی زن می‌شمرند.^۱

بد جلوه دادن ایران در مسأله‌ی زن توسط صهیونیستها

تبلیغات استکباری و صهیونیستی، در این چند سال که سعی میکند ایران اسلامی را ضدّ زن وانمود کند، بهانه‌ای جز این ندارد که در ایران امروز، فساد اجباری و تحمیلی ساخته‌ی دست رژیم مزدور غرب متوقف شده و رسم برهنگی و آمیزش ناسالم زن و مرد برافزاده است.^۲

فشار غرب برای انفعال مسؤولان ایرانی در برخورد با مسأله‌ی زن

میخواهند، همچنان که در نظام منحوس پهلوی، زن و مرد و پیر و جوان را به سمت بی‌بندوباری سوق میدادند، امروز هم همین کار را در نظام جمهوری اسلامی بکنند و همان بساط را به راه بیندازند. همان بلایی که امروز بر سر خود کشورهای غربی آمده است، که امروز دلسوزان در کشورهای غربی - و از همه بیشتر در امریکا - نگران فساد و بی‌بندوباری نسل جوان خودشان هستند، که دیگر از قابلیت کنترل هم خارج شده‌اند و نمیتوانند علاج کنند! میخواهند این فساد را هم در کشورهای اسلامی و در نظام اسلامی ما - که بر پایه‌ی قرآن است - به راه بیندازند. آن وقت با فشارهای تبلیغاتی، با تحقیر، با تمسخر، با دروغ و با نسبتهای خلاف واقع، میگویند که زنان را شکنجه میکنند! با گفتن این دروغها، میخواهند نظام

۱. در نامه به حجت الاسلام محمدی ری شهری (۷۲/۳/۸)

۲. در پیام به سمینار بررسی شخصیت زن از دیدگاه امام خمینی (ره) (۶۸/۸/۳)

اسلامی را دچار انفعال کنند و ملت و مسؤلان ایران، در مقابل این حرفها مجبور به عقب‌نشینی شوند. حاشا و کلاً، چنین چیزی اتّفاق نمی‌افتد.^۱

فشار بر جمهوری اسلامی بخاطر مخالفت با فرهنگ پذیرفته‌شده‌ی غربی در مورد زن

یکی از مهمترین علل مخالفت شدید و خصمانه‌ی دولتهای غربی با جمهوری اسلامی، همین مسأله است. آنها روی این مسأله بسیار حسّاسند. اگر جمهوری اسلامی، در همین یک مسأله مقداری کوتاه می‌آمد و اجازه میداد که فرهنگ بی‌بندوبار غربی در زمینه‌ی روابط ناسالم زن و مرد در جامعه تحقق پیدا بکند، بسیاری از مخالفت‌هایی که مجامع سیاستمداری و غیرسیاسی غرب با جمهوری اسلامی دارند، کم میشد، یا بعضاً از بین میرفت. شما میبینید که در همین کشور ما، یک روز بی‌حجابی را اجباری کردند؛ اما احدی در دنیا اعتراض نکرد که چرا بی‌حجابی را اجباری میکنید! در کشور همسایه‌ی ما ترکیه، بی‌حجابی را اجباری کردند و تا همین اواخر هم حتی بعضی از دولتهای ترکیه، همین اجبار و الزام را ادامه میدادند - که نمونه‌هایی در همین سالهای اخیر دیده شد - اما هیچکس در دنیا اعتراض نکرد و اعتراض نمیکند!

بالتر از این، در کشورهای اروپایی که خودشان را پیشرفته میدانند و در ادّعا و تبلیغات، مسائل حقوق بشر و آرای انسانها برایشان حائز اهمیّت است - یعنی فرانسه و انگلیس - اجازه ندادند که چند نفر زن یا دختر مسلمان، با حجاب اسلامی رفت و آمد کنند و به مدارس بروند! اینجا اجبار و الزام را جایز می‌شمارند و در آن ایراد و عیبی نمی‌بینند؛ اما جمهوری اسلامی بخاطر اینکه حجاب را در جامعه الزامی میدانند، همه‌ی این محافل، آن را مورد اعتراض قرار میدهند! اگر الزام زنان به شکلی از لباس و زی ایراد دارد، ایراد آن بیشتر از الزام به حجاب است؛ زیرا این به سلامت نزدیکتر است.

۱. در اجتماع باشکوه زائران مرقد مطهر حضرت امام خمینی (ره) (۷۶/۳/۱۴)

حدّ اقل این است که این دو، با یک نظر دیده بشود؛ اما غرب اینطوری عمل نمیکند.

غرب، جمهوری اسلامی را بعنوان کشوری که در آن، لباس زنان شکل الزامی دارد، مورد انتقاد قرار میدهد؛ اما آن دولتهایی که برهنگی و نبودن حجاب میان زن و مرد را الزامی میکنند، آنها را مورد انتقاد قرار نمیدهد! این برای چیست؟ برای همین است که این برخلاف فرهنگ پذیرفته شدهی غرب است. اینها روی این مسأله بشدّت حسّاسند.^۱

سیاسی و غیرواقعی بودن تبلیغات

امروز تبلیغات دشمنان اسلام و انقلاب در خصوص وضعیّت زنان در ایران، تبلیغاتی ستیزه‌گرانه، همه‌جانبه، سیاسی و غیرواقعی و به منظور فشار علیه جمهوری اسلامی ایران طراحی شده است؛ لذا وظیفه‌ی بانوان جامعه‌ی اسلامی در مقطع کنونی برای خنثی کردن تبلیغات دشمنان بسیار خطیر و با اهمیّت است.^۲

ناشناخته ماندن نظریّات اسلام در مورد زن در غرب

فرهنگ اسلامی و مقام زن از دیدگاه اسلام برای دنیای غرب، ناشناخته مانده است. فرهنگ اسلامی که در همه‌ی زمینه‌ها و مخصوصاً مقام زن برای دنیا و زنان عالم بخاطر نفوذ فرهنگ منحط غربی ناشناخته است و دنیای غرب بدرستی واقف نیست و این بخاطر دستگامهای توطئه‌گر جهانی است که علیه انسانها توطئه میکنند که از جمله میتوان گفت که مفهوم واقعی زندگی زن و نظر اسلام درباره‌ی زن را بازگو نمیکنند.^۳

۱. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۶۹/۱/۱۰)

۲. در دیدار اعضای مشارکت زنان، نمایندگان زن مجلس (۷۳/۹/۲)

۳. در خطبه‌های نماز جمعه (۶۴/۱۱/۴)

مواجهه با افکار عمومی جهان در مقابله با جو سازیها

در این سی و دو سال، مسأله‌ی زن از نظر جبهه‌ی دشمنان ما، در یکی از بالانشینهای جدول اعتراضها به ماست. از اوّل انقلاب روی مسأله‌ی زن تکیه کردند، به ما اعتراض کردند، در ردیف تروریسم و در ردیف نقض حقوق بشر قلمداد کردند. هنوز هیچ خبری هم نبود. معلوم هم نبود که جامعه‌ی اسلامی با جنس زن چه کار خواهد کرد. آنها شروع کردند که: اسلام علیه زن است، اسلام چنین است. البته این مسأله تا امروز هم ادامه دارد. خب، ما در این زمینه بایستی مواجهه کنیم، مقابله کنیم. افکار عمومی جهان را نمیشود دست کم گرفت. همه که مغرض نیستند، همه که خباثت ندارند؛ خباثت مال یک عده‌ی خاص است، مال سیاستگران و سیاست‌سازان و برنامه‌ریزان و اینهاست؛ ما نباید اجازه بدهیم که عامه‌ی مردم دچار این اغوای بزرگ قرار بگیرند؛ لذا باید وارد شویم.^۱

درتهاجمات بین المللی؛ مدّعی نه پاسخگو

اینجور نیست که ما برای تنهاجمات سیاسی بین‌المللی، بخواهیم پاسخ پیدا کنیم. یک وقتی از بنده - سالهای اوایل - می‌پرسیدند که آقا، شما در مقابل این حرف چه جوابی دارید؟ می‌گفتم ما جواب نداریم؛ ما ادّعا داریم و مدّعی اینها هستیم؛ در قضیه‌ی زن مدّعی هستیم؛ در قضیه‌ی حقوق بشر مدّعی هستیم؛ در قضایای حقوق اساسی انسانها مدّعی هستیم. ما مدّعی اینها هستیم؛ ما در مقام پاسخگویی نیستیم. چرا باید سؤال بکنند تا کسی مجبور باشد پاسخ بدهد؟ آنها بیجا میکنند سؤال و ادّعا میکنند. این روحیه، روحیه‌ی خوبی است؛ روحیه‌ی انقلاب این است؛ این است که حقیقت را روشن و درخشان میکند.^۲

۱. در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)

۲. در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت (۸۷/۶/۲)

اعتراض به نگاه غربی در مورد زن

جمهوری اسلامی در مسأله‌ی زن باید بطور صریح و بدون هیچ مجامله، حرف خودش را - که عمدتاً اعتراض به نگاه غربی و این نامعادله‌ی ظالمانه‌ی غربی است - بگوید. با این نگاه، آن وقت مسأله‌ی حجاب، مسأله‌ی نوع ارتباط زن و مرد، همه معنا پیدا میکند. این یک مسأله است.^۱

۲-۵- تأثیر گذاری انقلاب بر بانوان دیگر کشورها

انتخاب چادر مشکی توسط زنان مسلمان دیگر کشورها

در کشورهایی که مردمش مسلمان بودند اما زنهای آنها از حجاب اسلامی هیچگونه خبری نداشتند، امروز چادر مشکی زن ایرانی را سر میکنند، این معنایش این است که ملت‌ها به ملت قهرمان ما و به زنان ما و به مردان ما با چشم عظمت نگاه میکنند، این کار انقلاب است.^۲

مبارزه با دختران محجبه در غرب؛ نشانه‌ی آتش زیر خاکستر

تهاجم عجیبی وجود دارد. چیزهایی که شما میشنوید مثل حجاب در فرانسه و مبارزه با دختران محجبه در این کشور اینها جرقه‌هایی است که نشان از آتشفشان‌های زیر خاکستر میباشد و از کار عظیمی در پشت پرده خبر میدهد. قضیه فقط این نیست که یک دولت مثلاً لائیک بگوید که ما نمیخواهیم محجبه‌ای باشد؛ نه، اینها اصلاً از اسلام بشدت احساس خطر کرده‌اند. البته این موضوع تازگی هم ندارد؛ از سابق نیز اینطور بوده است.^۳

جنگ روسری؛ نشانه‌ی نفوذ اسلام در غرب مدعی آزادی

آنچه در هفته‌های اخیر در فرانسه و بعضی دیگر از کشورهای اروپایی «جنگ روسری» نامیده شد، در واقع مبارزه‌ی سراسیمه و ناشیانه‌ای از سوی

۱. در دیدار جمعی از بانوان نخبه (۹۰/۳/۱)

۲. در اجتماع مردم مشهد در صحن آستان قدس رضوی (۶۵/۱/۲)

۳. در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه‌ی علمیه‌ی قم (۶۸/۹/۷)

سردمداران فرهنگ غربی با پدیده‌هایی است که آنان آن را جهش ترقی از فرهنگ اسلام و نشانه‌ی نفوذ روزافزون اسلام تلقی میکنند و در مقابله با آن بقدری صبر و متانت را از دست میدهند که یکباره رؤسای کشور به مبارزه‌جویی در برابر چند دختر بچه‌ی متعبّد و چند خانواده‌ی مقید مسلمان ظاهر میشوند! اینها همان‌هاییند که فریاد دفاع ریاکارانه‌شان از آزادیها و تمایلات فردی، گوش دنیا را کر کرده است!^۱

به صحنه آمدن دختر هفده ساله برای از بین بردن صهیونیستها

آیا کشتن زن و کودک و جوان و خراب کردن خانه‌های گلی فلسطینیان با بولدوزر، این دفاع از خود است؟! آن کسی که از خود دفاع میکند، ملت فلسطین است. آن کسی که از جور و ستم غاصب اشغالگر به جان آمده است، همین زن و مرد فلسطینی است که دیگر قدرت تحملش را از دست داده و راه چاره را در این دانسته که به صحنه بیاید. کی حاضر است جوانش برود در یک واقعه‌ی خونین و یک ساعت دیگر به قتل برسد! این است که یک مادر، جوان خودش را در آغوش میگیرد، میبوسد اما گریه نمیکند. میگوید من این را میفرستم. ببینید شما بر سر این مادر چه آورده‌اید؟! شما ببینید بر سر این ملت چه آورده‌اید که حاضر است به این نحو جوانش را به میدان بفرستد و میگوید اگر صد جوان هم داشته باشم میفرستم که اینگونه کشته شوند. شما با این ملت چه کرده‌اید که یک دختر هفده ساله حاضر است به خودش بمب ببندد، در بین دشمنان صهیونیست برود و خودش را از بین ببرد که آنها از بین بروند.^۲

شکنجه‌ی زنان فلسطینی

در فلسطین اشغالی، مسلمانانی که بی‌اعتنا به سازشکاریهای خائنانه، با دست خالی به مبارزات حق طلبانه ادامه میدهند، با روشهای خشن و

۱. در پیام به گردهمایی سراسری فرماندهان بسیج (۶۸/۹/۲)

۲. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۸۱/۱/۱۶)

غیرانسانی سرکوب میشوند و زن و کودک و پیرشان به دست سربازان دستور گرفته‌ی صهیونیست شکنجه و تار و مار میشوند و از این همه مدّعیان حقوق بشر از دولتهای غربی صدایی برنمیخیزد و امریکا و انگلیس و برخی دیگر، حمایت عملی و تشویق زبانی هم میکنند!^۱

سرچشمه و عامل برانگیزاننده‌ی مادران فلسطینی

آن انگیزه و چشمه‌ی جوشانی که در دل‌های اینها وجود دارد که نمیگذارد اینها خسته شوند، کدام است؟ از کجا سرچشمه گرفته؟ آن عاملی که مادر فلسطینی را وادار میکند که فرزند خودش را ببوسد و برای کشته شدن بفرستد و بعد بگوید اگر صد تا بچه هم داشتم آنها را میفرستادم، این عامل چیست؟ این عامل، عامل بسیار مهمّی است. این چه عاملی است که در محاسبات سیاسی، در گفتگوها، در مذاکرات دیپلماتیک و در معادلات کمپانیها نمیگنجد؟ اینها میبینند این را و از آن بشدّت واهمه دارند. دنبال خشک کردن آن سرچشمه‌اند؛ دنبال نابود کردن آن عامل برانگیزاننده و به وجود آورنده‌اند.^۲

تظاهرات زنان در عربستان

در منطقه‌ی قصیر و لحزاب، منطقه‌ی نفت‌خیز - یعنی شیشه‌ی عمر عربستان سعودی - لب دریا و تنها منطقه‌ی نفت‌خیز عربستان. نفت‌هایش فقط آنجاست. به ذهنتان بماند. مردمش هم شیعه هستند اتفاقاً؛ چهارصد، پانصد هزار برادران و خواهران شیعه در آنجا هستند. قیام کردند، شهر را گرفتند، پلیس عربستان را کشتند، ارتش آمد، از خارج از کشور ارتش آمد، چندین ده نفر شهید دادند، زنها توی تظاهرات شرکت کردند، باورکردنی نبود. در عربستان و شرکت زن در تظاهرات.^۳

۱. در پیام به گردهمایی سراسری فرماندهان بسیج (۶۸/۹/۲)

۲. در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی (۸۰/۱۲/۲۷)

۳. در مسجد حظیر یزد (۵۹/۹/۹)

نامه‌ی خواهر عراقی

نامه و مقداری طلا از سوی یک خواهر عراقی توسط یکی از برادران عراقی به من داده شد؛ چون ما زنها نمیتوانیم در کنار شما مردان با مزدوران عراقی بجنگیم، بی‌صبرانه منتظر هستیم؛ زیرا مردان و جوانان ما در رژیم بعث اسیر هستند. در این نامه اضافه شده حسین در کربلا از شما یاری میطلبد و ملت ستم‌کشیده عراق به شما استغاثه میکند و روزی که شما به سوی ما بیایید، ما زمین را در راه شما گل فرش خواهیم کرد.^۱



۱. در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۶۰/۱/۱۴)

فهرست آیات قرآن کریم

متن آیه	سوره	شماره آیه	صفحه
فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ	بقره	۱۴۸	۱۶۴
حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمْ ..	توبه	۱۱	۲۰۲
وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا...	ابراهیم	۶۹	۱۸۰
فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ ..	احزاب	۳۲	۵۵
سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ	حدید	۲۱	۱۶۴
إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ...	ممتحنه	۱۲	۳۱، ۳۰
وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ ...	تحریم	۱۱	۲۴۹



فهرست روایات

۴۰	رسول اکرم (ص)	مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ...
۲۰۷	رسول اکرم (ص)	الْمُخْلِصُونَ فِي خَطَرٍ عَظِيمٍ



فهرست اسامی اشخاص

- اسنایدر، زاک: ۲۵۳
 امین، سیده نصرت بیگم (بانوی امین):
 ۸۵، ۱۱۲، ۱۳۶
 پهلوی، رضا: ۲۵۲
 پهلوی، محمدرضا: ۱۵۱، ۱۵۲
 حجّت بن الحسن عسگری، امام
 زمان (عج): ۱۱۰، ۲۰۳
 حدیدچی، مرضیه (طاهره دباغ): ۹۳
 حسین بن علی، سیدالشهدا (ع): ۲۶۲
 حسینی، سیده اعظم: ۲۰۲
 حسینی، سیده زهرا: ۲۰۲
 حکیمه: ۶۳
 خاموشی، فاطمه: ۸۶
 خشایارشا: ۲۵۳
 خمینی، سید روح الله مصطفوی: ۳۹، ۸۹،
 ۹۵، ۱۳۵، ۱۵۲، ۱۷۰، ۱۷۶، ۱۸۱،
 ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۱، ۲۰۳، ۲۰۸،
 ۲۱۳، ۲۲۲، ۲۴۴، ۲۵۵
 خواهر امام صادق (ع): ۶۳
 راکعی، فاطمه: ۱۲۴
 زینب بنت علی (س): ۶۳، ۱۰۰، ۱۰۹
 شهبواری، محمد: ۱۶۳، ۱۹۷
 صدام حسین: ۱۹۶
 علی بن ایطالب، امام علی (ع): ۱۴۸
 عمان سامانی: ۲۰۶
 فاطمه بنت موسی بن جعفر، حضرت
 معصومه (س): ۱۲۸
 فاطمه زهرا (س): ۵۴، ۵۸، ۶۳، ۷۶، ۸۱،
 ۸۲، ۸۸-۸۶، ۱۰۳، ۱۰۹، ۱۳۷، ۱۶۱،
 ۱۸۳، ۲۰۳، ۲۲۳، ۲۳۱
 فرعون: ۲۴۹
 گاندی، ایندیرا پریادارشیینی: ۶۷

گیلبرت، برایان: ۲۵۳

مائو تسه تونگ: ۴۳

محمد بن عبدالله، رسول اکرم (ص): ۳۰،

۳۱

مطهری، مرتضی: ۸۴

یوسف بن یعقوب (ع): ۱۱۳



فهرست مکانها

بنگلادش: ۶۸، ۶۹	آفریقا: ۱۷۸
بوشهر: ۷۹، ۲۱۳، ۲۱۴	آلمان: ۲۵۱
پایگاه چهارم شکاری دزفول: ۲۱۷	آمریکا: ۶۹، ۹۲، ۲۳۳، ۲۵۵، ۲۶۱
تالار تئاتر شهر: ۴۹	اردبیل: ۲۱۳
تبریز: ۸۵	اروپا: ۱۵۰، ۱۵۱، ۲۴۵، ۲۵۱
تربت جام: ۲۰۵	ارومیه: ۵۵، ۸۶، ۹۲، ۱۷۰
ترکیه: ۲۵۶	استادیوم آزادی زهدان: ۱۸۵
تهران: ۵۶، ۱۱۳، ۱۵۱، ۱۵۵، ۲۴۰، ۲۶۰	اصفهان: ۸۵، ۱۱۲، ۱۴۱
تونس: ۱۹۱	انگلیس: ۲۶۱، ۲۵۶
جامعه الزهرا: ۸۵	اهواز: ۲۰۰، ۱۲۴، ۲۰۲
حرم مطهر امام رضا(ع): ۲۱۰، ۲۵۹	ایران: ۳۱، ۷۳، ۷۶، ۷۸، ۷۹، ۹۰
حوزه علمیه قم: ۱۱۲، ۲۵۲	۱۰۲، ۱۱۲، ۱۱۷، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۵۹
خاورمیانه: ۱۷۸	۱۷۲، ۱۸۱، ۱۹۳، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۱۳
خراسان شمالی: ۲۱۴	۲۱۷، ۲۱۸، ۲۳۳، ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۵۱
خوزستان: ۳۰، ۴۰-۴۲، ۱۰۷، ۱۱۱	۲۵۳، ۲۵۵
۱۹۴، ۲۴۷	ایلام: ۲۰۷
	بحرین: ۱۹۱



- دانشکده علوم شهید بهشتی خرم‌آباد: ۴۷
 دانشگاه الزهراء: ۸۲، ۸۶، ۱۱۴
 دانشگاه تربیت معلّم: ۱۷۸، ۲۵۲
 دانشگاه تهران: ۲۳۲
 دانشگاه شهید بهشتی: ۱۴۷، ۱۴۹
 روم: ۳۱
 زابل: ۷۸، ۱۹۸
 سازمان تربیت بدنی: ۱۴۲، ۱۵۹
 سازمان صدا و سیما: ۲۵۳
 سازمان صنایع دفاع: ۳۷
 ساوه: ۳۱
 سریلانکا: ۶۸
 سمنان: ۵۵
 سوسنگرد: ۱۹۹
 شیراز: ۸۵
 عراق: ۲۶۲
 عربستان ۳۱، ۲۶۱
 غرب: ۳۸، ۷۵، ۱۰۰، ۱۰۹، ۱۳۱، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۷۰، ۱۸۹، ۲۴۴، ۲۵۲، ۲۵۵
 ۲۵۶
 فرانسه: ۲۵۱
 فلسطین: ۱۶۸، ۲۱۵، ۲۲۸، ۲۶۰
 قدس: ۲۲۸
 قصیر: ۲۶۱
 قلّه اورست: ۱۳۹
 قم: ۱۰۲، ۱۲۵، ۱۳۵
 کاشان: ۱۸۷
 کربلا: ۱۰۰، ۲۶۲
 کرج: ۲۱۸
 کردستان: ۱۹۹
 کلک چال: ۱۳۷
 گچساران: ۲۱۰، ۲۲۲
 گنبد: ۳۲، ۳۵
 لبنان: ۲۰۸
 لحزاب: ۲۶۱
 لیبی: ۱۹۱
 مجلس شورای اسلامی: ۳۳، ۳۷، ۵۴
 ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۸، ۱۰۳، ۱۲۴، ۱۳۲
 ۱۳۳، ۱۹۰، ۲۲۴، ۲۳۳، ۲۴۴، ۲۵۷
 مرقد مطهر امام خمینی: ۳۳، ۲۵۶
 مسجد ابوذر تهران: ۱۲۲
 مسجد حظیره یزد: ۲۶۱
 مسجد سلیمان: ۸۳، ۸۴، ۲۲۵، ۲۲۷
 ۲۳۵، ۲۳۸
 مشهد: ۸۵، ۱۵۷، ۱۶۸، ۲۰۱، ۲۲۳، ۲۵۲
 مصر: ۱۷۸، ۱۹۱
 مصلاّی ارومیه: ۱۹۶، ۲۲۱
 مصلاّی رشت: ۲۰۸
 مصلاّی شهر قم: ۱۲۸
 مقرّ شهید مطهری: ۲۰۹
 مکتب نرجس: ۸۵، ۸۶، ۱۶۹، ۱۷۶
 ۱۸۰-۱۸۲، ۱۸۷، ۲۲۸، ۲۳۳، ۲۳۴



وزارت ارشاد اسلامی: ۱۷۲	نماز جمعه تهران: ۳۳، ۴۲، ۱۵۴، ۱۶۳
وزارت آموزش و پرورش: ۱۸۴	۱۷۰، ۱۸۹، ۱۹۴، ۲۰۵، ۲۵۷، ۲۶۰
هرمزگان: ۴۳، ۵۴، ۷۵	۲۶۲
همدان: ۲۰۴	نیویورک: ۶۸
هند: ۶۸، ۶۹	ورزشگاه آزادی: ۱۰۰، ۱۳۲، ۱۵۱
یمن: ۱۹۱	۱۷۹، ۱۸۲، ۲۲۲

